

تا دو بال متاوند کړو

مُرخ پرواز نماند



تألیف: ژانت خان پیرخان

ترجم: حور پوش سمانی

# تا دو بال متساوی نگردد مرغ پرواز ننماید

جلوۀ تساوی زن و مرد

تألیف

ژانت خان و پیترا خان

ترجمہ

حوریوش رحمانی



Century Press  
PUBLICATIONS

"تا دو بال متساوی نگردد مرغ پرواز ننماید"

تألیف ژانت خان و پیترا خان

ترجمه حوریوش رحمانی

ناشر: مؤسسه انتشاراتی سنچری پرس - استرالیا

چاپ اول به زبان فارسی در ۱۰۰۰ نسخه، ۱۷۲ بدیع، ۲۰۱۵ میلادی

طرح روی جلد از مسعود تهذیب

شماره بین‌المللی کتاب X ۴۳ ۱۸۷۵۵۹۸

نشر اصلی به زبان انگلیسی توسط مؤسسه مطبوعات امری آمریکا

## فهرست

xi	مقدمه مترجم
xiii	پیشگفتار
	<b>فصل اول - تحوّل جامعه بشری</b>
۵	تساوی حقوق زن و مرد
۶	تعالیم حضرت بهاءالله
۶	بیان اصول
۷	نظم اداری بهائی
۱۰	استفاده از قدرت
۱۱	جریان تحوّل
	<b>فصل دوم - تعریف مساوات</b>
۱۷	مفهوم مساوات
۱۷	یک بررسی مختصر تاریخی
۱۸	طرز رفتار با زنان در دوران باستان
۲۱	تعالیم مظاهر الهیه
۲۵	رسوم دینی
۳۲	تعالیم بهائی در باره مساوات
۳۳	یک اصل روحانی و اجتماعی
۳۶	تعلیم و تربیت دختران و زنان
۴۰	مشارکت زنان در امور جهان
۴۲	مکمل یکدیگر، نه مثل یکدیگر
۴۳	روش جامعه بهائی در مورد اجرای این اصل
۴۳	ایجاد جوی روانی برای تغییر
۴۵	طرح ریزی آینده
۴۶	شیوه و روش
۴۸	عصر حاضر

**فصل سوم - پویائی خانواده و صلح**

۵۵	خانواده در مقام پرورشگاه
۵۷	ارزش‌های سنتی خانواده و جنگ
۵۷	خانواده پدر سالار
۶۳	انتقال طرز فکر به اجتماع بزرگ
۶۶	ارزش‌های خانواده بهائی و صلح
۶۷	خانواده بهائی
۶۸	نقش والدین
۷۱	تعاون، همکاری و تشویق
۷۳	تصمیم‌گیری
۷۸	سهام خانواده بهائی در ایجاد صلح
۷۹	تغییر گرایش
۸۰	آموختن فن مشورت
۸۱	حمایت از پیشرفت و مشارکت زنان

**فصل چهارم - زنان و احکام بهائی**

۸۷	مساوات و احکام
۸۸	ماهیت احکام بهائی
۹۱	زنان و احکام مربوط به رفتار شخصی
۹۲	احکام مربوط به عبادات
۹۵	رفتار جنسی
۱۰۰	ازدواج و طلاق
۱۰۷	حقوق مالی
۱۱۰	خدمت در تشکیلات بهائی
۱۲۳	به کار بستن احکام بهائی

**فصل پنجم - اجرای مساوات: دوران حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء**

۱۲۹	ایمان و عمل
۱۳۰	اقدامات حضرت بهاءالله
۱۳۰	تعالیم آن حضرت
۱۳۲	راهنمایی و تشویق زنان از طرف آن حضرت

۱۳۵	نمونه‌هایی از روابط شخصی آن حضرت
۱۳۵	آسیه خانم
۱۳۷	بیهته خانم
۱۳۹	سایر زنان بهائی
۱۴۱	نقش حضرت عبدالبهاء
۱۴۲	مثل اعلای دیانت بهائی
۱۵۱	میین مخصوص
۱۵۲	اغتنام فرصت
۱۵۳	مفهومی وسیع
۱۵۷	به‌چالش طلبیدن تفکر کلیشه‌ای
۱۵۷	استفاده از قیاس و مثال
۱۵۷	استفاده از سئوالات جهت مسجّل نمودن موضوع
۱۵۸	استفاده از چالش مستقیم
۱۵۹	استفاده از نمونه‌های تاریخی
۱۶۱	استفاده از نمونه‌های معاصر
۱۶۲	ارجاع مسئولیت
۱۶۲	اتل رزنبرگ - Ethel Rosenberg
۱۶۳	کورین ترو - Corinne True
۱۶۶	آگنس پارسونز - Agnes Parsons
۱۶۷	الا کوپر و هلن گودال - Ella Cooper and Hellen Goodall
۱۶۸	لوا گتسینگر - Lua Getsinger
۱۶۹	آگنس الکساندر و مارتا روت - Agnes Alexander & Martha Root
۱۷۰	تشویق و ترغیب
۱۷۳	ترویج تعلیم زنان
۱۸۱	پرورش فکری زنان
۱۸۴	قدرت سرمشق و نمونه

### فصل ششم - اجرای مساوات: نقش حضرت ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم

۱۹۱	عصر تکوین دور بهائی
۱۹۳	نقش حضرت ولی امرالله
۱۹۴	تسین تعالیم
۱۹۴	توسعه نظم اداری

۲۰۰	حمایت از پیشرفت زنان
۲۰۴	واگذاری وظائف بین‌المللی به زنان
۲۰۴	افی بیکر - Effie Baker
۲۰۵	کیث رانسوم کهلر Keith Ransom Kehler
۲۰۹	مارتا روت Martha Root
۲۱۰	امیلیا کالیتز Amelia E. Collins
۲۱۳	نقش بیت‌العدل اعظم
۲۱۴	توضیح دادن تعالیم
۲۱۵	پیشبرد روند اجرایی
۲۲۱	حمایت از مشارکت زنان در امور اداری بهائی
۲۲۵	دفتر جامعه بین‌المللی بهائی برای پیشرفت زنان
۲۳۳	ترویج توسعه اجتماعی و اقتصادی زنان
۲۳۵	تعلیم و تربیت
۲۳۹	مراقبت‌های بهداشتی
۲۴۱	تغییر نگرش
۲۴۴	اهمیت نمونه‌ها

### فصل هفتم - به مرحله عمل در آوردن مساوات

۲۵۱	ضرورت اخلاقی
۲۵۲	بیاده کردن تعالیم بهائی در عمل
۲۵۲	بُعد روحانی
۲۵۵	رفتاری فردی
۲۶۰	تأثیر متقابل در اجتماع
۲۶۵	به کارگیری اصل تساوی جنسی
۲۶۵	در سطح فردی
۲۶۹	در چارچوب ازدواج و خانواده
۲۷۲	در درون جامعه
۲۷۵	با اطمینان به سوی آینده

### پیوست - دو بال یک پرنده: تساوی حقوق زن و مرد، بیانیه محفل

۲۸۱	روحانی ملی بهائیان ایالات متحده آمریکا
۲۸۹	یادداشت‌ها

۳۱۹

فهرست واژگان - ویژه دیانت بهائی

۳۲۹

سنخی کوتاه در باره دیانت بهائی

۳۳۳

فهرست اعلام



"مرد و زن هر دو بشرند و بندگان یک خداوند  
نزد خدا ذکور و اناث نیست..."

## مقدمه مترجم

کتاب حاضر شرحی است مبسوط در باره اصل تساوی حقوق زن و مرد به عنوان یکی از اصول اساسی دیانت بهائی. این اصل جزئی جدانشدنی از هدف کلی و اساسی این آئین است که اتحاد تمامی نوع بشر می باشد. اجرای این اصل مستلزم تفسیری بنیادین در دیدگاه انسان و تحوّل همه جانبه در جامعه بشری است. در این کتاب بینش دیانت بهائی نسبت به تساوی جنسی و کیفیت و مراحل اجرای تدریجی این اصل به تفصیل مورد بحث قرار گرفته و مقدمتاً به وضع اجتماعی زنان در جوامع مختلف در طی تاریخ به اختصار اشاره رفته است.

نگاهی به تاریخ نشان می دهد که زنان با اینکه نیمی از بشریت را تشکیل می دهند همواره در معرض بی عدالتی های بی شمار اجتماعی قرار داشته، از حقوق انسانی خود محروم بوده، و انواع ستم های ناروا را تحمل نموده اند. تأسف انگیزترین قسمت این تراژدی آن جاست که زنان در اصل پرورش دهنده نوع انسان و در واقع مادران بشریت هستند. تضادی که در این جا وجود دارد این است که با اینکه نوع بشر در طول تاریخ همواره خواهان آزادی و عدالت بوده و برای نیل به آن راه درازی پیموده که به جنبش ها، نهضت ها، مبارزات و نهایتاً انقلابات خونینی منتهی گشته است، ملاحظه می گردد که همین بشر عدالت خواه همواره شاهد بی عدالتی های فاحشی در حق زنان یعنی در واقع مادران خود بوده، و اگر به آن دامن نزده باشد لااقل از کنار آن با بی تفاوتی اُسف باری گذشته است. آیا برای مردان برجسته ای که در دوران های مختلف در راه آزادی و عدالت مبارزات چشمگیر نموده اند هرگز این پرسش مطرح شده است که وقتی نیمی از خانواده بزرگ بشری، آن هم آن نیمه ای که مقام والای مادری نوع انسان را داراست، این چنین از عدالت محروم باشد چگونه می توان به عدالت واقعی نائل گشت؟

بدیهی است نظام های پدرسالار که از دیرباز در جوامع مختلف ریشه دوانده اند همواره زنان را مقهور و منکوب نموده و مروج ذهنتی تعصب آمیز نسبت به آنان بوده اند. بر اثر وجود چنین ذهنت بیمارگونه ای، هر نوع ظلم و

ستمی بدون هیچ گونه مانع و رادعی بر زنان روا داشته شده است، شأن و کرامت انسانی آنان پایمال شده، مورد توهین و تحقیر قرار گرفته، موجوداتی درجه دوم با مقامی پائین تر از انسان، و گاهی فاقد روح انسانی شمرده شده و مظهر گناه، جادوگری و موجب لغزش بشری معرفی شده‌اند. و این همه تنها مستی است از خروار ستمی که بر زنان رفته است.

اکنون در دومین دهه هزاره سوم میلادی، با کمال تأسف باید اذعان نمود که علیرغم فعالیت‌های پیگیر نهضت‌های آزادی زن و جنبش‌های مختلف برابری حقوق زن و مرد و تبلیغات گسترده و همه‌جانبه‌ای که در مورد تساوی جنسی در سطح جهان به چشم می‌خورد، واقعیت این است که بی‌عدالتی وسیع نسبت به زنان و محرومیت آنان از حقوق اولیه انسانی همچنان در گوشه و کنار جهان به صورت آشکار گوناگون ادامه دارد. شرایط کنونی به درستی نمایانگر عمق تعصبات و سرسختی سنن ظالمانه‌ای است که نسبت به زنان اعمال می‌گردد. بنابراین باید پذیرفت که برای تحقق برابری زن و مرد، جامعه بشری به تعهدی بسی برتر از جنبش‌های اجتماعی و یا مکاتب فکری پیشرفته نیاز دارد، تعهدی که از عمق وجدان بشری ناشی گردد و بر نگرش و رفتار او تأثیری عمیق و پایدار گذارد.

تجارب تاریخی نشان می‌دهد که چنین تعهدی را تنها باورهای دینی و عواطف عالی روحانی بشر می‌تواند تضمین نماید. عواطف دینی در انسان‌ها آن‌چنان قوی و پرسیطره است که می‌تواند حتی بر حسن صیانت ذات فائق آید. صفحات تاریخ ادیان پر است از نمونه کسانی که به خاطر باورهای دینی خود به راحتی از جان خویش گذشته و شهادت را بر زیستن ترجیح داده‌اند. بنابراین از وجود چنین انگیزه‌ای تا این حد پرقدرت می‌توان در جهت بهبود وضع جامعه بشری و استقرار عدالت و برابری بهره گرفت. این مفهوم دقیقاً در این کتاب به خوبی ترسیم گردیده است. امید است مطالعه این کتاب برای کسانی که خواهان برابری حقوق زن و مرد و نهایتاً استقرار عدالت واقعی در اجتماع می‌باشند سودمند واقع گردد.

حوریوش رحمانی  
اوت ۲۰۱۴

گلد کست - استرالیا

## پیشگفتار

این کتاب در باره یک نظام عقیدتی است که در بین ادیان از نظر میزان تعهدش نسبت به پیشرفت زنان بی نظیر و منحصر به فرد می‌باشد. هدف دیانت بهائی ایجاد وحدت بین عناصر گوناگون جامعه بشری است. اصل تساوی حقوق زن و مرد از لوازم اصلی نیل به آن اتحاد عالم گیر و همه جانبه است. اجرای این اصل تحوّل انقلابی در روابط بین انسان‌ها ایجاد می‌نماید. این تحوّل بر ازدواج و روابط خانوادگی، محیط کار، کیفیت موادّ درسی و همه جنبه‌های زندگی حرفه‌ای و اجتماعی بشر اثر می‌گذارد.

در دورانی بیش از صد و پنجاه سال، دیانت بهائی در تمامی نقاط کره زمین مستقر گردیده است و اکنون از نظر دامنه گسترش مقام دوم را در بین ادیان جهان دارا می‌باشد. تحت رهبری زنان و مردانی که در ۱۸۰ محفل روحانی ملی [در زمان تألیف کتاب] در سراسر جهان قائم به خدمت هستند، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای در نیل به شناسائی تساوی حقوق زن و مرد در فرهنگ‌های گوناگون حاصل شده است.

کسانی که خود را نسبت به پیشرفت زنان متعهد می‌دانند تشکیلات دینی را مانع بزرگی در راه نیل به اهداف خویش می‌بینند. اغلب در طول تاریخ مدوّن، دینداری و تدبّین با انقیاد زنان و تحقیر مقام و انکار حقوق انسانی آنان همراه بوده است. جای شگفتی نیست اگر تلاش برای برقراری تساوی حقوق زن و مرد اغلب منجر به درگیری با مقامات مذهبی شده است. در سال‌های اخیر جنبش‌هایی که با هدف خاص آزادی زنان در درون ادیان عمده ظاهر شده‌اند پیشرفت خود را در زیر بار سوابق تاریخی و به واسطه علوم دینی مبتنی بر تبعیض که جزء لاینفک باورهای مذهبی شده است به شدّت دچار اختلال شده‌اند.

با این حال، این حقیقت غیرقابل انکار است که دین تا اعماق انگیزه‌ها و الهامات بشری نفوذ می‌کند. دین قدرتی مافوق هر نیروی دیگری برای تأثیر گذاری در حیات بشری بوده قادر است در ارزش‌های ریشه‌دار جامعه تغییری بنیادین بوجود آورد و جامعه‌ای ایجاد کند که در آن ارزش‌های تازه جامعه عمل می‌پوشند. بنابراین اگر نیروی دین به پیشرفت زنان معطوف باشد

می‌توان به موفقیتی فراتر از آنچه که احتمالاً از طریق جنبش‌های اجتماعی یا سیاسی و یا با توسل به مباحث اقتصادی و فلسفی امکان پذیر است نائل آمد. کتاب *تا دو بال متساوی نگردد مرغ پرواز ننماید* شرحی از اهداف، اقدامات و دست‌آوردهای جامعه جهانی بهائی را در ارتباط با وظیفه خطیری که این جامعه در پیش دارد ارائه می‌دهد، یعنی وظیفه برطرف نمودن موانع موجود در مسیر زنان و ایجاد جامعه‌ای حامی و پویا از مردان و زنانی که در تعهد خود نسبت به آرمان ارزشمند تساوی جنسی متحد می‌باشند. این کتاب نقش حساسی را که اصل مساوات در نیل به اتحاد و آزادی زن و مرد در تمام سطوح جامعه ایفاء می‌کند روشن می‌سازد. هم‌چنین شرحی از تلاش‌هایی که در جریان است و موفقیت‌هایی که تا کنون در این زمینه در سطح مقدماتی حاصل گردیده و آنچه باید انجام شود ارائه می‌دهد.

این کتاب را می‌توان به سه قسمت تقسیم نمود. فصول یک تا چهار مطالبی را ارائه می‌دهند در باره مفهوم تساوی جنسی و ارتباط آن با اصول و عقاید ادیان بزرگ جهان. در بین مسائلی که در این قسمت مورد بحث قرار می‌گیرد مفاهیم عملی مساوات را در ازدواج و حیات خانواده و تعلیم و تربیت کودکان و نیز در مشارکت حرفه‌ای و مدتی زنان در همه جنبه‌های زندگی اجتماعی می‌توان برشمرد. فصل چهارم جنبه ایمانی و روحانی حیات بشری را در سطح فردی و اجتماعی و از جمله مشارکت زنان را در مؤسسات اداری بهائی مورد بررسی قرار می‌دهد.

قسمت دوم یعنی فصول پنجم و ششم شرح سوابق تاریخی اقداماتی را که از طرف حضرت بهاء‌الله، بنیانگذار این آئین و جانشینان آن حضرت که بعد از ایشان از سال ۱۸۹۲ امور جامعه را اداره نمودند در جهت پیشبرد اصل مساوات در جوامع بهائی که ابتداء در خاورمیانه و سپس در اروپا و آمریکای شمالی و سرانجام در سراسر جهان تشکیل گردید ارائه می‌دهند.

قسمت آخر یعنی فصل هفتم در باره اقدامات عملی است که می‌تواند از ناحیه کسانی که خود را متعهد به پیروی از روش دیانت بهائی در جهت ارتقاء مقام زنان می‌دانند به‌عمل آید. موفقیت در این راه مستلزم مشارکت زنان و مردان هر دو می‌باشد. جامعه بهائی از مساعی متحدی حمایت می‌نماید که

مورد تأیید زنان و مردان هر دو بوده از روابط جدال‌انگیزی که اغلب در راه تلاش برای دست‌یابی به مساوات پیش می‌آید به دور می‌باشد.

این کتاب به‌منظور سهیم نمودن اطلاعات و تدابیر تازه‌ای است با همه کسانی که خواهان شناسائی عمومی تساوی زن و مرد بوده آرزومند مشارکت کامل زنان در همه جنبه‌های حیات بشری می‌باشند. این مجموعه نمایانگر دست‌آوردهای آئینی است که خود را در قبال اصل مساوات متعهد می‌داند.

هم‌چنین در این راستا، در مورد وسعت تحولات فکری و اجتماعی که برای تحقق این اصل در دراز مدت لازم است بینش‌هایی ارائه می‌دهد. گرچه هنوز برای حصول تساوی کامل زن و مرد راه درازی در پیش است ولی موفقیت نهائی در این راه حتمی و اجتناب‌ناپذیر می‌باشد.

فصل اوّل

تحوّل جامعہ بشری

"مشکات بیان را این کلمه به مثابه مصباح است: ای اهل عالم همه  
بار یک دارید و برگ یک شاخسار به کمال محبت و اتحاد و  
مودت و اتفاق سلوک نمائید قسم به آفتاب حقیقت نور اتفاق آفاق  
را روشن و منور سازد."

حضرت بهاء الله



## تساوی حقوق زن و مرد

ترویج اصل تساوی جنسی و اجرای آن در سراسر جهان یکی از اهداف اساسی دیانت بهائی است. این هدف عنصر اصلی مساعی جامعه بهائی را که توجه به عدالت به عنوان شالودهٔ بادوامی برای وحدت عالم انسانی و پیشبرد یک مدنیت جهانی می‌باشد در تمام نقاط جهان تشکیل می‌دهد.

از دیدگاه دیانت بهائی نقش دین اعطای آزادی واقعی به انسان است. این منظور از طریق تعهد به اصول اعتقادی و ایمان حاصل می‌گردد که هنگامی که در عمل پیاده شود افراد را قادر می‌سازد که خود را از قیودی که مانع رشد روحانی آنها می‌گردد رها سازند و در نتیجه بتوانند به هدف زندگی که برای آنها مقدر شده است نائل گردند. این ایمان نه تنها به آزادی به معنای واقعی کلمه منتهی می‌گردد، بلکه راه رسیدن به خوشبختی واقعی نیز می‌باشد. بدین ترتیب دیانت بهائی آئین آزادی و خوشبختی است که رسیدن به این اهداف را از طریق رعایت احکام حضرت بهاءالله (۱۸۹۲-۱۸۱۷)، بنیانگذار دیانت بهائی، و با کفّ نفس و تحت کنترل در آوردن آن جنبه‌هایی از طبیعت بشری که مانع شکوفائی خصوصیات روحانی می‌گردد امکان پذیر می‌داند.

تعالیم بهائی را می‌توان از یک دیدگاه تاریخی، در بر گیرنده ظهور پیامبران یا مظاهر الهی در فواصل زمانی متناوب در نقاط مختلف جهان، در طی هزاران سال در نظر گرفت. بهائیان معتقدند که هر یک از این مظاهر الهی تعالیمی مناسب با نیازهای زمانی که در آن ظاهر می‌شوند ارائه می‌دهند، هم‌چنین الهامات و ارزش‌هایی برای پیشرفت تمدن و پیشبرد بشریت به سوی زمان موعود یعنی زمان اتحاد جهان و آزادی مردمان و تأسیس تمدنی جهانی ظاهر می‌سازند. اعلام کامل تساوی حقوق زن و مرد جزئی حتمی و جدا نشدنی از این مرحله تکامل روحانی و اجتماعی عالم انسانی است.

از جمله اصول اساسی دیانت بهائی ایمان به حضرت بهاءالله، مؤسس این آئین، در مقام مظهر الهی در این زمان و موعود همه ادیان گذشته که هدفش

تجدید حیات روحانی نوع بشر و استقرار آزادی، مساوات و اتحاد که بشریت قرن‌ها در انتظارش بوده است می‌باشد. این کتاب به یک جنبه از تعالیم حضرت بهاءالله یعنی تساوی حقوق زن و مرد می‌پردازد. اما اهمیت این اصل و طرق اجرای آن را تنها در چارچوب کلی تمامی تعالیم بهائی می‌توان به نحو شایسته بررسی نمود.

### تعالیم حضرت بهاءالله

طُرُق را که در تعالیم بهائی برای نیل به آرمان‌هایی که در فوق شرح داده شد و به‌خصوص در تساوی حقوق زن و مرد منظور گردیده است با در نظر گرفتن سه عنصری که کاملاً به هم مرتبط هستند و در ذیل شرح داده می‌شوند بهتر می‌توان درک نمود.

### بیان اصول

تعالیم بهائی شامل اصولی است که همه جنبه‌های پنداری و رفتاری بشر را در بر می‌گیرد. این اصول بر شالودهٔ تحوّل روحانی فرد قرار دارد که از طریق تجدید روابط انسان با خالق خود و با مظهر ظهور الهی در این زمان، تحقق می‌پذیرد. حیات بهائی اصولاً مبتنی است بر نیایش و دعا به درگاه باریتعالی، مطالعه آثار الهی در هر روز، گرفتن روزه در ایام صیام در هر سال و سعی مداوم جهت کسب ارزش‌های معنوی که اساس اولیه همهٔ ادیان را تشکیل می‌دهد.

اصول دیانت بهائی نه تنها شامل مقرراتی است برای فرد، بلکه دارای موازینی نیز می‌باشد که ناظر به تحوّل اجتماعی است. برای یک فرد بهائی، داشتن حیات روحانی هیچ‌گونه شباهتی به نمونه سنتی افراد متدین ندارد، افرادی که سعی دارند انضباط اخلاقی را در انزوا و به دور از ارتباط با سایر مردم و برکنار از معاشرت‌های زندگی اجتماعی دارا باشند، بلکه تعالیم بهائی توجّه را به نقش فعال فرد در توسعه اجتماعی معطوف می‌دارد و خواهان رویکردی کلی است که در آن عملیات فرد و ساختار اجتماعی متقابلاً

یکدیگر را تقویت نموده منجر به تحولی تکاملی می‌گردد. این مطلب بطور مفصل در فصل هفتم مورد بحث قرار خواهد گرفت.

بدین ترتیب روش دیانت بهائی در مورد تساوی جنسی نمی‌تواند به سادگی به ایجاد گروهی از افراد خوش‌نیت که خواهان تحقق این شرایط صرفاً از طریق تکرار و تأکید بر لزوم اهمیت آن می‌باشند تنزل داده شود. بلکه عقیده‌ای است که در مجموعه پیچیده‌ای از اصولی که با هم ارتباط نزدیک دارند قرار دارد، مجموعه اصولی شامل موضوع‌هائی از قبیل تعهد دینی همه بهائیان به تلاش در جهت ریشه‌کن کردن تعصب از افکار خود، تعهد نسبت به همه نوع آموزش و تحصیل برای زن و مرد هر دو، ترویج اتحاد بر اساس عدالت و پیروی از اصول شناسائی ارزش فعالیت‌های علمی و عقلانی به عنوان روشی برای تحرّی حقیقت که لازمه دین واقعی است و تأکید بر پیشبرد وسائل ارتباط و تفهیم و تفهم بین مردمانی با زبان، فرهنگ و سوابق گوناگون.

### نظم اداری بهائی

همه پژوهشگران تاریخ با این روند آسف‌انگیز آشنا هستند که کوشش در جهت نیل به آرمان‌های عالی و اهداف شکوهمند همواره در نتیجه از دست رفتن نهائی انگیزه، ناتوانی در غلبه بر موانع ریشه‌دار، افکار و عادات سنتی، وجود قدرت‌های سودجو و اختلاف و شکاف در بین کسانی که مقدمتاً در جهت نیل به این اهداف با هم متحد شده بودند تقریباً به شکست منتهی شده است.

یکی از ویژگی‌های بی‌نظیر تعالیم بهائی شرایطی است که حضرت بهاء‌الله برای جاودان ساختن اتحاد و یکپارچگی جامعه بهائی در طی قرون برای تلاش در جهت اجرای این تعالیم، فراهم ساخته‌اند. برخلاف ادیان کهن، مسئله جانشینی و رهبری و نحوه سازماندهی در دیانت بهائی به نحو صریح و آشکار و به صورت نوشته توسط مظهر ظهور الهی در کتاب عهد و سایر آثار مربوطه تعیین گردیده است. یک چنین شرایط ویژه‌ای اتحاد را در جنبه‌های مهم حیات جامعه بهائی تضمین می‌نماید، چه که انحراف از یک

چنین رهنمود آشکاری تنها می‌تواند با رد تناقض آمیز قسمتی از آثار معتبر بنیانگذار این دیانت امکان‌پذیر باشد.

میثاق حضرت بهاء‌الله مبتنی است بر انتصاب پسر ارشد خود یعنی حضرت عبدالبهاء (۱۹۲۱-۱۹۴۴) به مقام جانشینی به‌عنوان رهبر امر و مرکز میثاق الهی با وظائف کاملاً مشخصی مانند حق تفسیر و تبیین تعالیم و آثار بهائی. ملاحظه می‌شود که در بعضی از آثار حضرت بهاء‌الله که در این کتاب نقل شده از حضرت عبدالبهاء با عنوان "سرکار آقا" یاد شده است. این لقب نمایانگر شناسائی مقام ایشان به‌عنوان مبین و مفسر آثار دیانت بهائی است. حضرت عبدالبهاء نیز در الواح وصایا این شیوه واضح و روشن تعیین کتبی رهبری و جانشینی را با صدور دستور رسمی تأسیس نظم اداری بهائی که در آثار حضرت بهاء‌الله هم به آن اشاره شده ادامه دادند.

نظم اداری بهائی شامل دو مؤسسه اصلی یعنی ولایت امر و بیت‌العدل اعظم می‌باشد. حضرت شوقی ربانی (۱۹۵۷-۱۸۹۷)، نوه ارشد حضرت عبدالبهاء، از طرف ایشان به‌عنوان ولی امر دیانت بهائی منصوب گردید و وظائف محوله را که شامل تفسیر و تبیین معتبر آثار مبارک بود از زمانی که حضرت عبدالبهاء عالم فانی را ترک گفتند تا پایان حیات عنصری خود در سال ۱۹۵۷ انجام داد. بیت‌العدل اعظم که برای اولین بار در سال ۱۹۶۳ توسط اعضای منتخب جوامع ملی بهائی سراسر جهان انتخاب گردید و انتخابات اعضای آن هر پنج سال یک‌بار تجدید می‌گردد اکنون رهبر جامعه بهائی است. از جمله وظائف مشخص بیت‌العدل اعظم وضع احکام و قوانینی است که در آثار بهائی تعیین نگردیده و نیز توضیح دادن و روشن نمودن مسائلی است که در آثار حضرت بهاء‌الله مبهم می‌باشد.

نظم اداری بهائی که تحت نظر بیت‌العدل اعظم عمل می‌کند از یک طرف از محافل روحانی ملی و محلی که در سراسر کره زمین پراکنده هستند و فعالیت‌های جامعه بهائی را رهبری می‌نمایند تشکیل شده است. از طرف دیگر نظم اداری شامل افراد برجسته و مخلصی به نام ایادی امر، مشاورین قاره‌ای، اعضای هیئت معاونت و مساعدین آنها است که همگی در زیر

لوی هدایت و راهنمایی دارالتبلیغ بین المللی وظیفه مهم مشاوره با محافل روحانی و عموماً بهائیان را به عهده دارند.

شرح دقیق نظم اداری بهائی از حوصله این بحث خارج است، ولی بعضی از جنبه‌های آن، به خصوص به موضوع حصول تساوی جنسی مربوط می‌گردد. در دیانت بهائی کشیش و رهبر روحانی و هیچ‌گونه ساختار کلیسایی وجود ندارد، به این ترتیب آن عنصری که از دیرباز در سازمان‌های مذهبی علت سرکوبی زنان بوده حذف گردیده است. هم‌چنین هیچ‌گونه امکانی برای اینکه نظریات و طرز فکر شخصی افراد بتواند در عقاید بهائی نفوذ نماید وجود ندارد، چه که تفسیر و قانونگذاری معتبر، منحصر است به مؤسساتی که حضرت بهاءالله تعیین و حضرت عبداله‌اء تبیین فرموده‌اند. فرایند آشکار در تاریخ مذهبی جهان که در طی آن آزادی تعیین شده برای زنان از طرف بنیانگذاران هر یک از ادیان به تدریج در طی سال‌های متمادی از ناحیه مقامات حاکم بر جامعه و افراد ذی‌نفع تغییر داده شده به واسطه میثاق الهی که در فصل هفتم این کتاب شرح داده می‌شود نتوانسته است در جامعه بهائی ریشه گیرد و تثبیت گردد. همان‌طور که قبلاً اشاره رفت هدف واقعی ادیان الهی آزادسازی روح انسانی و پیشبرد استعدادها، آزادی اندیشه و خلاقیت است. نظم اداری بهائی با تعیین حدود مشخص و دقیق جهت تعبیر و تفسیر معتبر از آثار الهی، این آزادی را برای فرد فراهم می‌سازد تا بر حسب درک و تعبیر خود برداشتی از تعالیم این دیانت داشته باشد. بدین ترتیب نیروی خلاقه فکر و اندیشه برانگیخته می‌شود، تنوع فرهنگی تقویت می‌گردد و حق مشروع آزادی فکر و بیان محفوظ می‌ماند.

یک نظام اداری که تماماً متکی به رفاه مردم باشد ولی هیچ‌گونه مقرراتی برای حفاظت و دفاع از خود در مقابل عناصر بداندیش و یا جاه‌طلب که ممکن است در دورن جامعه پیدا شوند نداشته باشد، مطمئناً در رویارویی با مخالفت و تحریف، آسیب‌پذیر خواهد بود. نظم اداری بهائی اصولی برای حفاظت خود در بردارد که توانسته است با موفقیت یکپارچگی و اتحاد جامعه را در قبال پیش از یک قرن تلاش‌هایی که برای تفرقه‌اندازی و انحراف از اهداف اصلی آن از ناحیه عناصر مغرض به عمل آمده، حفظ نماید. این

اصول در کتاب‌هایی که نظم اداری را مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌دهد به‌طور مفصل شرح داده شده است. هیچ‌گونه دست‌آویز شرعی وجود ندارد که فردی بتواند با اتکاء به آن قدرت را بدست گیرد و خود را مرجع مختار شمرد. مردان و زنانی که در محافل شور ملی و محلی انجام وظیفه می‌نمایند به‌طور جمعی و وظائفی را در جهت رهبری امور جامعه به عهده دارند که هیچ‌یک از آنها به تنهایی نمی‌تواند عهده دار آن وظائف گردد. کوشش‌های آنان تحت هدایت بیت‌العدل اعظم اطمینان می‌دهد که جامعه بهائی در دنبال کردن اهداف خود از جمله تثبیت و اجرای تساوی جنسی متعهد باقی بماند.

### استفاده از قدرت

برای به نتیجه رسیدن تمامی کوشش‌ها، قدرت عاملی ضروری است. امروزه در حالی که افراد می‌کوشند که نظریات و اهدافشان مورد پذیرش توده‌های مردم قرار گیرد، از انواع مختلف قدرت، از قدرت ایمان گرفته تا قدرت جسمانی، اقتصادی یا نظامی و از جمله از قدرت منابع مالی در مقیاس وسیع و قدرت افراد متنقذ استفاده می‌شود.

دیانت بهائی در نیل به تحقق اهدافش در مورد متحوّل ساختن رفتار فردی و حیات اجتماعی بشر از طریق انتشار و اجرای تعالیم خود، از نیاز به قدرت غافل نیست. اما روش این دیانت در استفاده از قدرت با طرّقی که در فوق اشاره شد به نحو فاحشی متفاوت است. این دیانت به قدرت‌های اسرارآمیز روحانی و الهامات و انگیزه‌هایی که ناشی از ایمان به حضرت بهاءالله به عنوان مظهر ظهور الهی در این زمان می‌باشد و به کوشش خالصانه و مستمرّ افراد بهائی برای عملی ساختن تعالیمی که به آن معتقدند، متکی است. بدون ضمانت این قدرت، تعالیم بهائی به رویانی غیرعملی و پیروان این آئین به صورت آرمان‌گرایانی خوش‌نیت که بیهوده به دنبال هدفی غیرعملی تلاش می‌کنند تنزل خواهند یافت. به مدد این قدرت روحانی، تحولات ایجاد می‌گردند، موانع برطرف می‌شوند و رویاها به واقعیت می‌پیوندند.

## جریان تحول

دیانت بهائی دین تحول است و هدف حیات همه انسان‌ها را مشارکت در اصلاح عالم و ایجاد مدیته پیشرفته می‌داند. با آزادی روح انسان‌ها و همکاری متحد آن‌ها، قدرت خلاقه و سازنده بشریت به‌طور کامل جلوه و بروز می‌نماید و موجب تحولاتی ثمربخش و شکوفائی و پرباری حیات انسانی می‌گردد.

حرکت تاریخ در طی هزاران سال بشریت را به شرایط کنونی رهنمون بوده است که در آن آزادی، مساوات و اتحاد به‌واسطه شرایط اجتماعی، آموزشی و تکنولوژیکی پیشرفته هم امکان‌پذیر و هم ضروری می‌باشد. یکی از جنبه‌های اوضاع کنونی این است که تسهیلاتی که اکنون جهت کسب آزادی و پیشرفت فردی در اختیار زنان قرار دارد در تاریخ بی‌سابقه است.

هم‌چنین پیشرفت این جریان رشد موجب بروز واکنشی شده است که به حفظ ظواهر منسوخه آئین‌های گذشته گرایش دارد و در مقابل تحول و نوگرایی مقاومت نشان می‌دهد. به این ترتیب صحنه پر آشوب جهان امروز را می‌توان نمایانگر عملکرد دو جریان هم‌زمان یعنی رشد و انحطاط دانست. تنش بین این دو جریان موجب ایجاد دشمنی و برخورد بین مردم، افراط‌گرایی تعصب‌آمیز مردمان سر در گم و نامطمئن، فروپاشی بافت اجتماعی و موضع‌گیری گروه‌های محافظه‌کار برای مقاومت در مقابل آزادی زنان و نتایج تحول‌آمیز آن در استخدام، آموزش و پرورش و تحرک خانواده می‌گردد.

تعالیم بهائی جریان رشد را رهبری نموده بر آن تأکید دارد و به‌نحوی است که موجب تسریع رشد و نیل به اهداف آن می‌شود، رشدی که بر پایه آن، تمدنی پیشرفته بنا خواهد گردید. در حالی که جریان رشد به پیشرفت خود ادامه می‌دهد، برای یک ناظر بی‌طرف، اقتضا و مناسبت تعالیم بهائی با روشنی بیشتری آشکار می‌گردد و لزوم این تعالیم در ایجاد هماهنگی بین افراد بشر بیش از پیش به ثبوت می‌رسد.

جامعه جهانی بهائی در این مرحله از تکامل خود، نمایانگر توده روزافزونی از مردمی است که خود را نسبت به اجرای تعالیم بهائی از جمله تعلیم تساوی حقوق زن و مرد متعهد می‌دانند. البته جامعه بهائی مدعی آن نیست که این تعالیم را به‌طور کامل اجرا نموده است و به آسانی می‌توان نمونه‌هایی از این نارسائی‌ها را در اجرای این تعالیم ملاحظه نمود، بخصوص در فرهنگ‌هایی که سنن دیرینه تبعیض در مورد زنان را تقویت نموده است. اما مؤسسات اداری این جامعه به نحوی مستمر و متحد خود را در قبال اجرای این تعالیم متعهد می‌دانند که نتیجه آن پیشرفتی پایدار و بی‌وقفه در جهت نیل به این هدف عالی می‌باشد. به این ترتیب جامعه بهائی با اطمینان از نیل به هدف خود که ایجاد برقراری تساوی جنسی و این باور که آزادی زنان جزء اساسی تحوّل جامعه بشری و پیشرفت تمدن است با دیدی اطمینان‌بخش به آینده می‌نگرد.



## فصل دوّم

### تعريف مساوات

"...مقام و موقعیت زن در تعالیم بهائی ... نه تنها جنبه قانونی، بلکه جنبه روحانی و تربیتی دارد."

حضرت ولی امرالله (ترجمه به مضمون)

"فقط زمانی که زنان در جمیع مساعی بشری سهمی کامل و متساوی داشته باشند از لحاظ اخلاقی و روانی جوّ مساعدی خلق خواهد شد که در آن صبح صلح جهانی پدیدار گردد."

بیت العدل اعظم

## مفهوم مساوات

شناسائی عمومی تساوی حقوق زن و مرد اصلی اساسی در جهت صلح و بقای بشریت است. اجرای اصل مساوات در رویارویی با رسوم سنتی چالشی به شمار می‌رود و مستلزم تجدید نظر در باورهای دیرینه از جمله نیار به بازنگری در مفهوم هویت شخصی است که زیربنای تمامی روابط بشری از خانواده گرفته تا جامعه را تشکیل می‌دهد. از آنجائی که این مسئله ارتباط نزدیکی با سایر جنبه‌های زندگی دارد، اجرای تساوی جنسی همکاری همه انسان‌ها را اعم از زن و مرد ایجاب می‌نماید.

یکی از موانع بزرگ در راه پذیرش تساوی زن و مرد فقدان تعریف روشنی از مفهوم تساوی و عدم درک و شناخت از چگونگی کاربرد آن در حیات روزانه می‌باشد. فقدان تعریف واضحی از این مفهوم منجر به ابراز نظریات متضاد و غالباً بسیار مجادله‌آمیز، متوسل شدن به کلیشه‌های جنسی و منعکس نمودن بیم شخصی در موضوع می‌گردد. نه تنها مفهوم تساوی برای مردم روشن نیست، بلکه با توجه به تغییراتی که در سال‌های اخیر در ساختار خانواده و در میزان مشارکت زنان در جامعه رخ داده است، اطمینان دیرینه زائل شده است و اکثر افراد احساس می‌کنند که هیچ معیار مطمئنی برای ارزیابی صحت و سقم رفتار خود در دست ندارند.

در این فصل رفتار نسبت به زنان در ادوار گذشته به‌طور مختصر مورد بررسی قرار می‌گیرد تا زمینه‌ای فراهم آید که بهتر بتوان به مفهوم تساوی حقوق زن و مرد در دیانت بهائی پی برد. ویژگی‌های اصلی این تعالیم در این جا مطرح می‌گردند و جنبه‌های مخصوص آن به‌طور مفصل در فصول بعد شرح داده خواهند شد.

## یک بررسی مختصر تاریخی

این بررسی مختصر در واقع معرفی یک موضوع پیچیده و بحث‌انگیز می‌باشد که در باره آن مطالب بسیار نگاشته شده است و هنگامی که محققین آینده

اهمیت بیشتر آن را روشن سازند، موضوع با وضوح بیشتری درک خواهد شد. مطالعه چگونگی رفتار با زنان در دوران باستان حائز اهمیت است، نه فقط به عنوان یک مطالعه سودمند تاریخی، بلکه به خاطر آنکه بر این باور هستیم که رفتار تبعیض آمیز نسبت به زنان که در زمان گذشته بسیار آشکار و مسلم بوده است بازتابی نیز در زمان حاضر دارد. از طریق بصیرتی که در سایه تعالیم بهائی حاصل می‌شود، روشن می‌گردد که بررسی و مطالعه در باره تأثیر دین در وضع و مقام زن باید بین طرز برخورد شایسته مظاهر الهیه که بنیانگذاران ادیان بزرگ جهان هستند نسبت به زنان و رفتار و طرز برخورد نامتاسی که از ناحیه بسیاری از پیروان این ادیان در طی سال‌ها و قرون بعدی نشان داده شده تفاوت قائل گردد.

### طرز رفتار با زنان در دوران باستان

در حالی که دانش باستان‌شناسی و انسان‌شناسی توسعه می‌یابد، بدون شک بینش بهتری در مورد نقش زنان در دوران باستان حاصل می‌گردد. در حالی که امروزه شواهد جالبی در دست است که در دوران‌هایی از تاریخ در بعضی از مناطق جهان، زنان دارای جایگاه قدرت بوده و حتی بر جامعه تسلط داشته‌اند، ولی این وضع حکم کلی نداشته بلکه بیشتر استثنائی بوده است.<sup>۱</sup> از دیرزمان زور بر جهان حاکم بوده و هر حرفه و پیشه‌ای به زور جسمانی بستگی داشته است. جنگ، شکار حیوانات و بنای ساختمان‌های عظیم در یک جهان پرخصومت برای بقای گروه‌های بشری بسیار حیاتی شناخته می‌شدند. در یک چنین جوئی زنان غالباً از هیچ‌گونه امتیازی برخوردار نبوده تحت حمایت مردان قرار داشتند. در معاشرت‌های اجتماعی و در رویارویی با رفتار سلطه‌جویانه مردان در تلاش روزمره زندگی، زنان نقشی غیرفعال و مادون داشتند. حضرت عبدالبهاء در این مورد می‌فرماید:

"در گذشته دنیا با زور اداره می‌شد و مرد چون جسماً و فکراً از زن قوی‌تر و زورمندتر بود بر او غالب و مسلط بود. ولی حال وضع عوض شده و اعمال زور و عنف تسلط خود را از دست داده است و اکنون

هوشیاری و فهم و فراست فطری و خصائل روحانی محبت و خدمت که در زن قوی است تفوق و غلبه یافته است.<sup>۲</sup>

در چنین زمان‌هایی، در حالی که جنگ متداول بود، با کشته شدن مردان در جنگ‌ها، توازن آماری جمعیت تغییر می‌یافت. احتمالاً این مسئله یکی از عوامل رواج تعدد زوجات بوده است.

دانش ما در باره گذشته آن‌قدر ناقص و نارساست که مشکل است بتوان تجزیه و تحلیل جامعی در مورد رفتار با زنان در فرهنگ‌های گوناگون جهان، در طی دورانی طولانی از تاریخ به عمل آورد، ولی می‌توان بعضی از رفتارهای اصلی را که مسلم و آشکار بوده شناسایی و مشخص نمود. مطالعات در روانشناسی زنان این‌گونه رفتارها را اسطوره‌ای توصیف می‌کنند که نمایانگر باورهای است که این امور را مرموز و ناشناخته توجیه می‌نمایند. همان‌طور که جوانیتا ویلیامز (Juanita Williams)، دانشمند امور اجتماعی اشاره کرده است: "پایداری و تداوم این عقاید در زمان‌ها و فرهنگ‌های مختلف می‌بایستی نشانه آن باشد که این باورها پاسخگوی نیازهای نیرومندی در تجارب بشری می‌باشند."<sup>۳</sup>

یکی از گرایش‌هایی که در بسیاری از فرهنگ‌ها دیده می‌شود ناشی از ارتباط دادن جنس ماده به مادر طبیعت به عنوان منشأ باروری و ظهور حیات جدید می‌باشد. از آنجائی که طبیعت ظاهراً ناشناخته، دمدمی مزاج و غیرقابل کنترل به نظر می‌رسید، این خصوصیات را به زنان نسبت می‌دادند. پرستش باروری جلوه خود را در وجود اسطوره‌ای و مادرگونه الهه خلقت ظاهر ساخت. در بعضی از فرهنگ‌ها، نیاز به آرام کردن طبیعت و باز داشتن نیروهای خشن و ویرانگر آن از آسیب رسانی به مردم ناتوانی که در قلمرو آن‌ها می‌زیستند، در مواقع بحرانی منجر به قربانی کردن دختران و زنان در فصول متوالی می‌گردید. زنان در هنگام عادت ماهانه، ذاتاً ناپاک شمرده شده ملزم به انجام آداب تطهیر و انزوا بودند.<sup>۴</sup> حتی امروزه نیز این گرایش وجود دارد که در این ارتباط، زن را به عنوان اسیر و تابع تأثیر غیرقابل کنترل هورمون، غیرمنطقی و دمدمی مزاج بدانند و به غیر از وظائف مربوط به تولید مثل و خانه‌داری، او را فاقد ارزش اجتماعی ارزیابی نمایند. جوامع زیر فشار

هنوز زنان را سپر بلا قرار داده آن‌ها را عامل مشکلات پیچیده اجتماعی مانند بیکاری، از هم پاشیدگی خانواده‌ها و قصور و تخلفات نوجوانان می‌دانند. برداشت دیگری که در بعضی از مناطق جهان وجود داشت این بود که زن را به عنوان عامل شرارت دارای نیروهای مرموزی می‌دانستند که می‌توانست مردان را از هدف‌های عالی زندگی منحرف سازد. پیچیدگی جاذبه جنسی باعث شد که زنان را از نظر جنسی افسونگر و بی‌قید و بند شمرند و تماس نزدیک با آن‌ها را خطرناک بدانند. از اینرو زنان می‌بایستی پوشیده و در حجاب باشند مبادا مرد با تقوایی را وسوسه نموده از راه راست منحرف سازند. مصائب و مشکلات اجتماعی را ناشی از فعالیت‌های زنان جادوگر می‌دانستند و معتقد بودند که تنها با اعدام آن‌ها می‌توان این نیروی شرارت‌انگیز را متوقف نمود. آثار و بقایای این طرز فکر را نیز امروز حتی در جوامعی که به روشگرایی افتخار می‌کنند می‌توان یافت که گه‌گاه قربانیان تجاوز و آزار جنسی را به خاطر خشونت و بی‌حرمتی که تحمل کرده‌اند مورد شماتت و سرزنش قرار می‌دهند.

در بسیاری از مناطق جهان، زن در جامعه دارای مقام درجه دو و فرعی بود و او را لایق برخورداری از حقوقی که برای مردان تعیین شده بود نمی‌دانستند. او موجودی ضعیف و آسیب پذیر بود که جزو مایملک مردان شمرده می‌شد و می‌بایستی پست‌ترین کارها را انجام دهد بدون اینکه فکر کنند که او نیز انسانی با احساس، متفکر و حساس است. در باره چگونگی مقام و موقعیت زن در آسیا در دوران‌های گذشته، حضرت عبدالبهاء اشاره می‌فرماید که:

"سابقاً در هند، ایران و سراسر شرق، زن انسان محسوب نمی‌شد. بعضی از قبایل عرب، زنان خود را جزو حیوانات خود می‌شمردند. در زبان‌شان نام زن به معنی الاغ نیز بود یعنی برای هر دو یک نام به کار می‌بردند. دارائی مردان با شمارش حیوانات و زنان‌شان مشخص می‌شد. بدترین توهین برای یک مرد این بود که او را زن خطاب کنند."<sup>۵</sup> (ترجمه به مضمون)

غیرممکن است بتوان میزان رنج و تحقیری را که نیمی از بشریت در طی قرون متمادی در جهانی که زور غلبه داشت تحمل کردند درک نمود.

### تعالیم مظاهر الهیه

یکی از عناصر اصلی اعتقاد بهائی این است که مظاهر الهیه در فواصل معین در طول تاریخ، ظاهر شده و هر یک تعالیم الهی را که شامل تأکید بر اصول ابدی اخلاقی و روحانی و کاربرد این اصول بر طبق نیازها و مقتضیات اجتماعی زمان و مکان مربوطه بوده ارائه داده‌اند.

همه پیامبران الهی تعلیم داده‌اند که هیچ‌گونه تفاوت روحانی بین زن و مرد وجود ندارد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"... ان النساء عندالبهاء حکمهن حکم الرجال فالکل خلق الله خلقهم علی صورته و مثاله ای مظاهر اسمائه و صفاته فلا فرق بینهم بینهن من حیث الروحانیات الاقرب فهو الاقرب سواء کان رجلاً او نساء"<sup>۶۶</sup>

(مضمون بیان: زنان در نزد اهل بهاء حکم مردان را دارند و خداوند همه نوع بشر را به صورت خود و مثال خود آفریده است یعنی مردان و زنان هر دو مظاهر اسماء و صفات الهی هستند و از نظر روحانی فرقی بین آنها نیست. هر کس به خدا نزدیکتر است آن شخص چه مرد باشد چه زن مقرب درگاه الهی است.)

یکی از نتایج دید دیانت بهائی در مورد ادیان جهان این اعتقاد است که اگر به سوابق اصلی و معتبر پیام‌های پیامبران الهی که هزاران سال پیش می‌زیستند مراجعه شود می‌توان شواهد تاریخی بر تأیید این نظر پیدا کرد. این شواهد را در کتب عهد عتیق و جدید و در قرآن می‌توان یافت. در سفر پیدایش آمده است که: "پس خدا آدم را به صورت خود آفرید... ایشان را نر و ماده آفرید" (سفر پیدایش فصل یک آیه ۲۷). بدین ترتیب تأیید می‌کند که زن و مرد هویت روحانی یکسانی دارند. در کتاب عهد جدید (انجیل) نمونه‌های بسیاری از تساوی روحانی که دید حضرت مسیح نسبت به زن را مشخص می‌سازد می‌توان یافت: اشاره به مرد و زن هر دو در ضمن امثله و حکایات، شفا دادن زنان و مردان هر دو، و نقش حساسی که به مریم مجدلیه سپرده شد نمونه‌هایی از این دیدگاه هستند. با مطالعه فصل ۴ انجیل یوحنا بصیرت بیشتری در مورد این موضوع می‌توان پیدا کرد. در این جا ملاقات حضرت مسیح را با زنی از سامریون شرح می‌دهد که حضرت مسیح با او آن‌چنان در نهایت ادب و احترام روبرو می‌شود که موجب شگفتی حواریون می‌گردد.

این زن به دین جدید ایمان می آورد و به عنوان نماینده حضرت مسیح، ظهور او را به سامریون در شهر سایکار Sychar بشارت می دهد. مقام روحانی زن در انجیل، چنین توصیف شده است: "هیچ ممکن نیست که یهود باشد یا یونانی و نه غلام و نه آزاد و نه مرد و نه زن، زیرا که همه شما در مسیح عیسی یک می باشید." (عهد جدید - غلاطیان ۳:۲۸).

در چندین موضع در قرآن مجید، حضرت محمد تساوی روحانی زن و مرد را ذکر کرده است. عبارات ذیل نمونه آن است:

"ان المسلمین و المسلمات و المومنین و المومنات و القانتین و القانتات و الصادقین و الصادقات و الصابرين و الصابرات و الخاشعین و الخاشعات و المتصدقین و المتصدقات و الصائمین و الصائمات و الحافظین فروجهم و الحافظات و الذاکرین الله کثیراً و الذاکرات اعد الله لهم مغفره و اجرأ عظیماً." (سوره احزاب آیه ۳۵) (ترجمه: همانا کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان اهل طاعت و عبادت و مردان و زنان راستگوی و مردان و زنان صابر و مردان و زنان خداترس خاشع و مردان و زنان خیرخواه مسکین نواز و مردان و زنان روزه دار و مردان و زنان باحفاظ خوددار از تمایلات حرام و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار کنند، بر همه آنها خدا مغفرت و پاداشی بزرگ مهیا ساخته است).

در این جا و مواضع دیگری در قرآن کریم، بر عدم تمایز بین زن و مرد در پیشرفت روحانی و در ماهیت روحانی آنها، تأکید شده است.

البته بین تساوی روحانی زن و مرد که حضرت عبدالبهاء با بیان ذیل بر آن تأکید فرموده اند "مرد و زن هر دو بشرند و بندگان یک خداوند نزد خدا ذکور و اناث نیست" با تساوی اجتماعی در حقوق و وظائفی که برای زن در حیات اجتماعی تعیین گردیده است باید تفاوت قائل شد. به علت ماهیت و شرایط جامعه ای که هر یک از پیامبران الهی در آن ظاهر شده اند، در تعالیم اصلی این ادیان، تأکید بر تساوی روحانی با تساوی اجتماعی منطبق نیست. به فرموده حضرت عبدالبهاء "از بدو وجود تا یوم موعود رجال تفوق بر نساء در جمیع مراتب داشتند." با اشاره مجدد به بی نظیر بودن تساوی اجتماعی زنان که از طرف حضرت بهاء الله تعلیم داده شده، حضرت عبدالبهاء تأکید



می‌فرمایند: "آن حضرت تأسیس مساوات زن و مرد نمود این از تعالیم ویژه حضرت بهاء‌الله است چون ادیان دیگر به مرد مقامی برتر از زن داده‌اند."<sup>۷۱</sup>

بدیهی است که مقام اجتماعی زنان به واسطه رفتار و تعالیم حضرت مسیح پیشرفت قابل ملاحظه‌ای حاصل کرد. زنان تشویق شدند که در فعالیت‌های مذهبی شرکت تام داشته باشند و شرح عملیات حواریون نمایانگر آن است که زنان به‌طور مرتب به مطالعه متون مقدسه و انتشار بشارت ظهور پسر خدا یا حضرت مسیح مشغول بودند و به‌طور فعال در حیات جامعه شرکت داشته آراء و نظریاتشان با احترام مورد توجه واقع می‌شد. در مورد ازدواج و طلاق، تعالیم حضرت مسیح مبنی بر شرایط مساوی برای زن و مرد است و به این ترتیب نسبت به گذشته، برای زنان حقوق بیشتری منظور گردیده است. اما هیچ‌گونه ممنوعیتی در مورد تعدد زوجات وجود نداشت و انتخاب مردانی به عنوان دوازده حواری، اساس مردسالاری کلیسا را بنا نهاد چون هیچ بیانی از حضرت مسیح وجود نداشت که برای زنان حق شرکت در فعالیت‌های جامعه دینی را قائل شود.

قرآن کریم به نوبه خود در پیشبرد مقام زن نقش مؤثری داشته است. زنده به گور کردن دختران شیرخوار را ممنوع کرده، تعدد زوجات را محدود نموده، به زنان حق طلاق و حق وراثت و مالکیت اعطاء کرده و برای زن مهریه تعیین نموده است که در موقع ازدواج شوهر باید پردازد و در حل و فصل مسائل زناشویی، زنان را به نحو منصفانه مشارکت داده است. علی‌رغم این اصلاحات، تساوی اجتماعی برای زنان در قرآن منظور نگردیده است. در تعیین شرایط تنظیم قرارداد جهت وام دادن پول، ارزش شهادت دو زن معادل یک مرد تعیین گردیده است. در اداره خانواده به شوهر حق بیشتری داده شده است. در مورد حقوق زن و مرد در ازدواج، در قرآن آمده است: "وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَ دَرَجَةٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ." (سوره بقره آیه ۲۲۸) (ترجمه: و زنان را بر شوهران حق مشروعی است چنانچه شوهران را بر زنان، لیکن مردان را بر زنان افزونی است، و خدا (بر هر چیز) توانا و داناست.)

یکی از آیات مهم قرآن که در بحث از حقوق زن در اسلام غالباً مورد استناد قرار می‌گیرد آیه ۳۴ سوره نساء است که ذیلاً درج می‌گردد:

"الرِّجَالُ قَوَامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا انْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَاتِنَاتٌ لِحِفْظَاتِ اللَّغِيبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالْآتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَاهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَاضْرِبُوهُنَّ فَإِنْ أَطَعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيماً كَبِيراً." (ترجمه: مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آنکه مردان از مال خود نفقه دهند، پس زنان شایسته مطیع شوهران و در غیبت آنان حافظ (حقوق آنها) باشند از آن رو که خدا هم (حقوق زنان را) حفظ فرموده است. و زنانی که از نافرمانی آنان (در حقوق همسری) بی‌مناکید باید نخست آنان را موعظه کنید و (اگر مطیع نشدند) از خوابگاه آنان دوری گیرید و (اگر باز مطیع نشدند) آنان را به زدن تنبیه کنید، چنانچه اطاعت کردند دیگر راهی بر آنها مجوید، که همانا خدا بزرگوار و عظیم‌الشان است.)

همان‌طور که می‌توان حدس زد این آیه باعث اختلاف‌های قابل‌ملاحظه و بحث‌انگیزی در بین مفسرین اسلامی گردیده است. اصطلاح عربی "ناشزه" را که در این جا به عنوان "نافرمانی" ترجمه شده است، مفسرین عرب داری معانی متعدد وسیعی می‌دانند که شامل طغیان علیه شوهر، مقاومت، نفرت و فرار از شوهر و ترک منزل و برگزیدن محلی برای زندگی بدون توافق شوهر می‌گردد. مفسرین معتقدند که سه مجازاتی که در این آیه تعیین گردیده تدریجی و بسته به میزان تخلف است، مثلاً مقاومت در مقابل سلطه شوهر فقط با یک پند و اندرز ساده باید مقابله شود و اگر این مقاومت با نفرت همراه باشد دوری جستن در روابط زناشویی توصیه گردیده است و در موارد شدید که نافرمانی و نفرت با حالت طغیان علیه شوهر توأم گردد، تنبیه و از جمله تنبیه بدنی و کتک زدن جایز شمرده شده است. سعی در ارزیابی و مقایسه یک چنین مجازات‌هایی که جهت استفاده در نظام اجتماعی آن دوره از تاریخ تعیین گردیده است با موازین امروزی که مخصوص یک جامعه سازمان‌یافته با نظام قانونی پیشرفته می‌باشد که در مقابل بی‌توجهی به نظام اجتماعی، مجازات‌های مخصوص به خود را داراست، مقایسه‌ای بی‌مورد و اشتباه‌آمیز است.

## رسوم دينی

طرز برخورد با زنان آن‌طور که در انجیل و قرآن توصیه شده است با رفتاری که در جوامع مسیحی و مسلمان نسبت به زن اعمال می‌شود و در بیانات بسیاری از رهبران این ادیان و نحوه قانونگذاری این جوامع دیده می‌شود کاملاً فرق دارد. روحانیون این ادیان پیوسته زن را در موقعیت اجتماعی پائین‌تری قرار داده‌اند که به هیچ وجه مورد تأیید بنیانگذاران این ادیان نبوده است و حتی گاهی در این مورد چنان زیاده روی کرده‌اند که منکر تساوی روحانی زن و مرد شده‌اند.

قبل از آنکه به بررسی دقیق این دگرگونی پردازیم لازم است روشن سازیم که چگونه این ادیان از اصولی که بر اساس بیانات حضرت مسیح و حضرت محمد تعیین گردیده تا این حد فاصله گرفته‌اند. می‌توان گفت در حقیقت طرز تفکر تبعیض آمیزی که در زمان باستان نسبت به زن وجود داشت مجدداً بازگشت نموده و بر جامعه مسلط گشته و بار دیگر زنان را به موقعیت اجتماعی پائینی که پیامبران الهی سعی در نجات آن‌ها از آن داشته‌اند به عقب رانده است.

تعالیم بهائی بینشی ارائه می‌دهد که دلائل قصور جوامع دینی را در حفظ اصالت و خلوص اولیه دین خود روشن می‌سازد. این دلائل متعدد است که بعضی از آن‌ها را به شرح ذیل می‌توان ذکر نمود: فقدان منبع پذیرفته شده عمومی و جهانی برای تفسیر مجاز بیانات پیامبران الهی که بر اثر این فقدان، بعضی از اصطلاحات مهم و حساس در معرض استنباط‌های گوناگون قرار گرفته و با مفاهیم مختلف تعبیر شده است و بنابراین در بعضی موارد موجب تعبیری بسیار تبعیض آمیز گردیده است؛ واگذاری غیرموجه تفسیر بیانات پیامبران الهی به رهبران مذهبی پرنفوذ که کلام آن‌ها معادل کلام انبیای الهی شمرده می‌شد، ولی غالباً به نحوی ناخودآگاه تحت تأثیر فرهنگ تبعیض آمیزی که در آن پرورش یافته بودند قرار داشتند؛ پذیرفتن احادیث شفاهی که صحت و اعتبار بسیاری از آن‌ها مشکوک است، ولی در عین حال اعتباری معادل متون مقدسه پیدا کرده‌اند؛ عمومیت دادن ناموجه بعضی از اعمال پیامبران الهی در شرایطی خاص که جزئیات کامل آن نامعلوم است؛

مصالحه در مورد ارائه تعالیم جدید و سعی در تطبیق دادن آن‌ها با دیدگاه‌های فرهنگ حاکم بر جامعه در مورد تنزل دادن مقام زن به این امید که دین جدید مورد پسند توده مردم واقع شود و در نتیجه بر تعداد مومنین جدید افزوده گردد؛ و منافع مقررّه یک تشکیلات مذهبی منحصرأ مردانه که برای حفظ موقعیت و امتیازات مخصوص خود سعی در تنزل مقام زن دارد. نتیجه آن شده است که مقام زن در اکثر جوامع مسیحی و مسلمان تنزل یابد. این تجزیه و تحلیل مختصر نشان می‌دهد که چرا در دیانت بهائی به مسئله عهد و میثاق اهمیت خاص داده شده و عهد و میثاق به‌عنوان ضامن یکپارچگی و خلوص دین و حفظ آن از خطرهایی که در گذشته ادیان را تهدید کرده منظور گردیده است و اینکه چرا وجود عهد و میثاق در دیانت بهائی نقشی اصلی و مؤثر در تعلیم مربوط به آزادی زن داشته است.

طرز تفکر نسبت به زن در مسیحیت به شدت تحت تأثیر رسالاتی خطاب به کلیساهای اولیه قرار گرفته است که بسیاری از آن‌ها توسط پولس نوشته شده و یا به او نسبت داده شده است. در حالی که توصیه‌ها و اندرزهایی که در این رسالات آمده است مربوط به زمان و شرایط خاص می‌باشد، ولی شامل نمودن آن‌ها در انجیل به آن‌ها اعتبار و عملکرد عمومی بیشتری بخشیده است. چند نمونه از این اظهاراتی که در این رسالات آمده عبارتند از: "اما می‌خواهم شما بدانید که سر هر مرد مسیح است و سر زن، مرد." (رساله اول پولس رسول به قرنتیان، فصل ۱۱ آیه ۳) "اما هر زنی که سر برهنه دعا یا نبوت کند، سر خود را رسوا می‌سازد." (رساله اول پولس به قرنتیان فصل ۱۱ آیه ۵) و نیز آیات ذیل: "و زنان شما در کلیساهای خاموش باشند زیرا که ایشان را حرف زدن جایز نیست، بلکه اطاعت نمودن چنانکه تورات نیز می‌گوید. اما اگر می‌خواهند چیزی بیاموزند، در خانه از شوهران خود بپرسند، چون زنان را در کلیسا حرف زدن قبیح است." (رساله اول پولس به قرنتیان فصل ۱۴ آیات ۳۴-۳۵) اظهاراتی از این قبیل بر اساس هیچ‌یک از بیانات حضرت مسیح نیست و با طرز برخورد حضرت مسیح در زمان آن حضرت با زنان در تضادی آشکار قرار می‌گیرد.

به خصوص یکی از جنبه‌های مهم نظریه پولس در مورد زن در عبارات ذیل منعکس می‌باشد:

"زن با سکوت، به کمال اطاعت تعلیم گیرد و زن را اجازت نمی‌دهم که تعلیم دهد و یا بر شوهر مسلط شود، بلکه در سکوت بماند. زیرا که اوّل آدم ساخته شد و بعد حوّا و آدم فریب نخورد بلکه زن فریب خورده، در تقصیر گرفتار شد." (رساله اول پولس به تیموتاوس، فصل ۲ آیات ۱۱ تا ۱۴)

در متن فوق بازگشتی به دیدگاه‌های قبل از مسیحیت را در مورد اینکه زن منبع شرّ و فریبکاری است می‌توان ملاحظه نمود که اساس دیدگاه مسیحیت در مورد زن و اینکه حوّا مسئول گناه اولیه است قرار گرفت. چنانچه در رساله دیگر آمده است: "مار به مکر خود حوّا را فریفت" (رساله دوم پولس به قرنتیان فصل ۱۱ آیه ۳) این تعبیر ظاهری از سفر پیدایش (فصل ۳ آیات ۱ تا ۷) در قرن پنجم میلادی توسط سنت آگوستین در اثر معروفش به نام "شهر خدا" تأیید گردید که در این کتاب از نظریه پولس دنباله روی کرده است با اظهار اینکه مار از طرف یکی از فرشتگان مورد غضب واقع شده مأموریت یافت تا انسان را از مقام خود ساقط نماید. "فریبکاری خود را در مورد زن بکار برد و به ضعیف‌ترین قسمت این اتحاد حمله نمود تا شاید به تدریج بر کل تسلط یابد و نباید تصور نمود که مرد به او گوش فرا داد و یا فریب خورد، بلکه او به خطا و اشتباه زن تسلیم شد."<sup>۸</sup> بنابراین، این اصل اعتقادی مسیحیت در مورد گناه اولیه به خطاکاری حوّا که از ضعف او ناشی شده و وسوسه‌گری او نسبت به آدم مربوط می‌گردد.

از دیدگاه دیانت بهائی این تعبیر سفر پیدایش کاملاً اشتباه است. حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات خود شرح آدم و حوّا را در سفر پیدایش به این ترتیب خلاصه می‌فرماید:

"این حکایت را اگر به معنی ظاهر عبارات مصطلح بین عوام گیریم در نهایت غرابت است و عقل در قبول و تصدیق و تصور آن معذور. زیرا چنین ترتیب و تفصیل و خطاب و عتاب از شخص هوشمندی مستبعد است تا چه رسد به حضرت الوهیت."<sup>۹</sup>

حضرت عبدالبهاء توضیح می‌فرمایند که: "این حکایت آدم و حوا و تناول شجره و خروج از جنت جمیعاً رموز است." سپس تفسیر و تعبیری نمادین ارائه می‌فرمایند که با آنچه در تفاسیر مسیحیت آمده بسیار متفاوت است. حضرت عبدالبهاء نظریه گناه اولیه را رد می‌نمایند و آن را "مغایر عدالت الهی" می‌دانند و اطمینان می‌دهند که "چنین تصوّر از هر قواعد و قوانینی خارج است و ابداً نفس هوشمندی قبول ننماید."<sup>۱۱</sup>

هرچند سعی در ردیابی طرز فکر نسبت به زن که در افکار مذهبی مسیحیت در طی قرون و اعصار شکل گرفته از حوصله این کتاب خارج است، ولی لازم است که به سنت توماس اکویناس Saint Thomas Aquinas اشاره‌ای گردد، چه که آثار او منبع اصلی در شکل دادن عقاید جزمی در کلیسای کاتولیک می‌باشد. هدف رساله او به نام *Somma Theologica* که در قرن سیزدهم میلادی نوشته شده است بررسی منظمی از اصول مذهبی که از آثار مقدّسه ناشی می‌گردد و توجیه عقلانی این اصول می‌باشد. نظریه اکویناس در باره زن که تا اندازه‌ای از نظریه ارسطو گرفته شده است به این شرح است:

"با توجه به طبیعت فردی، زن معیوب و ناقص‌الخلقه است، چون نیروی فعال در نطفه جنس مذکر می‌بایستی جنس مذگری کاملاً مانند خودش تولید نماید، در حالی که تولید جنس مؤنث از نقصی که در این نیروهای فعاله ایجاد شده و یا از نابجا قرار گرفتن مواد ناشی می‌گردد."<sup>۱۲</sup>

اکویناس سپس می‌نویسد "در مورد طبیعت انسان به‌طور کلی، زن ناقص‌الخلقه نیست، بلکه طبیعت این طور قرار داده و به‌خاطر تداوم نسل‌های بشری چنین مقدر شده است." با قرار دادن زن در موقعیتی که فقط برای دنیا آوردن بچه مناسب است، اکویناس وظائف و نقش زن را کاملاً مغایر مرد توصیف می‌نماید و می‌گوید که از جمله نقش مرد شرکت در عمل جنسی می‌باشد ولی "مرد مقدر است که اعمال شریف‌تر و مهم‌تر دیگری نیز انجام دهد و آن فعالیت‌های عقلانی است." یکی از نتایج منطقی ناشی از پست شمردن عقلانی زن این بیان او است که می‌گوید: "زن طبیعتاً متکی بر مرد است، چون عقل و منطق در مردان غلبه دارد."<sup>۱۳</sup> این انحراف فاحش خط

فکری که کاملاً به دور از بیانات حضرت مسیح می‌باشد را می‌توان به عنوان علت بد رفتاری تحقیر آمیز نسبت به زنان در طی قرون نفوذ مسیحیت بنیادگرا در جامعه توجیه نمود و هم‌چنین آن را سبب آسیب رسانی به زنان از نظر بدنی و روانی و نیز محرومیت آن‌ها از تحصیل و حقوق قانونی و ممانعت از مشارکت آنان در رهبری مذهبی و یا فعالیت‌های عقلانی جامعه و در شرم آورترین دوران تاریخ تمدن بشری، موجب محکوم کردن زنان به عنوان جادوگر و مظهر شر و نیز ترویج عقیده مجرد ماندن و عزوبت در کلیسا دانست.

حال به اسلام می‌پردازیم، به‌خوبی می‌توان ملاحظه نمود که طرز برخورد مسلمانان با زن عموماً با آنچه در قرآن آمده است فرق دارد. علت آن مجموع عوامل مختلفی است که از همه مهم‌تر آن است که مسلمانان برای احادیث که نقل بیانات شفاهی حضرت محمد است نوعی مرجعیت قائل هستند. بدین ترتیب این احادیث در تدوین قوانین و تجویز رفتار نهایتاً اعتباری هم‌وزن قرآن پیدا کرده‌اند. مهم‌ترین مجموعه این احادیث دو قرن بعد از وفات پیامبر اسلام تدوین گردیده که مواضع جعلی زیادی را در بر می‌گیرد. "البخاری"، مؤلف "الصحيح" که یکی از کتب معروف احادیث است گزارش نموده که او خود ۶۰۰۰۰۰ حدیث جمع آوری نموده که از بین آنها، حدود ۷۲۰۰ حدیث از دید او اصیل و صحیح بنظر می‌رسد! با تجزیه و تحلیل اوضاع و شرایطی که در آن، این احادیث جعلی انتشار یافته است روشن می‌گردد که بعضی از این احادیث توسط افرادی که دنبال کسب شهرت بوده‌اند ساخته شده است، حال آنکه بعضی دیگر از طرف کسانی که خواهان بهره‌گیری عقیدتی بوده‌اند جعل گردیده که سعی نموده‌اند احادیثی ارائه دهند که نقطه نظر آن‌ها را تأیید نماید. سایر روایان حدیث ممکن است صادق و درستکار بوده ولی در درک مطلب اشتباه کرده باشند. از این گذشته، بسیاری از احادیث در ضمن نقل و انتقال شفاهی از شخصی به شخص دیگر، در طی دو‌یست سال از زمان بیان مطلب از زبان حضرت محمد تا زمان جمع آوری و تدوین آن دستخوش تغییر شده‌اند. مشکلات دیگر مربوط است به تمایل به عمومیت دادن بیانات حضرت محمد که در پاسخ به

شرایطی خاص و غیر معمولی بوده و جزئیات دقیق آن با گذشت سال‌ها محو گردیده است. علی‌رغم همه این محدودیت‌ها، باید اذعان نمود که همه احادیث دارای چنین نقائصی نیستند و بعضی از آن‌ها در مورد به کار بستن اصول مندرج در قرآن یا تاریخ اسلام بینشی مفید ارائه می‌دهند.

نتیجه معتبر شمردن بیانات شفاهی و احادیث، گرایش به بازگشت به طرز فکر تبعیض آمیز شدید قبل از اسلام نسبت به زنان در زیر پوشش احادیثی که به حضرت محمد نسبت داده‌اند بوده است. فاطمه مرنیسی (Mernissi)، یکی از نویسندگان مسلمان معاصر، ریشه‌های دو حدیثی را که "البخاری" پس از رد نمودن ۵۹۳۰۰۰ حدیث از بین مجموعه ۶۰۰۰۰۰ حدیث خود قبول کرده مورد مطالعه قرار داده و نشان داده است که بسیار غیرمحمول به نظر می‌رسد که این دو حدیث معتبر باشند. این دو حدیث که عبارتند از "کسانی که کارهای خود را به دست زن می‌سپارند هرگز روی رفاہ نمی‌بینند" و "عبور سنگ، الاغ و یا زن از جلوی مؤمنی که مشغول اقامه نماز است موجب ابطال نماز می‌گردد" نمایانگر آن است که نحوه اعطای حقوق به زنان در قرآن و صفات روحانی که در این کتاب برای زن منظور گردیده با اعمال نفوذ و استفاده از احادیث توسط مردان متنفذی که در سال‌های بعد از وفات حضرت محمد بر رهبری جامعه تسلط یافتند پامال گردید.<sup>۱۳</sup>

محدودیت بیشتر حقوق زن نتیجه تحریف مفاهیم آیات قرآن در مورد رعایت عفت و حیا در لباس پوشیدن و رفتار می‌باشد که دست‌آویزی برای توجیه ساختگی تحمیل حجاب بر زنان و انزوای آنان از جامعه بیرون و محدود نمودن آن‌ها در خانه گردید. به خوبی می‌توان این طرز فکر را تجدید دیدگاه دوران باستان دانست مبنی بر اینکه زن وسوسه‌گر است و باید مرد با تقوی را از او حفظ کرد و اینکه زن از نظر قوای عقلانی پائین‌تر از مرد است و بنابراین برای کسب علم و مشارکت در حیات عقلانی جامعه مناسب نیست. انزوای زنان شرایطی را به وجود آورد که تعصبات مردانه را در مورد تحقیر زن تشدید نمود. بدین ترتیب زنان با محرومیت از تحصیل علم و عدم مشارکت در فعالیت‌هایی که از نظر فرهنگی توان‌دهنده و از نظر عقلانی الهام‌بخش و یا از نظر مالی سودمند بود محکوم به نادانی و وابستگی کامل به



مردان خانواده گردیدند. زن مطلوب عبارت از زنی بود مطیع که تماماً تابع دستور مردان خانواده، در درجه اول پدر و بعد برادران و سپس شوهر باشد و در صورتی که جرأت می‌کرد ایستادگی کند و استقلال رأی از خود نشان دهد در معرض مجازات، آزار و اذیت و طلاق قرار می‌گرفت. در بعضی از احادیث به غلط آمده است که حضرت محمد اشاره کرده‌اند که تعداد زنان در جهنم زیاد است و علت آن را نافرمانی و بی‌وفائی آنان نسبت به شوهرانشان دانسته‌اند. این چنین نظریاتی، دینی را که در رفع بت پرستی موفق بود و پرستش بت‌گونه شوهران را از ناحیه زنان درخور مجازات آتش دوزخ می‌دانست تحریف نمود.<sup>۱۴</sup>

در حالی که توازن طبیعی که از تساوی جنسی ناشی می‌شد مختل شده بود، تکبر و نخوت مردانه و توجه به افتخار و عزت تقویت گردید. بی‌کاری و تبیلی زن نشانه‌ای از ثروت و وفور نعمت شوهر بود و اشتغال او به کار در خارج از منزل به غرور و شرف شوهر لطمه می‌زد. اگر زن فرزند دختر به دنیا می‌آورد باز غرور و شرف شوهر را لطمه‌دار می‌ساخت، چه که فرهنگ عامیانه بر این تأکید داشت که هر یک از والدین که قوی‌تر و مسلط‌تر باشند جنسیت جنین را تعیین می‌نمایند.

تمایل به تنزل دادن زنان به وسیله‌ای برای ارضای تمایلات جنسی با پذیرش عمومی تفسیرهای ادیبانه آیات قرآن تقویت گردید. یکی از نمونه‌های آن را در قرآن، سوره طور آیه ۲۰ می‌توان یافت که پاداش مؤمنین را بعد از ترک این دنیا با این بیان تعیین نموده است: "و زوجناهم بحور عین" (ترجمه: و حوران درشت چشم را همسر آنان گردانده‌ایم). معنی ظاهری کلمه عربی "حور" "پاک و دست نخورده" است. مفسرین بر اساس این بیان، شرح واضحی از بهشتی برای مردان ترسیم نموده‌اند که در آن دوشیزگان باکره زیبا برای ارضای تمایلات جنسی آنان به وفور در دسترس هستند. این تصویر از بهشت که نشان دهنده محلی برای شهوت‌رانی و هرزگی است هم‌چنان در اذهان باقی مانده است، با وجود آنکه تجزیه و تحلیل‌های دقیق بعضی از مفسرین مسلمان مانند مولانا محمد علی نشان می‌دهد که بر اساس مفهوم و استعمال لغات عربی و لحن قرآن، زنان و مردان هر دو از پاداش اخروی

برخوردار می‌شوند و اصطلاح "حور" به‌طور صحیح به حقایق روحانی که قبلاً از دید و درک خارج بوده اشاره دارد.<sup>۱۵</sup>

به‌طور خلاصه می‌توان گفت در آداب اسلامی و مسیحیت هر دو جنبه‌های قابل توجهی یافت می‌شود که با تعالیم روحانی بنیانگذاران این ادیان در مورد تساوی معنوی زن و مرد فاصله بسیار دارد. طرز فکر سنتی جوامع اولیه نسبت به زن در تحقیر مقام زن و سلب آزادی‌هایی که برای زنان در این ادیان تعیین شده بود مؤثر واقع گردید و در نتیجه زندگی میلیون‌ها زن مؤمن به این ادیان را محکوم به تیره‌روزی، تحقیر و نادانی نمود. با کمال تأسف باید گفت که عکس‌العمل امروزی در قبال این سوابق اسفبار ظلم و ستم، در بعضی نقاط جهان محکوم نمودن بنیانگذاران این ادیان به خاطر رفتار پیروان گمراه و بداندیش آن‌ها بوده است و بعضی از منتقدین تا جایی پیش رفته‌اند که به‌طور کلی از ترک دین به عنوان شرط لازم برای آزادی زنان حمایت کرده‌اند. هیچ‌یک از این دیدگاه‌ها درست نیست. هدف دیانت بهائی در این مورد آن است که با استفاده از قدرت دین به این تساوی و آزادی نائل گردد و با ارائه عهد و میثاق که یکی از جنبه‌های مهم تعالیم این دیانت است، اصول دقیقی منظور کرده است که تعالیم را از تحریف و تبدیل که در مورد ادیان گذشته بسیار مخرب بوده حفظ نماید.

### تعالیم بهائی در باره مساوات

اصل وحدت عالم انسانی در آثار بهائی به عنوان محوری توصیف شده که سایر تعالیم حضرت بهاء‌الله طائف حول آن است. بیت‌العدل اعظم با تأکید بر اهمیت این اصل، در دستخطی که از طرف آن مرجع صدور یافته می‌فرمایند: "مقتضیات آن چنان وسیع و گسترده است که بر جمیع اعمال و افعال انسانی تأثیر گذاشته موجب تغییر و تحول آن‌ها می‌گردد. اصل وحدت عالم انسانی خواستار تغییری اساسی در نحوه ارتباط مردم با یکدیگر و نیز ریشه‌کن کردن عادات قدیمه‌ای است که منافی لزوم رعایت احترام و ملاحظه دیگران، که از حقوق حقه بشری آنان است، می‌باشد." (ترجمه)<sup>۱۶</sup>

تساوی حقوق زن و مرد یکی از عوامل مهم حصول وحدت خانواده بشری است. دیانت بهائی اولین دینی است در تمامی تاریخ تمدن بشری که در میان عناصر اصلی تعالیم خود نه فقط تأکید نموده است که تساوی حقوق زن و مرد می‌بایستی به عنوان یک واقعیت روحانی پذیرفته شود، بلکه این تساوی باید هم در آداب فردی و هم در روابط اجتماعی هر دو ظاهر گردد. این تعهد تام نسبت به رعایت کامل مساوات در همه جنبه‌های حیات بشری یکی از ویژگی‌های خاصّ دیانت بهائی است. از دیدگاه دیانت بهائی، مساوات صرفاً کسب حقوق و برخورداری از امکانات شخصی نیست، بلکه این مساوات شرط اساسی استقرار صلح بوده حصول آن برای پیشرفت کامل زن و مرد هر دو ضروری است. تعریف مساوات از دیدگاه دیانت بهائی را با توجه به تمامی تعالیم این آئین می‌توان دریافت و نمی‌توان آن را در یک عبارت یا بیان مختصر و موجز خلاصه نمود.

تغییراتی که در سطح فردی و اجتماعی بتواند تساوی زن و مرد را به عنوان یک واقعیت تأسیس نماید بسیار وسیع و گسترده است. اجرای مساوات مستلزم نه فقط تغییرات اساسی در طرز فکر و رفتار زن و مرد هر دو می‌باشد، بلکه یک دگرگونی بنیادین در ساختار جامعه نیز لازم است تا حقوق قانونی و هم‌چنین امکانات تحصیلی و استخدامی لازم برای زنان منظور گردد. یکی از ویژگی‌های ممتاز رویکرد در مورد تغییراتی که در آثار بهائی ارائه شده است این است که اجرای مساوات را از ناحیه مرد و زن به نحوی که در واقع اتحاد اساسی خانواده و جامعه حفظ و تقویت گردد، حمایت می‌نماید. روش‌هایی که به کار می‌رود بر همکاری، تشویق و حمایت متقابل و مشورت تأکید دارد.

### یک اصل روحانی و اجتماعی

حضرت بهاءالله صریحاً از تساوی روحانی زن و مرد حمایت می‌نمایند. می‌فرمایند "جمعیت بدانند . . . اناث و ذکور عندالله واحد بوه و هست" و نیز می‌فرمایند: "امروز ید عنایت فرق را از میان برداشته. عباد و إماء در صقع واحد

مشهود. "حضرت بهاء الله تصریح می فرمایند "أحب الخلق عند الحق ارسخهم و اسبقهم فی حب الله جل جلاله"<sup>۱۸</sup> (مضمون بیان: محبوب ترین مردم نزد خداوند ثابت قدم ترین آن‌ها و سبقت گیرنده ترین آن‌ها است در دوستی خدائی که بزرگ است جلال او).

حضرت عبدالبهاء تأیید می فرمایند که مردان و زنان مظاهر اسماء و صفات الهی هستند و صریحاً می فرمایند "فلا فرق بینهم و بینهن من حیث الروحانیات"<sup>۱۸</sup> در یکی از الواح در باره ماهیت روح چنین می فرمایند: "اعلمی ان التذکیر و التانیث من مقتضیات عالم الاجسام و لیس لهما تعلق فی الارواح. فالروح و عالمه مقدس عن هذه الشؤون و منزّه عن کلّ تعبیر يقع علی الاجسام فی عالم الامکان."<sup>۱۹</sup> (مضمون بیان: بدان که جنسیت مرد و زن از مقتضیات عالم جسمانی است و تعلقی به روح ندارد، زیرا روح و عالم روحانی از این شئون مقدس است و از هر تغییر و تبدیلی که بر اجسام در این عالم امکان واقع می گردد منزّه می باشد).

همچنین، حضرت عبدالبهاء بینشی در مورد آنچه که امروز، در مقایسه با زمان گذشته، در ارتباط با تجلی عملی این اصل روحانی لازم است ارائه فرموده اند:

"در ایام گذشته عالم اسیر سطوت و محکوم قساوت و قوت بود و رجال به قوه شدت و صلابت جسماً و فکراً بر زنان تسلط داشتند اما حال این میزان به هم خورده و تغییر کرده قوه اجبار رو به اضمحلال است و ذکاء عقلانی و مهارت فطری و صفات روحانی یعنی محبت و خدمت که در نسوان ظهورش شدیدتر است رو به علو و سمو و استیلا است پس این قرن بدیعه شئونات رجال را بیشتر ممزوج با کمالات و فضائل نسوان نماید."<sup>۲۰</sup>

تساوی زن و مرد به عنوان یک اصل روحانی ارتباط به تمامی نوع بشر دارد. بنابراین تساوی جنسی حکمی نیست که فقط به نیمی از نژاد بشری مربوط باشد. اجرای آن وظیفه روحانی همه زنان و مردان بهائی به طور یکسان می باشد. همه بهائیان موظفند در اجرای این اصل در رفتار شخصی خویش، به عنوان یک اعتقاد خود را متعهد بدانند، دیگران را به اجرای آن تشویق کنند و عواملی را که موجب انعکاس این اصل در عملکرد نهادهای جامعه

می‌گردد تقویت نمایند. به علاوه برای تأکید بر تساوی روحانی، تعالیم بهائی به وضوح تأیید می‌نماید که خصائص اخلاقی و استعدادهای عقلانی زنان برابر مردان است و زنان مستحق برخورداری از حقوق و امکانات مساوی با مردان هستند.

آثار دیانت بهائی شرایطی عملی را جهت پیشبرد تساوی زن و مرد، برای توسعه و گسترش مشارکت کامل آنان و برای اصلاح و تعدیل "عادات و رفتار ناهنجار" که سدّ راه آزادی زنان می‌باشد، در بر دارد. از دیدگاه دیانت بهائی، آزادی زنان مستلزم تحقق شرایط ضروری مهمی است. این شرایط شامل احترام به حقوق انسانی زن، منظور نمودن حقوق مدّتی و قانونی مساوی با مردان و به‌طور کلی حفظ این حقوق و حمایت از آن از طرف جامعه می‌باشد. حضرت بهاء‌الله در یکی از الواح صریحاً می‌فرماید که "قلم اعلی فرق مابین عباد و إماء را از میان برداشته و کلّ را در صقع واحد ... مقرر و مقام عطا فرمود". حضرت عبدالبهاء اشاره می‌فرماید که "نساء و رجال کلّ در حقوق مساوی، به‌هیچ‌وجه امتیازی در میان نیست" و بر این حقیقت تأکید می‌نماید که "عدل الهی کلّ را مساوی خلق فرموده، در نزد خدا ذکور و انثائی نیست هرکس قلبش پاک‌تر عملش بهتر در نزد خدا مقبول‌تر، خواه زن باشد خواه مرد."<sup>۲۱</sup>

بعضی از مفاهیم حقوق مساوی برای زنان به‌طور وضوح در آثار دیانت بهائی مشخص شده است. این حقوق برخورداری از امکانات مساوی در تحصیل و استخدام، حق رأی دادن و مشارکت در دولت و مساوات در همه جنبه‌های زندگی را در بر می‌گیرد. تذکر این نکته حائز اهمیت است که این نصوص معتبر در آثار بهائی از دید بهائیان جلوه‌ای از اراده الهی است، بنابراین بهائیان تغییر در طرز فکر عمومی و نیز در نظام‌های حقوقی را به منظور رعایت این واقعیت یک تعهد دینی برای خود می‌دانند. زنان را به زور از این حقوق و مزایا محروم کردن عملی ضد اخلاقی، ظالمانه و سرپیچی از قوانین الهی است. این عمل اثری مخرب بر حسن اعتماد به نفس زن و توازن فکری او داشته جو مساعد جامعه را "از لحاظ اخلاقی و روانی" بر هم می‌زند.<sup>۲۲</sup>

آزادی زنان و نیل به مساوات کامل مستلزم شناخت این واقعیت است که زنان و مردان هر دو استعدادها و توانائی‌هایی در وجودشان بودیعه نهاده شده است. به فرموده حضرت عبدالبهاء "... نساء و رجال کل در حقوق مساوی به هیچ وجه امتیازی در میان نیست زیرا جمیع انسانند" <sup>۳۳</sup> نیل به مساوات مستلزم آن است که زنان این امکان را داشته باشند که با تحصیل علم و مشارکت در همه مساعی بشری، توانائی‌های خود را نشان دهند.

### تعلیم و تربیت دختران و زنان

آثار دیانت بهائی تأیید می‌نماید که بسیاری از تفاوت‌هایی که بین زن و مرد دیده می‌شود، وظائف مختلفی که بر عهده آن‌ها گذاشته می‌شود و نابرابری‌هایی که هنوز در بین آن‌ها وجود دارد به علت آن است که زنان از تحصیل علم و کسب امکانات توسعه مهارت‌هایی که آنان را قادر به مشارکت کامل در امور اجتماع می‌سازد محروم بوده‌اند و در بسیاری از نقاط جهان هنوز هم از این امکانات محروم می‌باشند. حضرت عبدالبهاء در یکی از خطابات می‌فرماید:

"تفاوت بین قابلیت زن و مرد کلاً بر اثر فرصت و تعلیم و تربیت است. زنان تا کنون از حق و امتیاز مساوی با مردان برخوردار نبوده‌اند. شکی نیست که اگر به آن‌ها فرصت مساوی اعطاء می‌شد مانند مردان می‌بودند." <sup>۳۴</sup> (ترجمه به مضمون)

حضرت عبدالبهاء به نقش تعلیم و تربیت در استقرار برابری زن و مرد باز اشاره می‌فرماید:

"اگر زن کاملاً تعلیم یابد و حقوقش رعایت شود، قابلیت پیشرفت‌های شگرفی پیدا می‌کند و تساوی خود را با مرد به ثبوت می‌رساند. زن همکار، متمم و معاون مرد است. هر دو انسانند، هر دو استعدادهای عقلاتی دارند و دارای فضائل انسانی می‌باشند. آن‌ها در تمام قوا و وظائف انسانی شریک و مساویند. در حال حاضر، زن در میادین فعالیت‌های بشری، به علت فقدان تعلیم و تربیت و امکانات، امتیازات ذاتی

خود را ظاهر نمی‌سازد. بی‌شکّ تعلیم و تربیت برابری او را با مرد تثبیت خواهد نمود.<sup>۲۵۱</sup> (ترجمه به مضمون)

حضرت عبدالبهاء بر اهمیت نمودن امکانات مساوی با مردان برای زنان تأکید فرموده‌اند. در این مورد اشاره می‌فرمایند که "این تفاوتی که الآن مشهود است از تفاوت تربیت است زیرا نساء مثل رجال تربیت نمی‌شوند" و اضافه می‌فرمایند: "اگر مثل رجال تربیت شوند در جمیع مراتب مساوی شوند زیرا هر دو بشرند و در جمیع مراتب مشترک."<sup>۲۶</sup>

در تعالیم بهائی برای کسب دانش به اشکال مختلف تأکید زیادی شده و تعلیم و تربیت بسیار ارزشمند شمرده شده است. بر طبق بیان حضرت عبدالبهاء تعلیم و تربیت هر طفلی اجباری و الزامی است. می‌فرمایند "تعلیم و تربیت عمومی یک قانون عمومی است" و توجه را به اثری که اجرای این دستور در تغییر طرز فکر تعصّب‌آمیز ستّی، در برطرف نمودن موانع تساوی جنسی و پیشبرد شناسائی وحدت عالم انسانی دارد جلب می‌نمایند.<sup>۲۷</sup> در باره این موضوع، حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"... جمیع عالم باید تحصیل معارف کنند تا سوء تفاهم از میان برخیزد جمیع بشر متحد شوند و ازالّه سوء تفاهم به نشر معارف است."<sup>۲۸</sup>

بیت‌العدل اعظم در همین ارتباط، در وعده صلح جهانی اشاره می‌فرمایند که "جهل علت اصلی سقوط و عقب ماندگی مردم و پایداری تعصبات است." در نتیجه "هیچ کشوری موفق نمی‌شود مگر آنکه تمام مردمش از تعلیم و تربیت نصیب یابند."<sup>۲۹</sup>

تأکیدی که بر تعلیم و تربیت دختران و زنان در دیانت بهائی شده است در تاریخ ادیان جهان بی‌نظیر و نمایانگر پیشی کاملاً انقلابی است. حضرت عبدالبهاء حتی از این بیان که تعلیم و تربیت برای پیشرفت زن و داشتن نقش مساوی با مردان در جامعه ضرورت دارد نیز فراتر رفته و فرموده‌اند که تحت شرایط خاص، تعلیم و تربیت دختران ارجحیت دارد. در الواح خود، در حالی که توجه والدین را به مسئولیت خود در تربیت فرزندان جلب می‌نمایند، صریحاً مشخص می‌فرمایند که "تربیت نساء اعظم و اهمّ از تربیت رجال است"، چه که دختران روزی مادر شوند و مادران اولین مربیان اطفال هستند.

اگر برای خانواده‌ای فراهم نمودن امکانات تحصیلی برای همه فرزندان، به علت محدودیت منابع مالی میسر نباشد در آن صورت به تحصیل دختران باید ارجحیت داده شود تا به این ترتیب، روند نادانی که بر اثر محرومیت مادر از تعلیم و تربیت، از نسلی به نسل بعدی سرایت می‌نماید متوقف گردد. بیت‌العدل اعظم نیز با تأکید بر این دستور حضرت عبدالبهاء از "اصحاب قدرت" که به "تعلیم و تربیت عمومی" اشتغال دارند دعوت می‌نماید که "اولویت و ارجحیت را به تعلیم زنان و دختران اختصاص دهند زیرا به واسطهٔ مادران درس خواننده و تعلیم یافته است که ثمرات علم و دانش را سریعاً و قاطعاً می‌توان در تمام جامعهٔ بشری انتشار داد."

یکی از پی‌آمدهای تأکید دیانت بهائی بر تعلیم و تربیت دختران این است که توجه را به ارزش و اهمیت کودکان دختر جلب می‌نماید. این تأکید حائز اهمیت است، چون که در بسیاری از فرهنگ‌ها، کودکان دختر موقعیت اجتماعی پائین‌تری داشته و از حقوق و مزایایی کم‌تر از برادران خود برخوردار بوده‌اند. بسیاری از جوامع به نحو سنتی یک سلسله ارزش‌ها و توقعات متفاوت و تبعیض‌آمیزی را بر دختران تحمیل می‌نمایند. اغلب تصمیمات خانواده در مورد نحوهٔ توزیع مواد غذایی، تقسیم کارهای سخت روزانه، میزان رعایت بهداشت و برخورداری از تحصیلات، به نفع پسران و به زیان دختران بوده است.<sup>۳۱</sup>

از همان آغاز تأسیس دیانت بهائی، حضرت عبدالبهاء با تشویق بهائیان ایران به تأسیس مدارس دخترانه در زمانی که هیچ‌گونه تدارکی برای تحصیل دختران در جامعه ایرانی وجود نداشت، تعهد جامعه بهائی را به تعلیم و تربیت دختران نشان داده است. آن حضرت با جلب توجه احباء به اهمیت این فعالیت می‌فرمایند "مدرسهٔ بنات را نیز خیلی اهمیت بدهید زیرا ترقی عالم نساء سبب ظهور عظمت و بزرگواری این کور بدیع است."<sup>۳۲</sup> نقش خانواده بهائی در تعلیم و تربیت فرزندان دختر در فصل سوم این کتاب آمده و نقش کنونی جامعه جهانی بهائی در مورد تعلیم و تربیت دختران و زنان در فصل ششم توصیف شده است.



یکی دیگر از ویژگی‌های برجسته تعالیم بهائی در مورد تساوی حقوق زن و مرد این است که این تعالیم انتخاب برنامه آموزشی یکسانی را برای زن و مرد توصیه می‌نماید. حضرت عبدالبهاء اشاره می‌فرماید که "دختر و پسر تربیت واحد گردند" و تأیید می‌نمایند که "اگر زنان همان امکانات آموزشی مردان را داشته باشند و مانند مردان تربیت شوند، همان قابلیت‌ها و توانایی‌ها را از خود نشان خواهند داد"<sup>۳۳</sup> (ترجمه به مضمون). ارائه مواد درسی واحد به پسر و دختر به‌طور یکسان از این گرایش فراگیر جلوگیری می‌نماید که زنان و مردان بدون توجه به استعدادهای آنان به رشته‌های مختلف تحصیلی هدایت شوند. روش متداول و معمول این است که دختران تشویق می‌شوند که رشته‌هایی مانند علوم انسانی، علوم اجتماعی و فنون خانه‌داری را فراگیرند، در حالی که پسران به علوم فیزیک و فنون صنعتی و حرفه‌ای روی می‌آورند. در نتیجه زنان و مردان به نحو تبعیض‌آمیزی در رشته‌های مختلف کاری با دستمزدهای متفاوت قرار می‌گیرند. این گرایش آن‌چنان گسترده است که این طرز فکر را تقویت می‌نماید که زنان توانایی و استعداد آن را ندارند که در رشته‌هایی که معمولاً مردان در آن تسلط دارند موفق گردند. پی‌آمدهای ارائه مواد درسی به نحوی که تفاوتی از نظر جنسیت منظور نگردد بسیار عمیق بوده موجب تحولات گسترده‌ای در جامعه خواهد شد.

تعالیم بهائی در مورد اهمیت تعلیم و تربیت دختران و زنان وسیله مهمی جهت مطرح نمودن مفهوم جدیدی از تساوی بین زن و مرد خواهد بود. این تعالیم بر ارزش زن تأکید دارد و به زنان فرصت و امکان می‌دهد که مهارت‌ها و توانایی‌های خود را نشان دهند، خود را برای مشارکتی فعال در همه جنبه‌های مساعی بشری آماده سازند و با توانایی بیشتری وظائف خود را به عنوان مادران و تربیت‌کنندگان نسل آینده ایفاء نمایند. هم‌چنین این تعالیم موجب تجدید نظری در طرز فکر سنتی نسبت به زنان می‌گردد، برای جبران آداب تبعیض‌آمیز گذشته کمک می‌کند و زمینه را برای تغییر مواد درسی و برطرف نمودن موانع جنسیت‌گرای موجود در محیط کار آماده می‌سازد.

## مشارکت زنان در امور جهان

وظیفه مادری و اولین مربی نسل جدید بودن نمایانگر مقام بالائی در تعالیم بهائی است. اما این بدان معنا نیست که دیانت بهائی خواهان آن است که نقش زنان را منحصر به محیط خانه بداند. برعکس دیدگاه بهائی در مورد تساوی زن و مرد مستلزم آن است که زنان در همه فعالیت‌ها شرکت داشته باشند، چنانچه حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "زنان باید ترقی کنند و وظیفه‌شان را به‌تمامه در مدارج حیات اجرا دارند مثل مردان شوند باید به درجه رجال رسند و در حقوق متساوی گردند." <sup>۳۴</sup> معیار مشارکت کامل به نحوی که در آثار بهائی آمده است ایجاب می‌نماید که زنان برای مشارکت در تمامی زمینه‌های مساعی بشری فراخوانده شوند. در واقع تصور "کار زنانه" و "کار مردانه" کاملاً نامربوط خواهد شد. این گرایش با آداب مذهبی اعصار گذشته - و حتی با آدابی که در حال حاضر در بعضی نقاط جهان معمول است - در تضادی آشکار قرار می‌گیرد، جایی که زنان می‌بایستی فقط به امور منزل مشغول باشند و اشتغال به تجارت و مشاغل را به عهده مردان واگذارند. حرکت و ورود زنان به میدان وسیع‌تری از فعالیت‌ها در قرن بیستم به قیمت متهم نمودن آنان به خیانت کردن به نقش مقدّر و محتوم زن و سرزنش آن‌ها به خاطر وارد آمدن فشار بر اتحاد خانواده و مشکلات مربوط به رفتار نوجوانان در دوران معاصر تمام شده است.

در بیانات حضرت عبدالبهاء، از زنان خواسته شده که در کنار امور دیگر، "با اطمینان و لیاقت به عرصه مهمّ حقوق و سیاست وارد شوند" و "قوا و توانائی خود را صرف علوم کشاورزی و صنعت نمایند" <sup>۳۵</sup> (ترجمه به مضمون) اینکه حضرت عبدالبهاء این رشته‌ها را پیشنهاد فرموده‌اند نباید حمل بر این گردد که زنان باید از اشتغال به مشاغل گوناگون دیگر که آن حضرت ذکر نفرموده‌اند خودداری نمایند. ولی جالب توجه است که این مشاغل به‌خصوص به‌طور سنتی فقط منحصر به مردان بود و زنانی که در مقام وارد شدن به این نوع مشاغل بر می‌آمدند با تعصب شدیدی روبرو می‌شدند.

دیانت بهائی عدالت را اصل کنترل کننده عملکرد مؤسسات اجتماعی قرار داده تا جایی که مؤسسات اجتماعی خود را بیت‌العدل خوانده است. کاربرد عدالت در مورد استخدام یعنی انتصاب، ترفیع و پاداش مستقیماً به نفع زنان خواهد بود، به علاوه مقررات اخلاقی بهائی زنان را در مقابل تهدید و مزاحمت در محیط کار حفظ می‌نماید.

مشارکت کامل و مساوی زنان در حیات جامعه از شرایط اولیه صلح است. بیت‌العدل اعظم در این مورد چنین توضیح می‌دهند:

"آزادی زنان و وصول به تساوی میان زن و مرد هر چند اهمیتش چنانکه باید هنوز آشکار نباشد یکی از مهم‌ترین وسائل حصول صلح جهانی محسوب است. انکار تساوی بین زن و مرد نتیجه‌اش رواداشتن ظلم و ستم به نیمی از جمعیت جهان است و چنان عادت و رفتار ناهنجاری را در مردان بوجود می‌آورد که اثرات نامطلوبش از خانه به محل کار و به حیات سیاسی و مآلاً به روابط بین‌المللی کشیده می‌شود. انکار مساوات میان زن و مرد هیچ مجوز اخلاقی و علمی یا طبیعی ندارد و فقط زمانی که زنان در جمیع مساعی بشری سهمی کامل و متساوی داشته باشند از لحاظ اخلاقی و روانی جوّ مساعدی خلق خواهد شد که در آن صلح جهانی پدیدار گردد." ۳۶

تعلیم و تربیت زنان به آنان امکان دستیابی به مقامات مربوط به مرجعیت قدرت را در سطح جهان می‌دهد. یک چنین مقاماتی زنان را قادر می‌سازد تا بر افکار اثر گذارند، جوّی صلح‌جویانه در محیط دولتی و اداری بوجود آورند و در امر تصمیم‌گیری که بر آینده جامعه اثر می‌گذارد شرکت نمایند. حضرت عبدالبهاء با تأکید بر اهمیت سهم زنان در صلح می‌فرماید: "هنگامی که زنان به‌طور کامل و مساوی در امور جهان مشارکت نمایند ... جنگ متروک گردد." هم‌چنین حصول تساوی زن و مرد را با صلح پایدار مرتبط می‌داند: "وقتی ... تساوی زن و مرد تحقق پذیرد بنیان جنگ به کلی از بین رود. بدون مساوات این امر محال است ..."<sup>۳۷</sup> نقش خانواده بهائی در پیشبرد صلح در فصل سوم توضیح داده شده است.

### مکمل یکدیگر، نه مثل یکدیگر

یکی از جالب‌ترین مسائلی که در سال‌های اخیر در مورد تفاوت‌های موجود بین زن و مرد به‌غیر از خصوصیات آشکار جسمانی مطرح گردیده تلاش برای درک کامل روابط بین این دو جنس بوده است. از یک سو گروهی معتقدند که هیچ‌گونه فرقی بین آن‌ها نیست و پافشاری می‌کنند که وظائف و رفتار مساوی در مورد زن و مرد باید معمول گردد. گروهی دیگر زن و مرد را از نظر طبیعت و خصوصیات اساساً متفاوت می‌دانند. یک چنین دیدگاهی نظریات کلیشه‌شده‌ای را ترویج می‌دهد که مردان به خاطر عقلانی بودنشان و زنان به لحاظ بصیرتشان شاخص و ممتاز می‌باشند، توصیفی که به آسانی می‌تواند دست‌آویزی گردد برای رفتار تبعیض‌آمیز نسبت به زنان و محروم نمودن آن‌ها از مشاغلی که به قدرت فکری و عقلانی متکی است. تلاش در جهت حل این مسئله صرفاً با مشاهده و مطالعه رفتار امروزی دارای ارزش‌چندانی نیست زیرا که این رفتار در جامعه‌ای رخ داده که در آن تبعیض سنتی نقش زن و مرد و عدم تساوی آن‌ها و انکار فرصت دادن به زنان ملاحظه می‌شود. مطالعات ژنتیکی و فیزیولوژیکی اعصاب هنوز در مراحل اولیه است ولی با پیشرفت این مطالعات در آینده بدون شک اطلاعات مفیدی در این زمینه ارائه خواهد شد.

سهم ارزنده دیانت بهائی در مورد این مسئله جالب و پیچیده را در بیاناتی که به وظائف تکمیل‌کننده زن و مرد اشاره می‌کند می‌توان یافت. این بیانات دلالت دارد بر اینکه در چارچوب مساوات، تفاوت‌هایی بین وظائف وجود دارد. در باره این موضوع بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند:

"از مقتضیات بدیهیه طبیعت است که مرد و زن از حیث بعضی از خصوصیات با یکدیگر متفاوتند و این تفاوت‌های طبیعی است که زن و مرد را در بعضی از شئون حیات اجتماعی مکمل یکدیگر ساخته است. ملاحظه فرمائید که در این مقام بیان حضرت عبدالبهاء چه قدر اهمیت دارد می‌فرمایند: "در این عصر الهی ... مساوات رجال و نساء جز در مواقع جزئی از جمیع جهات اعلان گردید."<sup>۳۸۱</sup>

در آثار بهائی مثال‌هایی ارائه شده که ترسیم‌گر شباهت‌ها و تفاوت‌هایی است که بین زن و مرد و کیفیت روابط آن‌ها وجود دارد. مثلاً حضرت عبدالیهاء می‌فرمایند:

"عالم انسانی را دو بال است یک بال رجال و یک بال نساء، تا دو بال متساوی نگردد مرغ پرواز ننماید. اگر یک بال ضعیف باشد پرواز ممکن نیست تا عالم نساء متساوی با عالم رجال در تحصیل فضائل و کمالات نشود فلاح و نجاج چنانکه باید و شاید ممتنع و محال."<sup>۲۹</sup>

بال‌های یک پرنده از نظر ساختمانی مشابه هستند و وظائف همانندی دارند. این دو بال صرفاً در دو طرف بدن پرنده قرار دارند و هیچ‌یک از آن‌ها ذاتاً بر دیگری برتری ندارد. هر دو بال باید با هم همکاری کنند تا پرنده بتواند پرواز کند. به همین نحو، هرچند تفاوت‌هایی بین زن و مرد وجود دارد، ولی این تفاوت‌ها آن‌چنان مهم نیست که اصولاً آنان را از انجام وظائف مشابه باز دارد. خصوصیات یکی موجب تقویت خصوصیات دیگری می‌گردد. هر یک برای کارکرد دیگری ضروری است و یک بال به تنهایی و بدون کمک بال دیگر نمی‌تواند به وظیفه خود ادامه دهد.

حضرت عبدالیهاء مثال ساده ولی عمیق دیگری در باره روابط مساوی و تکمیل‌کننده‌ای که باید بین زن و مرد وجود داشته باشد ارائه می‌دهند، می‌فرمایند:

"در هیکل انسان دست راست و دست چپ وجود دارد که در خدمت و اداره بدن مساوی هستند. اگر هر یک معیوب گردد اثرش از نظر کمال کلی طبیعتاً بر دیگری سرایت نماید، زیرا پیشرفت عادی و طبیعی میسر نشود مگر هر دو کامل باشند. اگر بگوئیم یک دست معیوب است ناتوانی و عجز دست دیگر را هم ثابت کرده‌ایم، زیرا با یک دست توفیق کامل حاصل نشود."<sup>۳۰</sup> (ترجمه به مضمون)

درست همان‌گونه که تقریباً غیرممکن است که حتی ساده‌ترین کارها مثل بستن یک گره را با یک دست انجام داد، به همین نحو می‌توان گفت که مشارکت زنان در انجام وظائف جامعه ضروری است. ویژگی‌ها و

مهارت‌های زنان را در امور جهان نمی‌توان به عنوان خصوصیتی "انتخابی و اضافی" تقلیل داد.

این تشبیهات در تجسم اهمیت روابط این دو جنس بسیار گویا و قدرتمند است. عقیده دیانت بهائی در مورد مکمل بودن این دو جنس بر تساوی و وابستگی متقابل زن و مرد تأکید دارد و تصدیق می‌نماید که در بعضی موارد ممکن است نوع مشارکت زنان و مردان متفاوت باشد. هم‌چنین ارزش هر دو را تصدیق می‌نماید و تأیید می‌کند که قانوناً و مشروعاً نمی‌توان سهم یکی را صرفاً به خاطر آنکه به نیمه زن عالم بشری تعلق دارد کم‌ارزش شمرد. این تعالیم بر اهمیت مشارکت کامل زنان و مردان در همه زمینه‌های مساعی بشری تأکید دارد.

## روش جامعه بهائی در مورد اجرای این اصل

روش جامعه بهائی در اجرای اصل تساوی زن و مرد در سطوح گوناگون شکل گرفته است که افراد، اعم از زن و مرد، تشکیلات بهائی و تمامی اعضای جامعه را در بر می‌گیرد. بعضی از ویژگی‌های مهم این روش ذیلاً ذکر می‌گردد، در حالی که کاربرد آن در فصل‌های پنجم، ششم و هفتم توصیف می‌گردد.

### ایجاد جوّ روانی برای تغییر

همان‌طور که قبلاً اشاره شد آئین بهائی ذاتاً یک دین تحول و تغییر است و روش آن برای حصول تغییرات کلی در جامعه بشری مرتبط است با تشخیص عمومی تساوی زن و مرد که در حالی که جامعه بهائی به سوی اهداف خود به پیش می‌رود، طرز فکری مثبت نسبت به تغییر و تحول و نیز صبر و اطمینانی لازم در این جامعه ترویج می‌نماید.

این جوّ تغییر وقتی بوجود می‌آید که مردان و زنان با توجه به واقعیت تازه‌ای که در آثار بهائی منعکس است پندارهای خود را در باره زن مورد تجدید نظر قرار دهند. این امر، نیازمند قبول تعریف جدیدی است از مقام و

نقش زن در اجتماع، تشخیص اینکه برای تغییر عادات و طرز فکر منفی و منسوخه کوششی هم آهنگ از ناحیه فرد فرد زنان و مردان و تمامی جامعه لازم است که ترویج پیشرفت زنان و مشارکت کامل آنان در تمامی جنبه‌های زندگی را شامل گردد.

میل به تغییر در جامعه بهائی با گرایشی به دور از مبارزه جوئی و با صبر و تحمل افراد جامعه و درک متقابل یکدیگر تسهیل می‌گردد. بهائیان تشویق می‌شوند که نسبت به گرایش‌های گوناگونی که ممکن است در فرآیند تغییر بروز نماید بردبار باشند، اما این بردباری نباید با جایز شمردن رفتارهایی که با تعالیم بهائی مطابقت ندارد اشتباه گردد. همکاری بین زن و مرد، تشویق متقابل، مشورت و تصمیم‌گیری مشترک و حمایت از تغییر و تحول در جامعه از ویژگی‌های روش دیانت بهائی در اجرای اصل تساوی می‌باشد.

جنبه مهم دیگری از ایجاد جوئی روانی و معنوی که تحول را تسهیل می‌نماید وحدت درک بهائیان نسبت به وظائفی است که برای حصول تساوی زن و مرد بر عهده آنان می‌باشد. یک چنین وحدتی در درک و استنباط از طریق استفاده از روش‌هایی که جزء لاینفک کارکرد جامعه بهائی است از جمله مشورت و مراجعه به مؤسسات امری و نهایتاً به بیت‌العدل اعظم در صورت لزوم، در مورد هر موضوعی که مبهم بوده یا مورد اختلاف باشد، حاصل می‌گردد. در نتیجه بهائیان می‌توانند با این اطمینان که در جهت صحیح گام برمی‌دارند، علیرغم مشکلاتی که ممکن است در طی راه با آن مواجه شوند، در جهت فرآیند تغییر پیش بروند.

### طرح‌ریزی آینده

اجرای اصل تساوی حقوق زن و مرد در جامعه بهائی به احتمالات و فرصت‌ها موکول نگردیده است، بلکه نتیجه ترویج بینشی روشن از کمال مطلوب حیات جامعه بهائی است که اساس فعالیت‌های برنامه‌ریزی شده‌ای را برای نیل به آینده‌ای درخشان تشکیل می‌دهد. این فعالیت‌ها چندین نوع است و هدف آن‌ها کمک به فرد و جامعه برای درک بهتر اصل مساوات، تشویق

به پذیرفتن ارزش اخلاقی مساوات و عمل به آن و جلب حمایت جامعه برای اجرای این اصل در زندگی فردی و اجتماعی می‌باشد.

الزام نسبت به آرمان تساوی موجب تعهد در بوجود آوردن جامعه‌ای نمونه می‌شود، جامعه‌ای که در آن اصل مساوات حقیقتاً اجرا گردد. دیدگاه یک جامعه نمونه باعث الهام و تشویق فرد و جامعه هر دو می‌شود تا در جهت ایجاد تغییراتی گام بردارند که رفتار فردی و اجتماعی را در جهت نیل به آن آرمان مجهز می‌سازد. هم‌چنین تعهد نسبت به این آرمان به افراد الهام و شهادت می‌بخشد تا گام‌های لازم را در جهت این تحوّل بردارند.

یکی از مفاهیم داشتن آرمانی روشن در پیش رو و در افق جامعه، تشخیص این واقعیت است که همان‌طور که به سوی افق پیش می‌رویم، افق نیز به جلو می‌رود و دیدگاه تغییر می‌کند. در حالی که زمان به سوی آینده در حرکت است، درک اصل مساوات و چگونگی عمل به آن به احتمال قوی دستخوش تغییر می‌گردد. درک بیشتر به بهائیان امکان می‌دهد که به سطح پیشرفته‌ای از تقلیب و دگرگونی شخصی برسند و فعالیت‌های جدیدی را طرح‌ریزی نمایند تا همه اعضای جامعه را قادر به اجرای کامل‌تر اصل مساوات در سطح اجتماعی سازد. در فصل پنجم و ششم این کتاب توسعه مستمر دامنه فعالیت‌های جامعه بهائی در پیشبرد اصل مساوات نشان داده شده است.

برنامه‌های آموزشی به منظور بالا بردن درک فردی از این اصل و ایجاد فرصت برای زنان و مردان که اصل مزبور را در عمل پیاده سازند طرح‌ریزی می‌شود. هدف این برنامه‌ها ایجاد جامعه‌ای است که نمایانگر دیدگاهی مشترک بوده حصول مستمر و تدریجی مساوات را نشان دهد. نمونه‌هایی از این برنامه‌های آموزشی در فصل هفتم آمده است.

### شیوه و روش

از آنجائی که اجرای اصل مساوات مستلزم ایجاد تغییراتی اساسی در ارزش‌های تثبیت شده فردی و نظام‌های تبعیض‌آمیز اجتماعی می‌باشد، نمی‌توان انتظار داشت که صرفاً با حمایت مردم خوش‌نیت که این حمایت را



برای تغییر واقعیات اجتماعی کافی می‌دانند، تحولاتی سریع و فوری در جامعه ایجاد گردد. در واقع روش دیانت بهائی در کسب مساوات، ممارست در برقراری تساوی زن و مرد بر اساسی محکم و پایدار می‌باشد. این روش نمایانگر اجرای این اصل روحانی به شیوه‌ای تکاملی در طی دورانی طولانی است که با تعهدی برای ایجاد تحولات بنیادین تداوم یافته است و با برنامه‌های آموزشی که به منظور کمک به فرد و جامعه برای هم‌آهنگ نمودن تدریجی گرایش‌ها و اعمال با این اصل روحانی طرح ریزی شده حمایت می‌گردد. بدین ترتیب این روش تخیلی نبوده بلکه روشی است واقع‌بینانه و تکاملی که مرحله به مرحله به پیش می‌رود ولی هرگز دیدگاه اهداف دراز مدت را از نظر دور نمی‌دارد. در حالی که این روش ممکن است برای افراد ناشکیبا و بی‌صبر چندان رضایت‌بخش نباشد، ولی این مزیت را دارد که به تحولاتی پایدار منتهی می‌گردد. سوابق موفقیت‌های حاصله در این زمینه که در فصل پنجم و ششم این کتاب شرح داده شده خود مؤید این ادعا است.

برنامه‌ریزی برای این تحوّل که شامل برداشتن گام‌هایی واقعی جهت به کارگیری آگاهانه و کامل اصل اخلاقی مساوات است از ناحیه محافل روحانی و به کمک مشورت با افراد جامعه پشتیبانی می‌گردد. محافل روحانی نه فقط مساعی فردی احباء را در اجرای اصل مساوات در زندگی روزمره حمایت می‌نمایند، بلکه فعالیت‌هایی را برنامه‌ریزی می‌کنند که هم بر اهمیت این اصل تأکید دارد و هم اعضای جامعه را در اقداماتی شرکت می‌دهد که منتهی به تحکیم رفتاری که نمایانگر مساوات است می‌شود. این فعالیت‌های طرح ریزی شده، افراد و جامعه بهائی را قادر می‌سازد که گام بعدی را در جهت پیشرفت فردی و جمعی خود بردارند. شرح مبسوطی از نقش محافل روحانی در تسهیل تغییر و تحوّل در ارزش‌ها و رفتار در فصل هفتم مورد بحث قرار می‌گیرد.

## عصر حاضر

قرن نوزدهم و بیستم را از نظر تاریخی به درستی می‌توان صحنه وقایعی از تلاش‌های بشری برای رهایی از بندها و کسب مساوات و آزادی دانست. تلاش زنان در قرن نوزدهم، بخصوص در جهان غرب، برای به دست آوردن حقوقی مانند حق تحصیل و شرکت در فعالیت‌های عقلانی و تجاری در خارج از خانه با تلاش و درخواست شرکت در انتخابات و مشارکت فعال در امور حکومتی دنبال شد.

در حال حاضر نیروهای قدرتمند بسیاری در کار است تا تساوی جنسی بیشتر و کامل‌تری را ترویج نماید. پیشرفت‌های تکنولوژیکی از قبیل کامپیوتر، وسائل اتوماتیک و سیستم وسیع ارتباطات جهانی ابزاری را فراهم ساخته که زنان می‌توانند زندگی راحت‌تر و کامل‌تری داشته باشند. مشاغل صنعتی، کشاورزی و ساختمانی که قبلاً مستلزم قدرت بدنی بود آن‌چنان تغییر کرده که اکنون نیاز اصلی آن‌ها مهارت فنی در به کار بردن ابزار پیچیده است. تحصیل و ارتباطات از راه دور، زن و مرد هر دو را قادر ساخته که در حالی که در محلی دور دست هستند به کسب آموزش و شرکت در فعالیت‌های حرفه‌ای پردازند. برخورداری از فرصت‌های مساوی و وجود مقررات قانونی برای رفع مزاحمت‌های جنسی در محیط کار توأم با ورود زنان را به حوزه وسیع‌تری از فعالیت‌های سودمند تسهیل نموده است. برنامه‌های رادیو و تلویزیون، زنان کشورهای که از حقوق انسانی محروم هستند را با شرایط پیشرفته‌ای که زنان سایر نقاط جهان از آن برخوردارند آگاه می‌نماید و امید و آرزو را در آن‌ها ایجاد می‌کند.

یک ارزیابی واقع‌بینانه از شرایط عصر حاضر نمی‌بایستی قدرت و امکانات نیروهای واپس‌گرا را نادیده بگیرد که در بسیاری از نقاط جهان در صدد خنثی نمودن پیشرفت‌های چند دهه اخیر و بازگرداندن زنان به جهان محدودی که در مقام رهایی از آن بوده‌اند هستند. از آن‌جائی که جامعه‌ای که در حال تغییر و تحول است دستخوش آشوب و دگرگونی می‌گردد، تمایل روزافزونی دیده می‌شود که مشکلات مختلف جامعه را به زنان نسبت

دهند، در حالی که علل اصلی این بیماری‌های اجتماعی که بشریت را مبتلا ساخته و باعث از دست رفتن ارزش‌های اخلاقی شده نادیده گرفته می‌شود. مردمی که نسبت به آینده مطمئن نیستند و احساس عدم امانت می‌کنند، دل‌تنگ آرامش دوران گذشته و آن ثباتی هستند که با محدودیت شدید زنان و عدم مشارکت آنان در امور جامعه همراه بود. خشونت فزاینده نسبت به زنان و تجاوزات روزافزون نسبت به آن دسته از افراد جامعه که از نظر جسمانی ضعیف‌تر هستند شاهد وضع عمیقاً آشفته‌ای است که با فروپاشی نظم و قانون در همه جا همراه است. با شیوع تعصبات شوم و نامیمون و تندروی‌های مذهبی در بین بسیاری از ادیان بزرگ جامعه بشری، محدود نگهداشتن زنان یکی از اهداف اصلی این گروه‌ها شده است.

جامعه بهائی در بین نیروهای رهاکننده و سرکوب‌کننده که هم‌زمان در جریان هستند برای ایجاد تحولات اساسی در ارزش‌هایی که منتهی به تحوّل پایدار در رفتار بشری می‌گردد به کار خود ادامه می‌دهد. اگر چه برای نیل به اهداف خود جامعه بهائی با نیروهای متحوّل مثبت مساعدت می‌شود ولی این آئین ناگزیر به مواجهه با نیروی‌های متجاوز واپس‌گرا نیز می‌باشد. این جامعه ابعاد وسیع چالشی را که در پیش رو دارد ناچیز نمی‌شمرد و با اطمینان و ایمانی عظیم به قدرت نیروهای روحانی که در تعالیم بهائی به‌ودیه گذاشته شده و مساعی بهائیان را در تمام نقاط جهان تقویت می‌نماید وظائف خود را دنبال می‌کند.

## فصل سوم

### پویائی خانواده و صلح

"انکار تساوی بین زن و مرد نتیجه‌اش روا داشتن ظلم و ستم به نیمی از جمعیت جهان است و چنان عادت و رفتار ناهنجاری را در مردان بوجود می‌آورد که اثرات نامطلوبش از خانه به محل کار و به حیات سیاسی و مآلاً به روابط بین‌المللی کشیده می‌شود."

بیت العدل اعظم

## خانواده در مقام پرورشگاه

یکی از متداول‌ترین نگرانی‌ها در مورد اجرای اصل تساوی زن و مرد در فصل دوم مورد بحث قرار گرفت و آن این است که اجرای این اصل باعث برهم زدن ساختار خانواده، فروریختن اساس زندگی زناشویی و شیوع بی‌نظمی در خانواده و اختلال ثبات جامعه بشری می‌گردد. طرفداران این نظریه به آسانی شواهدی را ارائه می‌دهند که در آن فمینیسم افراطی حالتی خصمانه و پرخاشگر نسبت به مردان دارد و شرایطی را به وجود آورده که خود بهانه به دست کسانی می‌دهد که به غلط می‌گویند خواست تساوی زن و مرد برخلاف نظام طبیعت است و به خاطر حفظ اساس ازدواج و ثبات خانواده که در آن کودکان بتوانند پرورش یابند، ترک آن واجب است. اگر هدف این گروه آن است که نظام دیرینه پدرسالاری را در خانواده حفظ کنند، البته شکی نیست که اجرای تساوی جنسی این ساختار را شدیداً برهم می‌زند.

در این فصل دیدگاه دیانت بهائی در مورد اثر اصل تساوی جنسی بر خانواده و بر روابط اجتماعی مورد بررسی قرار می‌گیرد. تعالیم بهائی خواهان نوع جدیدی از تحرک و پویایی در خانواده بر اساس اصل تساوی است که ساختاری از خانواده را ارائه می‌دهد که با نیازهای عصر کنونی مناسبت دارد و ذاتاً بسیار محکم‌تر و پایدارتر از ساختار خانواده در دوران‌های گذشته است. ساختاری که برای همه اعضای خانواده اعم از زن و شوهر و فرزندان به طور یکسان نیل به موفقیت و رضایت‌مندی را فراهم می‌سازد که در غیر از این شرایط حصول آن ممکن نیست.

علاوه بر این دیانت بهائی مدعی است که رابطه نزدیکی بین این روش تازه نسبت به وظائف خانواده، و نیل به صلح جهانی و حفظ آن وجود دارد. آثار بهائی نمایانگر دیدی مثبت و الهام‌بخش نسبت به آینده است. این آثار بر اجتناب‌ناپذیر بودن صلح جهانی تأکید دارد، صلحی که بر اساس عمل به ارزش‌های اخلاقی و روحانی و شناسائی اتحاد خانواده بشری متکی است، صلحی که نشان دهنده آزادی و مشارکت کامل زنان و مردان در جامعه است

که خود نمایانگر اتحاد و بلوغ نژاد بشری می‌باشد و صلحی که ظهورش می‌تواند با حمایت آگاهانه و فعالانه افراد تحقق پذیرد. آثار بهائی نه فقط بر رابطه بین مساوات و صلح تأکید دارد، بلکه بر نقش مهم خانواده نیز به‌عنوان محیطی که می‌تواند گرایش‌های مخرب و یا سودمند با روند صلح را پرورش دهد اهمیت می‌دهد.

حضرت عبدالبهاء خانواده را به عنوان نمونه کوچکی از خانواده ملل در نظر می‌گیرند. در بیان ذیل توجه را به تأثیر جو روانی خانواده و اثرات رفتار فردی بر صلح و امنیت تمامی جامعه معطوف می‌فرمایند:

"ملل را می‌توان قیاس بر افراد عائله کنیم. عائله متشکل از افراد است و هر ملتی نیز متشکل از افراد و اشخاص و اگر جمیع ملل را جمع کنید یک عائله عظیمه گردد. و این واضح است که نزاع و جدال بین افراد یک عائله سبب خرابی است همین نوع جنگ و حرب مابین ملل مورث انهدام عظیم است."<sup>۱</sup>

حضرت عبدالبهاء با تأکید بر چالشی که هر فرد و هر خانواده در برگزیدن طرز فکر و عملی که مروج اتحاد و صلح باشد با آن روبروست، چنین توصیه می‌فرمایند:

"به اثر مخرب اختلاف و دشمنی در خانواده نظر نمائید و آنگاه به منافع و برکات نازله بر آن خانواده وقتی که اتحاد بین اعضای مختلف آن وجود دارد بیاندیشید. حال چه منافع و برکات بی‌شماری بر خانواده بشری نازل می‌شود، اگر برادری و اتحاد بین افراد آن جامعه برقرار گردد."<sup>۲</sup> (ترجمه به‌مضمون)

در این فصل، نقش خانواده را در مقام پرورشگاهی برای کسب ارزش‌های اخلاقی مورد بررسی قرار می‌دهیم. در این راستا منشأ بعضی از "عادات و رفتار ناهنجاری" را که در خانواده شکل می‌گیرد و طرقی را که به‌وسیله آن این افکار و عادات به محیط کار و به دنیای سیاست و روابط بین‌المللی<sup>۳</sup> راه می‌یابد مورد مطالعه قرار می‌دهیم. این روش نشان می‌دهد که چگونه دیدگاه دیانت بهائی در مورد خانواده که بر تعالیم واضح و روشن این آئین مبتنی است به تغییر جو اخلاقی و روانی جامعه و به پیشبرد افکار و رفتار

مثبت اعضای این جامعه کمک می‌کند و به نوبه خود در تأسیس صلح مؤثر است.

## ارزش‌های سنتی خانواده و جنگ

در این‌جا نشان داده می‌شود که خانواده در قالب سنتی خود موجب پیدایش طرز فکری مخرب می‌گردد که به نحو اجتناب‌ناپذیری به جامعه نیز سرایت نموده منتهی به تهاجم و ستیز می‌گردد. بدین ترتیب تأسیس صلح پایدار و اتحاد در جهان به تغییر ساختار خانواده بستگی دارد.

### خانواده پدرسالار

در طول تاریخ مدون بشری، زنان از تساوی کامل اجتماعی با مردان محروم بوده‌اند. نتیجه طبیعی این وضع نقش عمده‌ای بود که در ازدواج و خانواده به مرد داده می‌شد که این خود موجب شیوع پدرسالاری به عنوان چارچوبی عقیدتی برای این روابط می‌گردید. پدرسالاری در مفهوم وسیع خود مرکب از یک سلسله عقاید و ارزش‌هایی در باره ماهیت زن و مرد و نیز در مورد ارزش نسبی و نقش آن‌ها در جامعه می‌باشد. این عقاید و ارزش‌ها از سوی مؤسسات اجتماعی حمایت می‌شود و با تهدید و خشونت آشکار یا پنهان تقویت می‌گردد.<sup>۴</sup>

همان‌گونه که ضمن بیان مبارک حضرت عبدالبهاء در بالا اشاره شد، اهمیت خانواده از این نظر است که محیطی را تشکیل می‌دهد که در آن افکار و ارزش‌ها نه فقط شکل می‌گیرد و بروز می‌کند بلکه به نسل بعدی نیز منتقل می‌گردد. آنچه که در محیط خانواده فراگرفته می‌شود به‌نحو بسیار وسیع‌تری در جامعه و نهایتاً در رفتار مسئولین امور در سطح ملی و در روابطشان با مردم سایر ملل و نژادها ظاهر می‌گردد.

خانواده پدرسالار که نمایانگر "نهاده‌ی تسلط مرد بر زن و فرزندان" می‌باشد تا چند دهه اخیر ساختاری جهانی بوده است. حتی در زمان حاضر نیز این روش هنوز ساختار خانواده را در بیشتر نقاط جهان تشکیل



می‌دهد. در چنین خانواده‌ای در حالی که طلاق به شدت منع گردیده یا غیر ممکن شده است، زن و شوهر در چارچوب روابطی غیر مساوی با هم پیوند بسته‌اند و این اختلاف حقوق شالوده روابط خانوادگی را تشکیل می‌دهد که از آن طرز فکری که امروزه مشاهده می‌شود شکل می‌گیرد. در بعضی موارد عشق بین زن و شوهر و صفات اخلاقی آنان یا نیاز مبرم به رویارویی با مشکلات خارجی مانند قحطی، جنگ یا بلایای طبیعی موجب به وجود آمدن رابطه همکاری و طرز رفتاری مبتنی بر احترام و توجه متقابل می‌شود. اما اغلب، حس عدم تساوی بین زن و مرد موجب شکل‌گیری رفتاری متفاوت می‌گردد که در طی نسل‌های متمادی تقویت شده است. این حس عدم تساوی و رفتار متفاوت به فرموده بیت‌العدل اعظم "چنان عادت و رفتار ناهنجاری را در مردان به وجود می‌آورد که اثرات نامطلوبش از خانه به محل کار و به حیات سیاسی... کشیده می‌شود" و در نهایت به تمامی سطوح جامعه سرایت می‌نماید.<sup>۵</sup>

در حالی که بررسی شکل‌گیری و تکامل پدرسالاری از حوصله این بحث خارج است، ولی سه نتیجه مخرب را که از این نظام و از عدم رعایت مساوات در رفتار با زنان در خانواده ناشی می‌گردد می‌توان مشخص نمود. اولین پی‌آمد طبقه‌بندی کردن زنان است به عنوان گروهی تابع و مطیع گروه مسلط مردان که زنان و دختران را در ساختار خانواده در موقعیتی قرار می‌دهد که باید مطیع پدران، برادران، شوهران و در موارد افراطی پسرانشان باشند.

پی‌آمدهای این طرز رفتار بسیار عمیق است. چنانچه جین بیکر میلر Jean Baker Miller یکی از روانشناسان معاصر می‌گوید:

"به محض اینکه گروهی به عنوان مادون تعریف می‌شوند، گروه مافوق‌گرایش پیدا می‌کند که به طرق مختلف به آن گروه برجسب معیوب و غیر متعارف بزند ...

گروه‌های مسلط معمولاً یکی دو نقش قابل قبول برای گروه مادون تعیین می‌کنند. نقش‌های قابل قبول خصوصاً شامل ارائه خدماتی است که گروه برتر مایل به انجامش نیست ... از طرف دیگر وظائفی که یک گروه مسلط برای خود ترجیح می‌دهد به دقت حفظ شده از دسترسی گروه

مادون به دور نگه داشته می شود. از بین تمام امکانات بشری، فعالیت های با ارزش، در هر فرهنگی، در انحصار گروه مسلط می باشد و وظائف بی ارزش به گروه مادون محو می گردد.

معمولاً گفته می شود که اعضای گروه مادون قادر به ایفای نقش های برتر نیستند. ناتوانی آن ها به نقائص ذاتی و کمبودهای فکری و بدنی آن ها نسبت داده شده بنابراین تغییر ناپذیر و غیر قابل اصلاح شمرده می شود. حتی تصوّر آنکه گروه مادون قادر به انجام فعالیت های برتر باشد برای گروه مسلط غیرممکن می شود. مهم تر از آن، خود گروه مادون برایش مشکل است که به توانائی خویش ایمان داشته باشد.<sup>۶</sup>

عملکرد این حرکت که توسط میلر توصیف شده است کاربرد مستقیمی در خانواده ای که زن به عنوان مادون و مطیع مرد در نظر گرفته می شود دارد. این عملکرد شرایطی را به وجود می آورد که گردا لرنر Gerda Lerner آن را به عنوان "تسلط پدر سالارانه" تعریف کرده است که:

"رابطه یک گروه مسلط را که مافوق در نظر گرفته می شود با گروه تابع که مادون خوانده می شود توصیف می کند که در این رابطه با وظائف متقابل و حقوق دو جانبه، تسلط تخفیف پیدا می کند. گروه تحت تسلط در مقابل محافظت خود، به کار بدون دستمزد تن در می دهد. در خانواده پدرسالار، مسئولیت ها و وظائف در بین افراد تحت حفاظت به طور مساوی توزیع نمی گردد. انقیاد فرزندان ذکور تحت تسلط پدر موقتی است و فقط تا مادامی که آن ها رشد نموده خود رئیس خانواده گردند ادامه می یابد. در حالی که انقیاد فرزندان دختر و همسر مادام العمر است و دختران فقط هنگامی که تحت سلطه شوهر خود قرار می گیرند می توانند از تسلط پدر آزاد شوند. اساس پدرسالاری قراردادی شفاهی است جهت معاوضه نمودن حمایت اقتصادی و حفاظت از ناحیه مرد در مقابل انقیاد و اطاعت در تمامی امور، خدمات جنسی و خدمات خانگی بدون دستمزد که از ناحیه زن ارائه می گردد.<sup>۷</sup>

در خانواده پدر سالار بر دیدگاه های سنتی که برای قرن ها تسلط داشته است تأکید می گردد، دیدگاه هایی مبنی بر اینکه زن از نظر عقلانی

عقب افتاده است و در نتیجه قادر به پیشرفت عقلانی و یا تحصیلات نیست و به نظریات او نباید توجه شود و اینکه در زمان قحطی و کمیابی مواد غذایی، زنان باید کم تر از مردان به غذا دسترسی داشته باشند. با یک چنین موضعی به آسانی می توان استنتاج نمود که فرد مادون (زن) مجبور به اطاعت از شوهر یا پدر خود می باشد، حتی اگر این اطاعت استفاده از زور و خشونت را ایجاب نماید. از دیگر پی آمدهای قرار دادن زنان در موقعیتی مادون در خانواده، در بعضی موارد آزار جنسی آنان به صورت تجاوز جنسی در ازدواج و زنا با محارم بوده است که در توجیه آن از این استدلال نادرست که زن مورد تجاوز جزو املاک مرد بوده استفاده می شود.

اولین پی آمد زیان بار پدرسالاری که انقیاد و اسارت زن است با ظهور طرز فکر و رفتاری انعطاف ناپذیر یا حتی فلج کننده در زن و مرد که می توان آن را دومین نتیجه نامطلوب پدرسالاری دانست پیوندی نزدیک دارد. زن ملزم است که مطیع باشد و از ابراز عقیده و ابتکار فردی و تهور به خرج دادن خودداری نماید. در مقابل مردان در چنین خانواده ای از نظر اجتماعی در نقشی متجاوز و رقابت گر حتی تا مرحله خشونت قرار می گیرند و از نشان دادن احساسات رقیق، گذشت و ترحم اجتناب می ورزند مبادا زن صفت وفاقد مردانگی قلمداد شوند.

روانشناسان بر این نکته تأکید دارند که شکل گیری سالم شخصیت انسانی مستلزم تأکید مساوی بر فردیت زن و مرد و بر ارتباط آنها با هم می باشد. آنان ملاحظه نموده اند که روابط شخصی و خصوصی رشد نکرده در مردان و از یک نظر در زنان موجب می گردد که هر دو جنس از شکوفائی استعدادهای کامل خود به عنوان یک انسان محروم گردند. در فرهنگ های غربی مردان به عنوان یک گروه عموماً توجه بیشتری به پیشرفت فردی و تأکید کم تری بر ارتباط با افراد دارند. از سوی دیگر زنان معمولاً در ارتباط با افراد، مهارت بیشتری دارند. این توسعه و پیشرفت روابط، هم نمایانگر قدرتی است که از نظر فرهنگی نادیده گرفته و ناچیز شمرده شده و هم نوعی آسیب پذیری است زیرا زنان برای حفظ روابط، موجودیت خود را به خطر می اندازند.<sup>۸</sup>

یک چنین تجزیه و تحلیلی اهمیت بیان مبارک حضرت عبدالبهاء که ممانعت از برخورداری زنان از حقوق مساوی تأثیری منفی در پیشرفت مردان خواهد داشت را روشن می‌سازد، می‌فرمایند:

"عالم انسانی از دو جزء تشکیل شده است: ذکور و اناث. هر یک مکمل دیگری است. بنابراین اگر یکی ناقص باشد دیگری نیز لزوماً ناقص خواهد بود و نیل به کمال ممکن نه. در هیکل انسان دست راست و دست چپ وجود دارد که در خدمت و اداره بدن مساوی هستند. اگر در یکی نقصانی ایجاد گردد اثرش طبیعتاً از نظر کمال کلی بر دیگری سرایت نماید، زیرا پیشرفت عادی میسر نشود مگر هر دو کامل باشند."<sup>۹۱</sup> (ترجمه به مضمون)

هم‌چنین می‌فرمایند: "... ترقی نساء سبب ترقی مردان است. لهذا باید نساء را تربیت کامل نمود ... تا هم‌چنانکه در حیات مشترک با رجالند در کمالات عالم انسانی نیز مشترک شوند و البته اشتراک در کمال از نتایج تساوی در حقوق است."<sup>۹۲</sup> بر این اساس می‌توان بحثی را کاملاً در جهت منافع مردان مطرح نمود تا در جهت تساوی جنسی فعالیت نمایند به این لحاظ که این تساوی به آنان آزادی می‌دهد تا جنبه‌هایی از شخصیت خود را که بر اثر وجود نابرابری بین زن و مرد در جامعه رشد نکرده پرورش دهند و به این ترتیب به احساس موفقیت و رضایت‌مندی بیشتری دست یابند.

سومین پی‌آمد زیانبار پدرسالاری که با دو پی‌آمدی که قبلاً توصیف شده ارتباط نزدیک دارد ایجاد یک حس انعطاف‌ناپذیری در قبال تعیین نقش هر یک از دو جنس می‌باشد که صرفاً از تقسیم کار بسی فراتر می‌رود و با تعیین وظائف معینی برای هر یک از دو جنس مشخص می‌گردد. شاید در گذشته به لحاظ تفاوت در قدرت جسمانی چنین تبعیضاتی می‌توانست قابل توجیه بوده باشد. با این حال در عمل، تفاوت معمولاً بر این ادراک مبتنی بود که اعضای مؤنث خانواده به مرد مسلط و غالب خانواده متعلق بودند. به این ترتیب محدود نمودن زنان به کارهای خانگی و وسیله‌ای بود که برای حفظ مایملک خود از آن استفاده می‌کردند. تعیین نقش ثابت و انعطاف‌ناپذیری برای زن با این دید تبعیض‌آمیز تقویت می‌شد که زنان از نیروی افکار عقلانی

که مردان دارا می‌باشند محروم هستند. کلیشه‌سازی جنس زن به عنوان احساساتی و غیرعقلانی با محروم نمودن او از امکانات تحصیلی و عدم دریافت اطلاعات در باره جهان همراه بود.

انتظارات و توقعات بر اساس نقش سنتی زن و مرد برای هر یک از این دو جنس عالمی جداگانه ایجاد کرده و مانع ارتباط و احترام متقابل که لازمه توسعه روابط مبتنی بر مساوات و به دور از استثمار بین زن و مرد می‌باشد شده است. این توقعات انعطاف ناپذیر در مورد نقش زن و مرد موجب افزایش احتمالی افسردگی، خشونت در خانواده و اذیت و آزار کودکان دختر نیز شده است.<sup>۱۱</sup>

ساختار خانواده پدرسالار با نوعی که توصیف شد لزوماً در مقابل فشار و موانع، هنگامی که زن خانواده خواهان برخورداری از حقوق مساوی می‌شود، آسیب‌پذیر خواهد بود و از این نظر می‌توان گفت که تا حدی این انتقاد را تأیید می‌نماید که اجرای تعالیم بهائی در این مورد، در واقع ساختار این نوع خانواده را تضعیف می‌کند. ولی پاسخگویی به این انتقاد این نیست که به عدم تساوی برگردیم، بلکه این است که ساختاری جدید، قوی‌تر و کارآمدتر برای خانواده بنا نهیم. علی‌رغم احتمال وجود بعضی از موانع اولیه، بهائیان اطمینان دارند که بر اساس مساوات زن و شوهر، ساختار خانوادگی به مراتب قوی‌تر و متعادل‌تر از آنچه تحت سیستم دیرینه پدر سالاری امکان داشت خواهد بود. در حالی که خانواده پدرسالار در بسیاری از نقاط جهان به تدریج تغییر شکل می‌دهد، با این حال در جوامعی که ناامنی و بی‌نظمی حکمفرما است تمایلی به بازگشت به تحجر و رعایت سلسله مراتب وجود دارد. برخورداری زنان از تحصیلات عالی و وجود جنبش‌های حقوق بشر و آزادی زن جوی به وجود آورده که در آن تعداد روزافزونی از مردان، حتی در مواردی که رفتارشان نارسا، مبتنی بر پدرسالاری و ریاکارانه بوده، مشروعیت حقوق مساوی برای زن را می‌پذیرند.

در جهت اجرای تعالیم بهائی، بر لزوم رعایت حکمت و اتحاد و نیز بر جنبه تکاملی تحول تأکید بسیار شده است. یک چنین رویکردی اثرات منفی فروپاشی را در خانواده‌ای که تساوی جنسی را به اجراء می‌گذارد کاهش

می‌دهد و همه کسانی که در این جریان قرار می‌گیرند فرصت خواهند داشت که به تدریج خود را با شرایط جدید تطبیق دهند و با محبت به یکدیگر کمک کنند و به منافع حاصله برای تمامی خانواده ناظر باشند. لازم به تذکر است که توصیه در مورد یک چنین رویکرد تدریجی در اجرای این اصل می‌تواند تحت بعضی از شرایط به عنوان بهانه‌ای برای طفره‌روی و خودداری از اقدام سازنده مورد استفاده قرار گیرد، یعنی گرایشی کوتاه‌نظرانه و از نظر اخلاقی نامطلوب که غالباً در دراز مدت به اختلاف و شکست می‌انجامد.

### انتقال طرز فکر به اجتماع بزرگ

همان‌طور که بیت‌العدل اعظم اشاره فرموده‌اند: "عادات و رفتار ناهنجاری" که نتیجه انکار تساوی زن و مرد است "از خانه به محل کار و به حیات سیاسی و سرانجام به روابط بین‌المللی کشیده می‌شود."<sup>۱۱</sup> ارتباط بین نیازهای آشکار در مقیاس جهانی - مانند صلح جهانی و روابط هم‌آهنگ بین مردمان و ملت‌ها - امروزه فقط بر کسانی که عمیقاً به رفاه جامعه علاقمند هستند روشن می‌باشد.

خانواده محیطی است که افراد برای اولین بار در آن از طریق نمونه‌های رفتار و برخوردی که با آنان می‌شود، می‌آموزند که مردم چگونه با هم ارتباط دارند و چگونه باید با یکدیگر مرتبط باشند. والدین سعی می‌کنند به شیوه‌های گوناگون مانند: داشتن توقعات مشخص در باره اینکه پسر و دختر چگونه رفتاری باید داشته باشند، تأکید بر رفتار مطلوب، تنبیه در مورد رفتاری که قابل قبول نیست و ارائه نمونه‌ای برای کودک که از آن تقلید نماید، روش و رفتار کودک را شکل دهند. کودکان در سنین خردسالی قادرند به وضوح توقعات کلیشه‌شده در مورد رفتارهای درست و نادرست برای زن و مرد را ابراز دارند.<sup>۱۲</sup>

گزارشی که از طرف مرکز مطالعات در باره زندگی مشترک خانواده‌گی منتشر شده با تأکید بر نقش خانواده به عنوان پرورشگاهی برای انتقال ارزش‌ها و طرز برخوردها، توجه جامعه را به اهمیت تأکید بر حقوق بشر و از جمله حقوق زن در خانواده جلب نموده، گزارش می‌نویسد:

"تا مادامی که پایمال کردن حقوق بشر در خصوصی‌ترین روابط بشری یعنی روابط بین زن و شوهر و والدین و فرزندان محکوم نگردد، نه تنها این وضع در خانواده از نسلی به نسل دیگر منتقل خواهد شد، بلکه این نادیده گرفتن حقوق بشر در خارج از محیط خانواده نیز ادامه پیدا خواهد کرد، زیرا در روابط خصوصی و نزدیک است که ما برای اولین بار در باره موازین منصفانه و غیرمنصفانه در روابط بشری می‌آموزیم و به کار می‌بندیم و هم‌چنین اینجا است که ما قوانین معتبر و یا خشونت را به عنوان وسیله‌ای برای حل و فصل اختلافات می‌پذیریم یا رد می‌کنیم..."<sup>۱۴۱</sup>

سوزان مولر اوکین Susan Moller Okin، یکی از دانشمندان علوم سیاسی که به عدالت اجتماعی توجه خاص دارد، بر لزوم عدالت اجتماعی در محیط خانواده تأکید نموده است. وی این نکته را مطرح می‌کند که تا مادامی که عدالت در درون خانواده حکم‌فرما نباشد، زنان قادر نخواهند بود به تساوی واقعی در سیاست، در محیط کار و یا در سایر مراتب زندگی نائل آیند. او با اعتقاد به اینکه عدالت در خانواده اساس عدالت اجتماعی است، می‌گوید:

"تا مادامی که تعامل بزرگسالان که معمولاً اولین و مؤثرترین سرمشق کودکان است بر اساس عدالت و رعایت متقابل نبوده بلکه بر مبنای تسلط و استثمار یا عدم تساوی در بشر دوستی و یا فداکاری یک جانبه باشد، و تا مادامی که با کودکان با مراقبت و ادب رفتار نشود، آن‌ها به یقین مردمانی متکی بر اصول عدالت بار نخواهند آمد."<sup>۱۵۲</sup>

اگر ساختار خانواده مبتنی بر رابطه مافوق و مادون باشد، روش و رفتاری که در این خانواده آموخته می‌شود گسترش یافته در صحنه جهانی منعکس می‌گردد. کسانی که به سلطه‌جویی عادت کرده‌اند انتظار دارند دیگر انسان‌ها که از نظر نژادی، طبقه اجتماعی، قومیت یا ملیت با آن‌ها متفاوت هستند، مطیع و منقاد آن‌ها باشند، حتی اگر قرار باشد این امر با توسل به زور صورت گیرد. با عدم برخوردار بودن از حقوق مساوی و بی‌ارزش شمردن مقام انسانی آنان، مفهوم حقوق بشر تحریف خواهد شد. این طرز تفکر در القاب و کاریکاتورهایی که در زمان جنگ برای توصیف مخالفان به کار برده می‌شود و در انکار این واقعیت که رقیب و دشمن نیز انسانی حساس و دارای

عواطف انسانی است و نیز در تلاش اسفباری برای توجیه نسل کشی یا شکنجه بر اساس تعمیم دادن موضوع به آن بخش از جامعه بشری که تحت ستم است، به خوبی دیده می‌شود.

ترویج تعرض و پرخاش‌گری جنس مذکر در ترکیب خانواده زمینه را برای سلطه‌ای که در فوق به آن اشاره رفت از طریق جنگ، خشونت و غلبه فراهم می‌سازد. دلاوری‌های نظامی نموداری از مردانگی شمرده می‌شود و فاتحین به عنوان قهرمانان ملت پیروز مورد تجلیل قرار می‌گیرند. پدران ترغیب می‌شوند که نه تنها پسران خود را به سوی تجارب ورزشی و تفریحات خشونت‌آمیز که تمایلات نهفته پرخاش‌گری و سلطه‌جویی را در درون آن‌ها بیدار می‌سازد سوق دهند، بلکه مادران را نیز از اعمال نفوذ مهارکننده خود باز می‌دارند. این پرخاش‌گری نه فقط در زمینه‌های نظامی بلکه در قلمرو تجارت و فعالیت‌های اقتصادی نیز بروز می‌کند. بعضی از کتب عامه‌پسند در مورد مدیریت، بهترین راه آماده نمودن فرد را برای موفقیت در تجارت، پرورش "غریزه کشتن" در وجود او از طفولیت می‌دانند.

تعیین نقش جنسی سخت و انعطاف ناپذیر از محیط خانواده فراتر رفته تبدیل به روشی می‌شود که جامعه را سازمان می‌دهد و محدودیتی برای مشارکت زنان در فعالیت‌های شغلی و امور عمومی ایجاد می‌نماید. رین آیزلر Riane Eisler، مورخ فرهنگی که علاقه مخصوص به حقوق زن دارد، تأثیر نابرابری زن و مرد را بر تمامی جامعه شرح می‌دهد. او توجه را به "ارتباط بنیادین بین نابرابری جنسی و یک ساختار اجتماعی ظالمانه، نامیزان و خشن"<sup>۱۶۱</sup> جلب می‌نماید.

موقعیت زنان از نظر شغل در یک چنین شرایطی عموماً محدود به مشاغل خدماتی می‌شود و مقامی فروتر را از نظر استخدام احراز می‌نمایند. زنانی که با داشتن اشتیاق پیشرفت و ترقی، از نقش مادون خارج می‌شوند با عنوان "غیرزنانه" بودن مورد انتقاد قرار می‌گیرند. به آموزش و پرورش آن‌ها اهمیتی داده نمی‌شود و همین‌که بر اثر این محرومیت از آموزش، بی‌اطلاعی



و عدم کارآئی در امور از خود نشان می‌دهند، آن را تأییدی بر تشخیص تعصب آمیز عدم لیاقت و نقص عقلاتی زن در مقایسه با مرد می‌دانند. به طوری که حضرت عبدالبهاء اشاره فرموده‌اند این محدودیت زنان در مشارکت در امور اجتماعی اثری مستقیم بر تداوم جنگ دارد.

"مساوات حقوق بین ذکور و اناث مانع حرب و قتال است زیرا نسوان راضی به جنگ و جدال نشوند. این جوانان در نزد مادران خیلی عزیزند هرگز راضی نمی‌شوند که آن‌ها در میدان قتال رفته و خون خود را بریزند. جوانی را که بیست سال مادر در نهایت زحمت و مشقت تربیت نموده، آیا راضی خواهد شد که در میدان حرب پاره پاره گردد؟ هیچ مادری راضی نمی‌شود ولو هر اوهامی به‌عنوان محبت وطن و وحدت سیاسی، وحدت جنس، وحدت نژاد و وحدت مملکت اظهار دارند و بگویند که این جوانان باید بروند و برای این اوهامات کشته شوند. لهنذا وقتی که اعلان مساوات بین زن و مرد شد یقین است که حرب از میان بشر برداشته خواهد شد و هیچ اطفال انسانی را فدای اوهام نخواهند کرد." <sup>۱۷</sup>

ایجاد جامعه‌ای که در آن تساوی زن و مرد تثبیت شده باشد بدون شک به مردان آزادی می‌دهد تا به‌طور کامل در فرایندهائی مانند پرورش کودکان که موجب حساسیت و رقت قلب آنان خواهد شد شرکت نمایند. از این گذشته در زمانی که جهان شدیداً نیازمند صلح است مشارکت بیشتر زنان در امر تصمیم‌گیری و امور حکومتی اهمیتی حیاتی دارد از این نظر که تجربه آنان در حفظ و گسترش هم‌آهنگی می‌تواند اثری سودمند در صلح‌جوئی جامعه بشری داشته باشد.

### ارزش‌های خانواده بهائی و صلح

تعالیم بهائی نمونه کاملاً تازه‌ای از خانواده ارائه می‌دهد. این ساختار جدید نمایانگر مساوات و ارائه دهنده طرقتی است که به‌وسیله آن همه اعضای خانواده قادر خواهند بود گرایش و رفتاری را که موجب شکل گرفتن یک جامعه صلح‌جو و آرام خواهد بود کسب نمایند

## خانواده بهائی

وجه مشخصه یک خانواده بهائی به نحوی که در تعالیم بهائی آمده است این است که خانواده بر بنیاد برابری جنسی و احترام به حقوق همه اعضای این واحد اجتماعی استوار است.

طرز برخورد و روابط بین زن و شوهر در ازدواج بهائی نقشی قاطع در نحوه کارکرد خانواده و در ارزش‌هایی که زن و شوهر به نسل جدید القاء می‌نمایند دارد. در انتخاب شریک زندگی، زن و مرد هر دو باید از مداخلات دیگران آزاد باشند و به آن‌ها توصیه می‌شود که سعی کنند تا کاملاً به روحیات یکدیگر پی‌برند. یکی از نمونه‌های اعمال اصل مساوات این واقعیت است که هر یک از دو طرف در دادن پیشنهاد ازدواج آزاد هستند و این معنا را حضرت ولی امرالله در نامه‌ای که از طرف ایشان نوشته شده بیان فرموده‌اند:

"... مساوات تام است امتیاز و ترجیح جائز نه"<sup>۱۸۱</sup>

این روح برابری در سراسر مراسم ازدواج دیده می‌شود که هیچ‌گونه اشاره‌ای به تبعیت یکی از طرفین نسبت به دیگری ندارد، بلکه هر دو طرف را به یک تلاش دو جانبه که حیات خود را با اراده الهی وفق دهند هدایت می‌نماید. همان‌طور که در فصل چهارم شرح داده می‌شود احساس برابری با مقرر نمودن مهریه که از طرف شوهر به زن داده می‌شود تقویت می‌گردد که یکی از مفاهیم آن تأیید حق زن در مورد مالکیت املاک و دسترسی به منابع مالی است.

ماهیت خانواده بهائی می‌بایستی در چارچوب ازدواجی که در آن برابری بین زن و شوهر تأیید گردیده به عنوان امری عادی و طبیعی به اجرا در می‌آید در نظر گرفته شود.

در محیط خانواده حقوق همه اعضای باید محترم شمرده شود. چنین خانواده‌ای با خانواده سنتی پدرسالار که در آن پدر و سایر مردان خانواده با پایمال نمودن حقوق زنان، از امتیازاتی برخوردار هستند در تضاد قرار می‌گیرد. این خانواده هم‌چنین با نوع خانواده طرفدار استبداد که در آن حقوق فرزندان انکار می‌شود و رفتار والدین در قبال فرزندان در مورد مسائلی مانند تعلیم و تربیت، انضباط و وظائف، تابع هیچ‌گونه حدود و ضوابطی

نیست نیز مغایرت دارد. در چارچوب دیانت بهائی که باید بنیانی عادلانه برای اتحاد خانوادگی گذاشته شود، هیچ یک از اعضاء حق غصب یا تجاوز به حقوق دیگران را ندارد. حضرت عبدالبهاء می فرمایند:

"پیوند و الفت خانواده را باید پیوسته حفظ نمود و حقوق اعضا را نباید زیر پا گذاشت. حقوق پسر و پدر و مادر هیچ یک نباید نقض شود و یا دستخوش زورگویی گردد. همان گونه که پسر وظایفی نسبت به پدر دارد، پدر نیز در قبال پسر دارای وظایفی می باشد. بر همین منوال، مادر و خواهر و سایر اعضای خانواده نیز هر یک اختیارات مخصوص به خود را دارا هستند. تمامی این حقوق و اختیارات باید محفوظ ماند. ...." (ترجمه به مضمون)

حفظ حقوق و امتیازات تک تک اعضای خانواده مستلزم آن است که احترام نسبت به همه اعضاء بدون توجه به جنسیت و یا سن رعایت گردد. این امر موجب شناسائی نقش بی نظیر و منحصر به فرد هر یک از اعضای خانواده می شود و پیشرفت فردی، همکاری، حمایت متقابل و توزیع عادلانه وظائف و منابع را تسهیل می نماید. رعایت برابری و مساوات با توجه به اتحاد خانواده جو مثبت و سازنده ای به وجود می آورد که اساس مشارکت کامل اعضاء را در خانواده تقویت می نماید و در نتیجه موجب تحکیم و ثبات بیشتر این واحد اجتماعی می گردد.

### نقش والدین

در آثار بهائی مسئولیت های اولیه والدین در زمینه های کلی مشخص گردیده که ممکن است در نگاه اول عرفی و سنتی به نظر برسد. ویژگی ممتاز روش بهائی این است که نقش والدین انحصاری و انعطاف ناپذیر نیست و بیشتر در چارچوب حمایت و همکاری متقابل در نظر گرفته می شود. وظائفی که به هر یک محول گردیده به نحو قابل ملاحظه ای انعطاف پذیر است و می توان در آن تغییر و تعادلی ایجاد نمود تا با وضع هر خانواده و نیز با استعداد و ظرفیت هر یک از طرفین ازدواج متناسب باشد. تعالیم بهائی با توجه به نقش انعطاف پذیر زن و شوهر، وظائف و مسئولیت های متعددی را

که اعضای خانواده نسبت به یکدیگر و به طور کلی نسبت به خانواده دارند مشخص می‌سازد. حضرت ولی امرالله در نامه‌ای که از جانب ایشان نوشته شده است، می‌فرماید:

"وظیفه تربیت و پرورش کودک بهائی ... مهم‌ترین مسئولیت مادر است. امتیاز منحصر به فردِ مادر در حقیقت آن است که بهترین موقعیت را در خانه خود برای رفاه و پیشرفت مادی و معنوی طفل ایجاد نماید. تربیتی که کودک در ابتداء از مادر خود دریافت می‌کند محکم‌ترین اساس برای رشد و پیشرفت او در آینده خواهد بود ..."<sup>۲۱</sup> (ترجمه به مضمون)

این بیان نباید چنین تعبیر گردد که پدر در تأثیر گذاری و نفوذ در شرایط خانه سهمی ندارد و یا اینکه هنگامی که شرایط ایجاد می‌نماید، تربیت طفل را در سنین اولیه جزء وظائف خود نشمرد.

بنا به فرمودهٔ بیت‌العدل اعظم "زن حق دارد که در قبال این مسئولیت مادرانه از حمایت شوهر برخوردار باشد، حال آنکه برای شوهر حق بخصوص و روشنی در مورد برخورداری از حمایت زن منظور نگردیده است."<sup>۲۲</sup> (ترجمه) این شرایط برای شوهر تعهد اخلاقی ایجاد می‌نماید تا در مورد اشتغال به منظور تأمین مخارج خانواده خود نهایت کوشش را مبذول دارد. مسئولیت شوهر در تأمین مخارج زن در فرهنگ‌هایی که زن در حال حاضر سهمی عظیم در کار از جمله کشاورزی، تأمین آب و سوخت و کلاً بر آوردن نیازهای خانواده دارد مفهومی انقلابی دارد.

در حالی که مرد مسئولیت اولیهٔ تأمین مخارج خانواده را به عهده دارد. باید توجه داشت که این وظیفه انعطاف‌ناپذیر و ثابت نیست و می‌توان آن را در شرایط خاص هر خانواده تعدیل نمود. در آثار بهائی موردی وجود ندارد که زن را از داشتن نقش عمده‌ای در تأمین معاش خانواده و یا شوهر را از عهده‌دار شدن مسئولیت اساسی نگهداری کودکان و خانه‌داری، در صورت توافق بین زن و شوهر در این خصوص، باز دارد.

نقش مادران در جامعه بهائی ترمیم و تقویت گردیده و به آن اهمیتی ورای ساختار موجود خانواده داده شده است. نقش مادر تنها منحصر به پرورش کودکان نیست، بلکه هدف عالی نیل به صلح را نیز دنبال می‌کند. در

حالی که مادران مسئولیت اصلی و عمدهٔ اولین مربی نسل آینده را به عهده دارند، از شرکت در امور جامعه، به نحوی که در جوامع شدیداً پدرسالار مرسوم است، محروم نیستند و مردان نیز از مشارکت در فعالیت‌های خانگی برکنار نمی‌باشند. بهائیان مشارکت زن و مرد را در قلمرو خصوصی و عمومی جامعه منظور می‌نمایند و در واقع مورد حمایت قرار می‌دهند.

پدران نه تنها مسئولیت بزرگ تأمین مخارج همسر و خانواده خود و پرداخت هزینهٔ تحصیلی فرزندانشان را عهده‌دار هستند، بلکه نقش مهمی در تعلیم و تربیت فرزندان دارند. در کتاب اقدس، منبع اصلی حدود و احکام دیانت بهائی، حضرت بهاءالله می‌فرماید: "کتب علی کلّ اب تربیهٔ ابنه و بنته بالعلم و الخطّ و دونهما عمّا حدّد فی اللوح." (بند ۴۸ کتاب اقدس) (مضمون بیان: هر پدری ملزم به تربیت پسر و دخترش در علم و هنر و خواندن و نوشتن و آنچه در الواح مقدّسه تعیین گردیده است می‌باشد). بیت‌العدل اعظم تصدیق می‌فرماید که مسئولیت پدر برای تعلیم و تربیت فرزندان "آن‌چنان سنگین است که حضرت بهاءالله فرموده‌اند که اگر پدری در انجام این وظیفه کوتاهی نماید حقوق پدری از او سلب می‌گردد."<sup>۲۲</sup> (ترجمه) در توضیح اهمیت نقش پدر در این مورد، در نامه‌ای که از طرف دارالانشاء بیت‌العدل اعظم صادر شده آمده است:

"اهمّیت زیادی که به نقش مادر داده شده از این حقیقت ناشی می‌شود که مادر، اوّل مرتبی طفل است... این بدان معنی نیست که پدر طفل خود را دوست ندارد و برایش دعا نمی‌کند و از او مراقبت نمی‌نماید. ولی از آنجایی که وظیفهٔ تأمین معاش خانواده در درجهٔ اوّل بر عهدهٔ اوست، معمولاً وقتی را که در کنار فرزند خود می‌گذرانند محدود است. اما در طول این دورهٔ شکل‌گیری فشرده که رشد و نمؤ کودک از همهٔ دوره‌های دیگر زندگی سریع‌تر است، مادر معمولاً ارتباط نزدیکی با طفل دارد. به تدریج که کودک بزرگ‌تر و مستقل‌تر می‌شود، ماهیت روابطی که با پدر و مادر خود دارد به نسبت یک‌دیگر تغییر می‌کند و پدر می‌تواند نقش بزرگ‌تری ایفا نماید."<sup>۲۳</sup>

لازم به تذکر است که بیت‌العدل اعظم توصیه فرموده‌اند که پدران باید کم‌تر از مادران وقت خود را با کودکان بگذرانند، بلکه صرفاً وضعی را که در بسیاری از کشورهای جهان در حال حاضر وجود دارد توصیف نموده‌اند. بنابراین نقش پدر و مادر نه بطور محدود و کوتاه‌نظرانه تعیین شده و نه متقابلاً انحصاری است. هر یک از آن‌ها سهمی در پرورش و تعلیم و تربیت کودکان دارند و هر دو می‌توانند معاش خانواده را تأمین نمایند. از بیان حضرت بهاء‌الله که در فوق آمد و از بیانی که ذیلاً از حضرت عبدالبهاء نقل می‌شود روشن می‌گردد که مسئولیت پدر و مادر در مورد تعلیم و تربیت به دختر و پسر هر دو مربوط می‌گردد:

"بر پدر و مادر فرض عین است که دختر و پسر را به‌نهایت همت تعلیم و تربیت نمایند و از پستان عرفان شیر دهند و در آغوش علوم و معارف پرورش بخشند و اگر در این خصوص قصور کنند در نزد ربّ غیور مأخوذ و مذموم و مدحورند."<sup>۲۴</sup>

### تعاون، همکاری و تشویق

هرچند همکاری اساس جامعه است، در بسیاری از ساختارهای کنونی خانواده، مردان از ابتدای زندگی می‌آموزند که از زنان انتظار خدمت داشته باشند. بنابراین همکاری و مشارکت مردان در امور خانه ممکن است از نظر آن‌ها باخت و زیان شخصی و یا حد اقل عملی نوع دوستانه تعبیر گردد. نمونه خانواده بهائی نمایانگر روش تازه‌ای نسبت به روابط بین زن و مرد و نیز روابط زناشویی است. این نمونه‌ای است که در آن خودخواهی، خشونت و توسل به زور محو گردیده و همکاری و مشورت جایگزین آن شده است. حضرت عبدالبهاء در یکی از الواح بر اهمیت همکاری و تعاون در پیشرفت جامعه بشری تأکید نموده می‌فرماید:

"...اگر بدیده‌ای که کاشف حقائق است ملاحظه شود مشهود گردد که اعظم روابط عالم ایجاد سلسله موجودات است و تعاون و تعاضد و تبادل از خواص ملازمه هیئت جامعه عالم وجود است زیرا جمیع وجود

به هم مربوط است هر شیئی از اشیاء متأثر و مستفید از دیگری اگر رأساً نباشد بالواسطه محقق...

در عالم انسانی این امر عظیم را از جمیع جهات در منتهای اتقان مشهود بینی چه که در این رتبه تعاون و تعاضد و تبادل محصور در جسم و جسمانیات نبوده بلکه در جمیع مراتب و شئون ظاهری و معنوی از عقول و افکار و آراء و اطوار و آداب و آثار و ادراکات و احساسات و سائر احوال انسانی این روابط متین را در منتهای محکمی ادراک نمائی و آنچه این روابط متانت و ازدیاد بیشتر یابد جمعیت بشریّه در ترقی و سعادت قدم پیش تر نهد بلکه فلاح و نجات به جهت هیئت جامعه انسانیّت بدون این شئون عظیمه محال است...<sup>۲۵</sup>

از لوازم همکاری و مشارکت، شناخت برابری اعضای خانواده و وابستگی آن‌ها به یکدیگر است. درک تعاون و کمک متقابل مشوق زنان و دختران واقع می‌گردد تا بکوشند پیشرفت کنند و زندگی خویش را بریار سازند و نیز موجب شود تا این کوشش به اشتباه تلاشی در جهت کوچک شمردن و یا تقلید نمودن از مردان تعبیر نگردد. چنین درکی هم‌چنین باعث می‌شود که مردان مشوق و حامی زنان در تلاششان برای پیشرفت باشند، چه که به رابطه بین پیشرفت زنان و پیشرفت بیش‌تر واحد خانواده و به‌طور کلی جامعه پی‌برده‌اند. پیشرفت دختران و زنان لطمه‌ای به مردان خانواده نمی‌زند، بلکه بر منافع و رفاه واحد خانواده می‌افزاید.

درک رابطه بین پیشرفت زنان و دختران و پیشرفت کامل خانواده نه تنها مستلزم ترقی فردی و اعتماد به نفس اعضای مؤنث خانواده است، بلکه قائل شدن نقشی انعطاف‌ناپذیر برای هر یک از زنان و مردان را نفی می‌کند و موجب تمایل آن‌ها به مشارکت در وظائف و منابع خانوادگی می‌گردد. چنین درکی به تدریج جوی به وجود می‌آورد که در آن دختران و زنان، دیگر از تغذیه کافی و یا برخورداری از تحصیل و مراقبت‌های بهداشتی محروم نخواهند بود و مجبور به انجام سهمی غیرعادلانه از کارهای خانه نخواهند شد. هم‌چنین انعطاف‌پذیر بودن وظائف، زنان را قادر می‌سازد تا کار و حرفه‌ای جستجو نمایند و کاملاً در صحنه اجتماع ظاهر گردند و این آزادی

را به مردان بدهند که در اموری که از نظر سنتی "کار زنانه" محسوب می‌شده شرکت نمایند.

شایسته است که به فواید و مزایای این انعطاف‌پذیری و مشارکت توجه شود. جمعی از دانشمندان امور اجتماعی متوجه شده‌اند که اگر پدر و مادر هر دو به‌طور فعال در پرورش کودک به نحوی مشارکت داشته باشند که کودک عمیقاً به هر دو بستگی پیدا کند، احتمال پیشرفت و ترقی کامل کودک اعم از پسر یا دختر بیشتر خواهد شد. مشارکت بیشتر پدران در امر تربیت کودکان می‌تواند موجب یک‌نوع تحوّل فرهنگی و دور شدن از فردگرایی افراطی گردد. روانشناسانی که در باره تغییر نقش مردان در خانواده مطالعه و تحقیق کرده‌اند متوجه شده‌اند که رابطه‌ای مثبت بین سلامت روحی مردان و شرکت قابل توجه آنان در انجام وظائف خانگی و خانوادگی وجود دارد، هم‌چنین توجه را به اهمیت مشارکت مردان در وظیفه پرورش کودکان جلب کرده‌اند که بر حساس بودن فردی آنان می‌افزاید و موجب رقت قلب و تقویت صفاتی که حسن عدالت را در انسان بیدار می‌سازد می‌گردد.<sup>۲۶</sup>

### تصمیم‌گیری

روش جامعه‌بھائی در مورد تصمیم‌گیری و تعامل گروهی بر اساس فرایند مشخص مشورت استوار است. این فرایند در کارکرد مؤسسات اداری بھائی مانند محافل روحانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. اما مشورت تنها محدود به نهادهای تصمیم‌گیرنده نیست، بلکه برای تعامل بین شرکت‌کنندگان در جلسات بھائی مانند انجمن‌های شور روحانی ملی و محلی و ضیافت نوزده روزه که مقصدشان روشن ساختن مسائل و نیل به اتخاذ نظر و هم‌چنین ارائه پیشنهادات و نظریات به هیئت‌های تصمیم‌گیرنده می‌باشد نیز به کار می‌رود. کاربرد اصل مشورت بھائی در چارچوب خانواده بھائی به دو صورت خواهد بود: یکی در مقام وسیله‌ای برای تصمیم‌گیری و دیگر به صورت فرایندی برای ریشه‌یابی کامل مسائل و مشکلات و رسیدن به وحدت نظر. واضح و مشخص است که نقش تصمیم‌گیری نهائی بر عهده پدر و مادر است



و کودکان می‌بایستی از آنان اطاعت کنند. همان‌طور که در نامه‌ای از طرف بیت‌العدل اعظم آمده است:

"اعضای یک خانواده همه نسبت به یکدیگر و نسبت به خانواده به‌طور کلی وظائف و مسئولیت‌هایی دارند و این وظائف و مسئولیت‌ها از عضوی تا عضو دیگر به‌واسطه روابط طبیعی آن‌ها فرق می‌کند. پدر و مادر وظیفه اجتناب ناپذیری برای تعلیم و تربیت فرزندان دارند و لی فرزندان چنین وظیفه‌ای در مقابل پدر و مادر ندارند، بلکه فرزندان وظیفه دارند که از پدر و مادر خود اطاعت نمایند، درحالی که پدر و مادر چنین وظیفه‌ای در مقابل فرزندان ندارند. ..."<sup>۲۷</sup> (ترجمه)

اما این وظیفه به پدر و مادر آن قدرت را نمی‌دهد تا به روشی مستبدانه رفتار نمایند، زیرا بیت‌العدل اعظم ضمن دستخطی به "این اصل که حقوق هر یک و همه اعضا در خانواده باید رعایت گردد و این توصیه که مشورت محبت‌آمیز می‌بایستی اصل اساسی باشد و همه مسائل با همکاری و محبت باید حل و فصل شود..."<sup>۲۸</sup> (ترجمه) اشاره می‌فرماید.

مشورت بهائی از ویژگی خاص رسیدگی و تحقیق در یافتن آنچه برای همگان مفید است برخوردار است از این نظر که به‌جای آنکه به فرد امکان دهد که نظر خود را به کرسی بنشاند و یا با تحت فشار قرار دادن گروه در مقام تحمیل نظر خود برآید، با روح تحقیق همراه است تا تصمیمی اتخاذ شود که منافع همه طرف‌های درگیر را منظور نماید. از این‌رو از شرکت‌کنندگان در امر مشورت خواسته می‌شود که نسبت به نظر خود تعلق خاطر پیدا نکنند، بلکه این نظرات و پیشنهادات را با روحیه انقطاع ارائه دهند و آن را به عنوان کمکی به گروه برای رسیدن به تصمیم‌گیری نهائی بدانند.

لازمه داشتن یک جریان مشورتی موفق وجود جوئی مناسب است که در آن هر یک از شرکت‌کنندگان بدون ترس از تحقیر، استهزاء، توهین و یا نادیده انگاشته شدن، در اظهار نظریات و پیشنهادات خود آزاد باشد. ایجاد یک چنین جوئی تنها بر اساس قبول یگانگی نوع بشر و برابری زن و مرد و درک اهمیت رعایت ادب و احترام در همه روابط انسانی می‌تواند امکان‌پذیر باشد.

تعالیم بهائی اساس رفتار پیروان این آئین را در فعالیت‌های فردی و جمعی پایه‌ریزی می‌نماید. بدین ترتیب مشورت پدر و مادر و تمامی خانواده در اصل کوششی در جهت به کارگیری ارزش‌ها و احکام دینت بهائی در مورد مسئله مطروحه می‌باشد و در حقیقت نشانه‌ای از ابراز پرستش خداوند و تعهد اعضای خانواده به پیروی از تعالیم الهی و کسب رضای حق است.

مشورت هنگامی که در چارچوب خانواده اجرا گردد نمایانگر عنصر مهم دیگری از زندگی خانوادگی بهائی است. بیت‌العدل اعظم مشورت را در این ارتباط به عنوان "نوشدارو" برای مشکلات خانوادگی توصیف فرموده‌اند، البته به شرط آنکه با روح صحیح و روش مقتضی انجام شود. بیت‌العدل اعظم ضمن دستخطی می‌فرمایند:

"حضرت بهاءالله ... هم چنین بر اهمیت مشورت تأکید فرموده‌اند. ما نباید تصور کنیم که این روش پرارزش منحصر به مؤسسات اداری امری است. مشورت خانوادگی با استفاده از بحث و گفتگوی کامل و صادقانه همراه با آگاهی از لزوم میانه‌روی و اعتدال، می‌تواند نوشداروی اختلافات خانوادگی باشد."<sup>۲۹۱</sup>

تصمیم‌گیری همراه با مشورت زن و شوهر لزوماً می‌بایستی با روح مساوات و برابری انجام شود و از روش خصمانه و لحن پدرسالارانه که غالباً در جوامع دیگر دیده می‌شود برکنار باشد. گرچه این مشورت تابع همان شیوه‌ای است که در اجتماعات بهائی اعمال می‌شود، ولی با آن متفاوت است زیرا در آن گردهمایی‌ها در مواقعی که اتفاق آراء حاصل نمی‌شود گروه، تابع رأی اکثریت و ملزم به حمایت از آن تصمیم می‌باشد. بیت‌العدل اعظم در مورد به کارگیری روش مشورت بهائی در تصمیم‌گیری پدر و مادر چنین راهنمایی می‌فرمایند:

"در هر گروه، مشورت هرچقدر هم محبت‌آمیز باشد با این حال گه‌گاه نکاتی مطرح می‌شود که توافق آراء بر سر آن حاصل نمی‌شود. در یک محفل روحانی این مشکل با رأی اکثریت رفع می‌گردد. اما هنگامی که فقط دو نفر در مشورت شرکت دارند، مثلاً در مورد زن و شوهر، اکثریتی وجود ندارد. بنابراین "گاهی زن باید از خواست شوهر تبعیت نماید و زمانی شوهر

باید تابع خواست زن باشد، ولی هیچ‌یک نباید به ناحق بر دیگری تسلط جوید." به‌طور خلاصه روابط بین زن و شوهر بایستی مطابق با مفهومی در یکی از مناجات‌های حضرت عبدالبهاء که اغلب در مراسم ازدواج تلاوت می‌شود باشد، می‌فرمایند: "این دو مرغ آشیانهٔ محبت را در ملکوت رحمانیت عقد اقتران ببند و وسیلهٔ حصول فیض جاودان فرما"<sup>۳۰</sup>

در توضیح این اختلاف نظر، در نامه‌ای از جانب بیت‌العدل اعظم آمده است: "... گاهی زن یا شوهر باید از خواست طرف دیگر تبعیت نماید. اینکه دقیقاً در چه وضع و موقعیتی چنین تبعیتی باید صورت گیرد امری است که به‌تصمیم هر زوج بستگی دارد."<sup>۳۱</sup> بدیهی است رویهٔ تبعیت و تمکین در صورت عدم توافق می‌تواند با پافشاری و تحقیر مورد سوء استفاده واقع شود و تحت شرایط مختلف، به بازگشتی به تصمیم‌گیری پدر سالارانه که مخالف تعالیم دیانت بهائی در مورد برابری جنسی است، تنزل یابد. روش بهائی در مورد روابط بین زن و شوهر را نمی‌توان به مجموعه‌ای از مقررات و رویه‌های مکانیکی و ماشینی تقلیل داد، بلکه این روش مستلزم گسترش محبت و احترام و مراعات متقابل است تا اموری مانند تصمیم‌گیری را بتوان به نحو صحیح انجام داد.

مشورت خانوادگی نقشی مهم در ایجاد و تداوم اتحاد خانواده و در تربیت کودکان دارد تا این توانائی را بیابند که بتوانند با مسائل پیچیده با قضاوت صحیح و لیاقت لازم و بی‌طرفی کامل روبرو گردند. می‌توان انتظار داشت که به‌تدریج که کودکان رشد می‌کنند حدود مسائلی که در مشورت خانوادگی مطرح می‌گردد توسعه خواهد یافت و اتکای پدر و مادر به نتایج حاصله از مشورت خانوادگی در تصمیم‌گیری‌های خود افزایش خواهد یافت.

یکی از ویژگی‌های بدیع حیات جامعهٔ بهائی این است که به بعضی از افراد وظائف مخصوصی ارجاع می‌گردد بدون اینکه به آنان اختیاری بیش از سایر اعضای گروه جهت تصمیم‌گیری داده شود. در مورد محفل روحانی، این وظائف مربوط به کسانی می‌شود که به عنوان نقطهٔ تماس یا مأمور تشکیل جلسات و یا مجری تصمیمات مشورتی عمل می‌نمایند. مشابه چنین حالت انعطاف‌پذیری که برتری در تصمیم‌گیری به فرد خاصی نمی‌دهد نیز در

محیط خانواده بهائی حکم فرما است. اگر چه در نامه‌ای که از جانب بیت‌العدل اعظم نگاشته شده آمده است که "از مسئولیت‌هایی که برای پدر تعیین گردیده می‌توان استتاج نمود که پدر را می‌توان "رئیس" خانواده نامید. هم‌چنین در پاسخ به کسی که خواهان درک عمیق‌تری در خصوص این مطلب بوده مرقوم گشته است:

"با توجه به برخی مسئولیت‌ها که به پدران واگذار شده، پدر می‌تواند رئیس خانواده محسوب شود. اما کلمه رئیس در این جا به آن مفهومی که عموماً استفاده می‌شود به کار نرفته است بلکه باید با توجه به اصل مساوات زن و مرد و بیانات بیت‌العدل اعظم که زن و شوهر هیچ‌یک نباید هرگز به ناحق دیگری را تحت سلطه خود در آورد، مفهوم جدیدی برای آن یافت. بیت‌العدل اعظم قبلاً در پاسخ سؤال یکی از احباء فرموده‌اند که استفاده از کلمه "رئیس" "برتری به شوهر اعطا نمی‌کند و به او حق مخصوصی که حقوق سایر اعضای خانواده را زیر پا گذارد نمی‌دهد." هم‌چنین فرموده‌اند که اگر پس از مشورت دوستانه توافق حاصل نشد گاهی زن باید از خواست شوهر تمکین نماید و زمانی شوهر باید تابع خواست زن باشد، ولی هیچ‌یک نباید به ناحق بر دیگری تسلط جوید." این مفهوم با کاربرد متداول کلمه "رئیس" که غالباً هنگامی که حصول توافق بین زن و شوهر ممکن نیست حق بدون قید و شرط تصمیم‌گیری را به مرد می‌دهد، به نحوی بارز مغایرت دارد."<sup>۳۳</sup> (ترجمه)

تأکید بر مشورت نباید حمل بر این گردد که فرد عضو خانواده به نحوی ناروا ملزم به اجرای خواست‌ها و تمایلات جمعی خانواده است. منظور از تعالیم بهائی پرورش کامل استعدادها، توانائی‌ها و علائق همه افراد است و این هدف تنها با دادن آزادی مقتضی به هر فرد خانواده قابل حصول است. تصمیم‌گیری در مورد مسائل خاص به فرد تصمیم‌گیر محول گردیده که مهم‌ترین مورد آن، حق باور دینی است. حضرت شوقی افندی در نامه‌ای که از جانب ایشان نگاشته شده می‌فرماید:

"یکی از تعالیم اساسی امر مبارک آن است که اتحاد خانواده بایستی حفظ گردد. ولی این بدان معنا نیست که هر عضو خانواده حق اعمال نفوذ

در مورد ایمان اعضای دیگر را داشته باشد و اگر همهٔ اعضاء این موضوع را درک نمایند، مطمئناً اتحاد امکان پذیر خواهد بود.<sup>۳۳۱</sup> (ترجمه به مضمون)

در مورد مسئله انتخاب همسر، مشورت خانوادگی می‌تواند به عنوان ابزاری برای روشن شدن مسائل و کسب توصیه‌های ارزشمند به کار رود. در این مورد حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"أما مسئلهٔ تزوج به موجب شریعت الله اول باید که شما یکی را پسندید بعد به رضایت پدر و مادر مرهون قبل از انتخاب شما آنان حق مداخله ندارند."<sup>۳۳۲</sup>

هرچند دو نفری که قصد ازدواج دارند آزادند که بدون مداخله والدینشان در این مورد تصمیم بگیرند، ولی برای آنان کاملاً طبیعی است که در جریان انتخاب همسر برای مشورت و رایزنی به پدر و مادر خود مراجعه نمایند و یک چنین تعامل گرم و محبت آمیزی بسیار از آنچه که ممکن است مداخله شمرده شود فرق دارد. همان‌طور که در بالا اشاره شد، والدین آزاد هستند که رضایت خود را که شرط اولیه برای انجام ازدواج بهائی است اعلام دارند و یا از اعلام آن اجتناب ورزند.

### سهام خانواده بهائی در ایجاد صلح

تعریف تازه‌ای که از مفهوم خانواده در آثار دیانت بهائی شده است موجب ایجاد تحوّل در جوّ اخلاقی و روانی خانواده می‌شود. به این ترتیب این نگرش تعدادی از مشکلاتی را که به پدرسالاری مربوط می‌گردد رفع می‌کند، مشکلاتی که به تداوم نابرابری و سلطه جویی، واگذار کردن نقش کلیشه‌ای جنسی به زنان، محدود کردن زنان به فعالیت در محیط خصوصی و محروم نمودن آنان از رسیدن به مقامات تصمیم‌گیرنده اجتماعی مرتبط می‌باشد. این چنین گرایش‌ها و رفتارهای تبعیض آمیزی نه تنها پیشرفت فردی زن و مرد را محدود می‌سازد، بلکه از ابراز طرز فکر و عمل صلح‌جویانه نیز ممانعت به عمل می‌آورد و در نتیجه زنان را از مشارکت کامل با مردان در خانواده و در جامعه به‌طور کلی محروم می‌سازد.

از دیدگاه دیانت بهائی صلح پایدار تنها با حصول اتحاد امکان پذیر است. حضرت بهاءالله تأیید می نمایند که "مقصود اصلاح عالم و راحت امم بوده این اصلاح و راحت ظاهر نشود مگر به اتحاد و اتفاق."<sup>۳۵۱</sup> تحقق برابری زن و مرد یکی از لوازم ضروری نیل به وحدت عالم انسانی است، چه که تداوم وجود طرز فکر و عمل تبعیض آمیز منشاء ثابتی برای درگیری و اختلاف می باشد.

خانواده بهائی نمونه ای است برای انتقال روش ها و مهارت هائی که می بایستی بنیان جنگ را براندازد و شرایط اساسی صلح را با هدف رسیدن به اتحاد در روابط بشری و پذیرفتن برابری زن و مرد منظور نماید. روش های آن شامل تغییر نظر و گرایش به ارزش های اساسی، آموزش رفتارها و مهارت هائی که صلح را ترویج می کند، و تسهیل اشتغال زنان در امور اجتماعی است یعنی جائی که آنان می توانند توانائی بی نظیر خود را در خدمت به صلح و داوری بین المللی نشان دهند.

### تغییر گرایش

والدین به آموزش و الگوی ارزش ها و رفتار هائی که برایشان عزیز و محترم است و مایلند که فرزندانشان آنها را کسب نمایند علاقمند هستند. تعهد زن و شوهر به تساوی جنسی، خدمت و اندیشه محبت آمیز و سعی آنان بر عمل بر طبق این گرایش ها و ارزش ها در زندگی روزانه تأثیر بیشتری بر رفتار کودکان دارد تا آموزش شفاهی و تعلیمات صرف.

در یک خانواده بهائی زن و شوهر از هر نظر با هم مساوی هستند. آنها تشویق می شوند که مانند یک واحد عمل نمایند، مشارکت دیگران را ارج بنهند و حمایت و پشتیبانی خود را از یکدیگر دریغ ندارند. آنها خود را در قبال احترام گذاشتن به همه اعضای خانواده و بزرگداشت کودکان دختر و پسر به نحو یکسان، و در نتیجه کمک به مقاومت در مقابل برتر شمردن پسران و ارجحیت و اهمیت زیاد برای آنان قائل شدن که در بسیاری از فرهنگ های جهان وجود دارد و موجب رفتار تجاوزکارانه و جنگ و ستیز می گردد، متعهد می دانند. هم چنین والدین حقوق همه اعضای خانواده را حفظ

می‌نمایند و می‌کوشند تا از طریق مشارکت در اجرای وظائف یکدیگر و کمک در محورهای مصنوعی و قراردادی بین "کار مرد" و "کار زن"، منابع و وظائف خانواده به نحوی منصفانه و متناسب تقسیم و توزیع گردد. از آنجائی که اصل برابری زن و مرد در دیانت بهائی تعلیم داده شده است، اجرای این آموزه وظیفه روحانی همه اعضای جامعه بشمار می‌رود. در نتیجه گرایش‌ها و رفتارهایی که با مساوات و برابری همراهی دارند باید به همه اعضای خانواده اعم از زن و مرد آموزش داده شوند. تنها با تعلیم و تربیت دختران نمی‌توان به برابری زن و مرد نائل گردید. تحوّل اجتماعی بنیادین و واقعی فقط هنگامی بوقوع می‌پیوندد که زن و مرد هر دو با هم بر طبق این اصل روحانی عمل نمایند. به علاوه حمایت و پشتیبانی جامعه از کوشش‌های فردی جهت تطبیق رفتار خود با موازین روحانی، حائز اهمیت است تا روش و رفتار مورد نظر را در جامعه تثبیت نماید.

### آموختن فنّ مشورت

یکی از مهم‌ترین جنبه‌های همکاری خانواده در جهت صلح آن است که افراد در خانواده این فرصت را دارند که فنّ مهم مشورت را برای استفاده در جامعه بیاموزند، جامعه‌ای که اعضای خانواده از طریق حرفه و فعالیت‌های اجتماعی خود در آن شرکت دارند. علاوه بر آنکه مشورت وسیله مؤثری برای امر تصمیم‌گیری و حلّ مسألت‌آمیز اختلافات می‌باشد، این فنّ برای به کارگیری روش‌ها و ارزش‌هایی که به صلح و عدالت ارتباط دارد نیز مفید است. در جوّ مشورت، تصمیم‌گیری بر طبق اصول روحانی و اخلاقی انجام می‌شود و تصمیمات نمایانگر درک گروه از حقیقت موضوع مورد بحث و کوشش جمعی آنان برای رسیدن به راه حلّی منصفانه و عادلانه می‌باشد. چنین تصمیماتی با طیب خاطر مورد حمایت جامعه خواهد بود.

کودکائی که فنّ مشورت را آموخته‌اند به خوبی می‌دانند که افراد متفاوت ولی مساوی هستند. آن‌ها می‌آموزند که بیشتر به خیر عموم توجه نموده کم‌تر در پی منافع خود باشند، بدون روی آوردن به خشونت و تهدید، مشکلات را حلّ نموده تصمیم بگیرند و اهمیت و حکمت اطاعت و حمایت از تصمیم

گرفته شده را درک نمایند. این بینش برای مشارکت آینده آنان در تصمیم‌گیری در امور دولتی و یا در حوزه روابط بین‌المللی حائز اهمیت خواهد بود، جایی که حتی بعد از تصمیم‌گیری اغلب نتیجه حاصله مورد حمایت کسانی که یا در امر مشورت شرکت داشته و یا تصمیمات در زندگیشان مؤثر است قرار نمی‌گیرد.

### حمایت از پیشرفت و مشارکت زنان

خانواده‌های بهائی اهمیت فراوانی برای تربیت اخلاقی و علمی همه کودکان قائل هستند اما از آنجائی که دختران مادران آینده می‌باشند و مادر اولین مربی نسل آینده است، بر تعلیم و تربیت دختران تأکید مخصوص شده است. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید:

"... دوشیزگان این قرن مجید باید نهایت اطلاع از علوم و معارف و صنایع و بدایع این قرن عظیم داشته باشند تا به تربیت اطفال پردازند و کودکان خویش را از صغر سن تربیت به کمال نمایند."<sup>۳۶</sup>

و هم‌چنین بهائیان را تشویق می‌فرمایند که:

"به تربیت بنات و اطفال پردازید تا امهات از صغر سن اولاد را به تربیت تام تربیت نمایند و حسن اخلاق بیاموزند و به فضائل عالم انسانی دلالت نمایند و از صدور حرکات مذمومه منع کنند در آغوش تربیت بهائی پرورش دهند."<sup>۳۷</sup>

حضرت عبدالبهاء اثرات نفوذ این صفات را در نسل آینده بر می‌شمرند:

"تا آنکه طفلان نورسیده از ندی معرفت‌الله و محبت‌الله شیر بنوشند و نشو و نما نمایند و حسن سلوک و علو فطرت و همت و عزم و حزم در امور و استقامت در هر کار و علویت افکار و حب ترقی و بلندی همت و عفت و عصمت آموزند تا هر کاری را شروع نمایند از عهده برآیند."<sup>۳۸</sup>

جالب توجه آنکه صفات و خصائلی که حضرت عبدالبهاء شرح می‌دهند خصوصیتی است که جهت نیل به اهداف شایسته و پرچالش مورد نیاز است.



هم چنین قابل توجه است که حضرت عبدالبهاء پرورش این خصوصیات را در دختر و پسر هر دو توصیه می‌فرمایند.

تأکید بر آموزش و پرورش زنان برای جبران محرومیت گذشته آن‌ها از دریافت تعلیمات لازم، ضروری است تا استعدادها و قابلیت‌های خود را شکوفا سازند و نشان دهند که توانائی‌های آنان صرفاً نهفته و ناشناخته بوده است. آموزش و پرورش شرط لازم برای مشارکت مساوی زنان در نیروی کار می‌باشد تا همکاران مرد مشارکت کامل آنان را ارجح بنهند و آن‌ها بتوانند ارزش همکاری، مذاکره و خدمت را به اثبات رسانند. هنگامی که چنین شود، در مجامع جهان با احترام به آنان توجه خواهد شد. آن وقت است که زنان قدرت و اختیار اخلاقی و دنیوی خواهند داشت تا از اعزام پسران خود به جنگ امتناع ورزند و نیروئی مهم در استقرار صلح گردند.

خانواده‌ای که در مقابل تساوی زن و مرد خود را متعهد می‌داند قادر خواهد بود با کمک در کاهش موانع مشارکت زنان در تعلیم و تربیت و در واقع در صحنه جهان، ظهور و استقرار صلح جهانی را سرعت بخشد. این هدف در درجه اول با منظور نمودن وسایل و امکانات - یعنی وقت و پول - جهت تحصیل زنان خانواده و سپس تشویق آنان به کسب صفات و خصوصیات که حضرت عبدالبهاء برشمرده‌اند یعنی پشتکار در تلاش‌های خود و شهامت در برتری یافتن در همه زمینه‌های کوشش بشری و سرانجام با افتخار به موفقیت‌های حاصله آنان تحقق می‌پذیرد.

اهمیت بی‌نظیر سهم بالقوه خانواده در پیشرفت اجتماع و رسیدن به صلح با توجه به بیان ذیل از حضرت عبدالبهاء روشن می‌گردد:

"هنگامی که همه ابناء بشر از تعلیم و تربیت واحد برخوردار شوند و تساوی زن و مرد تحقق پذیرد بنیان جنگ به گلی برافتد. بدون مساوات این امر ممکن نیست زیرا همه اختلافات و تفاوت‌ها منتهی به نزاع و جدال می‌گردد. تساوی بین زن و مرد منجر به لغو جنگ خواهد شد به دلیل آنکه زنان هرگز مایل به جایز شمردن جنگ نیستند." ۳۹ (ترجمه به مضمون)

## فصل چہارم

### زنان و احکام بھائی

"اماء الله را در این حین ذکر می‌نمائیم و به عنایت و شفقت و توجه  
حقّ جلّ جلاله بشارت می‌دهیم..."

حضرت بهاء الله

## مساوات و احکام

دیانت بهائی تساوی جنسی را تصدیق می‌کند و تعالیم آن این مساوات را در همه جنبه‌های عملی زندگی در سطح فردی و اجتماعی بیان می‌دارد. هدف از این فصل این است که جنبه‌هایی از تعالیم دیانت بهائی را که بخصوص به نقش و وظائف زنان در فعالیت‌هایشان به عنوان عضو جامعه بهائی مربوط می‌شود مورد بررسی قرار دهیم.

به طوری که از این مبحث روشن خواهد شد مسائل مربوطه به واسطه لزوم تطبیق دادن تفاوت‌هایی که در وظائف وجود دارد با توجه به رعایت تساوی، چندان ساده نیست. در فصل دوم، در چند مورد به این موضوع اشاره گردیده و در متن ذیل که استخراج از یکی از دستخط‌های بیت‌العدل اعظم است بر آن تأکید بیشتری شده است:

"در مورد سؤال شما در باره تساوی زن و مرد، همان‌طور که حضرت عبدالبهاء غالباً اشاره فرموده‌اند این یکی از اصول اساسی حضرت بهاء‌الله است بنابراین احکام کتاب اقدس باید با توجه به این موضوع مورد مطالعه قرار بگیرد. تساوی بین زن و مرد به معنای عینیت و وظائف نیست، در حقیقت از نظر فیزیکی (جسمانی) چنین نمی‌تواند باشد. در بعضی امور زنان برتر از مردان هستند و در بعضی امور مردان شایسته‌تر از زنان می‌باشند، حال آنکه در بسیاری چیزهای دیگر تفاوت جنسی ابداً تأثیری ندارد." (ترجمه)

برای آنکه این مسئله را بهتر مورد بررسی قرار دهیم، لازم است ابتداء ویژگی‌های بی‌نظیر احکام بهائی را در نظر بگیریم. این احکام به نحو قابل ملاحظه‌ای با احکام سایر ادیان فرق دارد از این نظر که بر روشی که احکام در مورد زنان به اجرا در می‌آید عمیقاً اثر می‌گذارد. توجه به این مسئله چارچوبی به دست می‌دهد که به وسیله آن بتوان بعضی از احکام دیانت بهائی را که در کتاب اقدس (کتاب احکام بهائی) و یا در سایر آثار بهائی آمده به تفصیل مورد بررسی قرار داد.

## ماهیت احکام بهائی

احکام بهائی با نظام‌های قانونی که اصولاً برای تنظیم و هم‌آهنگی تعامل بین همه عناصر جامعه و به منظور تحقق انصاف و عدالت در روابط انسانی طرح گردیده است، اساساً فرق دارد. در مقایسه، هدف نهائی احکام بهائی به فرموده بیت‌العدل اعظم "ارتباط روح انسان با خدای متعال و تحقق سرنوشت روحانی هر یک از افراد نوع بشر است."<sup>۱</sup> نیل به این مقصد روحانی مستلزم یک نظام قانونی است که مبین عدالت و مروج هم‌آهنگی باشد. اما هرگز نباید فراموش کرد که هدف نهائی هدفی روحانی است و بنابراین توجیه کامل بعضی از اجزای این احکام ممکن است برای کسانی که قادر نیستند بُعد روحانی خلقت را در نظر بگیرند به آسانی معلوم و آشکار نباشد. در پذیرفتن احکام بهائی عنصر ایمان بسیار مهم و اساسی است، اما این موضوع نباید با ایمان کورکورانه اشتباه شود. پیروی از احکام بهائی با استفاده از قوای فکری و از جمله نیروی عقل جهت تحقیق مستقل و آزاد ادعای حضرت بهاء‌الله به عنوان مظهر ظهور الهی حاصل می‌شود، قبل از آنکه فرد خود را به قبول این ادعا و نتایج آن متعهد نماید.

در ارتباط نزدیک با این دیدگاه توجه به این نکته ضروری است که بعضی از احکام کتاب اقدس در نامه‌ای که از جانب حضرت ولی امرالله نوشته شده چنین توصیف گردیده است که آنها "برای زمانی نازل گردیده که به تقدیر الهی باید جامعه بشری به وضع دیگری از میان هرج و مرج کنونی عالم ظاهر و پدیدار شود."<sup>۲</sup> نوع جامعه آینده هنوز مشخص نیست، گرچه می‌توان اطمینان داشت که در آن جامعه مساوات کامل جنسی رعایت خواهد شد. اما تا جامعه آینده ظاهر نگردد و نیاز به تعدیل بعضی از جنبه‌های رفتاری روشن نشود، وظائف اجتماعی در مورد بعضی از مقررات کتاب اقدس کاملاً مشخص نخواهد بود.

مرکز دیانت بهائی احکام را به تدریج یعنی هنگامی که پیروان این آئین در تشخیص ممتاز بودن و استفاده آن‌ها به درک و رشد لازم می‌رسند به اجراء می‌گذارد. یک چنین روش اجرای تدریجی احکام منحصر به دیانت بهائی

نیست. مثلاً در اسلام، در زمان حضرت محمد، منع مصرف الکل به تدریج و ابتداء از طریق تحذیر و برحذر داشتن و سپس تذکر به اینکه در هنگام مستی نماز خوانده نشود مطرح گردید تا اینکه نهایتاً به منع نوشیدن الکل منتهی شد. یک نمونه مطرح نمودن تدریجی مقررات بهائی را در بحث احکام ازدواج بهائی می توان یافت.

یکی از نتایج اجتناب ناپذیر اجرای تدریجی احکام این است که دین در مقابل انتقاد و استهزای کسانی که تسلسل و ترتیب زمان را نادیده گرفته بر تناقض آشکار بین دستوراتی که در مورد تجویز احکام دینی از مراجع دین صادر می گردد تکیه می کنند، آسیب پذیر می گردد. آن‌ها از این حقیقت غافلند که اگر اظهارات مختلف به عنوان عناصری در فرایند تکاملی اجرای احکام در نظر گرفته شوند، هیچ گونه تناقضی در آن‌ها وجود نخواهد داشت. این منتقدین تفاوت اظهاراتی که در زمان‌های مختلف صادر شده است را دلیل آن می دانند که یا مؤسس دین نمی دانسته چه می گوید و یا اینکه دستخوش عجله و شتاب شده و یا تحت شرایط مختلف مجبور به سازشکاری شده است. علی‌رغم چنین انتقادی، کاربرد تدریجی احکام عامل مهمی است در جریان تغییر و تحولی که برای گرد هم آوردن عناصر نامتجانس جهت تشکیل یک جامعه جدید پویا لازم و ضروری است.

احکام بهائی انعطاف‌پذیری بیشتری نسبت به احکام سایر ادیان دارد، به علت موجودیت بیت‌العدل اعظم که از طرف حضرت بهاءالله به آن حق تشریح احکام در مسائلی که صراحتاً ضمن احکام آن حضرت نیامده و یا حق تغییر احکامی که خود بیت‌العدل وضع نموده است با تغییر و گذشت زمان، داده شده است. در احکامی که توسط حضرت بهاءالله وضع گردیده هیچ تغییری داده نمی‌شود و این احکام تا زمان ظهور مظهر جدید الهی، با گذشت هزار سال یا بیشتر به اعتبار خود باقی خواهد بود.

از آنجائی که حضرت بهاءالله در باره بعضی از موضوع‌ها و از جمله در مورد جزئیات بعضی از امور از نزول احکام خودداری فرموده‌اند، بیت‌العدل اعظم در این محدوده آزادی عمل دارد که تصمیمات خود را همان‌طور که اجتماع در راستای مسیر "اصلاح عالم" به پیش می‌رود و شرایط اجتماعی

جدیدی بوجود می‌آید، تغییر دهد.<sup>۴</sup> بدین ترتیب دیانت بهائی از اینکه به صورت عاملی باز دارنده در مقابل پیشرفت، نوآوری و تحوّل اجتماعی قرار بگیرد اجتناب می‌ورزد. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"مسائل کلیه که اساس شریعت الله است منصوص است ولی متفرعات راجع به بیت‌العدل و حکمت این است که زمان بر یک منوال نماند تغییر و تبدل از خصایص و لوازم امکان و زمان و مکان است لهذا بیت‌العدل به مقتضای این مجری می‌نماید..."<sup>۵</sup>

کارآئی چنین قوانینی مبتنی است بر مرجعیت بیت‌العدل اعظم که برای بهائیان به عنوان اصلی مسلم و پذیرفته شده است و نیز وجود ضمانتی محکم که بیت‌العدل اعظم در وظائف تشریحیه خود از روح و مقصد تعالیم امر منحرف نخواهد شد. عهد و میثاق حضرت بهاءالله تضمین لازم را برای اجرای این مقررات ارائه می‌دهد. اگر چنین نبود، دیانت بهائی نیز با پیوند زدن عقاید فردی بر پیکر احکام الهی محکوم به از دست دادن پاکی و صفای خود و فرورفتن در فساد می‌شد که گریبانگیر سایر ادیان شده است.

با علم به اینکه یک چنین قوانین و ترتیباتی موجود است می‌توان درک نمود که چرا معرفی احکام در تعالیم بهائی عمداً کامل و تمام نیست و اگر بدون توضیحات بیت‌العدل اعظم در نظر گرفته شود ممکن است فرد را به اشتباه اندازد. بیت‌العدل اعظم با توضیح در باره این احکام، می‌فرماید:

"از خواص ممتازه احکام کتاب اقدس ایجاز آنها است. احکام نازل در کتاب اقدس هسته مرکزی قوانین متنوعه وسیع‌ای است که در قرون آتیه به منصه ظهور خواهد رسید. بسط اصول و تفصیل متفرعاتش بنا به اختیاراتی که حضرت بهاءالله به بیت‌العدل اعظم تفویض فرموده‌اند به آن هیأت راجع است."<sup>۶</sup>

با در نظر گرفتن کاربرد احکام بهائی در مورد زنان، همیشه باید توجه داشت که بسیاری از احکام کتاب اقدس فقط با این دید که بخش مرد جامعه مورد خطاب است ارائه می‌شود که البته علت آن شرایط اجتماعی زمانی است که این کتاب نازل گردید، زمانی که زنان از حقوق اولیه خود محروم بودند و دعوت دیانت بهائی برای تساوی جنسی در مراحل بسیار مقدماتی

اجرای آن بود. یک چنین جانب‌گیری احکام نازله نباید مشکلی برای زنان ایجاد کند، زیرا بیت‌العدل اعظم می‌فرماید:

"احکام کتاب مستطاب اقدس به‌طور کلی به ایجاز نازل گردیده است. نمونه‌ای از این ایجاز را می‌توان در احکامی مشاهده کرد که به صیغه مذکر نازل شده است. اما از تبیینات حضرت ولیّ امرالله چنین بر می‌آید که هر حکمی خطاب به مردان که به حقوق و اختیارات زنان مربوط باشد همان حکم را متقابلاً می‌توان با اجرای تغییرات و تعدیلات ضروری در باره زن نسبت به مرد نیز منظور داشت، مگر اینکه محتوای حکم تحقق این امر را غیر ممکن سازد. مثلاً در کتاب مستطاب اقدس ازدواج پسر با زن پدرش تحریم گردیده. حسب‌الاشاره حضرت ولیّ امرالله ازدواج دختر با شوهر مادرش نیز به همین قیاس حرام است. نتایجی که بر این مطلب مترتب می‌گردد در پرتو اصل مسلم تساوی رجال و نساء تأثیرات کلیه در بر دارد و در مطالعه کتاب مستطاب اقدس باید همواره مورد نظر باشد."<sup>۷</sup>

در عین حال این نحوه معرفی احکام بهائی، این احکام را در معرض انتقادی بی‌اساس از ناحیه کسانی قرار می‌دهد که کاربرد احکام بهائی را در مورد زنان بررسی می‌کنند، چون به هر دلیلی اهمیت عمیق صدور آراء بیت‌العدل اعظم را نادیده می‌گیرند. نمونه‌هایی از توضیحات بیت‌العدل اعظم در قسمت‌های آینده این فصل خواهد آمد.

## زنان و احکام مربوط به رفتار شخصی

هدف این بخش بررسی جامع و وسیعی در باره احکام بهائی در ارتباط با رفتار شخصی نیست، بلکه صرفاً به بحث در باره جنبه‌هایی از این احکام که در طول تاریخ در مورد زن و مرد متفاوت بوده بسنده کرده است. قدر مسلم آن است که بعضی تفاوت‌ها در احکام بهائی هم وجود دارد، ولی همه در



چارچوب تساوی جنسی است و به هیچ وجه دلالت بر اینکه زن را پائین تر از مرد قرار دهد، ندارد.

### احکام مربوط به عبادات

احکام عبادتی که در تعالیم بهائی تعیین گردیده در حیات روحانی فرد بهائی بسیار مهم و وسیله اصلی جهت ایجاد و تداوم ارتباط بین فرد و خالق جهان هستی است.

همان گونه که قبلاً اشاره شد، تعالیم بهائی صریحاً مدعی است که از نقطه نظر روحانی هیچ گونه تفاوتی بین زن و مرد وجود ندارد. از این رو این نکته که در کتاب اقدس بین احکام عبادتی که برای مردان تعیین گردیده و احکامی که برای زنان مشخص شده از جمله معافیت آنان از بعضی عبادات در دوران عادت ماهانه، تفاوتی وجود دارد، ممکن است موجب تعجب کسانی گردد که احکام بهائی را مورد مطالعه قرار می دهند. این تفاوت ممکن است این توهم را به وجود آورد که آیا تعالیم بهائی شعائر مذهبی در باره نجاست را تأیید می نماید. این توهم با مطالعه دقیق تر بیاناتی که در کتاب اقدس آمده است کاملاً رفع می گردد.

عقیده مربوط به نجاست قویاً در آداب بسیاری از ادیان وجود دارد و حاکی از آن است که فرد ممکن است تحت شرایط تعریف شده برای انجام بعضی از عبادات خاص که مستلزم پاکیزگی است مانند وضو، نامناسب و نجس شمرده شود. همان طور که در فصل دوم اشاره شد در طول تاریخ در بعضی از فرهنگ ها زنان را به خاطر مرتبط دانستن شان با تمایلات جنسی عامل شر و بدی می دانستند و بنابراین آنان را ناپاک شمرده و از محل ها و آدابی که مقدس شمرده می شد منع کرده حضور و شرکتشان را در آن محل ها و شعائر، بی حرمتی تلقی می نمودند. حتی هنگامی که چنین برچسب ننگینی را به زنان نمی زدند این عقیده قویاً وجود داشت که از نظر شعائر

مذهبی، عادت ماهانه موجب ناپاکی می‌گردد و زنان در طول این مدت منزوی شده از شرکت در فعالیت مذهبی مانند نماز و روزه ممنوع بودند.

تعالیم بهائی در باره این موضوع کاملاً روشن است. حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس می‌فرماید "و كذلك رفع الله حکم دون الطهارة عن کل الاشياء و عن ملل اخرى موهبة من الله انه لهو الغفور الکریم". (مضمون بیان: و هم چنین خداوند برداشت حکم ناپاک بودن را از همه اشياء و ملل دیگر به عنوان موهبتی از نزد خدا همانا او هر آینه بخشنده و کریم است). یادداشت‌ها و توضیحات کتاب اقدس مشعر است بر اینکه بر طبق این آیه شاعر مذهبی در مورد نجاست باطل شمرده شده است، با اینکه تعالیم بهائی همه مؤمنین اعم از زن و مرد را تشویق می‌کند که "کونوا عنصراً للطفافة" و "تمسکوا بحبل اللطفافة"<sup>۸</sup> (مضمون بیان: عنصر لطافت و پاکی باشید و به پاکی متمسک شوید).

کتاب اقدس شامل حکم معاقبت از نماز و روزه برای زنان در دوران عادت ماهانه می‌باشد، ولی کسانی که از این معاقبت استفاده می‌کنند می‌بایستی به عبادت دیگری که مستلزم فشار جسمانی کمتری است روی آورند. هم چنین احکام بهائی زنان را از انجام حکم حج معاف نموده است، برخلاف مردان که معافیتشان از این حکم فقط هنگامی معتبر است که به لحاظ شرایط خاص قادر به انجام آن نباشند. درک این شرایط مستلزم توجه به توضیحات بیت العدل اعظم است مبنی بر اینکه این دستورات معاقبت است و نه ممنوعیت. عدم درک تفاوت بین معاقبت و ممنوعیت سوء تفاهم زیادی به وجود می‌آورد. هر زنی آزاد است اگر مایل باشد از این معافیت‌ها استفاده کند، ولی به هیچ وجه در رعایت آن مجبور نیست. این که موضوع به تصمیم او موکول گردیده و اینکه زن آزاد است از این معاقبت‌ها استفاده نکند نمایانگر تفاوت اساسی بین این معاقبت‌ها و تبعیضاتی است که در طی قرون متمادی به نام تصور پوچ شاعر مذهبی در مورد نجاست در مورد زنان اعمال می‌شد.

ممکن است این پرسش مطرح گردد که علت این معافیت‌ها برای زنان چیست. توجّه به این نکته مهم است که معافیت زیارت برای زنان در کتاب اقدس به عنوان "رحمة من عنده" توصیف شده است و اینکه این کتاب احکام هم‌چنین شامل معافیت از نماز و روزه برای مردان و زنان هر دو به دلایل بیماری یا ضعف پیری می‌باشد. به این ترتیب، منطقی است که نتیجه‌گیری کنیم که معافیت‌ها صرفاً به دلایل فیزیولوژیکی که به شرایط روحانی مؤمنین ارتباطی ندارد بوده است. در نتیجه تصمیم در باره استفاده از یک معافیت بر عهده فرد مربوطه با در نظر گرفتن شرایط جسمانی خود در آن زمان می‌باشد. همان‌طور که بیت‌العدل اعظم اشاره فرموده‌اند "از مقتضیات بدیهیه طبیعت است که مرد و زن از حیث بعضی از خصوصیات با یکدیگر متفاوتند"<sup>۹۴</sup>

بحث در باره این موضوع بدون اشاره به مسئله وضو که در احکام بهائی تعیین گردیده کامل نخواهد بود، زیرا انجام آن غالباً با اقدامات ترمیم کننده که در شعائر مربوط به نجاست توصیه شده در ارتباط است. از ادبیات دینی و مطالعاتی در انسان شناسی فرهنگی معلوم می‌گردد که وضو از نظر تاریخی به منظوره‌های مختلفی به غیر از دست‌یابی به نظافت جسمانی به کار رفته است: مثلاً به منزله عملی نمادین که نشانه انتقال از فعالیت‌های روزانه دنیوی به عمل عبادت می‌باشد، یا در مقام آداب ورود به مرحله جدیدی از زندگی مانند غسل تعمید برای مؤمنین جدید در مسیحیت و یا به عنوان اقدامی پاک‌کننده جهت رفع آلودگی که از تماس با وجودی که از نظر شعائر مذهبی ناپاک شمرده می‌شود اعمال شده است. با توجّه به این سوابق، ممکن است این پرسش مطرح گردد که منظور از وضو در عبادت و نماز بهائی چیست.

از دستوراتی که در مورد وضو در کتاب اقدس داده شده کاملاً روشن می‌گردد که این عمل صرفاً اهمیت روحانی دارد، مثلاً توجّه به این نکته حائز اهمیت است که وضو قبل از اقامه نماز از طرف مرد و زن هر دو باید انجام

شود حتی اگر فرد تازه حمام گرفته باشد. بنابراین نباید تعجب نمود که هنگامی که زنان به واسطه عادات ماهانه از نماز و روزه معاف هستند، با این حال قبل از تلاوت آیه مخصوصی که به عنوان قسمتی از معاقبت آنان تعیین گردیده لازم است وضو بگیرند. دلیل دیگری بر نمادین بودن وضو این واقعیت است که در جائی که آب یافت نشود و یا به کار بردن آب برای دست یا صورت فرد مضر تشخیص داده شود زن و مرد هر دو می‌توانند آیه خاصی را که تعیین گردیده به جای وضو تلاوت نمایند.

### رفتار جنسی

دیانت بهائی همانند سایر ادیان ضمن تعالیم خود احکامی نیز در جهت تحت نظم در آوردن رفتار جنسی دارد. اما دو تفاوت اصلی و اساسی بین تعالیم بهائی و تعالیم معمول در ادیان دیگر موجود است.

اولین اختلاف اصلی در مورد ماهیت تمایلات جنسی است که غالباً مقامات مذهبی آن را در تضاد با پیشرفت روحانی و معنوی دانسته‌اند. بدین ترتیب پیروانی که در پی معنویت و روحانیت بودند از فعالیت جنسی اجتناب می‌کردند و کسانی که وظیفه رهبری روحانی را به عهده داشتند مجبور بودند که مجرد بمانند. زیربنای این دیدگاه این تصور بود که عالم مادی به عنوان قلمرو شیطان است که تا ابد در تضاد با خدا قرار دارد و انگیزه جنسی به عنوان نقشه شیطان به منظور منصرف نمودن بشر از تلاش روحانی و معنوی قلمداد می‌شود.

در مغایرت با این برداشت، دیدگاه بهائی در مورد تمایلات جنسی در بیان ذیل که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده بیان گردیده است:

"دیانت بهائی ارزش انگیزه جنسی را تصدیق می‌نماید ولی استفاده نامشروع و ناشایسته از آن را در مواردی مانند رابطه جنسی آزاد و با

هم‌زیستن بدون ازدواج و غیره که همه را کاملاً به‌ضرر انسان و جامعه می‌داند محکوم می‌سازد. استفاده صحیح از غریزه جنسی حق طبیعی هر فرد می‌باشد و نهاد ازدواج نیز دقیقاً به همین منظور به وجود آمده است. بهائیان معتقد به سرکوب نمودن انگیزه جنسی نیستند، بلکه معتقد به کنترل و تعدیل آن هستند.<sup>۱۱۱</sup>

این روش متعادل نسبت به مسائل جنسی که "ارزش انگیزه جنسی" را تصدیق نموده ابراز آن را فقط در چارچوب ازدواج تجویز می‌نماید، دیانت بهائی را از همه فلسفه‌های دینی مرسوم جدا می‌سازد، و مفهوم عمیق آن به‌تدریج توسط پژوهشگران بهائی از جمله روانشناسان و روانکاوانی که تخصص شغلی خود را به کار می‌گیرند تا نسبت به این جنبه از تعالیم بهائی بصیرت پیدا کنند روشن می‌گردد.

دومین اختلاف اصلی تعالیم بهائی در مورد رفتار جنسی به دیدگاه دیانت بهائی نسبت به زن که به خاطر ارتباطش با جاذبه جنسی، در گذشته اغلب به عنوان نماینده شیطان محکوم می‌شد مربوط می‌گردد. این تصور اشتباه منتهی به تحمیل قوانینی به منظور کاهش این جنبه از نفوذ زن از طریق تعیین نوع خاصی از پوشش برای زن و منع به کاربردن زینت آلات و لوازم آرایش و حتی در موارد افراطی‌تر، لزوم داشتن پوششی برای مو و یا صورت و یا در خانه منزوی شدن وی شده است. حضرت عبدالبهاء با اشاره به مقام و موقعیت زن در دوران‌های گذشته خاطر نشان می‌سازند که "تحصیل برای زن عملی بر خلاف عفت و تقوی شمرده می‌شد، چه که او در خانه زندانی بود."<sup>۱۱۲</sup> (ترجمه به‌مضمون)

یک چنین عقیده اشتباهی که موازین نامساوی برای زن و مرد تعیین کند در تعالیم بهائی جایگاهی ندارد. منشی حضرت ولی امرالله از جانب ایشان چنین مرقوم داشته است:

"به‌طور خلاصه، برداشت بهائی از روابط جنسی بر این عقیده استوار است که عفت و عصمت باید هم از طرف مرد و هم از طرف زن کاملاً رعایت

گردد، نه تنها به این علت که عصمت به خودی خود از نظر اخلاقی بسیار قابل ستایش است بلکه از این نظر که تنها راه یک زندگی خانوادگی شاد و موفق نیز می‌باشد.<sup>۱۳۱</sup>

تعالیم بهائی زن و مرد هر دو را ملزم به رعایت اعتدال و وقار در لباس پوشیدن می‌داند، ولی آزادی عمل زیادی در نوع پوشاک قائل گردیده است. در کتاب اقدس آمده است "قد رفع الله عنكم حكم الحدّ في اللباس و اللّٰحی فضلاً من عنده" (مضمون بیان: حکم محدودیت لباس و آرایش به فضل الهی برداشته شد.) ولی هشدار داده شده که "لا تجعلوا انفسکم ملعب الجاهلین"<sup>۱۳۲</sup> (مضمون بیان: خود را مورد تمسخر جاهلین قرار ندهید.)

تنوری نادرست و خطرناکی که در بعضی از فرهنگ‌ها برای توجیه بدرفتاری با زنان، از جمله تنزل آنان به وسیله‌ای جهت تمتع جنسی مرد و یا در حجاب نگهداشتن آن‌ها، مورد استفاده قرار گرفته است این است که انگیزه جنسی مرد غیرقابل کنترل است و بنابراین مردان را برای سوء استفاده جنسی از زنان نمی‌توان مسئول دانست. مشابه این نظر را در عصر حاضر نیز می‌توان ملاحظه نمود که گاهی قربانیان تجاوزات جنسی به اتهام اینکه با طرز لباس و نحوه رفتار، خود را در معرض تجاوز جنسی قرار داده‌اند، مورد شماتت قرار می‌گیرند. بیان ذیل از بیت‌العدل اعظم با این طرز فکر تضاد قابل ملاحظه‌ای دارد:

"فقدان ارزش‌های معنوی و روحانی در اجتماع، منجر به تدنی خلق و خوبی که باید بر روابط بین دو جنس مخالف حکم فرما باشد می‌گردد که در نتیجه زنان صرفاً وسیله‌ای برای ارضای امیال جنسی به حساب می‌آیند و از احترام و ادبی که از جمله حقوق همه افراد بشر است محروم می‌شوند. حضرت بهاءالله چنین انداز می‌فرماید: "ان الذین یرتکبون البغی و الفحشاء اولئک ضلّ سعیمهم و کانوا من الخاسرین." شایسته یاران حضرت رحمن آنکه در باره معیارهای والای اخلاقی که نیل به آن را حضرت بهاءالله در یکی از بیانات خود به "اهل بهاء" توصیه می‌فرمایند،

تعمّق نمایند: "و لو یردن علیهم ذوات الجمال باحسن الطراز لا ترتدّ الیهنّ ابصارهم بالهوی اولئک خلقوا من التّقوی کذلک یرلمکم قلم القدم من لدن ربکم العزیز الوهاب"<sup>۱۴</sup> (مضمون بیان: اگر زیباترین زنان با آراسته‌ترین ظاهر با آن‌ها ملاقات نمایند، ابتدا با نظر هوی و هوس به آن‌ها نگاه نکنند، آن‌ها از تقوی خلق شده‌اند، این چنین تعلیم می‌دهد شما را قلم الهی از سوی پروردگار عزیز و بخشنده شما).

این گونه موازین اخلاقی تأثیر مستقیم در رفع مزاحمت‌های جنسی زنان در محیط کار دارد. به کار بردن این موازین جوی به وجود می‌آورد که در آن زنان با اطمینان می‌توانند استخدام در محیطی را انتظار داشته باشند که در آن در معرض سوء استفاده جنسی قرار نگیرند و آزاد باشند تا بدون بیم از تحقیر به انجام وظائف خود پردازند.

بیانی از کتاب اقدس که به موضوع آزادی زن در ارتباط با استفاده از فرصت‌های استخدامی اشاره دارد و اگر توضیحی در باره آن داده نشود ممکن است سوء تعبیر گردد عبارت است از: "و من اتخذ بکراً لخدمته لا بأس علیه". حضرت بهاء‌الله در پاسخ پرسشی در این زمینه فرموده‌اند که این شرط در احکام بهائی محدودیتی را که در ادیان قبلی وجود داشته برطرف می‌سازد و آن اینکه مرد نباید زن مجردی را به استخدام خود در آورد از این نظر که چنین استخدامی به معنای وجود ارتباط جنسی بین آن مرد و کارمند زن او تلقی شده یا حتی به فحشاء تعبیر می‌گردد. به این ترتیب زنان به خاطر محکومیت اجتماعی و لطمه جبران‌ناپذیر به آبرویشان به شدت در حرفه و زندگی شغلی خود محدود می‌شدند. برعکس آئین بهائی همان‌طور که حضرت عبدالبهاء بیان فرموده‌اند هدفش این است که "زنان باید ترقی کنند و وظیفه‌شان را به‌تمامه در مدارج حیات اجراء دارند."<sup>۱۵</sup> نیل به این هدف مستلزم آن است که زنان بدون بیم از مزاحمت‌های جنسی، در پیشرفت خود آزاد باشند و در صورت لزوم، برای مهار کردن مردانی که سعی می‌کنند محیط کار را میدان سوءاستفاده جنسی خود قرار دهند از قوای اخلاقی و

قانونی استفاده شود. بدین ترتیب تعالیم بهائی حافظ حقوق زنان بوده اثری آزادی‌بخش بر زندگی آنان دارد، زنانی که می‌کوشند نقش گسترده‌ای را که این تعالیم آنان را به آن فرامی‌خواند ایفاء نمایند.

در بعضی نقاط جهان رسم وحشیانه ایجاد نقص عضو در آلت تناسلی دختران (خته دختران) مرسوم است که منشأ درد و رنج فراوانی برای قربانیان آن می‌گردد. این رسم برخلاف روح تعالیم بهائی می‌باشد و نمایندگان جامعه بهائی در کنفرانس‌های بین‌المللی که شرکت کرده‌اند در محکوم نمودن این رسم پیشقدم بوده‌اند.<sup>۱۶</sup>

همانطور که قبلاً اشاره شد، بر طبق تعالیم بهائی "روابط جنسی خارج از ازدواج به هیچ شکل و صورتی جایز نیست."<sup>۱۷</sup> قطع نظر از مفاهیم روابط جنسی قبل از ازدواج و یا روابط خارج از ازدواج، این موازین عفت و عصمت در ممنوع کردن روابط در مورد همجنس‌بازی نیز ابراز گردیده است. بعضی از احکام کتاب اقدس برای شرایط و اوضاع آینده یعنی هنگامی که گسترش مستمر آئین بهائی و رشد این جامعه به نحو فزاینده‌ای موجب گردد که کشورها تصمیم بگیرند احکام بهائی را در ضمن قوانین مصوبه ملی خود بگنجانند نازل گردیده، کتاب اقدس وضع جریمه برای جرائم جنسی از جمله روابط غیرقانونی جنسی بین دو جنس مخالف و نیز در مورد اعمالی از قبیل لواط را برای چنین زمانی پیش‌بینی کرده است. حضرت عبدالبهاء اشاره می‌فرماید که هدف این دستورات کتاب اقدس تنبیه متخلفین از طریق در معرض افکار عمومی قرار دادن اعمال ناشایست آنها است تا در مقابل جامعه سرافکننده و شرمسار شوند.

یکی از اسفبارترین مسائل جامعه امروز رواج تجاوزات جنسی است که حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس آن را محکوم نموده تعیین مجازات برای آن و سایر جرائم جنسی را، هنگامی که در آینده احکام بهائی اساس قانونگذاری در یک جامعه قرار گیرد، جزو وظائف بیت‌العدل اعظم مقرر فرموده‌اند. در



حال حاضر، پی آمده‌های تجاوز جنسی در نامه‌ای از طرف بیت‌العدل اعظم با عبارات زیر مورد بحث قرار گرفته است:

"یکی از شنیع‌ترین و قبیح‌ترین تخلفات جنسی جرم تجاوز جنسی است. چنانچه یکی از اجباء مورد تجاوز جنسی قرار گیرد مستحق محبت و حمایت اعضای جامعه می‌باشد و مختار است که علیه متجاوز بر طبق قانون مملکت خویش اقدام نماید. اگر در اثر این تجاوز حامله شود مؤسسات بهائی نباید به او فشار آورند که ازدواج کند. اخذ تصمیم در باره حفظ و یا سقط جنین راجع به شخص او است تا با توجه به ملاحظات طبی و عوامل مربوطه دیگر و در پرتو تعالیم مبارکه، آنچه را مایل باشد مجری دارد. اگر در نتیجه این تجاوز طفلی متولد شود، اخذ تصمیم در مورد طلب کمک مالی از پدر جهت نگهداری فرزند به خود مادر راجع است، ولی ادعای هر گونه حق پدری از طرف متجاوز بر طبق احکام بهائی، با توجه به شرایط مربوطه، زیر سؤال برده می‌شود.<sup>۱۸۱۱</sup>

آنچه در این جا مورد بحث قرار می‌گیرد لزوماً به اختصار مطرح می‌شود و صرفاً معرفی کوتاهی از دیدگاه بهائی در مورد رفتار جنسی و روش منحصر به فرد آن می‌باشد. سایر نویسندگان بهائی این موضوع را به نحو کامل‌تری مورد بررسی قرار داده‌اند.<sup>۱۹</sup>

## ازدواج و طلاق

تعالیم بهائی در مورد ازدواج کاملاً ممتاز هستند نه تنها به‌خاطر تجویز صریح و روشن تک همسری، بلکه به‌واسطه روشی که از طریق آن، تعالیم مربوط به تساوی جنسی با ساختار، چارچوب و مقاصد روابط زناشویی ترکیب گردیده است.

حضرت عبدالبهاء ازدواج بهائی را با عبارات ذیل توصیف می‌فرمایند: "عقد حقیقی بهائیان این است که باید بین طرفین روحاً و جسماً التیام تام"

حاصل گردد تا در جمیع عوالم الهی اتحاد ابدی داشته باشند و حیات روحانی یکدیگر را ترقی دهند.<sup>۲۱۱</sup> مساعی دو جانبه مورد نیاز و تعیین هدف روحانی برای ازدواج به وضوح دلالت بر این دارد که رعایت مساوات یکی از شرایط اساسی نیل به این هدف عالی است.

حضرت ولی امرالله در مقام مبین مجاز امر الهی تأیید می‌فرمایند که کتاب اقدس "اقتناع به زوجة واحده را تصریح می‌فرماید"<sup>۲۱۲</sup> اما نحوه تجویز آن بعضی از اصول مهم را در مورد اجرای احکام بهائی روشن می‌سازد. بدیهی است تعدد زوجات یا چند همسری سنتی بسیار قدیمی است که در اکثر جوامع بشری از همه فرهنگ‌ها و مذاهب وجود داشته است. این رسم تحت احکام یهود جایز بود، گرچه با گذشت قرون و اعصار جو عمومی جامعه به تک همسری گرایش پیدا کرد. حضرت مسیح تعدد زوجات را تحریم نمود و شواهد تاریخی نشان می‌دهد که در جوامع اولیه مسیحی این سنت وجود داشته است. حضرت محمد تعداد زنان را منحصر به چهار نمود و اختیار بیش از یک همسر را مشروط به رعایت عدالت نمود.

در زمان نزول کتاب اقدس، بهائیان تماماً از جامعه اسلامی برخاسته بودند و بنابراین تعدد زوجات در بین آن‌ها مرسوم و متداول بود. در واقع حضرت بهاءالله خود نیز قبل از نزول احکام بهائی ازدواج کرده و دارای سه همسر بود. تعالیم بهائی تک همسری را به تدریج معرفی و متداول نمود و با بیان ذیل در کتاب اقدس آغاز می‌گردد که از نظر ظاهر به نظر می‌رسد که گرفتن دو زن را جایز می‌داند: "ایاکم ان تجاوزوا عن الاثنتین و الذی اقتنع بواحدة من الاماء استراحت نفسه و نفسها". این بیان را می‌توان یک نمونه از اجرای تدریجی احکام بهائی دانست، چه که لزوماً این حقیقت باید در نظر گرفته شود که حضرت بهاءالله حضرت عبدالبهاء را به عنوان مبین مصون از خطای آثار خویش تعیین نموده و در کتاب اقدس به مؤمنین توصیه فرموده‌اند که "ارجعوا مالا عرفتموه من الکتاب الی القرع المنشعب من هذا الاصل القویم"<sup>۲۱۳</sup> (مضمون بیان: آنچه را در کتاب نمی‌فهمید از ایشان سؤال کنید).

حضرت عبدالبهاء این روش تدریجی را به این نحو دنبال فرمودند که از ابتداء ازدواج با همسر دوّم را منع ننموده بلکه با بیاناتی مبنی بر اینکه ازدواج دوّم موکول به رعایت عدالت شده و اجرای عدالت در این مورد فوق العاده مشکل است و اینکه اکتفا نمودن به یک همسر بیشتر موجب رفاه و سعادت فرد می‌شود، از حمایت این رسم خودداری کردند.<sup>۲۳</sup> بعداً در بیان ذیل موضوع را دقیقاً روشن ساختند: "اما به نصّ کتاب اقدس در تزویج فی الحقیقه توحید است زیرا مشروط به شرط محال است."<sup>۲۴</sup> حضرت عبدالبهاء سپس ضمن بیانات ذیل این توضیح را روشن تر و کامل تر نموده‌اند:

"اعلمی انّ شریعة الله لاتجوز تعدّد الزّوجات لأنّها صرحت بالقناعة بواحدة منها و شرط الزّوجة الثانیة بالقسط و العدالة بینهما فی جمیع المراتب و الاحوال فاما العدل و القسط بین الزّوجتین من المستحیل و الممتنعات و تعلیق هذا الامر بشئی ممتنع الوجود دلیل واضح علی عدم جوازہ بوجه من الوجود فلذلک لایجوز الاّ امرأة واحدة لكلّ انسان."<sup>۲۵</sup> (مضمون بیان - بدان که تعدّد زوجات در احکام الهی جایز نیست. زیرا اکتفاء به یک زن به وضوح توصیه گردیده است. اختیار زن دوّم به رعایت عدالت و انصاف بین دو زن در همه شرایط موکول گردیده است. اما رعایت عدالت و انصاف بین دو زن کاملاً غیرممکن است. اینکه اختیار دو زن موکول به شرط محال شده است خود دلیل روشنی بر ممنوعیت مطلق این رسم است. بنابراین به مرد اجازه داده نشده که بیشتر از یک زن اختیار کند.)

به این دلیل حضرت ولی امرالله نیز مانند حضرت عبدالبهاء اشاره می‌فرمایند که کتاب اقدس اکتفاء به یک زن را جایز شمرده است. سنت تعدّد زوجات که برای هزاران سال مورد تأیید تعالیم مذهبی بود در دیانت بهائی بعد از یک دوره انتقال که بیش از چند دهه بعد از نزول کتاب اقدس طول نکشید لغو گردید.

بینش جالبی در مورد اجرای مساوات در ارتباط با تعدد زوجات در دوره انتقال از لوحی از حضرت عبداله‌اء خطاب به یکی از مؤمنین اولیه در باره لزوم اکتفاء به زوجه واحد، ملاحظه می‌گردد. در این لوح، حضرت عبداله‌اء توجه را به این حقیقت جلب می‌فرمایند که احساسات جسمانی و روحانی زنان هم مانند مردان است. اگر زنی به‌طور مکرر در جستجوی شوهر جدیدی باشد زن عقیفی شمرده نخواهد شد. سپس تأکید می‌فرمایند که همین موازین در مورد مردان نیز صادق است.<sup>۲۶</sup>

لزوم ابراز برابری و حفظ حقوق زنان حاکی از سایر جنبه‌های تعالیم بهائی در مورد ازدواج است مانند پیشنهاد ازدواج که حق زن و مرد هر دو می‌باشد.

نامزدی نمی‌تواند قبل از سن حداقل پانزده سالگی واقع شود و مستلزم رضایت طرفین است و به این ترتیب این سنت دیرینه در مورد نامزد کردن دختران خردسال که غالباً برخلاف میل و بدون احترام به انتخاب آنها صورت می‌گرفت لغو می‌شود. طبق این حکم بهائی که اکنون به تدریج تحت رهنمودهای بیت‌العدل اعظم به اجرا در می‌آید، دوران نامزدی نباید از نود و پنج روز تجاوز کند. مفهوم این حکم آن است که به این سنت غیر عادلانه خاتمه می‌دهد که طبق آن پس از نامزدی فردی برای سال‌ها در بلا تکلیفی و بیم و امید بماند که آیا ازدواج نهایتاً صورت می‌گیرد و یا نه در حالی که فرصت انتخاب شریک مناسب دیگری برای زندگی از او گرفته می‌شود.

موضوع مهریه در بسیاری از موارد، با تحقیر مقام زن و کاهش او به یک کالای تجارتي همراه بوده است. در بعضی از فرهنگ‌ها، مهریه نوعی پرداخت است از طرف داماد به والدین عروس که به عنوان قیمت عروس، یا با تعبیری بهتر ثروت عروس، توصیف می‌گردد و نوعی تعهد مالی داماد در مقابل والدین عروس است که با دخترشان به نحو شایسته رفتار خواهد شد، ولی این سنت غالباً آن قدر تنزل یافته که به عنوان قیمت خرید منظور گردیده است. نوع دیگر مهریه پرداخت مبلغی به داماد از طرف خانواده عروس است که با بهترین تعبیر می‌توان آن را هدیه‌ای سخاوتمندانه جهت تأمین هزینه برپا

نمودن یک خانواده جدید دانست، ولی واقعیت این است که اغلب این پرداخت به عنوان کمکی به داماد جهت نگهداری از کسی که ضمن ایجاد هزینه، فاقد تولید اقتصادی است شمرده می‌شود. با توجه به سوابق تاریخی ممکن است باعث تعجب گردد که رسم مهریه در تعالیم بهائی نیز یافت می‌شود که می‌تواند عاملی در بالا بردن موقعیت زنان و تأکید بر تساوی آنان با مردان گردد.

مهریه بهائی مبلغ مشخصی است از پول یا معادل آن که از طرف داماد به همسرش و نه به والدین او، هدیه می‌گردد و زن در مصرف آن کاملاً آزاد است. دادن مهریه را می‌توان یک عمل نهادین شمرده، چه که مبلغ آن که بستگی به قیمت طلا دارد ممکن است فقط در حدود ۸۰۰ دلار آمریکا برای کسانی که در شهر زندگی می‌کنند باشد. اما اهمیت عمل قابل توجه است، چه که نشانه ملموسی از حق انکار نشدنی زن در داشتن دارائی به نام خود و در صورت تمایل استقلال اقتصادی او از شوهرش می‌باشد. سنت جوامع غربی در مورد دادن انگشتر نامزدی الماس از طرف داماد به عروس تاحدی یادآوری از مهریه بهائی می‌باشد. هم‌چنین جالب است که توجه شود که در اسلام، قرآن داماد را موظف به دادن مهریه به عروس می‌نماید ولی مبلغ را تعیین نمی‌کند و همین امر باعث می‌گردد که این رسم موجب سوء استفاده گردد. مهریه در تعالیم بهائی آن‌قدر اهمیت دارد که اگر داماد قادر به پرداخت کامل آن نباشد می‌تواند تعهدنامه‌ای بابت مبلغ مربوطه به عروس بدهد، با این درک که وقتی از نظر مالی در شرایط بهتری قرار بگیرد این تعهد را محترم شمرد.<sup>۲۷</sup>

هم‌چنین تعالیم بهائی این امکان را فراهم می‌سازد که اگر طرفین ازدواج مایل باشند بتوانند از رسم بعضی فرهنگ‌ها پیروی نموده یک قرارداد رسمی ازدواج با تعیین شرایط و قیودی برای هر یک از طرفین تنظیم نمایند. کتاب اقدس مقرر می‌دارد که اگر چنین قرار دادی تنظیم شود مشروط به اینکه یکی از شرایط ازدواج بکارت زن باشد و بعداً معلوم گردد که او باکره نبوده

است، می‌توان درخواست فسخ ازدواج را نمود. اما حضرت بهاء‌الله در چنین مواردی توصیه می‌فرمایند که اگر شوهر موضوع را پنهان نگهدارد و آن را عنوان نکند نزد خداوند بسیار پسندیده‌تر خواهد بود. هم‌چنین عروس هم اگر مایل باشد آزاد است که شرط مشابهی برای باکره بودن شوهرش در قرار داد ازدواج منظور نماید و در صورتی که بعداً شواهد قابل اعتمادی مبنی بر عدم باکره بودن شوهر بیابد می‌تواند درخواست فسخ ازدواج را بنماید.<sup>۲۸</sup>

تعالیم بهائی تأکید زیادی بر حفظ پیوند ازدواج دارد و کاربرد ارزش‌های عائله بهائی که در فصل سوم این کتاب توصیف شد اثر مستقیمی بر تحکیم این پیوند دارد. تشکیلات بهائی برای راهنمایی زوج‌هائی که به مشکلات خانوادگی برخورد می‌کنند آماده هستند و در پیامی از بیت‌العدل اعظم آمده است که زن و شوهرهائی که نیازمند کمک در این زمینه می‌باشند نباید در مشورت با "مشاورین حرفه‌ای ازدواج، چه فرداً و چه با هم در صورت امکان، و نیز بهره‌گیری از مشاوره با احبای عاقل و بالغ تردیدی به خود راه دهند. البته مشاوره با غیر بهائیان مفید است ولی معمولاً تعدیل نمودن آن با دیدگاه بهائی لازم می‌باشد."<sup>۲۹</sup> (ترجمه)

اگرچه علل از هم‌پاشیدگی خانواده‌ها بسیار است، ولی یکی از علل معمولی آن سلطه شوهر بر زن است. همان‌طور که در فصل سوم اشاره شد، یک چنین رفتاری مغایر نصوص بهائی است. نمونه افراطی این سلطه، خشونت در خانواده است، یعنی هنگامی که زن مورد آزار و تعرض بدنی از ناحیه شوهرش واقع می‌شود. یک چنین رفتاری در دیانت بهائی مردود و محکوم است. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند:

"... باید دوستان حق به طراز عدل وانصاف و مهر و محبت مزین باشند؛ چنانچه بر خود ظلم و تعدی روا نمی‌دارند، بر اماء الهی هم روا ندارند. اِنَّهٗ یَنطِقُ بِالْحَقِّ وَ یأْمُرُ بِمَا یَنْتَفِعُ بِهِ عِبَادَهُ وَ اِئْتَهُ؛ اِنَّهٗ وَلِیَ الْکُلِّ فِی

الدنیا و الآخرة...<sup>۳۰۰</sup> (مضمون بیان: به درستی که او حقیقت را بیان می‌دارد و امر می‌کند به آنچه نفع می‌رساند به بندگانش، همانا او حافظ همه است در دنیا و آخرت). در نامه‌ای که از طرف بیت‌العدل اعظم نوشته شده آمده است: "تمسک به زور از طرف یک مرد به منظور تحمیل اراده‌اش بر یک زن، تمرّدی فاحش از تعالیم دیانت بهائی است" و نیز هشدار داده شده که "هیچ شوهر بهائی نباید هرگز همسرش را کتک بزند و یا با وی به نحوی ظالمانه رفتار نماید. مبادرت به چنین عملی اهانتی غیر قابل قبول نسبت به روابط زناشویی و مخالف تعالیم حضرت بهاء‌الله است."<sup>۳۰۱</sup>

نوع دیگر خشونت در خانواده هنگامی است که شوهر همسر خود را مورد آزار جنسی قرار می‌دهد و غالباً رفتار خود را با این بهانه که روابط زناشویی به او حق می‌دهد که بدون توجه به احساسات همسرش، هر گونه می‌خواهد رفتار کند توجیه می‌نماید. بیت‌العدل اعظم روشن می‌سازند که این طرز فکر کاملاً اشتباه است. در نامه‌ای که از طرف بیت‌العدل اعظم نوشته شده با اشاره به رفتار جنسی در ازدواج چنین توضیح می‌دهند:

"در این جنبه از روابط زناشویی نیز، مانند دیگر جوانب آن، باید رعایت و احترام متقابل حکم فرما باشد. اگر یک زن بهائی مورد آزار و یا تجاوز جنسی شوهرش قرار گیرد حق آن را دارد که برای کمک و راهنمایی به محفل روحانی مراجعه کند و یا برای کسب حمایت قانونی اقدام نماید. چنین آزارهایی ادامه زندگی زناشویی را شدیداً به مخاطره انداخته و به راستی می‌تواند سبب بروز تنفر و انزجار غیر قابل علاج شود."<sup>۳۰۲</sup>

طلاق در تعالیم بهائی جایز است، هرچند که به شدت منع شده و از بهائیان خواسته شده است که به نحو پی‌گیر و صمیمانه تلاش کنند تا وقفه‌ای را که در روابط آن‌ها پیش آمده جبران نمایند. حضرت ولی امرالله می‌فرماید که "حقوق طرفین در تقاضای طلاق مساوی است" هر گاه هر یک از طرفین "طلاق را قطعاً لازم دانند". اگر بنا به نص کتاب اقدس "آن حدث بینهما

کدورهٔ او کره<sup>۳۳</sup> (مضمون بیان: اگر بین آن‌ها کدورت و بیزاری بوجود بیاید) طلاق بعد از گذشت یک سال تمام جایز است. در طول سال اصطبار (که به آن ایام تربص نیز می‌گویند) طرفین بایستی تحت هدایات محفل روحانی، در صورت امکان سعی بر سازش و رفع اختلافات خود نمایند، اگر این کوشش‌ها ناموفق باشد، طلاق اجرا می‌گردد. با این حال، شوهر موظف است که در این مدت زن و فرزندان خود را از نظر مالی حمایت نماید، هم‌چنین بر حسب مسئولیت خود در قبال تأمین معاش خانواده به‌طوری که در فصل سوم اشاره شد، به حمایت مالی فرزندانش ادامه دهد.

یک نمونهٔ جالب از احکامی که برای مرد در مقابل زن وضع شده است ولی در واقع برای زن در مقابل مرد نیز قابل اجرا است، در مورد زنا دیده می‌شود. حضرت عبدالهء اشاره فرموده‌اند که در مورد ثابت شدن ارتکاب عمل زنا از ناحیهٔ زوجه یک سال تربص قبل از طلاق لغو می‌شود. بیت‌العدل اعظم در این مورد توضیح می‌دهند که زمان اجرای این حکم هنوز نرسیده است، وقتی هنگام آن فرا رسد، این جنبه از حکم طلاق نیاز به توضیح و تشریح مقررات تکمیلی از طرف بیت‌العدل اعظم خواهد داشت که بیان می‌دارد معاقبت از سال تربص به‌طور مساوی به موارد زنا از طرف شوهر هم تعلق خواهد گرفت.<sup>۳۴</sup>

## حقوق مالی

بحث در باره احکام بهائی به نحوی که به زنان و اجرای تساوی جنسی مربوط می‌گردد بدون اشاره به حقوق مالی زن در ازدواج کامل نمی‌گردد، چنانچه ایان اف. جی. باکستر Ian F. G. Baxter در مقام یک پروفیسور حقوقدان، ضمن مقاله‌ای در باره حقوق خانواده در دائرةالمعارف بریتانیکا اشاره می‌کند "تاریخچهٔ ازدواج به وابستگی اقتصادی و قانونی زن به مرد و عدم صلاحیت قانونی زن در مالکیت املاک متکی است."<sup>۳۵</sup>



چند جنبه از این موضوع در فصل‌های گذشته مورد بحث قرار گرفته است. پر واضح است که در تعالیم بهائی راه برای زنان باز است تا در "معادله اجتماعی و اقتصادی" حضور فعال داشته باشند و مثلاً در مشاغلی در زمینه حقوق، امور اجتماعی، علوم صنعتی، کشاورزی و غیره مشارکت نمایند.<sup>۳۶</sup> حق زن به داشتن دارائی مخصوص به خود در دیانت بهائی ضمن حکم مهریه تأیید گردیده است، در عین حال دیگر متون آثار بهائی، برای زن مالکیت مخصوص به خود، کاملاً متمایز از مالکیت شوهرش، قائل شده است که از طریق کار، حرفه، تجارت و مهریه خود، یا از طریق ارث و یا حتی بر اثر قرارداد ازدواج برایش حاصل شود.

در مورد ارث، به عنوان یک حکم دینی، هر زن و مرد بهائی مکلف است برای خود وصیت‌نامه تنظیم نماید. حضرت بهاء‌الله در کتاب اقدس می‌فرماید: "قد فرض لكل نفس كتاب الوصية" (مضمون بیان - بر هر فردی واجب است که وصیت‌نامه بنویسد). اهمیت این دستور نباید نادیده انگاشته شود. حضرت عبدالبهاء می‌فرماید "وصیت فرض بر کل است" و اشاره می‌فرماید که اگر کسی اطاعت نکند و وصیت‌نامه ننویسد "این تکلیف الهی را مخالفت نماید."<sup>۳۷</sup>

در مورد تنظیم وصیت‌نامه حضرت بهاء‌الله تأیید می‌فرماید که "انسان در مال خود مختار است" چون که "قد اذن الله له بان يفعل فيما ملكه الله كيف يشاء" (مضمون بیان - به تحقیق خداوند به او اجازه داده است که در مورد آنچه به او داده است به هر نحو که مایل باشد تصمیم بگیرد). در هنگام آماده نمودن وصیت‌نامه، یک فرد بهائی باید به نصایح حضرت عبدالبهاء توجه نماید که می‌فرماید: "باید هر شخص در زمان حیات خویش وصیت نماید و اموال را به خواهش و میل خود تقسیم کند و توزیع نماید ولی ملاحظه عدل و انصاف را داشته در این صورت نفسی بی‌وصیت نمی‌ماند." طبعاً هر بهائی می‌تواند در وصیت‌نامه پیش‌بینی‌هایی برای هر فردی که از نظر مالی به او وابسته است مانند همسر و فرزندان که منبع درآمدی ندارند داشته باشد. حضرت عبدالبهاء توضیح

می‌دهند که وصیت‌کننده در وصیت‌نامه "مختار است و دار مسکونه را به هر کس بخواهد می‌بخشد" در صورتی که عدل و انصاف مذکور در فوق را رعایت نماید.<sup>۳۸</sup> هیچ‌گونه محدودیتی برای افراد در مورد واگذاری اموالشان به کسانی که بهائی نیستند وجود ندارد، به این ترتیب کسانی که همسرشان بهائی نیست اگر احساس کنند که "عدل و انصاف" ایجاب می‌نماید می‌توانند قسمت اعظم اموال و از جمله خانه مسکونی خود را به همسرشان واگذار نمایند.

نکته دیگری که به تنظیم وصیت‌نامه مربوط می‌گردد بیان ذیل است که در نامه‌ای که حسب الامر حضرت ولی امرالله نوشته شده آمده است:

"... گرچه احباء مجازند در وصیت‌نامه مایملک خویش را به اراده خود تقسیم نمایند، اما اخلاقاً و وجداناً موظفند که در نوشتن وصیت‌نامه دستور جمال مبارک را در مورد اثرات ثروت در جامعه همیشه در نظر گرفته و آن را مراعات نمایند و از جمع مال به حد افراط و تمرکز آن در بین افرادی معدود و یا گروه‌هایی محدود اجتناب نمایند."<sup>۳۹</sup>

هنگامی که یک فرد بهائی از تنظیم وصیت‌نامه غفلت می‌ورزد، وضعی غیرعادی پیش می‌آید. در مواردی که نداشتن وصیت‌نامه از قصور در رعایت این جنبه از احکام بهائی ناشی شده باشد و یا در مواردی که وصیت‌نامه مفقود شده باشد، کتاب اقدس احکام دقیقی در مورد ارث ارائه می‌دهد که دو خصوصیت آن مستقیماً مربوط به تساوی جنسی می‌شود. اول خصوصیت آن است که در بعضی از طبقات وراثت، تفاوتی بین مرد و زن وارث قائل شده است، به این معنی که پدر متوفی تا حدی سهم بیشتری از مادر، و برادران سهمی بیشتر از خواهران دریافت می‌دارند. این اختلاف را در ارتباط با اصل تساوی جنسی با توجه به این نکته می‌توان درک نمود که همان‌طور که در فصل سوم ذکر شد، صرف نظر از درآمد و وضع مالی زن، مسئولیت اصلی حمایت مالی خانواده به عهده مرد می‌باشد.

دومین خصوصیت این است که در مواردی که وصیت‌نامه موجود نباشد مقررات ایجاب می‌کند که خانه مسکونی پدری و اگر بیش از یک خانه موجود باشد، خانه اصلی به پسر ارشد واگذار شود. این اصل بدان معنا است که این خانه پس از فوت پدر نمی‌بایستی جهت تقسیم بین وراثت فروخته شود. این خود وسیله مهمی برای حمایت از بیوه متوفی می‌باشد، در صورتی که او در همان خانه زندگی می‌کرده و خانه تماماً به نام شوهر بوده است، چه که بر حسب تعالیم بهائی وظیفه نگهداری از مادر و رعایت حال سایر وراثت بر عهده پسر ارشد است. اما مفهوم کامل این دستور در آینده با رهنمودهای بیت‌العدل اعظم در باره نقش و مسئولیت پسر ارشد، روشن‌تر و واضح‌تر خواهد شد.

## خدمت در تشکیلات بهائی

بررسی نقش زن در ادیان به‌ناچار مستلزم توصیف میزان محرومیت زنان از رسیدن به مقام‌های مؤثر اداری یا تصمیم‌گیری در تشکیلات جامعه مذهبی در گذشته می‌باشد.

در باره نقشی که در عملکرد یک دین در گذشته به زنان واگذار شده می‌توان چند مسئله کلی را تعمیم داد. در دوران اولیه ادیان که به مؤسس دین مربوط می‌شود، می‌توان ملاحظه نمود که زنان نقشی مهم و تحسین‌آمیز در دفاع، تبلیغ و رستگاری ایفاء کرده‌اند. در مسیحیت، در زمان به صلیب زدن حضرت مسیح، مریم مجدلیه نقش مهمی بازی کرد و انجیل یوحنا موفقیت‌های چشمگیر زن سامری را در جلب تعداد زیادی پیرو به دین جدید نقل می‌کند. در اسلام، خدیجه از اولین مؤمنین به حضرت محمد بود و در مقابل همه اذیت و آزارها، با ایمانی ثابت ایستادگی کرد، در عین حال دختر پیامبر، حضرت فاطمه نیز در دفاع و حمایت از جامعه شجاعانه خدمت نمود.

پس از وفات پیامبر، آیشه با اقدامات خود از جمله رهبری نظامی در مبارزات مسلحانه بین گروه‌هایی که برای کسب قدرت رقابت می‌کردند، در پیشرفت جامعه دینی اولیه به نحو قابل ملاحظه‌ای مؤثر بود.<sup>۴۱</sup>

به تدریج که هیئت پیروان به صورت یک جامعه مذهبی متشکل می‌شدند و یک ساختار مذهبی شکل می‌گرفت، زنان به نحو فزاینده‌ای از مقامات قدرت محروم شده نقش فرعی و صرفاً حمایت‌کننده پیدا می‌کردند. از آنجائی که مؤسسين ادیان در گذشته چگونگی تشکیلات جامعه دینی خود را به هیچ صورتی مشخص نکرده بودند، عدم تساوی جنسی در جامعه عامل سرنوشت‌سازی در سازماندهی سلسله مراتب روحانی مردانه گردید. در ادیانی که در آسیای غربی ظهور کردند، خاخام‌ها، کشیش‌ها و ملاها همه مرد بودند. گرچه در بعضی موارد نظام‌های مذهبی زنانه برای انجام وظائف آموزشی و بهداشتی تشکیل می‌گردید، ولی رهبران زن آن‌ها قلمرو نفوذشان فقط منحصر به زنان بود.

در صحنه تاریخ معاصر، جنبش مساوات در تغییر این وضع، نقش محدودی داشته است. در بعضی از فرق یهود و مسیحیت می‌توان زنانی را یافت که وظائف مذهبی در همایش مؤمنان زن و مرد دارند و اخیراً در اسلام محققین زن پیدا شده‌اند. ولی باید پذیرفت که این موارد اکثراً استثنائی است، نه یک روش کلی، حال آنکه تشکیلات مذهبی هم‌چنان تماماً در انحصار مردان است.

دیانت بهائی در تضاد مستقیم با این پیشینه تاریخی قرار می‌گیرد. نظم اداری بهائی که مستقیماً بر بیانات صریح حضرت بهاء‌الله مبتنی است، یکی از ویژگی‌های برجسته و ممتازش فعالیت زنان در سمت‌های مسئول در سطح محلی، ملی و بین‌المللی می‌باشد. زنان در مقام ایادی امرالله و به عنوان اعضای مشاورین در دارالتبلیغ بین‌المللی مسئولیت‌های مهمی در جهت توسعه و حفظ یکپارچگی جامعه بهائی و پیشبرد حیات روحانی آن در سطح جهانی بر عهده

دارند. هر يك از هیئت‌های مشاورین قاره‌ای در پنج قاره جهان دارای اعضای زن و مرد هر دو می‌باشند و زنان به عنوان اعضای محافل روحانی ملی و محلی در سراسر جهان انتخاب می‌شوند و در حیات جامعه بهائی در سطح محلی مشارکت داشته با شرکت در ضیافات نوزده روزه، انجمن‌های شور روحانی و کنفرانس‌ها، در مشاورات و مذاکرات، حضوری فعال دارند. در فصول پنجم و ششم به تفصیل در مورد ابتکاراتی که از طرف تشکیلات بهائی در مرکز جهانی، برای فعال نمودن زنان و دنبال نمودن اقداماتی که در حال حاضر در بسیاری از کشورهای جهان که فرهنگ سنتی آن‌ها شرکت زنان را در امور اجتماعی ممنوع ساخته است انجام می‌شود، مورد بحث قرار می‌گیرد.

با توجه به سابقه درخشان جامعه بهائی در این زمینه، ممکن است برای کسانی که در باره نقش زن در تعالیم بهائی مطالعه می‌کنند موجب شگفتی باشد که آثار بهائی به وضوح تصریح می‌کند که عضویت در هیئت عالی اداری جامعه بهائی یعنی بیت‌العدل اعظم منحصر به مردان است. بسیاری از افراد به این جنبه از تعالیم بهائی چندان اهمیت نداده توجه خود را به جمع کثیری از زنان که حیاتشان بر اثر پیشرفت تعالیم دیانت بهائی در مورد تساوی حقوق زن و مرد به نحوی مثبت تغییر یافته جلب می‌نمایند. اما این مسئله کاملاً قابل درک است که بعضی افراد با اطلاع از این اصل دچار آشفتگی خاطر شوند و اینکه این ممانعت زنان از عضویت در بالاترین هیئت اداری دیانت بهائی پرسش‌هایی را برای آنان مطرح سازد. به این دلیل لازم است که این موضوع را با جزئیات کامل بررسی نموده در نهایت سئوالاتی را که طبیعتاً به ذهن خطور می‌نماید مورد کاوش قرار داد.

يك چنین کاوشی می‌بایستی با مطالعه متون معتبر آثار بهائی که در آن عضویت بیت‌العدل اعظم تصریح شده آغاز گردد. باز در این جا نیز روند توضیح تدریجی و اجرای تدریجی این حکم دیده می‌شود. حضرت بهاء‌الله بیت‌العدل اعظم و بیت‌العدل محلی (محافل محلی) هر دو را در آثار خود ذکر

فرموده تعیین بیت‌العدل دیگری را که اکنون به محفل روحانی ملی معروف است به عهده حضرت عبدالبهاء واگذار فرمودند. در بیاناتی چند از کتاب اقدس، به "بیت‌العدل" اشاره شده است و سطح و یا سطوح مؤسسه‌ای که به آن بیانات مربوط می‌گردد موقوف به تبیینات بعدی شده است. در بین این بیانات کتاب اقدس، قسمتی است که به اعضای بیت‌العدل به عنوان "رجال‌العدل"<sup>۴۱۱</sup> اشاره می‌شود.

در دوران حضرت عبدالبهاء، هنگامی که بهائیان آمریکا مشغول تشکیل محافل روحانی و در حال شروع بنای مشرق‌الاذکار بودند، آن حضرت ضمن نامه‌ای به آنان، مفهوم این بیان کتاب اقدس را تبیین و تفسیر فرمودند:

"در شریعت الله نساء و رجال در جمیع حقوق متساویند مگر در بیت‌العدل عمومی زیرا رئیس و اعضای بیت‌العدل به نص کتاب رجالدیگر در سائر محافل عموماً مثل محفل بنای مشرق‌الاذکار و محفل تبلیغ و محفل روحانی مثل محافل خیریه و محافل علمیه رجال و نساء مشترکند در جمیع حقوق."<sup>۴۲۱۱</sup>

این توضیح ضمن نامه‌ای از طرف حضرت ولی امرالله به یکی اجباء، مجدداً بیان شده و با جزئیات بیشتری تشریح و مشخص گردیده است:

"در مورد سنوال شما راجع به عضویت بیت‌العدل اعظم، لوحی از حضرت عبدالبهاء وجود دارد که در آن به‌طور قطعی بیان می‌فرمایند که عضویت بیت‌العدل اعظم محدود به رجال بوده، و حکمت آن در آینده کاملاً آشکار گردیده و درک خواهد شد. اما در بیوت عدل محلی و ملی، نسوان کاملاً حق عضویت دارند. بنابراین فقط بیت‌العدل اعظم است که در آن نمی‌توانند انتخاب شوند..."<sup>۴۳۱۱</sup>

در حالی که تعالیم بهائی روش انتخاب بیت‌العدل اعظم را توسط اعضای بیوت عدل فرعی که اکنون محافل روحانی ملی خوانده می‌شوند تعیین

می‌کند، جزئیات زیادی در بارهٔ رویهٔ انتخابات، تعداد اعضاء و طول مدت عضویت در آثار حضرت بهاءالله یا در تبیینات حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله مشخص نشده و بنابراین تصمیم‌گیری در این موارد برعهده بیت‌العدل اعظم واگذار گردیده است. بر طبق اصول عهد و میثاق، بیت‌العدل اعظم در تغییر تصمیمات خود، هر گاه که شرایط تغییر را مقتضی بداند آزاد است. این موضوع در ذهن بعضی از افراد این سؤال را مطرح ساخته است که آیا برای بیت‌العدل اعظم این امکان وجود دارد که تغییری در وضع کنونی که عضویتش فقط به مردان منحصر می‌گردد بوجود آورد. بیت‌العدل اعظم در توضیح این مسئله می‌فرمایند:

"به علاوه، در پاسخ به سؤالاتی در باره شرایط عضویت و رویهٔ انتخابات بیت‌العدل اعظم، منشی حضرت ولی‌امرالله در نامه‌ای که از جانب ایشان نوشته‌اند بین سؤالاتی که می‌توان با رجوع به "نص صریح" آن‌ها را جواب داد و سؤالاتی که نمی‌توان به این نحو پاسخ گفت فرق قائل شده‌اند. عضویت بیت‌العدل اعظم در دستهٔ اول قرار می‌گیرد. در این نامه چنین آمده است.

"فقط بیت عدل اعظم مختص به رجال است و تعیین عدد اعضاء و کیفیت انتخاب و تجدید، من بعد معلوم گردد زیرا منصوص نه." (۲۷ مه ۱۹۴۰)

بنا بر این حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی‌امرالله بر طبق الهامات الهی، معانی و مفاهیم تعالیم اصلیهٔ حضرت بهاءالله را تدریجاً بیان فرموده‌اند. تبیینات این هیاکل مقدسه حقایق اساسیه‌ای است که با تشریح بیت‌العدل اعظم نمی‌تواند تغییر یابد.<sup>۴۴</sup>

تبیینات تدریجی و مرحله‌ای احکام مندرج در آثار بهائی با اجرای تدریجی آن مرتبط است. ابتداء هنگامی که مطالب روشن نبود، عضویت در بیوت عدل محلی اولیه در جهان غرب که با ابتکار بهائینی که در این نواحی زندگی می‌کردند تأسیس گردید منحصر به مردان بود. بعداً هنگامی که حضرت عبدالبهاء روشن فرمودند که مستثنی نمودن زنان از عضویت فقط در

مورد بیت‌العدل اعظم قابل اجرا است، زنان برای خدمت در سطح محلی و ملی واجد شرایط شدند. تدریجی و مرحله‌ای بودن این حکم در جهان غرب با جزئیات بیشتر در فصل ششم مورد بحث قرار می‌گیرد و اقداماتی که حضرت ولی امرالله در جهت تحقق بخشیدن به مشارکت کامل زنان در فعالیت‌های اداری بهائی در سطح محلی و ملی بعمل آوردند مورد بررسی قرار می‌گیرد.

همان‌طور که به آسانی می‌توان تصور نمود، روش دیانت بهائی نسبت به توضیح و تبیین تدریجی و مرحله‌ای همراه با اجرای تدریجی بهانه‌های فراوانی به دست مخالفان امر بهائی که در صدد متوجه نمودن اتهاماتی علیه آن هستند می‌دهد که فقط با صبر و بردباری و مطالعه دقیق حقایق می‌توان در مقابل آن ایستاد. حضرت عبدالبهاء را به دروغ متهم به تسلیم شدن در مقابل فشار برای مطبوع جلوه دادن دیانت بهائی در نظر غرب و تغییر احکام حضرت بهاءالله در مورد مشارکت زنان در هیئت‌های محلی و ملی نمودند. در طرف دیگر این طیف افراطی کسانی هستند که به‌طور ناموفق استدلال کرده‌اند که منظور از بیانات حضرت بهاءالله آن نبوده که زنان را از عضویت بیت‌العدل اعظم محروم نماید، بلکه حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله در تحمیل محدودیت به زنان در سطح بین‌المللی مجبور به تسلیم در مقابل فشار مردان شده‌اند. بدون شک همان‌طور که جامعه بهائی از نظر وسعت و اعتبار پیشرفت می‌کند، کسانی که مخالف ارزش‌های این آئین هستند در صدد یافتن وسائلی برای متوقف ساختن رشد و نفوذ آن خواهند بود و اتهامات زیرکانه دیگری علیه تشکیلات بهائی اقامه خواهند شد.

هنگامی که دلیل مستثنی نمودن زنان از عضویت بیت‌العدل اعظم را در نظر می‌گیریم یک اصل اساسی دیانت بهائی برای ما روشن می‌گردد، حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "و اما بیت‌العدل به‌نصوص قاطعه فی شریعةالله اختص بالرجال حکمة من عندالله و سیظهر هذه الحکمة کظهور الشمس فی رابعة النهار" (مضمون بیان: و اما بیت‌العدل بر اساس نصوص قطعی در دین الهی



اختصاص به مردان دارد و این حکمتی است از نزد خداوند و به زودی این حکمت ظاهر و آشکار می‌گردد مانند ظهور خورشید در وسط روز). حضرت ولی امرالله نیز در نامه‌ای که در پاسخ به پرسش یکی از احباء از جانب ایشان نوشته شده بیاناتی مشابه فرموده‌اند: "در مورد سؤال شما، حضرت عبدالبهاء فرموده‌اند که حکمت عدم حضور زنان در بیت‌العدل بین‌المللی در آینده روشن خواهد شد و به غیر از این اشاره دیگری در دست ما نیست" (ترجمه به مضمون). بیت‌العدل اعظم در نامه‌ای که از طرف آن معهد اعلی صادر شده می‌فرماید: "بهائیان معتقدند که برای درک کامل دلیل معاقبت زنان از عضویت بیت‌العدل اعظم، باید صبر کرد تا جامعه تکامل یابد، مطمئناً همان‌طور که جامعه پیشرفت می‌کند و متحدتر می‌شود حکمت مستثنی نمودن زنان آشکار می‌گردد." (ترجمه)

بدیهی است این پاسخ‌ها از طرف تشکیلات مرکزی بهائی دلیل این معاقبت را روشن نمی‌سازد و به بهائیان توصیه شده است که به حکمت این حکم ایمان داشته و مطمئن باشند که به مرور زمان دلیل آن بر آیندگان روشن خواهد شد.

این وضع نمونه مفیدی از نقش این دیانت در ساختار و عملکرد معتقدات بهائی ارائه می‌دهد. یکی از اصول بنیادین دیانت بهائی تحرّی حقیقت است که بر اساس آن جوینده حقیقت تشویق می‌شود که در مورد پذیرش یا عدم پذیرش دعوت حضرت بهاء‌الله به عنوان مظهر الهی و نتیجتاً منبع حقایق دینی برای بشریت در این دوران، به قضاوت مستقل خود متکی باشد. تصمیمی با پی‌آمدهائی چنین وسیع برای حیات روحانی فرد می‌بایستی مطلقاً بدون وابستگی به دیدگاه‌ها و نتیجه‌گیری‌های دیگران گرفته شود. هنگامی که شخصی دعوت حضرت بهاء‌الله را می‌پذیرد و مؤمن می‌شود در واقع قبول می‌کند که آنچه به‌وسیله حضرت بهاء‌الله نازل گردیده حقایق الهی است، قطع نظر از میزان دلائلی که هر یک از دستورات را روشن می‌سازد. داشتن عقیده‌ای مخالف این در تناقض کامل با ایمان به حضرت بهاء‌الله به‌عنوان

مظهر ظهور الهی قرار می‌گیرد و یک چنین تناقض منطقی را از طریق بررسی دقیق شواهدی که فرد را به قبول دیانت بهائی هدایت می‌کند می‌توان رفع نمود. وظیفه روحانی هر فرد مؤمن این است که با اجرای اصل تحرّی حقیقت کوشش کند درک عمیق‌تری نسبت به تعالیم بهائی پیدا کند. فرد مؤمن در ضمن این کوشش، نسبت به حکمت بسیاری از احکام این آئین که افراد بهائی بر اساس ایمان به حضرت بهاء‌الله می‌پذیرند بینش پیدا می‌کند. اما این موضع نباید با ایمان کورکورانه که بر اساس آن دیدگاه‌های یک منبع حقیقت فرضی بدون تحقیق کافی در باره آن منبع پذیرفته می‌شود، اشتباه گردد.

در علوم طبیعی و زیست‌شناسی معمول و متداول است که هر معادله، عقیده یا ترکیب شیمیائی که شواهد بر اعتبار یا کارآئی آن زیاد است مورد استفاده قرار گیرد، حتی اگر دلائل کارکرد آن هنوز روشن نباشد. ترکیبات دارویی برای شفا دادن بیمار به کار می‌رود چون کسانی که آن‌ها را تجویز می‌کنند از کارآئی آن مطمئن هستند، حتی اگر نحوه عملکرد و شفافبخشی آن برای آنان روشن نباشد. نمونه‌های بسیاری در علوم طبیعی وجود دارد که معادلاتی را با موفقیت به کار برده‌اند، گاهی حتی تا چندین دهه، قبل از آنکه توجیه نظری آن‌ها تصدیق شده باشد.

تعالیم بهائی جنبه‌های بسیاری را در بر می‌گیرد که مؤمنین در حال حاضر بر اساس ایمان آن‌ها را می‌پذیرند مانند بیاناتی در باره حیات بعد از مرگ، پیشگویی‌هایی در باره وضع جامعه بشری در آینده و اشاراتی به نظام عالم هستی و دانش آینده. با این دیدگاه است که بهائیان در مقام پیروان حضرت بهاء‌الله با ایمان کامل این بیان را می‌پذیرند که دلیل ممانعت زنان از عضویت بیت‌العدل اعظم در آینده روشن خواهد شد. بیت‌العدل اعظم در مورد این موضوع می‌فرمایند:

"هر چند درك علت انحصار عضویت بیت‌العدل به مردان ممکن است در حال حاضر برای احباء مشکل باشد، از احبای الهی می‌خواهیم که کماکان به وعده حضرت عبدالبهاء اطمینان داشته باشند که حکمت آن به موقع خود آشکار خواهد شد. احباء اعم از زن و مرد باید با ایمان راسخ بپذیرند که عهد و میثاق حضرت بهاء‌الله، ایشان و مؤسسات نظم جهانی حضرتش را تأیید خواهد نمود تا شاهد تحقق هر اصلی که از قلم مصون از خطایش نازل گشته، از جمله تساوی زن و مرد به نحوی که در آثار مقدسه تشریح گردیده است باشند.<sup>۴۶۱</sup>

همان‌طور که می‌توان انتظار داشت در جامعه بهائی در باره دلیل این حکم صریح حدسیات فراوانی وجود داشته است. البته نظر افراد در باره این موضوع نیایستی به عنوان اظهارات معتبری در امر بهائی منظور گردد. در بعضی موارد تئوری‌های ارائه شده ممکن است از نظر منطقی در تناقض با تعالیم بهائی قرار گیرد، سایر حدسیات ممکن است به‌طور ناخودآگاه تعصب‌آمیز باشد یا به این نتیجه‌گیری غیرقابل توجیه منتهی گردد که این حکم از تجارب فرهنگ مردسالاری که در سراسر تاریخ مدون حکم فرما بوده ناشی شده است. در پاسخ به پرسش یکی از احباء در باره نظری که مبتنی است بر اینکه زنان به‌واسطه داشتن عواطف رقیق قادر به اتخاذ تصمیمات منطقی نیستند و بنابراین از عضویت بیت‌العدل اعظم منع شده‌اند، در نامه‌ای از طرف بیت‌العدل اعظم چنین آمده است:

"در حالی که افراد آزادند که در باره دلیل انحصار عضویت بیت‌العدل اعظم به مردان بیاندیشند، هیچ نص معتبری وجود ندارد که این اظهار را که زنان به علت رقت قلب قادر به تصمیم‌گیری منطقی نیستند تأیید نماید. در واقع می‌توان گفت که اگر دلیل این باشد، زنان می‌بایستی از عضویت محافل محلی و ملی نیز منع می‌شدند، در حالی که در نامه‌ای که از جانب حضرت ولی امرالله خطاب به یکی از احباء نوشته شده آمده است: "ولی در بیوت عدل محلی و ملی زنان حق عضویت کامل دارند."<sup>۴۷۱</sup> (ترجمه)

این نمونه نشان می‌دهد که باید مواظب بود تا نظرات فردی احباء در مسائلی که روشن شدن آن مستلزم گذشت زمان است به‌طور ناموجه معتبر شمرده نشود. در عین حال لازم است که جامعه بهائی در سراسر جهان در تلاش‌های خود که می‌بایستی ضمن نسل‌های زیادی ادامه یابد پشتکار به خرج دهد تا یک جامعه جهانی بنیان نهد که تعهد بهائیان را در مورد مساوات به صورت یک رسم اجتماعی منصفانه تثبیت نماید.

برای کسانی که بهائی نیستند طبعاً تعالیم بهائی در مورد عضویت بیت‌العدل اعظم حالت ابهام و معما دارد و با توضیحاتی که در باره این حکم به بهائیان ارائه می‌شود قانع نمی‌گردند، چه که دید آن‌ها نسبت به مقام حضرت بهاء‌الله و اعتبار دستورات ایشان با دید بهائیان کاملاً فرق می‌کند. بهائیان در حالی که در تعهد خود نسبت به پیروی کامل از دستورات حضرت بهاء‌الله ثابت و راسخ هستند، باید دید و احساس دیگران را در باره این جنبه دیانت بهائی نیز درک کنند.

کسانی که در مورد دیانت بهائی تحقیق می‌کنند اغلب در تحقیقات خود در مورد اجرای این دستور، پرسش‌های کاوشگرانه‌ای مطرح می‌سازند. سئوالاتی که غالباً مطرح می‌گردد همراه با پاسخ‌های ارائه شده ذیلاً نقل می‌شود:

**پرسش:** چگونه ممانعت زنان از عضویت بیت‌العدل اعظم با اصل تساوی جنسی در دیانت بهائی وفق پیدا می‌کند، آیا این حکم با اجرای اصل تساوی حقوق تناقض ندارد؟

**پاسخ:** اصل تساوی جنسی در دیانت بهائی به کیفیت وظائف اشاره‌ای نمی‌نماید، ولی منکر هرگونه برتری بر اساس تفاوت وظائف می‌باشد. این مسئله از طرف بیت‌العدل اعظم روشن گردیده که می‌فرمایند:

"در مورد مقام زن، نکته مهم که احبّاء باید به خاطر داشته باشند این است که در مقابل نصوص قاطعی در آثار مقدّسه بهائی که تساوی حقوق زن و مرد را تأیید و تثبیت می‌کند، عدم مشمولیت زنان برای عضویت بیت‌العدل اعظم دلیل برتری مردان بر زنان نیست. هم‌چنین باید توجه داشت که زنان از عضویت هیچ‌یک از مؤسسات بین‌المللی امر مستثنی نشده‌اند. آن‌ها به مقام ایادی امر رسیده‌اند، در دارالتبلیغ بین‌المللی و نیز در مقام مشاورین قاره‌ای قائم به خدمت هستند و هیچ‌گونه اشاره‌ای در آثار نیست که زنان را از عضویت در هیئت‌های بین‌المللی آینده مانند دادگاه عالی جهانی\*<sup>۱</sup> باز دارد."<sup>۴۸۱</sup>

در حالی که تفاوت مقام بین عناصر و اعضای تشکیلات نظم اداری وجود دارد و با اینکه بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند که "ادب، حرمت، وقار و احترام برای مقام و توفیقات دیگران فضائلی است که به توازن و بهبود هر جامعه کمک می‌کند"، هم‌چنین به این اصل مهم نیز اشاره می‌فرمایند که "مقام روحانی واقعی هر نفسی فقط نزد خداوند معلوم است و این مقام با درجات و مقاماتی که مردان و زنان در سطوح مختلف جامعه دارا هستند کاملاً متفاوت است."<sup>۴۹۱</sup> (ترجمه) اهمیت این امتیاز بین مقامات نظم اداری و مقام روحانی تنها وابسته به تفکیک آن از تضاد فرضی که در فوق به آن اشاره گردیده نیست. بدیهی است که درک این نکته که مقام اداری لزوماً درجه روحانی بالاتری را با خود همراه ندارد مانع از این می‌شود که روند انتخابات بهائی با سموم جاه‌طلبی آلوده گردد و موجب حفظ روحیه خاضعانه آمادگی برای پذیرش هر خدمتی که از سوی منتخبین به فرد واگذار شود می‌گردد.

**پرسش:** آیا ممانعت زنان از عضویت بیت‌العدل اعظم مانع رسیدن آنان به بالاترین مقام امر بهائی نمی‌گردد؟

<sup>۱</sup> \* دادگاه عالی جهانی، هیئتی که باید توسط ملل و دول عالم انتخاب و تأسیس گردد، در مورد اختلافات بین‌المللی داوری خواهد کرد و محافظ صلح جهانی خواهد بود. برای اطلاعات بیشتر در این زمینه به "پیام‌های بیت‌العدل اعظم ۱۹۸۶-۱۹۶۳" مراجعه کنید.

**پاسخ:** در سراسر دور بهائی، بالاترین مقامی که فرد مؤمنی می‌تواند به آن نائل گردد مقام ایادی امرالهی می‌باشد که از مقام عضویت بیت‌العدل اعظم بالاتر است. نه تنها چندین زن به مقام ایادی امر منصوب گردیده‌اند، بلکه ایادی امری که توسط حضرت ولی امرالله با عنوان "اوّل و اقدم ایادی امر کردگار ... که دست قدرت حضرت بهاءالله پس از صعود مولای خون در حیّز امکان مبعوث ... فرموده است"<sup>۵۰</sup> توصیف شده است یک زن یعنی میس مارتاروت بود.

**پرسش:** آیا این واقعیت که اعضای بیت‌العدل اعظم همه مرد هستند موجب نمی‌گردد که این هیئت اساساً به رفاه مردان و یا حتی حفظ امتیازات آن‌ها توجه کنند، به جای آنکه به طور مساوی رفاه زنان را نیز منظور نمایند؟

**پاسخ:** در پاسخ به سؤال مشابهی، بیت‌العدل اعظم توجه را به این حقیقت جلب می‌نمایند که معهد اعلی کاملاً مستقل از ترکیب اعضای آن، در تصمیم‌گیری‌های خود، از تضمین بی‌نظیری که در عهد و میثاق الهی متجلی است برخوردار می‌باشد. در نامه‌ای که از طرف بیت‌العدل اعظم نوشته شده فرموده‌اند:

حضرت عبدالبهاء در بیان ذیل بر تفاوت مهمی بین آراء و نظریات شخصی اعضای این هیئت و تصمیم بیت‌العدل اعظم تأکید می‌فرمایند:

"هم‌چنین ملاحظه نشود که بیت‌العدل به فکر و رأی خویش قراری دهد، استغفرالله، بیت‌العدل اعظم به الهام و تأیید روح‌القدس قرار و احکام جاری نماید زیرا در تحت وقایت و حمایت و صیانت جمال قدم است ..."

حضرت بهاءالله در شرح وظائف بیت‌العدل اعظم می‌فرمایند:

"رجال بیت عدل را وصیت می‌نمائیم و به صیانت و حفظ عباد و  
اماء و اطفال امر می‌فرمائیم." ۵۱

نمونه‌هایی از اقدامات بیت‌العدل اعظم در جهت ترویج و پیشبرد تساوی  
حقوق زن و مرد در فصل ششم این کتاب نقل شده است.

**پرسش:** تاریخ نشان می‌دهد که اقدامات مردان در دوران‌های گذشته  
حقوق و آزادی‌هایی را که توسط بنیانگذاران ادیان برای زنان منظور شده بود  
به شدت محدود می‌نمود. چه ضمانتی وجود دارد که وقوع چنین گرایشی را  
مانع گردد؟

**پاسخ:** اگر این مسئله به پیروان این دیانت واگذار شده بود، ضمانتی  
وجود نداشت که چنین محدودیتی پیش نیاید. سوابق تاریخی نمایانگر آن  
است که در سایر ادیان این انحراف از مقصد و منظور پیامبران تا حدی بر اثر  
اعمال گمراه کننده کسانی که به‌طور ناخودآگاه تحت تأثیر فرهنگ سنتی  
جامعه قرار داشتند و تا حدی نیز به‌واسطه تلاش‌های آگاهانه کسانی که  
نگران از دست رفتن قدرت و امتیازات خود بودند و احساس می‌کردند تغییر  
اوضاع انحراف آن‌ها را از دستور پیامبر توجیه می‌کند صورت گرفته است.  
در دیانت بهائی، عهد و میثاقی که در تاریخ ادیان کاملاً بی‌نظیر است و در  
دوران ادیان گذشته شبه و مثلی نداشته ضمانتی اطمینان‌بخش در مورد این  
اصل ارائه می‌دهد. این میثاق کمال و درستی تعالیم و حفظ خلوص آن‌ها را  
از رخنه و فساد عقاید و دسائس بشری تضمین می‌نماید. بدون اتکاء به میثاق  
الهی، آرمان‌های عالی این آئین، علیرغم حسن نیت پیروانش، محکوم به  
شکست خواهد بود. چنان مقدر گردیده که دیانت بهائی به مدد میثاق الهی،  
همه تعالیم کتاب اقدس را به نحوی که در حال حاضر غیرقابل تصور است به  
مرحله اجرا در آورد که از نتایج آن تحقق تساوی حقوق زن و مرد و آزاد  
سازی زنان از قیود اجتماعی خفت‌باری خواهد بود که طی هزاران سال بر  
آنان تحمیل شده است.

## بکار بستن احکام بهائی

احکام هر یک از ادیان لزوماً می‌بایستی پیامد تفاوت‌های فیزیولوژیکی بین زن و مرد را منظور نماید. متأسفانه در دوران‌های گذشته غالباً از این تفاوت‌ها برای تحمیل احکامی بر زنان که آزادی آنان را محدود می‌ساخت و در بسیاری موارد تحقیرآمیز بود استفاده می‌شد.

احکام دیانت بهائی تفاوت‌هایی در وظائف زن و مرد قائل می‌گردد، اما به شیوه‌ای ارائه شده که تساوی جنسی حفظ گردد و شکوفائی آزادانه استعدادهای زنان مختل نشود. در حالی که امتیازات اصلی این احکام اکنون آشکار است، کارآئی کامل آن‌ها فقط با گذشت زمان و به تدریج که در سطح وسیع‌تری اجرا می‌گردند روشن خواهد شد.

پیروی جامعه بهائی از این احکام موجب تغییر رفتار اعضای این جامعه خواهد شد. این تغییر رفتار به نوبه خود به روش و سلوکی منتهی می‌شود که در تعالیم بهائی مقرر گردیده است و در نتیجه عامل مؤثری برای ایجاد تعهدی روز افزون نسبت به تساوی حقوق زن و مرد در وجدان بهائیان خواهد بود.



## فصل پنجم

اجرای مساوات:  
دوران حضرت بهاءالله  
و حضرت عبدالبهاء

در جميع اقاليم عالم نساء رو به ترقى است اين از اثر  
ظهور اعظم و از قوه تعاليم الهى.

حضرت عبدالبهاء

## ایمان و عمل

در فصول پنجم، ششم و هفتم، بعضی از جنبه‌های اجرای اصل تساوی حقوق زن و مرد مورد بحث قرار می‌گیرد. در فصل پنجم، روی تدابیر و اقداماتی که در این زمینه در دوره حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء به عمل آمده تکیه می‌شود. در فصل ششم نقش حضرت ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم در تسهیل درک این اصل و عمل به آن مورد مطالعه قرار می‌گیرد و در فصل هفتم روش دیانت بهائی نسبت به اجرای این اصل و توجه به ویژگی‌های ممتاز و روش‌های چند گانه آن مورد بررسی قرار می‌گیرد.

می‌توان انتظار داشت که دینی چون دیانت بهائی را جمعی به عنوان نوعی مدینه فاضله و جلوه‌ای از آرمان‌های عالی که در تحقق تعالیمش محکوم به شکست است مورد انتقاد قرار دهند. یکی از جنبه‌های رد یک چنین ارزیابی ناصحیحی از این آئین جلب توجه به اقداماتی است که از طرف رهبران اصلی این دیانت از ابتدای تأسیس آن، جهت پیشبرد اجرای تدریجی مساوات در تمام جنبه‌های متعددش و نشان دادن پیروی مستمر و غیر قابل بحث از اصل تساوی جنسی، به عمل آمده است.

دیانت بهائی بر اجرای احکام و اصولش تأکیدی شدید و استثنائی دارد. حضرت بهاء‌الله می‌فرمایند: "ایمان بالله و عرفان او تمام نشود مگر به تصدیق آنچه از او ظاهر شده و هم‌چنین عمل به آنچه امر فرموده و در کتاب از قلم اعلی نازل گشته".<sup>۱</sup> این عبارت نمایانگر عنصر اصلی تعهد دیانت بهائی نسبت به اجرای دستورات دینی از جمله تساوی جنسی می‌باشد. قبول این اصول صریح و روشن از طرف مؤمنین و عمل به آن مستقیماً و به وضوح به هدف اصلی حیات روحانی فردی یعنی ایمان به خدا و پذیرش بدون قید و شرط تعالیمش مربوط می‌گردد. این کیفیت باعث انگیزه‌ای بسیار قوی‌تر از انگیزه آرمان‌گرایان، اصلاح‌طلبان اجتماعی و سایر مردمان عدالت‌پیشه‌ای که لزوم

عمل به موجب اصل تساوی جنسی را به روشنی درک کرده سعی در اجرای آن دارند، می‌گردد.

یک چنین دیدگاهی از این شناخت ناشی می‌گردد که دین در ماهیت خالص خود که با آلودگی‌ها و انحرافات افکار تعصب‌آمیز و منابع خطا کار به فساد کشیده نشده است وسیله بسیار نیرومندی برای ایجاد تحولات سازنده و مؤثر در جهان می‌باشد. حضرت عبدالبهاء در "رسالة مدنیة" می‌فرماید:

"نورائیت امکان به دیانت است و ترقی و فوز و سعادت خلق در متابعت احکام کتب مقدسه الهیه. فی الجمله ملاحظه شود مشهود گردد که در عالم وجود ظاهراً و باطناً اعظم اساس متین رصین و اکبر بنیان قویم رزین که محیط بر آفرینش و کافل کمالات معنویه و صوریه و ضابط سعادت و مدنیّت هیئت عمومیّه بشریه است دیانت است."<sup>۲۱</sup>

## اقدامات حضرت بهاء الله

مدارک تاریخی در مورد اقداماتی که از طرف حضرت بهاء الله در مقام مؤسس دیانت بهائی، در جهت ترویج و اجرای این اصل مهم آئینش به عمل آمده در زبان انگلیسی هنوز کامل نیست. نوشته‌های زیادی هنوز ترجمه و منتشر نشده و اطلاعات مهم دیگری به واسطه شرایط جوامع اسلامی در قرن نوزدهم ضبط نگردیده است. با این حال، حتی در این مرحله اولیه، نمونه‌های کافی وجود دارد که بتوان بینش درخشانی نسبت به این موضوع کسب نمود.

## تعالیم آن حضرت

فصل اول تا چهارم این کتاب تا حدی به تفصیل نمایانگر آن است که اعلام صریح حضرت بهاء الله در مورد تساوی حقوق زن و مرد جزء لاینفکی

از دیدگاه آن حضرت در مورد جهانی متکی بر عدالت، اتحاد و آزادی است که تعالیم مبارکش در مقام ایجاد آن می‌باشد. حضرت بهاء الله تأیید می‌فرمایند که: "آنچه سبب علو و سمو و تربیت و حفظ و تهذیب اهل ارض است ذکر نمودیم و از قلم اعلی در زیر و الواح نازل"، هم‌چنین می‌فرمایند: "بیاناتی... نازل شده سبب اعظم است از برای ارتفاع عالم و ارتقاء امم"<sup>۳</sup>

در ارتباط با این موضوع بیان قاطع حضرت بهاء الله را باید در نظر گرفت که می‌فرمایند:

"الله الحمد قلم اعلی فرق بین عباد و اماء را از میان برداشته و کل را در صقع واحد به عنایت کامله و رحمت منبسطه مقرر و مقام عطا فرمود، ظهر ظنون را به سیف بیان قطع نمود و خطرات اوهام را به قدرت غالبه قویه محو فرمود."<sup>۴</sup>

سادگی عبارت ذیل نباید ما را از درک ماهیت قاطع و نتایج دراز مدت آن باز دارد. "اناث و ذکور عندالله واحد بوده و هست و مطلع نور رحمن به یک تجلی بر کل مجلی."<sup>۵</sup>

این موضوع کاملاً آشکار است که دستور حضرت بهاء الله در مورد حقوق زنان با شرایط ظالمانه‌ای که در قرن نوزدهم در ایران و سرزمین‌های مجاور آن در امپراطوری عثمانی بر زنان تحمیل می‌شد در تضادی آشکار قرار داشت. آنچه مورد غفلت قرار گرفته است این است که احکام و تعالیم آن حضرت برای زنان حقوقی بسیار فراتر از حقوق زن در جهان غرب در آن زمان قائل بود، جایی که از قبل اصلاحات قابل ملاحظه‌ای در این زمینه حاصل شده بود.

این نکته در تجزیه و تحلیلی که از "Declaration of Sentiments - بیانیه تمایلات" و قطع‌نامه‌های گردهمایی تاریخی حقوق زنان در "سنکا فالز" Seneca Falls در سال ۱۸۴۸ به عمل آمده منعکس است. این بیانیه خواهان

رعایت حقوق بشر در مورد زنان از جمله حق شرکت در انتخابات و در فرایند قانونگذاری و حق برخورداری از مالکیت در چارچوب ازدواج بود. این بیانیه عدم برخورداری زنان را از عدالت در ازدواج و در مورد مسائل مربوط به طلاق محکوم می‌کرد و خواهان برطرف نمودن موانع شدیدی که بر سر راه تحصیل زنان و استخدام آنان در سطحی بالاتر از مشاغل پیش پا افتاده و غیرتخصصی وجود داشت، بود. همچنین تفاوت‌هایی را که در موازین اخلاقی زن و مرد منظور می‌شد و نیز محروم نمودن زنان از مشارکت عمومی در امور دینی و از بین بردن حرمت و اعتماد به نفس آنان به واسطه روشی که در جامعه با آن‌ها رفتار می‌شد را محکوم می‌نمود.<sup>۶</sup> این درخواست رسا و پر قدرت که برای آزادسازی زنان در "سنکا فالز" صادر شد در مقایسه با دستورات حضرت بهاء الله که چند سال بعد در سرزمینی دوردست، در مورد آزادی زنان و مشارکت کامل آنان در امور بشری اعلام گردید بسیار محدود بود.

### راهنمائی و تشویق زنان از طرف آن حضرت

حضرت بهاء الله صرفاً به صدور بیانات که اساس تعالیم بهائی را تشکیل می‌دهد اکتفاء ننمودند، بلکه با حمایت مستمر از اعضای زن جامعه بهائی و تشویق آنان به پیشرفت و خدمت به دیگران، نمونه اجرای عملی اصل مساوات را به پیروان خود ارائه دادند.

غیرممکن است بتوان میزان اطمینان، آرامش و تشویقی را که همواره زنان بهائی از این بیانات مشفقانه و محبت‌آمیز حضرت بهاء الله دریافت می‌کنند تصور نمود:

"اماء الله را در این حین ذکر می‌نمائیم و به عنایت و شفقت و توجه حقّ جلّ جلاله بشارت می‌دهیم و از برای کلّ تأیید می‌طلبیم بر اعمالی که سبب ارتفاع کلمه الهی است."<sup>۷</sup>

در آغاز ظهور دیانت بهائی، ایستادگی در مقابل فشارهای شوهر و سایر اعضای خانواده از طرف زن برای ابراز ایمان خود به این دین مستلزم شهادتی فوق العاده بود. بار ساختار اجتماعی پدرسالاری دیرینه بر دوش زن سنگینی می کرد و ادعای حق استقلال فکری او را در معرض استهزاء، مخالفت و تحقیر قرار می داد. حضرت بهاء الله در لوحی خطاب به یکی از زنان که در چنین شرایطی بوده چنین می فرماید:

"طوبی لک ثم طوبی لک تو از امائی محسوبی که محبت نسبت تو را از شاطی بحر عنایت و مکرمت منع نمود. ان شاء الله لم یزل و لایزال در ظلّ الطاف رحمن مستریح باشی و به فضلش مطمئن. به ذکر حق مشغول باش و به عنایتش مسرور."<sup>۸۱</sup>

استقامت شهادت آمیز این زن مورد ستایش قرار گرفته، اثرات روحانی عمل او توصیف شده و آینده ای پرسعادت و آرامش به او بشارت داده شده است. به وی توصیه گردیده که از مصائب وارده محزون نشود، بلکه از این فرصتی که اوضاع و احوال برای او فراهم آورده که در مقابل مخالفت، استقامت نماید و از این طریق قوه ایمان خود را به ثبوت رساند مسرور باشد.

حضرت بهاء الله مشارکت زنان را در امور دیانت بهائی تأیید و تشویق می فرماید و به این ترتیب نقشی برای زن در دین منظور می نماید. در این راستا بسیار حائز اهمیت است که حضرت بهاء الله الواحی به افتخار بعضی از زنان پیرو آئین خود نازل فرموده و در یکی از این الواح، به یکی از آنان می فرماید: "تو را وصیت می نمایم به آنچه سبب ارتفاع امر الله است مابین عباد و اماء." حضرت بهاء الله نه تنها نقشی برای زنان در دین قائل می شوند بلکه تأکید می فرماید که زنان باید در موضع مساوی با مردان در خدمت امر الهی باشند و همه باید اهمیت خدمات زنان را در این میدان شناسائی نموده ارج بنهند. فعالیت زنان صرفاً منحصر به تعلیم و تربیت و اداره نیازهای

روحانی زنان نیست بلکه از آنها خواسته شده که "مابین عباد و اماء" فعالیت داشته باشند.<sup>۹</sup>

از الواح حضرت بهاء الله استنباط می شود که خدمات مؤمنین زن را بسیار ارج نهاده اند و زنانی را که به شناسائی و خدمت به مظهر امر الهی موفق گردیده اند به لقب "امتی" مفتخر شده اند،<sup>۱۰</sup> می فرمایند:

"به کلمه یا امتی معادله نمی نماید آنچه در ارض مشهود است. زود است چشم های عالم به مشاهده آنچه از قلم اعلی نازل شده روشن و منیر گردد."<sup>۱۱</sup>

در لوح دیگری خطاب به یکی از مؤمنین زن می فرمایند:

"اگر حلاوت کلمه یا امتی را بیابی از عالمیان خود را فارغ مشاهده نمائی و در لیالی و ایام به ذکر مقصود یکتا مشغول شوی."<sup>۱۲</sup>

حضرت بهاء الله خدمات مؤمنین زن را ستوده و مقام آنها را قابل توجه دانسته اند، در یکی از الواح می فرمایند:

"اوراق و امائی که از فرات رحمت رحمانی آشامیدند و به شطرا الله ناظرند هر یک را به ابدع بیان ذکر نمودیم طوبی لهنّ و نعیماً لهنّ سوف یظهر الله مقامهنّ فی مقام لایذکر بالاذکار و لایوصف بالاوصاف."<sup>۱۳</sup>

و در لوح دیگری تأیید می فرمایند:

"هر یک از عباد و اماء که به ما اراده الله فائز شد او لدی الحق مذکور و در صحیفه حمراء اسمش مسطور. چه بسیار از اماء و امیره های ارض که منتظر و طالب ظهور حق بودند و حال کلّ از او محجوب و به هواهای خود مشغول الحمد لله تو فائز شدی به آنچه رجال عالم از آن محرومند."<sup>۱۴</sup>



## نمونه‌هایی از روابط شخصی آن حضرت

در مطالعه و بررسی حیات هر فرد از جمله شخصیتی استثنائی و والامقام مانند مظهر امر الهی، با مشاهده ارتباط و معاشرت‌های غیررسمی می‌توان بینش مفیدی حاصل نمود. تاریخ ادیان با شرح معاشرت عادی حضرت مسیح با مردمانی از همه طبقات آن‌چنان که در انجیل نقل شده و روایات مربوط به معاشرت‌های روزمره حضرت محمد با مردم مکه و مدینه غنی شده است.

متأسفانه نوشته‌های مختصر و پراکنده‌ای در زبان انگلیسی وجود دارد که نشان دهنده طرز برخورد و اظهارات حضرت بهاء الله نسبت به زنانی می‌باشد که آن حضرت علیرغم محدودیت‌های یک عمر زیستن در زندان و با وجود خصومت دائمی علمای دین و سران حکومت، توانسته بودند آن‌ها را به حضور بپذیرند. با این حال همین گزارشات مختصر موجود برای پیروان آن حضرت بسیار آموزنده است زیرا نمایانگر رفتاری نمونه از هشیاری فراوان، ادب، احترام و ملاحظاتی است که این برخوردها را ممتاز می‌سازد.

**آسیه خانم** - این مبحث را با نزدیک‌ترین و شخصی‌ترین روابط آغاز می‌نمائیم یعنی رابطه حضرت بهاء الله با همسر وفادار و فداکارش، آسیه خانم که به لقب "نواب" (به معنی عالی مقام) ایشان را مفتخر فرموده‌اند. اطلاعاتی که از حیات این زن استثنائی موجود است متأسفانه بسیار اندک است و کامل‌ترین شرح زندگی ایشان، با تمام کوششی که نویسنده برای جمع‌آوری مطالب از منابع فارسی، عربی و انگلیسی به عمل آورده، بیش از یک مقاله نسبتاً مطوّل نمی‌شود. اما همین اندک نیز نکات مفیدی در بر دارد که یکی از آن‌ها در باره سختی‌هایی است که خانواده حضرت بهاء الله در طول تبعید متحمل شدند، این قسمت از زبان بهیه خانم، دختر آسیه خانم نقل می‌شود:

"مادرم، آسیه خانم، از نظر بنیه جسمانی چندان قوی نبود، قوای او بر اثر سختی‌هایی که متحمل شده بود به تحلیل رفته بود ولی همیشه مافوق طاقت خود کار می‌کرد.

گاهی اوقات پدرم خود در آشپزی به او کمک می کرد، زیرا حجم این کار مافوق توانائی خانمی آنچنان ظریف، نحیف و لطیف بود. سختی هائی که او متحمل شد قلب همسر او، آن وجود الهی را که سرور محبوب او نیز بود محزون ساخت. این کمک ها و توجّهات هم قبل از انزوای آن حضرت در کوه های سلیمانیه و هم بعد از آن ادامه داشت.<sup>۱۵۱۱</sup> (ترجمه به مضمون)

کمک حضرت بهاء الله به نواب در امور منزل و تأسف ایشان به خاطر ضعف بینۀ او، تسلی دادن به وی هنگامی که فرزند دلبدشان، میرزا مهدی، در زندان عکا ضمن تصادفی از بام به زیر افتاد و صعود نمود و آرامش بخشیدن به او در روزهای پایانی حیات عنصریش، همه این ها شواهدی پراکنده ولی قانع کننده از وجود رابطه ای بر اساس عشق و علاقه است.

حضرت بهاء الله در زیارت نامه ای که بعد از صعود ایشان نازل فرمودند صفات عالی روحانی وی را ستوده و اشاره فرموده اند که اندوه ناشی از فقدان او نور روز را به تاریکی شب و شادی را به غم و آرامش را به اضطراب بدل نمود،<sup>۱۶</sup> و او را با این عبارات مخاطب فرموده اند:

"یا نواب یا ايتها الورقة المنبته من سدری و المؤمنه معی علیک بهائی و عنایتی و رحمتی التي سبقت الوجود. انا نبرکک بما تقرء به عینیک و تطمئن به نفسک و یفرح قلبک ان ربک هو المشفق الکریم. قد رضی الله عنک من قبل و من بعد و اختصک لنفسه و اصطفاک بین الاماء لخدمته و جعلک معاشره هیکله فی اللیالی و الایام.

اسمعی مرة اخرى رضی الله عنک...<sup>۱۷۱۱</sup> (مضمون بیان: ای نواب، ای برگی که از درخت من روئیده ای، و یار و همنشین من هستی، عزت و عنایت و رحمت من که از وجود پیشی گرفته است بر تو باد. ما به تو مزده می دهیم آنچه را که چشمانت به آن روشن شود و روح اطمینان یابد و قلبت شاد شود، همانا پروردگار تو مهربان و بخشنده است. همانا خداوند از تو راضی بوده و خواهد بود و تو را به خود اختصاص

داده و بین زنان تو را برای خدمت به خود انتخاب کرده و تو را معاشر خود در شب و روز قرار داده است. بار دیگر از من بشنو خداوند از تو راضی است...

حضرت بهاء الله از کسانی که به زیارت آرامگاه نواب نائل می‌شوند خواسته‌اند که این زیارتنامه را تلاوت نمایند:

"السلام و التکبیر و البهاء علیک یا ایها الورقه المبارکه المنبته من السدره اشهد انک آمنت بالله و آیاته و احببت ندائه و اقبلت الیه و تمسکت بحبله و تشبثت بذیل فضله و هاجرت فی سبیله و اتخذت لنفسک مقاما فی الغربه حباً للقاءه و شوقاً لخدمته رحم الله من تقرب الیک و ذکرک بما نطق القلم من هذا المقام الاعظم نستل الله بان یغفرنا و یغفر الذین توجّهوا الیک و یقضی لهم حوائجهم و یعطیهم من بدایع فضله ما اراد و انه هو الجواد الکریم الحمد لله اذ هو مقصود العالمین و محبوب العارفین<sup>۱۸۱</sup> (مضمون بیان: درود و بزرگداشت و فخر و شکوه بر تو باد ای برگ مقدّس که از درخت خداوند روئیده‌ای، شهادت می‌دهم که تو به خداوند و آیاتش ایمان آوردی و ندایش را پاسخ گفتی و به او توجّه نمودی و به جبل او تمسک جستی و به دامان فضلش متشبث شدی و مهاجرت کردی از وطن در راهش و پذیرفتی که در غربت زندگی کنی به خاطر عشق بودن در حضورش و اشتیاق برای خدمتش، رحمت و بخشش خداوند بر کسی باد که به تو نزدیک شود و تو را یاد کند با آنچه قلم من از این مقام اعظم بیان نمود، از خداوند مسئلت می‌نمائیم که ما را ببخشد و کسانی را که به تو توجّه نمودند ببخشد و آرزوهای آنان را برآورده نماید و از فضل شگفت انگیز خود به آنان آنچه را که اراده نموده‌اند عطا فرماید، همانا او بخشنده و کریم است، شکر و ستایش خداوندی را باد که مقصود عالمیان و محبوب عارفان است.)

**بهیّه خانم :** سپس بهیّه خانم، دختر حضرت بهاء الله را که به لقب ورقه علیا مفتخر بودند مورد توجّه قرار می‌دهیم. میزان محبت حضرت بهاء الله نسبت به این وجود عزیز در عبارات ذیل که خطاب به ایشان است آشکار می‌باشد:

"ما احلی حضورك لدى الوجه و نظری اليك و عنایتی اليك و فضلی عليك و ذكری اياك فى هذا اللوح الذى جعلناه آية عنایتی لك فى السر و الاجهار." <sup>۱۹</sup> (مضمون بیان: حضورت برای من چقدر شیرین است و چقدر پر حلاوت است نگاه کردن به چهره تو و عنایت من به تو و توجه محبت آمیز من به تو و ذکر کردن تو در این لوح که آن را نشانه عنایت پنهان و آشکار خود به تو قرار می‌دهم).

بهبه خانم در دوران حضرت بهاء الله نقش مهمی در امور دیانت بهائی داشت. شاید مؤثرترین نمونه بهره‌گیری حضرت بهاء الله از خدمات مؤمنین زن شیوه‌ای است که از بهبه خانم خواستند تا وظائف مهم و مشکلی را در امر الهی به عهده بگیرند. حضرت ولی امر الله در توفیق مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۳۲ گواهی می‌دهند که:

"...و چون به این عضو شریف و ممتاز عائله مبارکه بعداً در سنین نوجوانی بوسیله اب خونش مأموریت‌هایی محول شد که از عهده هیچ دختری در آن سن و سال بر نمی‌آمد، این دختر نوجوان از دل و جان آن‌ها را می‌پذیرفت و با کمال رغبت و مسرت از هر موقعیت استفاده کرده به بهترین وجهی بانجام می‌رسانید. دقت و صعوبت شدید انجام اموری که اغلب به ایشان مراجعه می‌شد از جمله در موقعی که بغداد بر اثر خودسری و فساد میرزا یحیی در معرض طوفان سهمگین بود یا تنهایی و گوشه‌گیری که در عنفوان جوانی در دوره انزوای اجباری پدرشان به کوه‌های سلیمانیه حس می‌کردند بهترین معرف لیاقت و کفایت ایشان در انجام مراجعات و قبول هر نوع فداکاری در سبیل اجراء آن‌ها بود." <sup>۲۰</sup>

ایشان در این راستا سرمشق اصلی زنانی قرار گرفتند که در سال‌های بعد نقش تهوّر آمیز و مهمی در حفظ و صیانت امر الهی از آسیب دشمنانی که در صدد ریشه‌کن کردن این آئین یا ایجاد تفرقه در بین مؤمنین و در تأسیس مؤسسات اداری آن بودند، ایفا نمودند. خدماتی که بهبه خانم با راهنمایی و

تشویق حضرت بهاء الله موفق به انجام آن شده‌اند از چنان امتیاز والائی برخوردار است که حضرت بهاء الله با این عبارت توصیف فرموده‌اند: "ما سبقته النساء"<sup>۲۱</sup> (مضمون بیان: مقامی که هیچ زن دیگری از آن فراتر نمی‌رود).

**سایر زنان بهائی :** باز نمونه دیگری از اطمینان حضرت بهاء الله به توانائی زنان در انجام خدمات مهم امری و اراده ایشان در فرصت دادن به زنان برای انجام این خدمات را می‌توان در تصمیم آن حضرت در مورد تولیت بیت حضرت باب ملاحظه نمود. بعد از صعود خدیجه بیگم، همسر حضرت باب در سال ۱۸۸۲، حضرت بهاء الله این وظیفه را به زهرا بیگم، خواهر زن حضرت باب و فرزندانش واگذار نمودند. با توجه به اهمیت بیت مبارک در شیراز به عنوان مرکز رسمی زیارت و مقدس ترین مکان در ایران، انتصاب یک زن برای به عهده گرفتن این مسئولیت مهم نمایانگر نه فقط اعتماد حضرت بهاء الله به توانائی زهرا بیگم است، بلکه حاکی از تمایل ایشان به شکستن سنت در این زمینه نیز می‌باشد. یک چنین انتصابی در تضادی شدید با روش متداول اسلامی قرار می‌گرفت که زنان عموماً از انتصاب به مقامات مذهبی محروم بودند و تولیت اماکن مقدسه در انحصار مردان بود.<sup>۲۲</sup>

نشانه دیگری از ارج نهادن حضرت بهاء الله به خدمات زنان بهائی، مساعدت و همراهی با زنانی که متحمل مصائبی در خدمت به امر شدند از جمله همسران و فرزندان شهدای برجسته بهائی می‌باشد. حضرت عبدالبهاء در تذکرةالوفاء، شرح می‌دهند که چگونه حضرت بهاء الله به فاطمه بیگم، همسر بیوه سلطان شهداء و اعضای خانواده‌اش "امر به حضور ... نمودند تا در سجن اعظم در جوار موهبت کبری تلافی مافات گردد."<sup>۲۳</sup>

مکاتبة حضرت بهاء الله با دختر عموی خود، مریم را می‌توان نمونه‌ای از اعتماد او به زنان و احترامی که برای آنان قائل بود دانست.<sup>۲۴</sup> حضرت بهاء الله بعد از بازگشت از سلیمانیه، در چندین لوح که خطاب به این زن نازل فرمودند، منویات قلبی خود را بیان فرموده سختی‌های تبعید و انزوا در

کوه‌های کردستان و مصائبی که از ناحیه بستگان و دوستان بی‌وفا تحمّل نموده بودند را برشمردند:

"مظلومیتم مظلومیت اسم اولم را از لوح امکان محو نمود ... بعد از ابتلای لاتحصى به عراق عرب به امر ظالم عجم وارد شدیم و از غلّ اعداء به غلّ احبّاء مبتلا گشتیم و بعد الله يعلم ما ورد علیّ تا آنکه از بیت و آنچه در او بود و از جان و آنچه متعلق به او گذشته فرداً واحداً هجرت اختیار نمودم و سر به صحراهای تسلیم نهادم به قسمی سفر نمودم که جمیع در غربتم گریستند و جمیع اشیاء بر غربتم خون دل بیاریدند، با طیور صحرا مؤانس شدم و با وحوش عراء مجالس گشتم... تالله حملت ما لایحمله الابحار و الامواج و الاثمار و لا ما کان و لا ما یکون"<sup>۲۵</sup>

حضرت بهاء الله بارها در دوران حیات خود از وفاداری و فداکاری مریم یاد نموده و او را به لقب "ورقة الحمرا" ملقب فرموده‌اند.<sup>۲۶</sup> آن حضرت بعد از صعود مریم زیارت‌نامه مخصوصی به نام او نازل فرمودند.

شرح ذیل در مورد واقعه‌ای است که در بغداد اتفاق افتاده و از مجموعه‌ای در باره حیات حضرت بهاء الله برگرفته شده است به‌وضوح لطف و مهربانی ویژه و منحصر به فرد آن حضرت را نسبت به زنی فقیر نشان می‌دهد:

"جمال مبارک منبع فضل و بخشش برای همه و به‌خصوص فقراء بودند که به آن‌ها توجه مخصوص می‌نمودند. همیشه هنگام عبور از کوچه و خیابان، فقراء و یتیمان و مستمندان را مورد مهر و عطوفت خود قرار داده از آن‌ها دستگیری می‌کردند.

یکی از این فقرا پیرزن هشتاد ساله‌ای بود که در منطقه فقیری که حضرت بهاء الله اغلب از آن‌جا عبور می‌کردند زندگی می‌کرد. هر روز هنگامی که آن حضرت از منزل خود به سوی قهوه‌خانه "سر جسر" قدم می‌زدند، این زن در کنار جاده منتظر ایشان بود. حضرت بهاء الله بی‌نهایت

با او مهربان بودند و همیشه از سلامت او جویا می شدند. هر چند اجازه نمی دادند که این پیرزن دست ایشان را ببوسد ولی هر وقت می خواست گونه ایشان را ببوسد خم می شدند تا پیرزن خمیده قامت بتواند بر گونه آن حضرت بوسه زند. غالباً می فرمودند "چون من این زن را خیلی دوست دارم او هم مرا دوست دارد." تا زمانی که حضرت بهاء الله در بغداد بودند با محبت از این زن حمایت می نمودند و قبل از حرکت به استانبول مقرر می گردیدند و تا پایان زندگیش تعیین فرمودند.<sup>۱۷۱</sup> (ترجمه)

چنین حکایاتی را نمی توان ناچیز و بی اهمیت شمرد، بلکه نشانه میزان بی سابقه ای از احترام و حرمت و توجه نسبت به مقام زن که در تعالیم بهائی تأکید شده است می باشد و نمایانگر نیاز به تلاش مستمر، حتی در محدودترین شرایط، در جهتی است که بتوان زنان را تشویق و مدد نمود تا به مقام واقعی خود که تساوی اجتماعی است نائل گردند.

## نقش حضرت عبدالبهاء

موضوع آزادی زنان مورد پشتیبانی و حمایت حضرت عبدالبهاء، فرزند ارشد حضرت بهاء الله نیز قرار داشت. حضرت عبدالبهاء نه فقط اصل مساوات را در آثار و بیانات خویش توضیح داده و ترویج فرموده اند، بلکه حیات ایشان خود نمونه و سرمشقی از چگونگی اجرای این اصل و سایر جنبه های تعالیم بهائی می باشد.

حضرت عبدالبهاء مقام بی نظیر و منحصر به فردی را در دیانت بهائی دارا هستند. آن حضرت نه فقط جانشین منصوص حضرت بهاء الله و "مبیین مَصُون" از خطای کلامش<sup>۱۷۲</sup> هستند، بلکه "مَثَلِ اَعْلَی" تعالیم حضرت بهاء الله و "مشرق مواهب سبحانی" و "مطلع انوار رحمانی"<sup>۱۷۳</sup> می باشند. بنابراین هر عمل آن حضرت به عنوان تجلی کامل تعالیم بهائی در این عالم حائز اهمیت

می‌باشد. به بهائیان توصیه گردیده که به طرز برخورد و نمونه رفتار ایشان توجه نموده به عنوان نمونه حیات بهائی از آن پیروی نمایند.

حیات حضرت عبدالبهاء به عنوان مثل اعلای دیانت بهائی اصول روحانی معنوی را به صورت واقعیاتی ملموس متجلی می‌سازد و نحوه اجرای آن‌ها را نشان داده به افراد امکان می‌دهد تا سعی کنند اعمال خود را با آن تطبیق دهند. آن حضرت شخصیتی تاریخی است که به شرق و غرب عالم سفر نموده است. شرح حیات ایشان کاملاً به‌طور مستند ضبط گردیده و برای مطالعه دقیق در دسترس همگان می‌باشد. نمونه آثار آن حضرت، شرح وقایع حیات مبارک و کیفیت روابط و برخورد ایشان با مردمانی از پیشینه‌ها و فرهنگ‌های گوناگون تناسب رفتار ایشان را نسبت به روش زندگی معاصر نشان می‌دهد. معاشرت‌های ایشان در وهله اول نمایانگر آن است که رفتار آن حضرت مقید به فرهنگ خاصی نیست و روش نمونه ایشان از محدودیت‌های سنتی و رفتارهای کلیشه‌ای فراتر می‌رود. آن حضرت نمونه‌ای از حیات را که متناسب شرق و غرب هر دو می‌باشد شکل داده و مشخص فرموده‌اند.

مطالعه بیانات و شرح حیات حضرت عبدالبهاء نمایانگر روشی است که آن حضرت از طریق آن به‌طور واضح و قاطع و اصولی نحوه اجرای اصل تساوی زن و مرد را توسط پیروان حضرت بهاء الله در سراسر جهان نه تنها مشخص فرموده بلکه در عمل نشان داده و ترویج نموده‌اند.

### مثل اعلای دیانت بهائی

مطالعه و بررسی سوابق تاریخی در مورد شرح رفتار و گفتار حضرت عبدالبهاء با ارائه نمونه‌های عملی نمایانگر رفتاری است که همه بهائیان باید در پیروی از آن تلاش نمایند. این مطالعه به‌واسطه فقدان کنونی اسناد و



مدارک جامع در بارهٔ فعالیت‌های زنان در خاور میانه محدود است، ولی تعداد نمونه‌های گزارش شده برای منظور ما کافی و مفید می‌باشد.

این بررسی را با مطالعهٔ ویژگی‌های روابط حضرت عبدالبهاء با زنانی که نزدیک‌ترین معاشران ایشان بودند یعنی خواهر نام‌آورشان، بهیبه خانم ملقب به حضرت ورقه علیا و همسرشان، منیره خانم آغاز می‌نمائیم. در زمان حضرت عبدالبهاء، بهیبه خانم که قبلاً به ایشان اشاره شده، نقش مهم و مسئولانهٔ خود را در خدمات امری ادامه می‌دادند. ایشان در زندان و مصائب، شریک حضرت عبدالبهاء بوده به مساعی آن حضرت کمک می‌نمودند و حامی وفادار و مورد اعتماد همیشگی ایشان در کارهای امری، در غیاب آن حضرت از ارض اقدس، بودند. حضرت ولی امرالله خدمات ایشان را چنین توصیف می‌فرمایند:

"در حالی که خود را فراموش کرده و از راحت و آسایش خود چشم پوشیده و به موانعی که همواره در راه ایشان وجود داشت بی‌اعتنا بود به عنوان میزبان محترم از عدهٔ دائم التزائد زائرینی که از شرق و غرب به اقامتگاه حضرت عبدالبهاء سرازیر می‌شدند، با همان صفات ملکوتی که در اوقات گذشته با نهایت محبت و عاطفه تحسین‌آمیز از خود نشان داده بود از آن‌ها پذیرائی می‌کرد.

"چون بر اثر حکمت مبرم الهی حکم مسجوتیت حضرت عبدالبهاء برداشته شد و نقشه‌ای که آن حضرت در تاریخ‌ترین ساعات سجن طرح کرده بودند صورت وقوع یافت، بدون دقیقه‌ای تأمل و با کمال اطمینان آن حضرت زمام امور و مسئولیت‌ها را به خواهر مورد اعتماد و احترام خود تفویض فرمود تا به جزئیات مسائلی که در مدت غیبت نسبتاً طولانی از ارض اقدس پیش می‌آید رسیدگی و نظارت فرماید."<sup>۲۹۱</sup>

مجموعهٔ مختصری از نامه‌های حضرت عبدالبهاء به بهیبه خانم نمایانگر میزان محبت آن حضرت نسبت به ایشان و توجه به سلامت و ارج نهادن لیاقت و خدمات وی می‌باشد. حضرت عبدالبهاء در حالی که از مصائب وارده

بر آن وجود عزیز محزون بودند در نامه‌ای خطاب به ایشان می‌نویسند: "در شب و روز به یاد تو مشغولم آنی از خاطر نمی‌روی فی الحقیقه بجهت خود ابدأ متأسف و متحسر نیستم ولی هر وقت ملاحظه صدمات شما را می‌نمایم بی‌اختیار اشک از چشمم می‌ریزد ..."<sup>۳۰</sup> در موردی، حضرت عبدالبهاء به خواهر گرامی خود که در غیاب ایشان بیمار بودند می‌نویسند:

"امید از عنایت جمال مبارک چنان است که به کلی رفع کسالت گردد و در نهایت عافیت مراجعت فرمائی که آن روی دلجویت را یکبار دیگر ببینم.

البته در هر پوسته تفصیل احوال را مرقوم دارید چه که بسیار منتظرم هر کس از این‌جا بخواهید مرقوم نمائید که بفرستم تا دلتنگ نشوید حتی منیره."<sup>۳۱</sup>

حضرت عبدالبهاء به دختر خود ضیائیه خانم به این نحو دستور می‌دهند که از حضرت ورقه علیا مواظبت نمایند:

"ای ضیاء در این سفر باید با دلی خرم و روح و ریحانی محکم همدم حضرت شقیقه باشی شب و روز بکوش و بجوش و بخروش که سبب سرور قلب مبارکش گردی چه که در مدت حیات دمی نیاسود و در جمیع عمر آرام نگرفت و چون پروانه حول شمع الهی پرواز می‌نمود جانی افروخته داشت و دلی از حرارت محبت‌الله سوخته."<sup>۳۲</sup>

در این نوشته‌ها و سایر متون، می‌توان شمه‌ای از خصوصیات را که باید رفتار مرد را با زنان خانواده مشخص سازد ملاحظه نمود. شرح جزئیات حیات حضرت ورقه علیا از حوصله این کتاب خارج است، ولی توجه به این مسئله مناسب است که چگونه آن وجود عزیز از طریق نامه‌هایی، زنان بهائی را قویاً تشویق به تلاش برای گسترش قابلیت‌های عقلانی و روحانی خود می‌نمودند،

چنانچه متن ذیل از نامه‌ای است که ایشان در سال ۱۸۹۷ به یک زن بهائی مرقوم فرموده‌اند:

"امید است که آن ورقه محترمه و هر یک از اماء الرحمن آن ارض به نار موقده الهیه چنان مشتعل شوند که به حرارت محبت الله جهانی را روشن نمایند و به نطق فصیح و لسان بلیغ و تأییدات روح القدس چنان از جوهر تبیین بیان نمایند که فصحا و حکما و عرفای من علی الارض حیران بمانند و لیس ذلك علی الله بعزیز." ۳۳۱

بعد از صعود حضرت عبدالبهاء، حضرت ورقه علیا بودند که امر الهی را تا زمانی که حضرت ولی امرالله آمادگی پذیرش وظایف جدید را پیدا کردند حمایت و رهبری نمودند. حضرت ولی امرالله ضمن اعلان تصمیم خود مبنی بر واگذاری این مسئولیت به عهده حضرت ورقه علیا چنین می‌فرمایند:

"این عبد پس از واقعه مؤلمه مصیبت عظمی صعود حضرت عبدالبهاء به ملکوت ابهی به حدی مبتلا و دچار صدمات اعدای امرالله و حزن و الم گشته‌ام که وجودم را در همچو وقتی و در چنین محیطی منافی ایفای وظایف مهمه مقدسه خویش می‌شمرم.

"لذا چندی ناچار امور امریه چه داخل و چه خارج را به عهده عائله مقدسه مبارکه به ریاست حضرت ورقه علیا روحی لها الفداء می‌گذارم تا بمنه تعالی کسب صحت و قوت و اطمینان و نشاط روحانی نموده به نحو دلخواه و مرامم رشته خدماتم را کاملاً مرتباً بدست گرفته به متهی آرزو و آمال روحانیه‌ام فائز و نائل گردم." ۳۳۲

بهیه خانم علاوه بر بعهدہ گرفتن "رهبری" امر الهی در این دوران بحرانی، تا زمان صعودشان در سال ۱۹۳۲، مشوق و پشتیبان اصلی حضرت ولی امرالله نیز بودند.

اکنون به بررسی این روابط در مورد منیره خانم، دوّمین زنی که حضرت عبدالبهاء در طول حیات روزانه خود با ایشان معاشرت نزدیک داشتند، می‌پردازیم. ویژگی‌های نمونه ازدواج حضرت عبدالبهاء و منیره خانم را مورد مطالعه قرار می‌دهیم. منیره خانم در دو مورد با لیدی بلامفیلد Lady Blomfield، یکی از متقدمین بهائیان انگلستان که در ارض اقدس با ایشان ملاقات نموده صحبت کرده است. لیدی بلامفیلد سخنان ایشان را به شرح ذیل ثبت نموده است:

"شادی و سرور بودن در حضور سرکار آقا وصف ناپذیر است. در مصاحبت ایشان گوئی در جوئی شکوهمند از سرور روحانی سیر می‌کردم.

"شما ایشان را در سنین کهولت شناخته‌اید، در آن زمان در سنین جوانی با زیبایی و برومندی مردانه، با محبت و شفقت و خوشخوئی و شوخ طبعی و توجه همیشگی به حال دیگران، آن وجود استثنائی خارق‌العاده و مطمئناً در تمام دنیا بی‌نظیر بود." <sup>۳۵</sup> (ترجمه)

لیدی بلامفیلد خلاصه‌ای از شرح زندگی منیره خانم را با حضرت عبدالبهاء از قول ایشان نقل می‌کند:

"برای چهل سال من و محبوبم با هم بودیم. ما هیچ‌وقت از هم جدا نبودیم به‌جز زمانی که ایشان به مصر، اروپا و امریکا مسافرت می‌کردند.

آن شوهر محبوب و سرور من! چگونه می‌توانم او را توصیف کنم؟

شما که او را می‌شناسید، می‌توانید تصوّر کنید که پنجاه سال زندگی من چگونه بوده است - چطور این سال‌ها در جوئی از محبت و سرور و کمال آن آرامشی که از درک خارج است به سرعت سپری گردید که

در نور تابان آن، من منتظر روزی هستم که در جنت روحانی آسمانی به او پیوندم.<sup>۳۶۱</sup> (ترجمه)

حدود ده سال بعد از صعود حضرت بهاء الله، یک آمریکائی بودائی به نام مادام دو کاناوارو (Madame de Canavarro)، که در ادیان تحقیق می کرد، از ارض اقدس دیدار نمود و موفق شد با بهیبه خانم ملاقات کند. ایشان شرح ازدواج برادر گرامی خود را با منیره خانم برای او شرح داد که ذیلاً نقل می شود:

"زندگی زناشویی برادرم با خوشبختی و توافق فوق العاده همراه بود. چند ماه پیش همسر برادرم دو تن از دختران خود را برای مراقبت پزشکی به بیروت برد و این اولین باری بود که برای مدت زمانی مجبور بود از شوهرش جدا شود. اندک زمانی بعد از رفتن او، هر روز صبح اولین سؤال برادرم از دخترش که در منزل بود این بود: "روحا! فکر می کنی مادرت کی برمی گردد؟"<sup>۳۶۲</sup> (ترجمه)

با توجه به چنین روابطی می توان موضع حضرت عبدالبهاء را در تشویق بهائیان به سعی در ایجاد جوئی از محبت و توافق در خانواده درک نمود، می فرمایند: "خانه من خانه صلح است. خانه من خانه وجد و سرور است. خانه من خانه خنده و شادی است. هر کس از درب این خانه وارد شود باید با قلبی شادمان خارج شود."<sup>۳۸۸</sup> (ترجمه به مضمون)

از دورن یک چنین خانواده ای، منیره خانم نامه هائی به زنان بهائی در باره نیاز به تعلیم و تربیت دختران و فعالیت زنان بهائی در همه جنبه های امر الهی ارسال نمود. متن ذیل که از یکی از نامه های ایشان استخراج شده است نمایانگر شدت تعهد ایشان به پیشرفت زنان است:

"به فضل و لطف الهی، حضرت عبدالبهاء مقام زنان را در این عصر نورانی ارتقاء داده و این آیه قرآن را که می فرمایند "الرجال قوامون علی"

النساء" تغییر داده‌اند. تعلیم داده‌اند که مرد و زن مانند دو بال یک پرنده هستند و هیچ یک بر دیگری برتری ندارد. دختران باید مانند پسران تربیت شوند، بلکه حتی بر آنان اولویت داشته باشند.

حضرت بهاء الله فرموده‌اند که در این عصر ورقاتی [یعنی زنانی] ظاهر خواهند شد که افتخار مردان عالم خواهند بود.

بدون شک و وعده الهی به زودی متحقق و ظاهر می‌شود. شنیده‌ایم که امروزه در تهران پنجاه زن مشتاقانه به خدمات در هر زمینه‌ای قیام کرده‌اند. این خبر بسیار موجب سرور این خادمان گردید. من نام هر یک از این خواهران عزیز را خواسته‌ام تا برای یکایک آن‌ها نامه بنویسم و به آن‌ها اطلاع دهم که خدماتشان در ارض اقدس ذکر شده است.

و نیز خواهران عزیز و محترم، شکر و سپاس خداوند را که میدان خدمت در امر الهی وسیع است و نفوسی که قابلیت دارند آماده‌اند. متحرّیان حقیقت و تشنه‌لبان منتظرند و آن ورقات آماده و مایل به فداکاری هستند.<sup>۳۹۱</sup> (ترجمه به مضمون)

اهتمام منیره خانم در امور دیانت بهائی در زمان حضرت عبداله‌بهاء و روابط ایشان با آن حضرت چنان بود که هنگام صعود ایشان، حضرت ولی امرالله تلگرافی به این مضمون ارسال فرمودند: "یاران الهی در سراسر جهان با قلبی متألّم مراحل مختلف حیات پر حادثه آن ورقه مبارکه و خدمات بی‌عدیلش را به خاطر دارند که به اقتضای مقام رفیع خود در تاریک‌ترین ایام حیات حضرت عبداله‌بهاء بدان خدمات موفق گردید." در نامه‌ای که در آن زمان از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده چنین آمده است: "آن ورقه مبارکه اکنون باز به مولای خود پیوسته و از سرور و آرامشی که تنها در آن عالم می‌توان یافت برخوردار است."<sup>۴۰۰</sup> (ترجمه به مضمون)

گزارشات تاریخی موجود که نمایانگر روابط حضرت عبدالبهاء با زنان خانواده می‌باشد از چند مورد معدود و مختصر تجاوز نمی‌کند زیرا آداب و رسوم آن زمان امکان دسترسی تاریخ‌نویس را به چنین جنبه‌هایی از زندگی خانوادگی فراهم نمی‌ساخت. اما همین مطالب پراکنده موجود بسیار مفید و آگاهی‌بخش است از این نظر که اطلاعات زیادی از رویدادهای نسبتاً جزئی برخوردار آن حضرت نقل می‌نماید. مثلاً بیان بهیة خانم را در باره ورود حضرت بهاء الله به عکا با اعضای خانواده خود و همراهان در سال ۱۸۶۸ که توسط "مادام دو کاناوارو" ثبت گردیده در نظر بگیرید:

"در آن زمان در عکا امکانات ورود به خشکی از کشتی وجود نداشت و لازم بود که مسافری مسافت بین کشتی تا خشکی را در آب طی کنند. حاکم دستور داده بود که زنان بر پشت مردان حمل گردند. برادرم (حضرت عبدالبهاء) مایل به انجام این کار نبود و با آن به مخالفت پرداخت و اولین کسی بود که خود را به خشکی رساند و یک صندلی پیدا کرد که با آن به کمک یکی از اعضاء، زنان را به ساحل رساند."<sup>۴۱۱</sup> (ترجمه)

هم‌چنین به بیان ذیل در باره زنان خانواده حضرت عبدالبهاء توجه نمائید: "زنان اغلب در جلسات سخنرانی حضرت عبدالبهاء برای زائرین حاضر می‌شدند و به کار ترجمه کمک نموده نظریات خود را در مورد روند امور اظهار می‌داشتند."<sup>۴۱۲</sup> بدون شک در آینده که کار بررسی و طبقه‌بندی و ترجمه شرح خاطرات کسانی که به حضور حضرت عبدالبهاء مشرف شده‌اند کامل گردد داستان‌های دیگری از آن زمان منتشر خواهد شد و بیش از پیش نمایانگر نمونه مطلوبی از روابط مبتنی بر ادب، احترام، رعایت و تشویق آن حضرت که باید از خصائص ممتاز هر زن و مرد بهائی باشد خواهد بود.

در جامعه‌ای که هیچ توجهی به حقوق و یا پیشرفت زن نمی‌شد، حضرت عبدالبهاء همواره رفتاری محبت‌آمیز نسبت به زنان داشتند و احساسات آنان را

ارج نهاده مقام آنان را محترم شمرده در فکر رفاه و بهزیستی آنان بودند. این طرز برخورد از طریق دو واقعه، یکی نسبتاً جزئی ولی بسیار روشنگر و دیگری با پی آمدهائی وسیع، به صورت نمادین در آمده است.

نمونه اول نقل قولی است از طویبی خانم، دختر حضرت عبدالبهاء، در باره توجّهی که آن حضرت نسبت به حال فقرا و بیمارانی که در عکا از هیچ گونه کمک و مساعدتی از مراجع دولتی برخوردار نبودند، مبذول می‌داشتند. ایشان نقل می‌کنند:

"بیرزنی فلج به نام "نائوم" هر هفته برای دریافت صدقه و خیرات مراجعه می‌کرد. روزی مردی دوان دوان وارد شد و گفت: "یا سرکار آقا! نائوم بیچاره بیماری سرخچه گرفته و در کنار حمام داغ دراز کشیده و همه از او دوری می‌کنند. با او چه کنیم؟"

"سرکار آقا فوراً زنی را مأمور نگهداری از او کردند، اطاقی برای او گرفته بستر راحتی (از وسائل خود) برایش فراهم نمودند، دکتر خبر کردند و غذا و مایحتاج برای او فرستادند و آنگاه به ملاقاتش رفتند تا ببینند از او مراقبت به عمل می‌آید و وقتی این پیرزن در آرامش و راحتی دیده از جهان فرو بست، حضرت عبدالبهاء تشییع جنازه ساده‌ای برای او ترتیب دادند و تمام هزینه کفن و دفن وی را پرداختند." (ترجمه)

نمونه دوم اقدام حضرت عبدالبهاء در جهت کمک رسانی به زنان بهائی در ایران است که دسترسی به مراقبت‌های پزشکی شایسته و حرفه‌ای بخصوص در مورد امراض زنان در جامعه‌ای که حرفه پزشکی به مردان منحصر بود، نداشتند.

بنا به درخواست جمعی از پزشکان بهائی ایرانی که به منظور مراقبت پزشکی از زنان ایران خواهان اقامت یک پزشک زن آمریکائی در تهران شده بودند، حضرت عبدالبهاء دکتر سوزان مودی Susan Moody را که متخصص



بیماری‌های زنان بود برای این منظور برگزیدند. او اولین زن بهائی آمریکائی بود که در ایران اقامت گزید.

دکتر مودی در سر راه خود به ایران، در ارض اقدس به حضور حضرت عبداله‌بهاء مشرف شد و از طرف ایشان حمایت و دستورات لازم را برای کار خود دریافت نمود. آن حضرت به او لقب "أمة الاعلی" اعطا فرموده و به وی توصیه نمودند که صبور باشد و به ۴۰ او اطمینان دادند که همیشه با او خواهند بود. دکتر مودی در نوامبر سال ۱۹۰۹ در سن ۵۹ سالگی وارد تهران شد.

خدمات پزشکی او بسیار مورد استقبال همه مردم قرار گرفت. او با ارائه مراقبت‌های اولیه بهداشتی، به همه مردم اعم از غنی و فقیر به طور یکسان خدمت نمود و برای مادران کلاس‌هایی تشکیل داد. هم‌چنین از تعلیم و تربیت دختران حمایت می‌کرد و جهت تأسیس مدرسه دخترانه تربیت که ذیلاً مورد بحث قرار خواهد گرفت، کوشا بود. او پانزده سال بر سر پست خود باقی ماند و بعد به آمریکا بازگشت. در سال ۱۹۲۸ به دستور حضرت ولی امرالله، مجدداً به ایران بازگشت تا خدمات بسیار ارزنده خود را ادامه دهد. او وجود خویش را تماماً وقف حرفه خود نمود و در سال ۱۹۳۴ در ایران چشم از این جهان بریست. سایر متخصصین بهداشت از جمله دکتر سیرا کلاک Sarah Clock و الیزابت استوارت Elizabeth Stewart به دکتر مودی کمک می‌کردند و به راه او که خدمت خالصانه و بی‌ریا به بهائیان و همه مردم ایران بود ادامه دادند.<sup>۴۴</sup>

### مبیین منصوص

به طوری که از فصول پیشین این کتاب کاملاً روشن می‌گردد، حضرت عبداله‌بهاء در انجام مأموریت محوله خود در جهت تبیین و تفسیر معتبری از

تعالیم بهائی، پیامدها و مفاهیم اصل تساوی جنسی را روشن ساخته و بهائیان را در جهت کاربرد عملی این اصل در زندگی روزانه هدایت فرموده‌اند.

در این قسمت، روش حضرت عبدالبهاء را در معرفی این موضوع مورد بررسی قرار می‌دهیم، زیرا مفیدترین نمونه شیوه پیشبرد اصل مساوات را در جامعه امروز ارائه می‌دهد. تجزیه و تحلیل روش آن حضرت سه عنصر اصلی را که ذیلاً به تفصیل مورد بحث قرار می‌گیرد، مشخص می‌سازد. این سه عنصر عبارتند از تأکید آن حضرت بر اغتنام فرصت قرار دادن اصل مساوات در مفهومی وسیع و روش‌های آن حضرت برای به چالش طلبیدن طرز فکر کلیشه‌ای در مورد مقام و توانایی‌های زنان.

### اغتنام فرصت

حضرت عبدالبهاء بر اغتنام فرصت و اهمیت "حقوق زن و تساوی او با مرد" با توصیف این مسئله به عنوان یکی از "مسائل بسیار مهم" که "در برابر بشریت" در این "قرن انوار"<sup>۴۵</sup> قرار دارد، تأکید فرموده‌اند. سپس بر حتمی بودن تحقق این مساوات به این نحو تأکید می‌فرمایند:

"حقایق اشیاء در این قرن انوار ظاهر شده است و آنچه حقیقت است باید آشکار گردد. در بین این حقایق اصل تساوی زن و مرد است یعنی حقوق و امتیازات مساوی در همه امور بشری."<sup>۴۶</sup> (ترجمه به مضمون)

یکی از نتایج مستقیم تأکید حضرت عبدالبهاء بر اغتنام فرصت آن است که این انگیزه را بوجود می‌آورد که تساوی جنسی موضوعی است که در این زمان باید تحقق پذیرد نه اینکه به زمانی در آینده موکول گردد. کسانی که این بیان مبارک را که تحقق مساوات اجتناب‌ناپذیر است قبول می‌کنند طبعاً خود

را ملزم می‌دانند که زندگی خود را با این فرایند تاریخی تطبیق دهند، فرایندی که به نحو انعطاف‌ناپذیری به سوی فرجامی که مقدر گردیده است به پیش می‌رود.

### مفهومی وسیع

روش حضرت عبداله‌بهاء مفهومی را که مبین تساوی مرد و زن می‌باشد توسعه می‌دهد و این گرایش در تضادی آشکار با سایر جنبش‌های مساوات قرار می‌گیرد که فقط بر لغو تبعیض علیه زنان تأکید دارند و مسائل اساسی را نادیده می‌گیرند.

از ویژگی‌های روش آن حضرت تعریف مجدد این مسئله و توسل به آن اصول بنیادین فراگیری است که هم از اساس اهداف دیانت بهائی می‌باشد و هم شاید برای افرادی که عقیده مساوات را تهدیدکننده می‌یابند بیشتر قابل قبول باشد. مثلاً حضرت عبداله‌بهاء مسئله مساوات را در چارچوب عدالت قرار می‌دهند هنگامی که می‌فرمایند "خدا راضی نیست که این عضو مهم در نهایت کمال نباشد و عدل نیز چنین اقتضاء می‌نماید که زنان و مردان مساوی باشند تربیت واحد بشوند و وظیفه‌شان را به‌تمامه اجرا دارند، در نزد خدا زنی و مردی نیست."<sup>۴۷۱</sup> از این دیدگاه، رعایت مساوات را می‌توان جلوه‌ای از عدالت و انصاف یعنی "احبّ الاشياء" [محبوب‌ترین چیزها] در نزد خدا دانست نه آنکه آن را امتیازی شمرد که در مقابل پافشاری و اصرار و از روی بی‌میلی اعطاء می‌گردد. درک مساوات به عنوان جلوه‌ای از عدالت مانع از آن می‌گردد که زنان برای کسب آن پوزش بطلبند و یا در این تلاش روش‌هایی نادرست در پیش گیرند.

وحدت نوع بشر تعلیم اصلی دیانت بهائی است. حضرت عبداله‌بهاء مساوات را به طریقی معرفی فرموده‌اند که طبق آن تحقق وحدت از قبول واقعیت تساوی جنسی جدا نمی‌باشد. می‌فرمایند: "حضرت بهاء الله در اعلان

وحدت عالم انسانی زن و مرد را در نظر خدا مساوی می‌دانند و تفاوتی بین آن‌ها قائل نیستند.<sup>۴۸۱</sup> (ترجمه به مضمون)

بدین ترتیب وحدت نوع بشر دیگر نه صرفاً به صورت یک تعلیم مجرد باقی می‌ماند و نه تنها به روابط بین مردم نژادهای مختلف مربوط می‌گردد، بلکه لزوماً باید تساوی جنسی را نیز در برگیرد.

در جامعه به طور کلی این گرایش ملاحظه می‌شود که حقوق زنان صرفاً یک "مشکل زنانه" یعنی موضوعی که باید منحصرأً توسط زنان حل شود تلقی می‌گردد. هنگامی که مسئله به محدوده زنان محوّل می‌گردد، فوراً اهمیت موضوع کاهش یافته نسبت به مسائل مهمی که بشریت با آن روبروست حالت فرعی پیدا می‌کند. حتی وقتی که اهمیت موضوع درک می‌گردد، غالباً اولویت کمتری به آن داده می‌شود و آن را بعد از سایر مشکلات حادث اجتماعی درخور توجه می‌دانند.

بیانات حضرت عبداله‌بهاء به وضوح نمایانگر آن است که مرد و زن هر دو باید با مسئله مساوات روبرو باشند و تصریح می‌فرمایند که اجرای مساوات شرط ضروری پیشرفت و رفاه اجتماعی و تأسیس صلح جهانی است. در ارتباط با پیشرفت اجتماعی چنین می‌فرمایند:

"تا وقتی که زن و مرد مساوات را نشانند و نپذیرند پیشرفت اجتماعی و سیاسی... ممکن نیست... تا وقتی که این دو عضو (زن و مرد) در قدرت مساوی نشوند، وحدت عالم انسانی تأسیس نگردد و خوشبختی و سعادت بشری تحقق نپذیرد."<sup>۴۹۱</sup> (ترجمه به مضمون)

و هم‌چنین می‌فرمایند: "...تا عالم نساء متساوی با عالم رجال در تحصیل فضائل و کمالات نشود فلاح و نجاح چنانکه باید و شاید ممتنع و محال." در باره جنگ، حضرت عبداله‌بهاء می‌فرمایند: "وقتی اعلان مساوات بین زن و مرد شد یقین است که حرب از میان بشر برداشته خواهد شد."<sup>۵</sup> همان‌طور که از

این بیانات استنباط می‌گردد مفهوم حقوق زن و اهمیّت مساوات در قالب تازه‌ای تعریف شده است. در این چارچوب جدید که حضرت عبدالبهاء به کار برده‌اند، از طریق مرتبط نمودن مساوات با اهداف مطلوب عمومی مانند ترقی، سعادت و صلح این مفهوم بسط داده شده است. بینشی که آن حضرت ارائه داده‌اند جهان شمول است نه اینکه منحصرأ به یک عنصر جامعه توجّه داشته باشد. بنابراین این چارچوب جدید تأثیر مهمی در تمایل فردی به تلاش در جهت تغییر و فداکاری شخصی برای نیل به هدفی ارزشمند دارد. همین که امر مساوات اهمیّت کلی و جهانی پیدا کند، نه تنها قابل قبول بلکه مطلوب فرد و جامعه خواهد شد. در مورد صلح، اجرای مساوات با توجّه به اوضاع جهان، ضرورت خاصی پیدا می‌کند.

در بعضی قسمت‌های جهان غرب، دعوت برای اجرای تساوی حقوق و فرصت‌ها برای زنان به این صورت تفسیر شده است که پیشرفت زنان باید بر پیشرفت مردان اولویّت داشته باشد و به لحاظ آنکه منابع موجود برای رفع نیاز هر دو جنس کافی به نظر نمی‌رسد، مردان بیم دارند که وضع به زیان آنان تمام شود. این تصوّر زیان احتمالی باعث ایجاد مقاومت در مقابل تغییر و نیز ایجاد مانع در مقابل اجرای مشارکت زنان در امور اجتماعی می‌گردد.

حضرت عبدالبهاء مسئله پیشرفت بشر را از نو مطرح ساخته آن را از محدوده پیشرفت شخصی در جهت نیل به اهداف محدود خودخواهانه و عنصر رقابت فراتر می‌برند و این نظریه به ظاهر ضد و نقیض را که بالاترین پیشرفت مرد بستگی به پیشرفت زن دارد طرح می‌نمایند و بدین ترتیب همکاری و تشریک مساعی بین زن و مرد را مؤثرترین راه پیشرفت فردی و اجتماعی می‌دانند. سخنان حضرت عبدالبهاء توضیحات ذیل را در بر دارد:

"عالم انسانی از دو جزء تشکیل شده است: ذکور و اناث که هر یک مکمل دیگری است. بنابراین اگر یکی ناقص باشد دیگری نیز لزوماً ناقص خواهد بود و نیل به کمال ممکن نه. در هیکل انسان دست راست و دست چپ وجود دارد که در خدمت و اداره بدن مساوی هستند. اگر هر یک

معیوب گردد اثرش از نظر کمال کلی طبیعتاً بر دیگری سرایت نماید، زیرا پیشرفت عادی و طبیعی میسر نشود مگر هر دو کامل باشند. اگر بگوئیم یک دست معیوب است ناتوانی و عجز دست دیگر را هم ثابت کرده‌ایم، زیرا با یک دست توفیق کامل حاصل نشود. درست همان‌طور که توفیق مادی با دو دست کامل می‌گردد، همین‌طور زن و مرد دو عضو پیکر اجتماع هستند و باید کامل باشند. اگر هر یک از آنها رشد نکند وضع طبیعی و عادی نخواهد بود، و تا مادامی که هر دو کامل نگردند سعادت عالم انسانی تحقق نپذیرد.<sup>۵۱</sup> (ترجمه به‌مضمون)

"... ترقی نساء سبب ترقی مردان است. لهذا باید نساء را تربیت کامل نمود ... تا هم‌چنانکه در حیات مشترک با رجالند در کمالات عالم انسانی نیز مشترک شوند و البته اشتراک در کمال از نتایج تساوی در حقوق است."<sup>۵۲</sup>

ارتباط دادن اجرای مساوات با پیشرفت شخصی موجب می‌گردد که مردان از این بابت تهدید کم‌تری حس کنند و در عین حال درکشان نسبت به منافع شخصی خود که از مساوات حاصل می‌شود و نیز تمایلشان به حمایت از پیشرفت زنان زیاد گردد. به‌همین نحو نگرانی زنان در مورد رقابت برای کسب منابع برطرف می‌شود، زیرا امیدوار خواهند بود که منابع موجود با آن‌ها تقسیم خواهد شد.

توضیح حضرت عبداله‌بهاء در مورد اهمیت اصل تساوی حقوق زن و مرد باعث می‌شود که نگرانی و بیم هر دو جنس از تغییر و دگرگونی نقش معمولی و سنتی زن و مرد برطرف گردد. مثلاً حضرت عبداله‌بهاء با ارائه دیدگاه جدیدی برای درک لزوم مساوات، از تهدید اختلاف احتمالی می‌کاهند. در واقع بینش وسیعی را ارائه می‌دهند که نگرانی در باره بی‌نظمی اجتماعی، از دست رفتن موقعیت، امنیت، امتیازات و بیم از رقابت برای موقعیت و منابع را کاهش می‌دهد. این "چارچوب" جدید مشکل مساوات را رفع نموده آن را در قلمروئی وسیع‌تر و غیر شخصی‌تر قرار می‌دهد و بر منافع

مثبت آن که به همه افراد اعم از مرد و زن و جامعه تعلق دارد، تأکید می‌نماید. اصل مساوات که به این طریق تعریف جدیدی از آن شده است به صورت هدف شریف و جذابی که اهمیتی جهانی دارد در می‌آید یعنی امری که همه خود را در مقابل آن متعهد می‌دانند.

### به چالش طلبیدن تفکر کلیشه‌ای

حضرت عبدالبهاء تدابیر گوناگونی برای رویارویی و به چالش طلبیدن طرز فکر متداول در باره زنان اتخاذ می‌فرماید. این تدابیر در میزان برخورد با این مسئله و افراد و هم چنین تأثیرات روانی آن متفاوت هستند.

**استفاده از قیاس و مثال** — یکی از شیوه‌هایی که اغلب حضرت عبدالبهاء برای تثبیت اصل اساسی مساوات و نشان دادن غیرمنطقی بودن فقدان آن به کار می‌بردند استفاده از قیاس و مثال است، مثلاً می‌فرمایند:

"در عالم موجودات زنده، تفاوت بین اجناس از نظر وظیفه وجود دارد، ولی هیچ برتری و امتیازی برای جنس ذکور یا اناث متصور نیست. در عالم حیوان دو جنس موجود است، ولی بدون هیچ گونه امتیازی از حقوق مساوی برخوردارند. همین طور در عالم نبات، اختلاف جنس وجود دارد ولی تساوی وظیفه و حقوق مسلم است. با وجود آنکه امتیاز و برتری در این عوالم پائین تر وجود ندارد، آیا شایسته مقام والای انسان است که یک چنین تفاوت و امتیازی قائل گردد، در حالی که در حقیقت در قانون خلقت چنین تفاوت و امتیازی نیست."<sup>۵۳۳</sup> (ترجمه به مضمون)

طرز فکر و رفتار تبعیض آمیز نه تنها ناروا و نامناسب است، بلکه به فرموده حضرت عبدالبهاء شایسته "مقام والای" انسان نیست.

**استفاده از سنوالات جهت مسخّل نمودن موضوع** — روش دیگری که حضرت عبدالبهاء برای جلب توجه افراد به گرایش‌های غلط به کار می‌برند

طرح یک سلسله سئوالات مؤثر است که منطقی بودن (یا نبودن) یک نقطه نظر را آشکار می‌سازد. در این شیوه آن حضرت فرضیه برتری خصوصیات سنتی مردانه را به چالش می‌گیرند. نمونه‌ای از این شیوه به شرح ذیل است:

"وقتی که ما بر اساس حکمت خلقت هیچ دلیلی برای امتیاز و برتری در عوالم پائین‌تر نمی‌یابیم، آیا منطقی یا برای انسان جایز است که در بین هموعان خود چنین امتیازی قائل گردد؟ ذکور در عالم حیوان به مذکر بودن خود و برتری بر اناث افتخار نمی‌کنند. در واقع مساوات بین آن‌ها وجود دارد و شناخته شده است. چرا باید انسان که موجودی برتر و هوشمندتر است این تساوی را که عالم حیوان از آن برخوردار است انکار نماید؟ مطمئن‌ترین راهنما در مورد هدف و جهت خلقت برای انسان شرایط و قیاس مخلوقات پائین‌تر از او است که در بین آن‌ها تساوی جنسی امری اساسی است."<sup>۵۴۱</sup> (ترجمه به مضمون)

تجزیه و تحلیل حضرت عبداله‌ء قاطع و نافذ، ملاحظاتی که تیزبینانه و سئوالات ایشان از نظر روانشناسی گویا و بیانگر است. به اشاره آشکار آن حضرت در مورد افتخار مرد به برتری خود، رفتاری که گاهی در زمان حاضر نیز ملاحظه می‌شود توجه کنید.

**استفاده از چالش مستقیم** - شواهد متعددی حاکی از به چالش طلبیدن مستقیم گرایش‌های تبعیض‌آمیز از جانب حضرت عبداله‌ء موجود است. به خصوص آن حضرت به وضوح اصل مساوات را تأیید می‌فرمایند و در عین حال نظر مخالف آن را تفسیح نموده آن را اشتباه، نامناسب و فاقد ارزش می‌شمرند. مثلاً می‌فرمایند: "ما که به فیض عقل موقیم و قوه‌ء ممیزه داریم چگونه چنین چیزی را روا بداریم که مخالف عقل است؟" هم‌چنین اشاره می‌فرمایند که "لکن تا به حال چون زن‌ها تربیت نشده‌اند لذا عقب مانده‌اند." باز می‌فرمایند:



"انسان که با عقل برتر خود در نیل به درک حقایق اشیاء موفق است مطمئناً مایل نیست اجازه دهد قسمت اعظمی از عالم انسانی ناقص یا محروم باقی بماند. این نهایت بی‌عدالتی است." <sup>۵۵۱</sup> (ترجمه به‌مضمون)

و نیز:

"نساء و رجال در دور بهاء‌الله عنان با عنان می‌روند. در هیچ موردی نساء عقب نمی‌مانند. ... در انتخابات حق رأی از حقوق ثابتة نساء است و دخول نساء در جمیع دوائر امر مبرم محتوم. نفسی حائل و مانع نتواند شد." <sup>۵۶۱</sup>

این‌ها نمونه‌هایی است از رویارویی مستقیم حضرت عبدالبهاء با نظریه‌هایی مبتنی بر خرافات جاهلانه و بی‌عدالتی و موضع‌گیری‌های بی‌اساس و گرایش‌های ریشه‌دار و دیرینه که همگی سدّی در راه تغییرات اجتناب‌ناپذیر ایجاد می‌کنند.

استفاده از نمونه‌های تاریخی - هم‌چنین حضرت عبدالبهاء برای خنثی نمودن قضاوت منفی در بارهٔ زنان و نشان دادن لیاقت آنان، نمونه‌های مؤثری از تاریخ ارائه می‌دهند. در حالی که نمونه‌هایی از تاریخ دینی و سیاسی شاهد می‌آورند، تأکید می‌نمایند که زنان در اقدامات مهمی مداخله داشته و باید داشته باشند، می‌فرمایند: "زنانی هستند که فخر رجال‌اند، عالم‌اند، شاعرند، واقف‌اند، در نهایت شجاعت هستند." <sup>۵۷</sup> هم‌چنین می‌فرمایند:

"... شواهد تاریخی به‌خوبی ثبت کرده است که هرگاه زنان در امور بشری مشارکت نکرده‌اند نتایج حاصله هرگز به مرحلهٔ اتمام یا کمال نرسیده است ... در عالم انسانی هر تعهدی که زن در آن مشارکت داشته به نتایج مهم رسیده است. این یک حقیقت تاریخی و غیرقابل انکار است حتی در ادیان الهی." <sup>۵۸۱</sup> (ترجمه به‌مضمون)

این دیدگاه با نظریاتی که در نوشته‌های تاریخ نویسان فمینیست معاصر مانند گردا لرنر Gerda Lerner آمده است همخوانی دارد که در مقدمه اثرش تحت عنوان "پیدایش پدرسالاری" نظر ذیل را ارائه می‌دهد:

"زنان در ساختن جامعه و بنای تمدن نقشی اصلی داشته‌اند، نه فرعی و حاشیه‌ای ... آنچه که زنان انجام داده و تجربه نموده‌اند ناشناخته مانده، مورد غفلت قرار گرفته و در تعبیر و تفسیر امور نادیده انگاشته شده است. تحقیقات تاریخی تا زمان اخیر زنان را در ایجاد تمدن بشری دارای نقشی فرعی دانسته و در فعالیت‌هایی که از نظر تاریخ مهم تعریف شده نامؤثر شمرده است."<sup>۵۹۱</sup>

حضرت عبدالبهاء نمونه‌هایی از تاریخ ادیان ذکر می‌کنند که نه تنها نمایانگر نقش اصلی زنان است، بلکه برتری مشارکت آنان را نیز نشان می‌دهد:

"چه بسیار زنان پیدا شده‌اند که فخر رجال بوده‌اند مثل حضرت مریم که فخر رجال بوده، مریم مجدلیه غبطه رجال بود، مریم ام یعقوب قدوة رجال بود، آسیه دختر فرعون فخر رجال بود، سارا زن ابراهیم فخر رجال بود و هم چنین امثال آنها بسیار است."<sup>۶۰۱</sup>

هم‌چنین حضرت عبدالبهاء نمونه‌هایی در مورد زنانی که هم در شرق و هم در غرب در سیاست نقش مهمی داشته‌اند، ارائه می‌دهند. بخصوص به نام‌هایی مانند زنوبیا، ملکه شرق که پایتخش پالمیرا بود، کاترین کبیر ملکه روس، ایزابلا ملکه اسپانیا، کلوپاترا، ملکه مصر و ملکه ویکتوریا از انگلستان اشاره فرموده‌اند.<sup>۶۱</sup> حضرت عبدالبهاء نه فقط خدمات مهم این زنان برجسته را توصیف می‌فرمایند، بلکه مهارت‌ها و خصوصیات برجسته‌ای را که در انجام وظایف خود نشان داده‌اند نیز مشخص می‌نمایند. توجه به این نکته جالب است که خصوصیات را که در توصیف این زنان برمی‌شمرند معمولاً به نقش سستی مردان مربوط می‌شود، مانند فراست، شهامت، توانائی اداره امور، تدابیر

نظامی و عدالت. به این ترتیب تاریخ نمایانگر آن است که زنان هم می‌توانند در امور جهان مشارکت داشته باشند و هم قادرند صفاتی را که در جامعه ارزشمند شمرده می‌شوند و معمولاً به مردان نسبت داده می‌شود از خود نشان دهند.

**استفاده از نمونه‌های معاصر -** علاوه بر ذکر نمونه‌هایی از تاریخ، حضرت عبدالبهاء توجه را به زنان بهائی معاصر که در فعالیت‌هایی که قبلاً منحصر به مردان بوده امتیازاتی کسب کرده‌اند نیز جلب می‌نماید. آن حضرت زنانی را که به عنوان شاعر و اندیشمند شهرت یافته یا صاحب پست مهمی در دستگاه حکومتی بوده‌اند و یا ثبوت و قدرت ایمانشان چنان بوده که شهادت را در راه عقیده پذیرفته بودند می‌ستایند. این زنان با رفتار خود خصوصیات را ارائه داده‌اند که از نقش کلیشه‌ای جنسی فراتر می‌روند. مثلاً حضرت عبدالبهاء می‌فرماید "در این ایام زنانی در بین بهائیان هستند که بسیار از مردان پیشی گرفته‌اند، زنانی خردمند، با استعداد، مطلع، مترقی و با فراست‌ترین افرادی که فخر مردانند." <sup>۶۲</sup> (ترجمه به‌مضمون) البته از آنجائی که حضرت عبدالبهاء زنان را به خاطر این خصوصیات ستوده‌اند، بدون شک این صفات برای هر دو جنس مناسب است.

تدابیری که حضرت عبدالبهاء برای به چالش کشیدن پندارهای بی‌اساس در باره زن و مرد به کار می‌برند با آن تدابیری که برای مقابله مستقیم با گرایش‌ها و رفتارهای منسوخه به کار رفته متفاوت است. روش ایشان بر تشویق، تجزیه و تحلیل منطقی و ذکر نمونه‌های تاریخی و معاصر مبتنی است. در حالی که اصل تساوی زن و مرد را به‌طور صریح بیان می‌فرمایند، گرایش‌ها و اعمالی را که متناسب با عصر جدید نیست به چالش می‌کشند. روش آن حضرت بر افکار و قلوب مستمعین‌اش تأثیری عمیق دارد. درک دقیق مسئله، قدرت استدلال ایشان و استفاده از شیوه‌های گوناگون برای روشن نمودن نقطه نظر خود، افراد را چنان مجاب می‌نماید که چاره‌ای جز تجدید نظر در موضع خود نسبت به زنان ندارند.

## ارجاع مسئولیت

مثل حضرت عبدالبهاء در ترویج کامل شناخت و اجرای تساوی جنسی از الگوی زندگی روزمره ایشان و تبیینات معتبرشان از تعالیم حضرت بهاء الله بسی فراتر می‌رود. آن حضرت مشارکت کامل زنان را در امور جامعه بهائی، از جمله انجام وظائف پر مسئولیتی که در آن زمان از آنچه در شرق و غرب متداول بود بسی فراتر می‌رفت، فعالانه حمایت می‌کردند و زنان را تشویق می‌نمودند که بکوشند به موفقیت‌هایی هم‌سطح مردان و بلکه بالاتر نائل گردند.

هرچند مطالعه و بررسی اقدامات حضرت عبدالبهاء در این زمینه از حوصله بحث این کتاب خارج است، ذکر چند نمونه به‌خوبی نمایانگر روشی است که از طریق آن حضرت عبدالبهاء زنان بهائی را در مهم‌ترین امور جامعه بهائی وارد نمودند.

### اتل رزنبرگ

اتل رزنبرگ Ethel Rosenberg، نقاش تعلیم یافته در مدرسه هنرهای زیبای اسلید لندن (Slade School)، در سال ۱۸۹۹ بهائی شد و به این ترتیب به این امتیاز مفتخر گردید که اولین زن انگلیسی است که حضرت بهاء الله را به‌عنوان مظهر الهی شناخته است. هنگامی که در سال ۱۹۰۱ به حضور حضرت عبدالبهاء مشرف شد، بر آن حضرت مسلم بود که این زن از نظر قابلیت و فراست استثنائی است و به او اجازه داده شد که برای چند ماه با خانواده مبارک زندگی کند. در طی این مدت، او چندین دفتر یادداشت از دستورات حضرت عبدالبهاء راجع به تعالیم امر و پاسخ‌های ایشان به سئوالات خود تهیه نمود. این یادداشت‌ها و نیز اطلاعاتی را که او ضمن زیارت‌های بعدی خود در سال‌های ۱۹۰۴ و ۱۹۰۹ کسب نمود اساس شرح مبسوط او را در باره دیانت بهائی تشکیل می‌دهد که در سال ۱۹۱۰ به چاپ رسید و در انتشار امر بهائی در انگلستان در آن سال‌های اولیه در سطح وسیعی مورد

استفاده قرار گرفت. در سال ۱۹۱۱، زمانی که حضرت عبدالبهاء در پاریس بودند از اتل رزنبرگ دعوت کردند که لجنه‌ای از بهائیان در لندن تشکیل دهد تا فعالیت‌های روزافزون جامعه بهائی انگلستان را اداره نماید. جالب توجه است که حضرت عبدالبهاء لجنه‌ای از هفت نفر تشکیل دادند که شش نفر آن‌ها زن بودند. این لجنه در طول زمان تدریجاً تکامل پیدا کرد و نهایتاً سال‌ها بعد به صورت محفل روحانی ملی آن سرزمین درآمد. حضرت عبدالبهاء وقت بسیاری صرف نموده اصول اداری را که آن لجنه می‌بایستی پیروی نماید و از جمله وظائف و خط مشی‌های مربوط به اداره صندوق را به اتل رزنبرگ آموختند. این لجنه ابتداء به عنوان "لجنه مشورت بهائی" معروف بود که نام و ترکیب اعضای آن در سال ۱۹۱۵ تغییر یافت و به صورت شورای بهائی با هشت عضو که شش نفر زن بودند و اتل رزنبرگ هم‌چنان نقش عمده‌ای در آن داشت درآمد.

### کورین ترو

در ایالات متحده آمریکا شکل‌گیری اولیه هیئت‌ها که بعداً تکامل یافت و به صورت محفل روحانی ملی درآمد با فعالیت زنی آغاز شد که از طرف حضرت عبدالبهاء تعیین گردید تا نقش مؤثری در تأسیس این نهاد ایفا نماید. هنگامی که در سال ۱۹۰۳ بهائیان آمریکا برای شروع کار ساختمان مشرق الاذکار در آن سرزمین موفق به کسب اجازه از حضور حضرت عبدالبهاء گردیدند، حضرت عبدالبهاء به کورین ترو (Corinne True) نامه نوشته ابراز داشتند که مایلند او علیرغم عدم تجربه در زمینه‌هایی مانند معاملات ملکی، معماری و ساختمان‌سازی که به‌طور سنتی در حوزه فعالیت مردان قرار داشت، به این کار اقدام نماید. در سال ۱۹۰۶ او توانست برای شروع کار ساختمان مشرق الاذکار، درخواستی را که به امضای تقریباً هشتصد نفر از بهائیان در سراسر آمریکا رسیده بود تهیه کند و مأمور شد که این درخواست را در عکا به حضور حضرت عبدالبهاء تقدیم نماید. حضرت عبدالبهاء صریحاً برای او روشن ساختند که باید تمام کوشش خود را وقف

این کار نماید و به او هشدار دادند که این فعالیت با رنج و سختی همراه خواهد بود.

بهایان آمریکا در آن دوران اولیه هنوز به اهمیت و اقتضای اصل تساوی زن و مرد پی نبرده بودند و هیئت‌های اداری اولیه مانند بیت روحانیت در شیکاگو منحصر به مردان بود. دیدگاه محدود آن‌ها با انتصاب کورین ترو از طرف حضرت عبدالبهاء در مقام دریافت‌کننده هدایات ایشان در باره ساختمان مشرق‌الاذکار موجب آشفتگی فکری آنان گردید. ناتان راتستین (Nathan Rutstein) در شرح زندگی این زن برجسته، در مورد این ایام می‌نویسد:

"هنگامی که کورین ترو و دخترش از طریق پاریس و لندن در راه بازگشت به آمریکا بودند، تورنتون چیس (Thornton Chase)، کارل شفلر (Carl Scheffler) و اگنیوز (Agnews) در زیارت ارض اقدس بودند و در حین زیارت، چیزی را که انتظار نداشتند تجربه نمودند یعنی شنیدن پاسخ حضرت عبدالبهاء به پرسش‌های آقای چیس در باره مشرق‌الاذکار و آن این بود: "وقتی به آمریکا برگشتید با خانم ترو مشورت نمائید، من دستورات کامل را در این مورد به او داده‌ام."

"آقای چیس از شنیدن این حرف تکان خورد، چون انتظار شنیدن آنچه را که حضرت عبدالبهاء عنوان فرموده بودند نداشت. حضرت عبدالبهاء تصوّر او را در باره نقش زنان در امر بهائی دگرگون ساخته بود. اگر آن حضرت در مورد ثبات تورنتون چیس در امر تردیدی داشتند، این طور صریح با او سخن نمی‌گفتند. بدیهی است آنچه گفته شد به منظور عمیق نمودن درک زائرین آمریکائی از بعضی جنبه‌های خاص تعالیم بهائی بود."<sup>۶۳۱۱</sup>

کورین ترو تمام نیروی خود را وقف پروژه مشرق‌الاذکار نمود که او را در معرض درگیری و اصطکاک با دیگر بهائیان قرار داد، چنانچه راتستین اشاره می‌کند:

"می‌توان درک کرد که چرا بعضی از بهائیان اولیه بخصوص بعضی از مردان سلطه‌جو که احساس می‌کردند این زن قدرت طلب است با او برخورد شدید داشتند. آن‌ها با ابراز چنین رفتاری از طرف یک زن بیگانه بودند و تشخیص نمی‌دادند که عشق و ایمان کورین به حضرت عبدالبهاء او را به این کار وادار نموده بود."<sup>۶۴۱</sup>

در حالی که او به طرح نقشه‌هایی برای این پروژه ادامه می‌داد، به این نتیجه رسید که این کار باید توسط سازمانی در سطح ملی که نمایندگی تمامی جامعه بهائی آمریکا را داشته باشد انجام شود. حضرت عبدالبهاء این نظر را تأیید فرمودند و دستور تشکیل یک انجمن شور روحانی ملی برای انتخاب یک چنین هیئتی دادند و مشخص کردند که زنان باید در این هیئت عضویت داشته باشند. در نتیجه لجنه "اتحاد مشرق‌الاذکار" با عضویت نه نفر هیئت اجرایی که شامل سه زن بود تشکیل شد و کورین ترو به عنوان منشی مالی تعیین گردید. وقتی که در سال ۱۹۲۲ هیئت دیگری که نقش محفل ملی را به عهده گرفت جایگزین این هیئت گردید، کورین ترو با بالاترین آراء به عضویت این هیئت جدید انتخاب شد و به خدمت خود به عنوان منشی مالی در این هیئت ادامه داد. با گذشت سال‌ها، مسئولیت او در بنای مشرق‌الاذکار طبعاً کاهش یافت ولی از این موهبت برخوردار شد که در ماه مه ۱۹۵۳ در سن نود و یک سالگی و در حالی که به مقام ایادی امر رسیده بود، در مراسم افتتاح بنای مشرق‌الاذکار شرکت نماید. راتستین در مورد اهمیت نقشی که این زن در شرکت دادن زنان در امور جامعه بهائی آمریکا بازی کرد می‌نویسد:

"حضرت عبدالبهاء او را برای انجام کاری برگزیدند که احساس می‌کردند سایر کسانی که در امور جهان باتجربه‌ترند قادر به انجامش

نیستند. آن حضرت برای رهبری فعالیت‌های تنها پروژه مهم پنجاه سال اول تأسیس امر در امریکا، یک زن را انتخاب نمودند. اما کارهای دیگری بود که مقدر گردیده بود این زن انجام دهد که او آنها را احتمالاً در حالی که از نتایج نهائی‌اش در آن هنگام آگاه نبود انجام داد. با تلاش و کوشش او نظم اداری در سطح ملی آغاز گردید و پیشرفت نمود.

حضرت عبدالبهاء این زن را وسیله‌ای برای درهم شکستن موانع روانی که علیه زنان در جامعه بهائی امریکا وجود داشت قرار دادند. این جریان تجربه‌ای طولانی و دردناک بود. مهم‌تر از همه، علیرغم شدت امتحانات در جامعه بهائی، او در ایمان خود ثابت و راسخ ماند. هیچ چیز نتوانست تعلق خاطر او را به امر بهائی مختل سازد. این خصوصیت او بود که بیش از هر چیز دیگر او را در نزد حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله عزیز نمود. زیرا بر روی چنین صخره محکمی است که می‌توان امر الهی را بنا نهاد.<sup>۶۵۱</sup>

### آگنس پارسونز

زنان بسیار دیگری بودند که مسئولیت‌های مهمی در دیانت بهائی به آنان واگذار گردید. در زمانی که هیچ‌گونه آمیزش اجتماعی بین نژادها در آمریکا به‌خصوص در شهرهائی مثل واشنگتن وجود نداشت، حضرت عبدالبهاء خانم آگنس پارسونز (Agnes Parsons) را که در واشنگتن دی سی از نظر اجتماعی بانویی مقتدر و معروف بود مسئول تشکیل گردهم‌آئی نژادی نمود. خانم پارسونز افتخار پذیرائی از حضرت عبدالبهاء را در خانه جدید خود در طی اولین دیدار آن حضرت از واشنگتن در بهار سال ۱۹۱۲ داشت و نیز اقامتگاه تابستانی خود را در دابلین واقع در نیوهمشایر در اختیار آن حضرت قرار داد.

در طی دوّمین دیدار خانم پارسونز از ارض اقدس در سال ۱۹۲۰، حضرت عبدالبهاء به او چنین فرمودند: "مایلم انجمنی برای اتحاد نژاد سیاه و سفید



تشکیل دهی. شما باید در این راه از مردم کمک بگیری.<sup>۶۶۱</sup> (ترجمه به مضمون) و از او خواستند به عنوان یک بهائی مؤمن، از مهارت و موقعیت اجتماعی خود برای پیشبرد آگاهی و پذیرش وحدت نوع بشر، اصلی که در آن زمان عموماً مورد مخالفت و استهزای رهبران جامعه بود، استفاده نماید. این زن در تشکیل یک لجنة کارآمد موفق گردید و انجمنی تشکیل شد. حضرت عبدالبهاء در پیامی که در این مجمع خوانده شد فرمودند:

"به این مجمع ابلاغ نمائید که هرگز چنین انجمن با اهمیتی تشکیل نشده است. این انجمن نشانه وحدت عالم انسانی است، سبب برطرف کردن دشمنی بین نژادها خواهد شد، موجب نورانی شدن آمریکا خواهد گردید، - اگر با حکمت ادامه یابد- کشمکش مرگبار بین نژادها را متوقف خواهد ساخت که در غیر این صورت به جنگ و ناآرامی می انجامد.<sup>۶۷۱</sup> (ترجمه به مضمون)

حضرت عبدالبهاء از تشکیل این انجمن اظهار رضایت فرموده ابراز امیدواری نمودند که چنین مجامعی در سراسر آمریکای شمالی تأسیس گردد. آن حضرت از انجمنی که توسط خانم پارسون و همکارانش تشکیل شده بود به عنوان "ام المجمع" (ترجمه) یاد نموده اند که از آن مجامع دوستی بسیاری توکل خواهد یافت.<sup>۶۸</sup>

### الا کوپر و هلن گودال

نمونه دیگری از تشویق زنان بهائی از طرف حضرت عبدالبهاء مربوط به دو نفر از متقدمین احبای کالیفرنیا به نام های خانم الا کوپر Ella Cooper و مادرش، خانم هلن گودال Hellen Goodall و نقش آنها در رویداد مهمی در تاریخ دیانت بهائی در غرب می باشد. این رویداد تشکیل اولین "کنگره بین المللی بهائی" هم زمان با برگزاری نمایشگاه بین المللی پاناما- پاسیفیک بود که در بهار سال ۱۹۱۵ در سانفرانسیسکو جهت افتتاح کانال پاناما تشکیل گردید. این کنگره گرچه توسط محفل روحانی محلی سانفرانسیسکو تشکیل

گردید، رسماً زیر نظر نمایشگاه بین‌المللی پاناما- پاسیفیک بود. خانم کوپر و خانم گودال با جمعی از بهائیان دیگر کمیته اجرایی کنگره را تشکیل می‌دادند. آن‌ها یک چنین همایشی را در پیشبرد تعالیم الهی در مورد وحدت عالم انسانی و صلح جهانی مؤثر می‌دانستند و آرزوی خود را برای تشکیل آن خدمت حضرت عبدالبهاء ابراز داشتند. آن حضرت فوراً موافقت خود را اعلام و حتی سخنرانان را نیز انتخاب فرمودند.

این کنگره از ۱۹ تا ۲۵ آوریل ۱۹۱۵ برگزار شد و تعداد زیادی شرکت‌کننده را نیز برای شنیدن تعالیم حضرت بهاء‌الله به خود جلب نمود. مدیریت نمایشگاه روز ۲۴ آوریل را روز "کنگره بین‌المللی بهائی" تعیین نمود و یک مراسم رسمی ترتیب داده شد که ضمن آن یک مدال یادبود برونز به عنوان شناسائی برنامه بهائی برای صلح عمومی به بهائیان اهداء گردید.<sup>۶۹</sup>

### لوا گتسینگر

حضرت عبدالبهاء از اینکه وظائف فوق‌العاده سختی را به عهده زنان بگذارند تردیدی به خود راه نمی‌دادند. در سال ۱۹۰۲ از لوا گتسینگر Lua Getsinger که زن برجسته‌ای از بهائیان اولیه غرب بود خواستند که از ایالات متحده به پاریس مسافرت نماید تا دادخواستی را از طرف آن حضرت مبنی بر ممانعت روحانیون اسلام از آزار و اذیت بهائیان ایران به شاه ایران که در آن موقع از پاریس دیدن می‌کرد تقدیم دارد. این زن این وظیفه مشکل را با جدیت و پشتکار در طول چند هفته انجام داد و حتی سعی نمود که نسخه‌ای از دادخواست به دست شحص شاه داده شود. لازم به تذکر است که بعد از این اقدام، آزار و اذیت بهائیان برای چندین سال تخفیف پیدا کرد.

در زمانی که مسافرت یک زن غربی به شرق به منظور تبلیغ مذهبی تقریباً غیرقابل تصور بود، حضرت عبدالبهاء به لوا گتسینگر دستور دادند برای انتشار

پیام الهی به هند و خاورمیانه مسافرت نماید. این زن با تعهد و ایمان خاص خود این کار را انجام داد و سرانجام در سال ۱۹۱۶ در قاهره در سن ۴۵ سالگی در حالی که به انجام این وظیفه مشغول بود از این عالم رفت.

### آگنس الکساندر و مارتا روت

از جمله دیگر زنانی که بر اثر تشویق حضرت عبدالبهاء توانستند در خدمات امری به اوج شهامت و شجاعت نائل شوند، آگنس الکساندر Agnes Alexander بود که از هاوایی به ژاپن رفت و اولین بهائی آن سرزمین شد و نیز مارتا روت Martha Root بود که به عنوان مروج امر، سفرهای جهانی خود را در پاسخ به این دعوت حضرت عبدالبهاء آغاز نمود:

"در ممالک و دیار منتشر شوند و آواره هر بلاد و سرگشته هر اقلیم گردند دقیقه‌ای نیاسایند و آنی آسوده نگردند و نفسی راحت نجویند و در هر کشوری نعره یا بهاء‌الابهی زنند و در هر شهری شهره آفاق شوند و در هر انجمنی چون شمع برافروزند ... تا در قطب آفاق انوار حق اشراق نماید."<sup>۷۰</sup>

خدمات برجسته مارتا روت به تفصیل در فصل ششم مورد بحث قرار می‌گیرد.

نبایستی تصور شود که دادن وظائفی از این قبیل از طرف حضرت عبدالبهاء منحصر به زنان بهائی غرب بود. در چارچوب حدودی که شرایط اجتماعی آن زمان ایجاد می‌نمود، آن حضرت قابلیت و توانایی زنان لایق شرق را نیز به کار می‌گرفتند. مثلاً در دوران جنگ جهانی اول، هنگامی که ارض اقدس در تهدید قحطی قرار داشت، حضرت عبدالبهاء از امانت فردی و مهارت در سازماندهی یکی از زنان بهائی ایرانی به نام سکینه سلطان که بیوه یکی از شهداء بود و برای مدتی در ارض اقدس خدمت می‌کرد استفاده نمود. حضرت عبدالبهاء مسئولیت مهم نظارت بر توزیع مواد غذایی

امدادی را که ذخیره نموده و یا ترتیب ارسال آن را به حیفا و عکا داده بودند به این زن واگذار نمودند. حضرت عبدالبهاء به طور مکرر با این زن در تماس بودند و مشکلات حمل و نقل را برای او تشریح و مشکلات تهیه گندم و هزینه آن را مطرح و در مورد سهمیه هر کس دستورات دقیقی به وی می دادند.<sup>۷۱</sup>

در ارزیابی خدمات دلیرانه زنان بهائی تحت هدایت و ارشاد حضرت عبدالبهاء، می توان به خوبی درک نمود که چرا بیت العدل اعظم فرموده اند:

"حضرت عبدالبهاء اشاره فرموده اند که "از جمله مسائل خطیره که فی الحقیقه از خوارق عادات محسوب و از خصائص این دور مقدس شمرده می شود آن است که چون نساء در ظل کلمه الله مستظل و به صفوف مؤمنین و مروّجین امرالله ملحق گشتند شجاعت و بسالت بیشتری نسبت به رجال از خود به منصفه ظهور رساندند." حضرت ولی امرالله در دنباله این مطلب می افزایند که این "شجاعت" باید به مرور زمان "به نحو شدیدتر ظاهر و نمایان گردد و به فتوحاتی اعلی و اجلّ از آنچه تا کنون بدان توفیق یافته اند در خدمت امر اعزّ ابهی نائل آید." <sup>۷۲</sup>

### تشویق و ترغیب

این خدمات درخشان در نتیجه تشویق های مرتّب و مستمرّ حضرت عبدالبهاء نسبت به این زنان انجام شد. آن حضرت بر اهمیت چنین تشویقی تأکید می فرمایند و آن را به عنوان یکی از وظائف اعضای محفل روحانی توصیف می نمایند.

"ارکان محفل روحانی باید بی نهایت مشوقّ نساء گردند. در این دور رجال و نسائی نه، کله در ظلّ کلمه الهیه اند. هر که بیشتر کوشد نصیب برد خواه از رجال و خواه از نساء خواه از ضعفاء." <sup>۷۳</sup>

هم چنین حضرت عبدالبهاء نتایج قصور در عرضه چنین تشویقی را گوشزد می فرماید:

"به طور خلاصه، تصوّر برتریّت مرد موجب تداوم کاهش همّت زن می گردد، گوئی که رسیدنش به تساوی ذاتاً ناممکن بوده است، آرزوی زن برای پیشرفت با این تصوّر مقابله و مقایسه می شود و به تدریج او را از تلاش امیدوارانه باز می دارد. بالعکس باید گفت. قابلیت زن مساوی و بلکه بیشتر از مرد است. این امر باعث تشویق و امیدواری او می شود و آمادگی او برای پیشرفت به طور مداوم افزایش می یابد. نباید به زن تلقین نمود که وی از نظر قابلیت و لیاقت کم تر از مرد است. اگر به محصلی گفته شود که از نظر هوش کم تر از دیگر همکلاسانش می باشد، این مسئله مانع بزرگی در راه پیشرفت او می گردد. او را باید با این بیان که "تو بسیار لایق هستی و اگر کوشش کنی به بالاترین درجات نائل می گردی" تشویق نمود." <sup>۷۴</sup> (ترجمه به مضمون)

بدیهی است تشویق فقط هنگامی مؤثر است که صادقانه و بر اساس ایمان به ارزش مفهوم تساوی جنسی باشد.

حضرت عبدالبهاء از وسائل مختلف برای تشویق زنان استفاده می فرمودند. در بعضی موارد توجه آنان را به قدرت روحانی بی انتهای که در مقام پیروان حضرت بهاء الله در دسترس آنان قرار دارد جلب فرموده اند مانند بیان مبارک ذیل:

"ای کنیزان عزیز الهی نظر به استعداد و لیاقت خود نکند بلکه اعتماد بر الطاف و عنایات جمال مبارک داشته باشید زیرا آن فیض ابدی گیاه را شجره مبارکه نماید و سراب را یارد و شراب کند ذره مفقود را جوهر وجود نماید و نمله معدوم را ادیب دبستان علوم فرماید." <sup>۷۵</sup>

حضرت عبدالبهاء وجود احساس عدم لیاقت و ضعف را تأیید می‌کنند، ولی مصرّانه تأکید می‌فرمایند که زنان نباید به این گونه احساسات تسلیم شوند.

در موارد دیگر، زنان را تشویق فرموده‌اند که در انجام امور، خود را به سطح مردان برسانند و حتی با مدد از قدرت امر الهی، گوی سبقت از آنان بریابند، می‌فرمایند:

"در این کور بدیع الطاف ربّ جلیل شامل اماء رحمن، لهذا باید مانند رجال گوی از میدان بریابند تا ثابت و محقق گردد که قوه نافذة کلمة الله در این دور جدید نساء را همعنان رجال فرموده و در میدان امتحان گوی از میدان می‌ریابند."<sup>۷۶</sup>

این موضوع در زمان حضرت عبدالبهاء، روشن بود که زنان غرب بسیار بیشتر از زنان شرق قادر به انجام امور و خدمات بودند و از طرف حضرت عبدالبهاء برای انجام خدماتی در سراسر جهان مأموریت می‌یافتند. آن حضرت زنان شرق را نیز تشویق می‌فرمایند که از خواهران غربی خود سرمشق بگیرند و بدینگونه آنان را ترغیب می‌نمایند:

"ای ورقات موقنات در صفحات اروپا و امریکا اماء رحمن گوی سبقت و پیشی را از میدان رجال ربوده‌اند و در تبلیغ و نشر نفعات الله ید بیضاء نموده‌اند عنقریب مانند طیور ملاً اعلی در اطراف و اکناف دنیا به پرواز آیند و هر نفسی را هدایت کنند و محرم راز گردانند شماها که ورقات مبارکه شرفیید باید بیش از آنان شعله زیند و به نشر نفعات الله پردازید و ترتیل آیات الله کنید پس تا توانید به نصایح و وصایای جمال مبارک قیام نمائید تا جمیع آرزوها میسر گردد و آن جویبار و چمن گلشن احدیت شود."<sup>۷۷</sup>

نباید تصور رود که تشویق‌های حضرت عبدالبهاء فقط شامل حال زنان شرق بوده است. در بیان ذیل که به زنان بهائی<sup>۱</sup> کالیفرنیا خطاب گردیده می‌فرمایند:

«اگر به وصایا و نصایح جمال مبارک روحی لأجائنه الفداء قیام نمائید عنقریب نتایج مشکوره حاصل شود و جرائد عظیمه عالم کل به ستایش پردازند و ولوله در غرب افتد که سبب ازدیاد جنبش و حرکت در شرق شود.»<sup>۷۸۱</sup>

اهمیت کامل اقدامات حضرت عبدالبهاء در واگذار نمودن مسئولیت‌هایی به زنان و تشویق اعضای زن جامعه بهائی، تنها در آینده آشکار خواهد شد موقعی که تعداد فزاینده‌ای از زنان سعی خواهند نمود بیانات آن حضرت را به ذهن بسپارند و از زنان شجاع و متعهدی که در اوایل امر قابلیت خود را نشان دادند سرمشق بگیرند. بهائیان از زن و مرد با پیروی از حضرت عبدالبهاء وظیفه خود خواهند دانست که طرقی بیابند تا زنان را تشویق به فعالیت، پیشرفت و خدمت نمایند.

### ترویج تعلیم زنان

تأکید تعالیم بهائی بر تعلیم و تربیت زنان و دختران در فصل دوم شرح داده شده و بیاناتی از حضرت عبدالبهاء در این مورد نقل گردیده است. در این قسمت بعضی از اقداماتی که در زمان آن حضرت در جهت پیشبرد تعلیم و تربیت زنان انجام شده و روندهای دیگری که در این راستا به جریان افتاده مورد بررسی قرار می‌گیرد. توجه تقریباً به‌طور کامل به شرق جلب گردیده است، زیرا امکانات موجود در شرق بسیار کم‌تر از غرب بود و موانع فرهنگی در مقابل تعلیم و تربیت دختران در این قسمت از جهان شدیدتر بود

از نخستین روزهایی که یک جامعه کوچک بهائی در اطراف حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء در اراضی مقدسه متمرکز بود، در چارچوب محدوده‌ای که برای خانواده مبارک و همراهان به عنوان زندانیان ترکان

عثمانی منظور شده بود و با وجود کمبود امکانات، بر تعلیم و تربیت کودکان، اعم از پسر و دختر، تأکید می‌شد. تأکید بر تعلیم و تربیت مداوم بود. لیدی بلامفیلد Lady Blomfield، یکی از بهائیان اولیه نقل می‌کند که چگونه هنگامی که در طی جنگ جهانی اول، به خاطر خطر بمباران، خانواده مبارک به طور موقت حيفا را ترک کرده در دهکده ابوسنان اقامت گزیدند، حضرت عبدالبهاء برای استقرار مدرسه‌ای در آن دهکده اقدام نمودند تا در تعلیم و تربیت کودکان کوتاهی نشود. جنیو کوی Genevieve Coy که خود معلم بود در شرحی از زیارت خود در سال ۱۹۲۰، در باره تحصیل نوادگان دختر حضرت عبدالبهاء که یکی از آنها به کالج بیروت فرستاده شده بود و برای ادامه تحصیل عازم قاهره بود و دیگری آماده رفتن به کالاجی در انگلستان بود، می‌نویسد که یکی از این دخترخانم‌ها از اینکه مدارس حيفا امکانات تحصیل برای محصلین بالای پانزده سال نداشتند شدیداً اظهار تأسف می‌نمود. در سال ۱۹۰۸، مقارن زمانی که حضرت عبدالبهاء از محدودیت زندان آزاد شدند، یکی دیگر از بهائیان اولیه به نام ماریون جک Marion Jack به منظور تدریس زبان انگلیسی به نوادگان آن حضرت به عکا دعوت شد.<sup>۷۹</sup>

حضرت عبدالبهاء نقشه‌هایی طرح ریزی فرموده بودند که یک مدرسه دخترانه در کوه کرمل تأسیس نمایند و منیره خانم، همسر آن حضرت، به طوری که از نامه‌هایی که به اجباء نوشته و حمایت مالی آنان را برای این پروژه خواسته است بر می‌آید با اشتیاق از این طرح حمایت نمود.<sup>۸۰</sup> هر چند که شرایط و اوضاع و احوال امکان اجرای این طرح را فراهم نداشت، ولی بعداً امکانات دیگری برای تعلیم و تربیت دختران فراهم گردید.

توجه اصلی حضرت عبدالبهاء در مورد تعلیم و تربیت دختران، ایران بود یعنی کشوری که در آن امکان تحصیل برای دختران ناچیز بود. در آن زمان ایران دارای بزرگ‌ترین جامعه بهائی در جهان بود. بر اثر تشویق‌های فراوان آن حضرت، یکی از زنان ایران به نام منیره خانم (که نباید با همان خود،



همسر حضرت عبدالبهاء اشتباه شود) در سال ۱۹۱۱، مدرسه دخترانه تربیت را تأسیس نمود.<sup>۸۱</sup> از آن جایی که این زن همسر ایادی امرالله، ابن ابهر و دختر ایادی امرالله، حاجی آخوند بود، مقام محترمی در جامعه بهائی داشت که بدون شک در غلبه بر موانع فرهنگی در مورد شرکت دختران در این مدرسه و مدارس دیگری که بعداً در تعدادی از شهرها و روستاهای سراسر مملکت تأسیس گردید، نقش ارزشمندی داشت. این مدارس بهائی به خاطر تأکید بر اخلاق و تربیت روحانی، طرز برخورد احترام آمیز و مسئولانه معلمین و محصلین، موازین عالی آموزشی، مواد درسی پیشرفته و استفاده از روش‌های آموزشی جدید از جمله کلاس‌های علمی با امکانات آزمایشگاه و نیز ژیمناستیک معروفیت داشتند.

حضرت عبدالبهاء به منظور فراهم ساختن تسهیلاتی جهت تأسیس و پذیرش مدارس دخترانه بهائی در ایران و امکان ارائه مواد درسی پیشرفته، معلمینی بسیار شایسته و قابل از آمریکای شمالی استخدام فرمودند. از جمله برجسته‌ترین این معلمین خانم لیلیان کیپس Lillian Kappes و دکتر جنویو کوی Genevieve Coy بودند. خانم کیپس که از طرف حضرت ولی امرالله به لقب یکی از "حواریون حضرت عبدالبهاء" مفتخر گردید، در سال ۱۹۱۱ خانه و زندگی خود را در ایالات متحده آمریکا ترک گفت و در ایران اقامت گزید و تا زمان فوتش در سال ۱۹۲۰ به عنوان مدیر مدرسه دخترانه تربیت در آنجا خدمت نمود.<sup>۸۲</sup> بعد از وفاتش، حضرت عبدالبهاء لوحی به افتخار او نازل فرمودند و در آن خدمات و فداکاری‌های او را در راه پیشبرد تعلیم و تربیت دختران ستودند، در این لوح می‌فرمایند:

"و هاجرت الأوطان و تانت من الأهل و الاخوان و تحملت كل مشقة و عناء و استحلّت مريرة الفراق حباً بتعليم الأطفال و شغفاً بتربية البنات في اقصى البلاد و مكثت سنين و اعواماً و صبرت على التعب صباحاً و مساءً و سعت في تنقيف عقول الأولاد المعصومين من ثلالة الأمجاد و ما وهنت يوماً ما في اجراء ما فرض عليها في تلك الناحية القصوى بل واطبّت ليلاً و

نهاراً و اصیلاً و ابراراً علی خدمة احبائک و تعلیم الصغار الرضع من ثدی  
عنايتک حتی وهن عظمها و ضعفت بنيتها و انحل جسمها و ذاب شحمها و  
لحمها فرجعت الیک معتمدة علی الطافک متمنیة قربک و لقائک ... انک  
انت الملاذ الرفیع و انک انت العافی الوافی الکافی العزیز العظیم.<sup>۸۳</sup>  
(مضمون بیان: وطن خود را ترک گفت و از خانواده و بستگان خود جدا شد، و به  
عشق تعلیم اطفال هر زحمت و مرارتی را بجان تحمل نمود، به قبول تلخی فراق راضی  
شد. و با اشتیاق دختران را تعلیم داد، در طی سالیان متمادی در شهرهای دور افتاده  
زندگی کرد و در مقابل هر مشکلی صبر نمود. صبح و شام می کوشید تا ذهن اطفال  
معصوم خانواده‌های شریف را روشن سازد و از انجام آنچه که در آن منطقه دور لازم  
بود کوتاهی نمی کرد. بلکه هر روز و شب و هر صبح و شام به نحو خستگی‌ناپذیری به  
خدمت اجباء و تعلیم نوباوگانی که از ثدی عنایت مرزوقند مشغول بود تا جسمش  
ضعیف شد و قوایش زائل گردید، بدنش در هم شکسته شد و وجودش به تحلیل  
رفت. پس به سوی تو بازگشت در حالی که متکی به الطاف تو و خواهان تقرب و  
بازگشت به سوی تو بود. براستی تویی پناه دهنده، بخشنده، پاینده، مقتدر، عزیز و  
متعال).

بعد از میس کیپس دکتر کوی مدیریت مدرسه را به عهده گرفت. هنگامی که  
تعدادی زنان لایق ایرانی از این مدرسه فارغ التحصیل شدند، با الهام از معلمین  
غربی خود، آن‌ها نیز به این برنامه مهم آموزشی پیوستند و نقش مهمی در  
پیشرفت جامعه ایفا کردند که از جمله این افراد اشراقیه ذبیح و روح انگیز  
فتح اعظم بودند.<sup>۸۴</sup>

استخدام معلمین واجد شرایط به این طرح مهم آموزشی، در انتظار جامعه  
ایرانی اعتبار بخشید. این امر هم‌چنین علاقه به تعلیم و تربیت زنان را در غرب  
تشدید نمود و راهی برای بهائیان غرب برای همکاری با هم مسلکان خود در  
شرق گشود و برای آنان میسر ساخت تا از طریق تشویق و حمایت مالی، تعهد  
خود را نسبت به اجرای اصل مهم مساوات نشان دهند.

مدارس بهائی در ایران تا زمانی که در سال ۱۹۳۴ به دستور دولت بسته شد، با موازینی عالی اداره و به عنوان بهترین مدارس کشور شناخته می شدند. این مدارس فرزندان خانواده‌های برجسته ایرانی را به خود جذب کرد و نسلی از رهبران شایسته تربیت نمود.<sup>۸۵</sup>

ابتکاراتی که برای ترویج تعلیم زنان در دوران حضرت عبدالبهاء و با تشویق‌های مؤثر آن حضرت اتخاذ گردید از آموزش و پرورش رسمی دختران، بسی فراتر می‌رود، گرچه آن نیز مهم است. این ابتکارات شامل تدابیر دیگری برای مشارکت زنان در امور اجتماعی به‌میزانی که بسیار از میزان قابل قبول فرهنگی آن زمان بیشتر بود شد. در ایران در سال ۱۹۰۹، جناب ابن ابهر، ایادی امرالله، و همسرش منیره خانم کمیته مخصوصی برای آزادی زنان تشکیل دادند و به عنوان عضو در این کمیته شرکت جستند. دیگر ایادی امر، جناب ابن اصدق مؤسسه‌ای در تهران تأسیس نمود که وقف تعلیم زنان بهائی در روش‌های تبلیغ امر بود.<sup>۸۶</sup>

در شرق و غرب مشارکت زنان در فعالیت‌های اداری و سازماندهی یک دین مسئله‌ای کاملاً جدید بود و برای بعضی از مؤمنین مرد در اوایل تاریخ امر بهائی، درک این نکته که به دینی تعلق دارند که نسبت به تساوی زن و مرد متعهد است چالشی به شمار می‌رفت. نتیجه تشویق‌های مؤکد و مداوم حضرت عبدالبهاء در مورد زنان تشکیل محفل روحانی زنان بهائی در سال ۱۹۱۰ در تهران بود که از جمله اعضای آن منیره خانم و فاطمه خانم، به ترتیب همسران حضرات ایادی امرالله ابن ابهر و ملا علی اکبر بودند. این محفل در طی هفت سالی که دایر بود برای کسب هدایت در مورد مسائل اساسی، به محفل روحانی تهران که منحصر به مردان بود مراجعه می‌کرد.<sup>۸۷</sup>

تحوّل مشابهی در شیکاگو به‌وقوع پیوست، جایی که در سال ۱۹۰۱ بیت روحانیت که اعضای آن تماماً مرد بودند تشکیل شد. تشکیل این مجمع چندی بعد در همان سال انگیزه‌ای برای انتخاب هیئت معاونت زنان گردید.

این هیئت در اولین جلسه خود تصمیم گرفت که به زنان بهائی در سراسر آمریکا نامه بنویسد و از آنان بخواهد که به همین ترتیب اقدام به تشکیل مجامعی نمایند. چند ماه بعد، با پیشنهاد حضرت عبدالبهاء، نام این هیئت به "مخلف تبلیغی زنان" تغییر یافت.<sup>۸۸</sup>

توجه به این نکته حائز اهمیت است که حضرت عبدالبهاء در مقابل این تلاش‌های ابتدائی ناقص در راه تأسیس اساس ساختار نظم اداری بهائی، صبور و بردبار بودند و تا مدتی جدائی هیئت‌های زنان و مردان را تحمل نمودند. از سال ۱۹۰۹ به بعد بود که حضرت عبدالبهاء کاملاً روشن ساختند که زن و مرد هر دو برای عضویت هیئت‌های اداری محلی و ملی بهائی واجد شرایط هستند، اصلی که بی‌درنگ در غرب به اجرا در آمد، ولی در شرق که زنان دچار محدودیت بیشتری بودند، مدتی بعد اجرا شد.<sup>۸۹</sup>

غیر ممکن است بتوان به اهمیت واقعی دعوت حضرت عبدالبهاء از زنان برای تشکیل آنچه که او اجتماعات زنان می‌نامید پی‌برد. این گردهم‌آئی‌ها منحصر به زنان بود و به منظور کمک به روشن ساختن افکار زنان و آنچه که به اصطلاح امروزی افزایش آگاهی خوانده می‌شود برگزار می‌شد.

در زمان حضرت عبدالبهاء زنان در شرق عموماً فاقد امکانات تحصیلی بودند و هیچ‌گونه فعالیتی خارج از محیط منزل نداشتند. برای جبران این محرومیت، حضرت عبدالبهاء این زنان را به تشکیل اجتماعات فراخواندند تا سبب افزایش درک آنان از امر و ازدیاد معلومات عمومی و شایستگی آنان گردد. آن حضرت مقصد از این گردهم‌آئی‌ها را "تعلیم علوم" تعریف نموده و در لوحی خطاب به زنان بهائی ایران، برنامه این جلسات را تعیین و راهنمایی‌های عملی برای برگزاری آن ارائه فرموده‌اند.<sup>۹۰</sup>

بدیهی است که حضرت عبدالبهاء اطمینان داشتند که اجتماعات زنان می‌توانست به نحوی مؤثر به پیشرفت زنان کمک کند و مقام و موقعیت آنان را در جامعه بالا ببرد. در واقع این اجتماعات را زمینه مناسبی برای تعلیم زنان

و افزایش دانش آنان نسبت به امر بهائی و کسب مهارت و شایستگی فکری و عقلانی لازم برای مشارکت در مؤسسات اداری در حال تکامل امر می‌دانستند و بر اهمیت بی‌نظیر این مجامع با این عبارات تأکید فرموده‌اند:

"از بدو ایجاد تا به حال در هیچ کور و دوری محافل اماء رحمان ترتیب نشد و در میان ایشان ترویج درس تبلیغ نگشت این از خصائص این دور عظیم و قرن کریم است البته به نهایت همت در تکمیل این انجمن و تزئید اطلاع بر حقایق معانی و اسرار بکوشید تا بلکه ان شاء الله در اندک زمانی نساء حکم رجال یابند و سرخیل عالمان گردند لسان فصیح بگشایند و بیان بلیغ بنمایند و در جمیع آفاق چون سرج هدی جلوه نمایند."<sup>۹۱</sup>

بدین ترتیب حضرت عبدالبهاء در الواح خود از زنان دعوت می‌کردند که با جدیت در باره امر بهائی مطالعه کنند و اجرای تعالیم امر را در زندگی روزمره مورد بحث قرار دهند، بخصوص در پرورش اطفال بکوشند تا آنها در ارائه نطق در جنبه‌های امر بهائی تمرین نمایند و عموماً تجربه‌ای دست اول در سازماندهی و اداره جنبه‌های حیات اجتماعی جامعه کسب نمایند.

با تصدیق اهمیت انجمن‌های زنان، حضرت عبدالبهاء تأکید می‌فرماید که "باید حصر در مذاکره معارف باشد" و موضوع‌های بخصوصی را تعیین می‌فرماید که شرکت کنندگان باید در نظر بگیرند:

"...هم چنین آنچه سبب تربیت بنات و تعلیم علوم و آداب و حسن سلوک و حسن اخلاق و عفت و عصمت و ثبات و استقامت و قوت عزم و ثبوت و اداره منزل و تربیت اطفال و آنچه از لوازم و ضروریات بناتست تا این بنات در حصن کمالات و حجر حسن اخلاق تربیت شده وقتی که امهات گردند اطفال خویش را با حسن آداب و اخلاق از صغر سن تربیت نمایند.

حتی آنچه سبب صحّت بدن و قوّت و بنیه و صیانت اطفال از عروض امراض است تحصیل نمایند.<sup>۹۲۱</sup>

حضرت عبدالبهاء به حاضرین در این جلسات چنین توصیه می‌فرماید:

"ورقات منجذبه باید در اوقات معاشرت و الفت با یکدیگر صحبت از گرمی هوا و سردی آب و لطافت باغ و گلزار و طراوت چمن و جویبار ندارند بلکه مکالماتشان محصور در ذکر و ثنا و بیان اذله و برهان و نقل احادیث و آیات و اقامه بینات باشد تا چنان گردد که جمیع خانه‌های احباب محفل درس تبلیغ شود.<sup>۹۲۲</sup>

نکته جالب آنکه حضرت عبدالبهاء به مسائلی بسی بیشتر از کسب دانش توجه دارند و بر پیشرفت و استفاده از مهارت‌های تحلیلی که مستلزم سازماندهی اطلاعات و به کارگیری قضاوت و منطق می‌باشد تأکید فراوان می‌نمایند. یک چنین مهارت‌هایی از نظر سنتی اختصاص به مردان داشت.

جهت اطمینان از موفقیت مجامع زنان، حضرت عبدالبهاء در باره روح اداره این جلسات هدایاتی ارائه می‌فرمایند و بر لزوم هماهنگی با مردان و هم بین زنان تأکید می‌نمایند. می‌فرمایند: "باید نوعی نمود که اختلاف روز به روز زائل شود نه اینکه منتهی به آن شود که در میان رجال و نساء معاذالله به مجادله انجامد."<sup>۹۴</sup> به علاوه آن حضرت بر اهمیت حمایت زنان از یکدیگر تأکید دارند:

"چون یکدیگر را ملاقات کنید هر یک دیگری را بشارت دهد و به‌عنایات و الطاف حیّ قدیم امیدوار کند و از دلیل و برهان دم زند و به‌اسرار ملکوت زبان بگشاید تا در هیکل امکان روح حقیقی سریان نماید و اسرار ماکان و مایکون واضح و مشهود شود.<sup>۹۵</sup>

محفل زنان در سراسر ایران تأسیس شد و تأثیر مهمی بر زندگی زنان و در واقع تمامی جامعه بهائی گذاشت. مثلاً در اوایل دهه ۱۹۲۰ مدرسه دخترانه

تربیت یک کنفرانس ماهانه برای مادران و سایر زنان که هیچ امکانات تحصیلی، هیچگونه فعالیت مشخص و یا مشغولیتی در خارج از منزل نداشتند ترتیب داد. این کنفرانس‌ها فوق العاده مورد توجه قرار گرفت و حدود سیصد تا چهارصد زن را جلب نمود. در این جلسات معلمین و دانش آموزان سخنرانی‌ها و نمایشنامه‌هایی ارائه می‌دادند و موضوع‌هایی مانند اداره منزل در جامعه مدرن را از طریق نمایش نشان می‌دادند و عموماً سعی داشتند به والدین نشان دهند چگونه اصول بهائی را در تربیت کودکان به کار گیرند.<sup>۹۶</sup>

باید کاملاً اذعان نمود که نیاز به تشکیل چنین جلساتی برای زنان در آن قسمت‌هایی از جهان که در مجامع عمومی، زنان مجبورند در حضور مردان ساکت و با حرمت باشند و یا جایی که آن‌ها از اظهار نظر خود در حضور مردانی که تعلیم دیده و در اجتماع بزرگ تجربه دارند واهمه دارند هم‌چنان وجود خواهد داشت. در این جلسات، زنان می‌توانند تجربه و شهامت پیدا کنند و از این طریق مهارت‌هایی کسب نمایند که در جامعه بهائی که زن و مرد مساوی هستند و نیز در جامعه بزرگ بتوانند به کار بندند.

## پرورش فکری زنان

بعضی از بیانات حضرت عبداله‌بهاء که از زنان دعوت می‌نمایند تا برای رسیدن به بالاترین مدارج دانش کوشش کنند و در همه جنبه‌های زندگی حرفه‌ای مشارکت نمایند در فصل دوم مورد مطالعه قرار گرفته است. در این قسمت، نمونه بعضی از اقدامات عملی آن حضرت برای تشویق زنان به این فعالیت‌ها را مورد توجه قرار می‌دهیم.

حضرت عبداله‌بهاء به توانایی‌های فکری زنان و اشتیاق آنان به آموختن واقف بودند و در مواردی موجبات تسهیل مطالعات تحقیقی آنان را در باره دیانت بهائی فراهم ساختند. مثلاً "لحظات استراحت" خود را صرف نمودند تا به سئوالات خانم لورا کلیفورد بارنی در باره تعالیم بهائی پاسخ دهند. این صحبت‌های سر میز غذا بین سال‌های ۱۹۰۴ و ۱۹۰۶ انجام شد و توسط خانم

بارنی Laura Clifford Barney یادداشت و جمع آوری گردید. حضرت عبدالبهاء با قلم خود متون یادداشت شده صحبت‌ها را تصحیح فرمودند و بعداً خانم بارنی این متون را ترجمه کرد و تحت عنوان "مفاوضات" منتشر نمود. این اثر نه تنها دانش خانم بارنی را در باره امر عمیق نمود، بلکه میراث ارزشمندی برای مطالعه نسل‌های آینده بجای گذاشت.<sup>۹۷</sup>

در سال ۱۹۰۰ حضرت عبدالبهاء ترتیبی دادند که یکی از بهائیان آمریکا به نام خانم ایمورن هاگ Emogene Hoagg یک ماه در پرت سعید مصر در محضر محقق معروف ایرانی، جناب ابوالفضائل، به مطالعه تفسیر انجیل از دید دیانت بهائی پردازد. خانم هاگ در شرح وقایعی که در آن دوران روی داد چنین می‌نویسد:

"تقریباً هر شب پنج یا شش نفر از برادران بهائی برای استفاده از محضر جناب ابوالفضائل به ما می‌پیوستند. روزهای بسیار شکوهمندی بود - از این نظر که فکر می‌کنم که من، یک زن آمریکائی، قادر بودم با این برادران دینی خود از ملیت‌های مختلف در یک کشور خارجی ملاقات کنم و این چنین احساس آرامش و امنیت نمایم که گوئی در خانه خود و در بین خانواده خویش هستم. احتمالاً برای آن‌ها هم تجربه کاملاً تازه‌ای بود که بتوانند با یک خواهر دینی خود که بی‌حجاب است ملاقات نمایند. تمامی این تحولات با قدرت حضرت بهاء الله امکان پذیر گشته است."<sup>۹۸</sup>

یکی از دوستان نزدیک خانم هاگ بعداً چنین نوشت:

"این درس‌ها الگوئی شد برای خدمات آینده او به امر. از آن پس، او به دانشجوی متون مذهبی، نه تنها در آثار بهائی و دوران یهود و مسیحیت، بلکه سایر ادیان جهان که در آن زمان در غرب ناشناخته بودند، تبدیل شد."<sup>۹۹</sup>



چنین به نظر می‌رسد که در این مورد، حضرت عبدالبهاء نه تنها روحیه تحقیق را در زنان تقویت می‌نمودند، بلکه از طریق شرایطی که این تجارب صورت می‌گرفت، موقعیتی به وجود می‌آوردند که گرایش‌های اجتماعی دیرینه را تغییر دهند. بدین ترتیب فرصتی برای مردم غرب فراهم می‌شد تا دانش شرق را درک کنند و برای شرق تا به توانائی‌های فکری زنان پی ببرند.

هم‌چنین حضرت عبدالبهاء خانم قدسیه اشرف را که یک بهائی ایرانی بود تشویق فرمودند تا در آمریکای شمالی به تحصیل بپردازد. این زن از کودکی بسیار مشتاق تحصیل علم بود. تعلیم اولیه‌اش در مدرسه دخترانه در ایران بود که بعد از آن دو سال در مدرسه آمریکائی در تهران به تحصیل ادامه داد. پدرش، میرزا فضل‌الله خان، دختر خود را در کسب دانش تشویق می‌نمود. حضرت عبدالبهاء موافقت فرمودند که او به آمریکا برود و خود را برای حرفه آموزشی آماده سازد.

قدسیه اشرف در سال ۱۹۱۱ وارد آمریکا شد و در انستیتو لوئیس در شیکاگو ثبت نام نمود. مادامی که در آمریکا بود با اشتیاق در فعالیت‌های امری شرکت می‌جست، در باره دیانت بهائی سخنرانی می‌نمود و به‌طور کلی به درک اهمیت تعلیم و تربیت زنان در سراسر جهان کمک می‌کرد. هنگامی که به ایران مراجعت نمود "انجمن نسوان برای پیشرفت" را در تهران تأسیس نمود و هم خود را مصروف ترویج پیشرفت زنان ایرانی نمود.<sup>۱۱</sup>

حضرت عبدالبهاء بر اهمیت مشارکت زنان در همه "مدارج حیات" تأکید فرموده‌اند و آن را با "شناسائی تساوی در معادله اجتماعی و اقتصادی"<sup>۱۲</sup> مرتبط دانسته‌اند. از الواح و نمونه حیات حضرت عبدالبهاء روشن است که آن حضرت ارزش آموزش حرفه‌ای زنان را شناسائی فرموده بودند. مثلاً هنگامی که کاترین ترو Katherine True، یکی از احبای آمریکا، در مورد شغل خود تصمیم می‌گرفت، در باره آرزوی خود برای تحصیل علم پزشکی، به حضرت عبدالبهاء نامه نوشت و نظر ایشان را راجع به این تصمیم جویا شد. پاسخ حضرت عبدالبهاء ضمن لوح ذیل آمده است:

"ای دختر عزیز نامه شما به تاریخ ۲۵ کانون اول ۱۹۱۹ رسید و از آن مفهوم گردید که به‌عزمی ثابت تمنای خدمت به‌عالم انسانی دارید این از جمله تعالیم الهیست که انسان باید بین بشر مصدر امر خیری باشد و اگر خیر عمومی بود بهتر لهذا تحصیل فنّ طبّ مقبول و محبوب، به‌کمال همّت بکوش تا در این فنّ مهارت تامّه یابی و خدمتی به‌عالم انسانی کنی."<sup>۱۰۲</sup>

حضرت عبدالبهاء نه تنها زنان را تشویق فرموده‌اند که توانائی‌های خود را در راه خدمت به بشریت به کار برند، بلکه از مهارت آن‌ها در جهت ترویج امر و پیشرفت جامعه بهائی نیز استفاده نموده‌اند. مارتا روت از طرف حضرت عبدالبهاء لقب "منادی ملکوت" و "منادی میثاق" گرفت و دانش، تجارب و مهارت‌های خود را به عنوان روزنامه‌نگار در جهت یافتن فرصتی برای ابلاغ کلمه و تبلیغ امرالله به کار گرفت (به فصل ششم مراجعه شود). به همین نحو، بناتریس اروین Beatrice Irwin، یک زن با استعداد انگلیسی که مهندس برق، شاعر و مقاله‌نویس و در زمره خبرگان و هنرمندان بسیار معروف بود، از طریق اکتسابات خود با بسیاری از گروه‌ها و شخصیت‌های برجسته در تماس بود. بعداً، حضرت ولی امرالله او را به عنوان "مروج خستگی ناپذیر" امر توصیف نمودند.<sup>۱۰۳</sup>

این مساعی پیشگام در حمایت از پیشبرد فکری زنان در دهه‌های بعد، برای زنان بهائی هم نمونه و هم انگیزه واقع شد تا با موفقیت‌های شایان خود مساوات جنسی را در قلمرو عقلانی و فکری نشان دهند.

### قدرت سرمشق و نمونه

رویدادهائی که در این فصل شرح داده شد نشان می‌دهد که حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء تنها به صدور فرمان مساوات جنسی و شرح جزئیات

اجرای این اصل اکتفاء نکردند. از بررسی دقیق فعالیت‌های روزانه آن‌ها به وضوح روشن می‌گردد که آن‌ها خود سرمشق و نمونه‌ای ارائه داده‌اند که منبع الهام و عمل برای بهائینی باشد که تلاش می‌کنند تعالیم این دیانت را به مرحله عمل در آورند.

در این‌جا توجه اساساً به حضرت عبدالبهاء جلب شده زیرا در زمان ما اطلاعات در باره فعالیت‌های آن حضرت بیشتر در دسترس است، نظر به اینکه آزادی ایشان از زندان در اواخر حیات، آن حضرت را قادر ساخت که در کشورهای غربی نیز حضور یابند.

در آینده هنگامی که مجموعه آثار تاریخی دیانت بهائی از طریق جمع‌آوری و ترجمه نسخ خطی، غنی‌تر می‌شود نمونه‌های بسیار زیادی از ترویج تساوی جنسی، اصلی که حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء برای تحقق آن با چنان پشتکاری تلاش نمودند، پدیدار خواهد شد.

## فصل ششم

### اجرای مساوات:

نقش حضرت ولی امرالله و بیت العدل اعظم

"... بهائیان ... باید در جهت ارائه و اجرای برنامه‌هائی گام بردارند که مشارکت کامل و برابر زنان را در همه جنبه‌های حیات جامعه بهائی موجب شود و ترویج نماید تا از طریق پیشرفت‌های آنان، احبّاء بتوانند امتیاز امرالله را در این زمینه از فعالیت بشری نشان دهند." (ترجمه)

بیت‌العدل اعظم

## عصر تکوین دور بهائی

صعود حضرت عبدالبهاء در نوامبر ۱۹۲۱ به عصر رسولی دور بهائی یعنی اولین عصر از سه عصر این دور خاتمه داد. حضرت ولی امرالله این نقطه از زمان را با عبارات ذیل توصیف می‌نمایند:

"عصر جانبازان و باسلان این دور اعظم که به علت انتسابش به طلعات قدسیه مؤسّسین این امر ابداع افخم و وضع اساس و مبانی اولیه این بنیان اقوم و قیام و شهادت پیروان و رسولان این شرع اکرم، اعلی و اشرف از جمیع اعصار و قرون محسوب ... پایان پذیرفت..."<sup>۱</sup>

با پایان یافتن عصر رسولی، امر بهائی وارد عصر تکوین می‌گردد که توسط حضرت ولی امرالله چنین توصیف می‌شود:

"عصر انتقال که شاهد طلوع و استقرار نظم اداری امرالله است ... نظامی که مشروعات جامعه جهانی بهائی\*<sup>۲</sup> در مستقبل ایام یعنی در عصر ذهبی\*\*<sup>۳</sup> که غایت قصوی و مقصد اعلای این دور مقدّس است بر اساس آن بنیان خواهد گردید."<sup>۳</sup>

در طی عصر رسولی، اصل تساوی حقوق زن و مرد توسط حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء به وضوح اعلام گردیده بود. حضرت عبدالبهاء در مقام مثل اعلای تعالیم بهائی نمونه بی‌ظنیری از ظهور این تعالیم را در عمل، هم در جهان غرب که زنان تا حدّی از آزادی برخوردار بودند و هم در شرق که زنان از محدودیت‌های شدیدی رنج می‌بردند، به بهائیان ارائه فرموده بودند. به علاوه با تشویق مستمر زنان، با مشارکت آنها در اشکال اولیه نظم اداری که در کشورهایمانند انگلستان، آمریکا و ایران وجود داشت، با فراهم آوردن تسهیلاتی برای تعلیم و تربیت زنان در رشته‌های مورد نیاز و با

<sup>۱</sup> \* جامعه آینده ملل که با یک نظام حکومتی که با اصول دیانت بهائی همسوئی خواهد داشت متحد شده است.

<sup>۲</sup> \*\* عصر ذهبی عصر سوم و عصر نهائی دور بهائی است که مقدّر است تا ظهور پیامبر بعدی ادامه پیدا کند. عصر ذهبی با تأسیس جامعه متحد جهانی بهائی و بنیانگذاری یک تمدن جهانی مقارن خواهد بود.

مشارکت زنان در وظیفه خطیر ترویج و تحکیم امر، فرایندهایی برای تنفیذ این اصل آغاز شده بود.

شروع عصر تکوین با پیشرفت‌های جدید بسیار مهمی در مساعی مستمر آئین بهائی برای اجرای تساوی جنسی همراه بود. عصر تکوین شاهد کاربرد این اصل در همه قسمت‌های جهان توسط مردمان گوناگونی بود که در ظل دیانت حضرت بهاءالله وارد شده بودند. شرط لازم برای موفقیت این مساعی مهم تأسیس مؤسسات نظم اداری بهائی در سراسر جهان و استفاده از این مؤسسات به‌عنوان وسیله‌ای برای انتشار امر و اجرای مترقیانه اصول آن از جمله تساوی جنسی بود.

دوران ولایت حضرت ولی امرالله از سال ۱۹۲۱ تا صعود آن حضرت در نوامبر ۱۹۵۷ شاهد پیشرفت شگرفی در جهت این هدف بود. حضرت ولی امرالله با هدایات خود جامعه بهائی را به پیش برد، تعالیم آن را روشن ساخت، متونی از آثار مقدسه را که که جهت استقرار آن بر اساس اصالت و صحت آثار لازم بود ترجمه نمود، اساس تشکیل محافل روحانی محلی و ملی را گذاشت و تدابیر مقدماتی مورد نیاز را برای تشکیل بیت‌العدل اعظم در آوریل ۱۹۶۳ اتخاذ نمود. روندهایی که حضرت ولی امرالله با قدرت به آن جهت بخشید ادامه دارند و اکنون توسط بیت‌العدل اعظم، همان‌طور که عصر تکوین به پیش می‌رود، در حال گسترش بیشتری می‌باشند.

شرح جامع و کامل اقدامات حضرت ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم از حوصله این کتاب خارج است. این فصل به آن دسته از اقداماتی که مستقیماً به تساوی جنسی و ترویج پیشرفت زنان مربوط می‌شود توجه دارد. اما باید به خاطر داشت که این توجه محدود می‌تواند موجب تحریف این چشم‌انداز گردد. مؤسسات اداری دیانت بهائی موجودیتی زنده و پویا دارند که می‌بایستی با شیوه‌ای متعادل و وظائفی متقابلاً مرتبط با یکدیگر را انجام دهند تا تضمین شود که هر یک از این وظائف گوناگون به نحو مؤثر انجام شده است. توجه به امر تساوی که یکی از وظائف مهم این مؤسسات می‌باشد در چارچوب فعالیت‌های تشکیلاتی که برای پیشبرد همه جنبه‌های حیات جامعه بهائی منظور شده، می‌تواند به بهترین وجهی تحقق پذیرد.

## نقش حضرت ولی امرالله

برای مطالعه نقش حضرت ولی امرالله در پیشبرد اصل تساوی حقوق زن و مرد، ابتداء لازم است که میزان گسترش امر و وضع پیشرفت آن را در هنگام صعود حضرت عبدالبهاء به طور خلاصه مورد بررسی قرار دهیم. هنگامی که حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۲۱ صعود فرمودند، امر بهائی در سی و پنج کشور منتشر شده بود. اکثریت بهائیان در خاورمیانه و آمریکای شمالی بودند و تعداد نسبتاً کمی در سایر نقاط جهان سکونت داشتند. مؤسسات نظم اداری بهائی، حداکثر می‌توان گفت در مرحله جنینی بود و آثار دیانت بهائی، گرچه به دقت محافظت شده بودند، می‌بایستی جمع آوری و ترجمه می‌شدند.

حضرت شوقی افندی، پس از انتصاب به ولایت امر و مبین منصوص آثار بهائی، معنای اصل مساوات را بیشتر روشن ساخت، کاربرد آن را، به خصوص در ارتباط با احکام این آئین، توضیح داد و اجرای آن را در حیات جامعه بهائی با جدیت تشویق و توصیه نمود. هم‌چنین آن حضرت در مقام رهبر امر بهائی، شروع به پایه‌گذاری و استحکام زیربنای نظم اداری به عنوان مقدماتی برای اجرای نقشه ملکوتی حضرت عبدالبهاء جهت انتشار امر در سراسر جهان نمود.<sup>۴</sup> \* حضرت شوقی افندی با دقت و صبر از طریق مکاتبات وسیع و شگرفی با بهائیان شرق و غرب، درک جامعه را نسبت به این نظام تشکیلاتی پرورش داد و بهائیان را در امر انتخابات و عملکرد محافل روحانی محلی و ملی تربیت نمود. این محافل پس از انتخاب و تحکیم، وسیله‌ای برای ترویج امر و شکل‌گیری حیات جامعه بهائی شدند.

<sup>۴</sup> \* نقشه ملکوتی عبارت است از نقشه‌ای است برای انتشار دیانت بهائی در سراسر جهان که توسط حضرت عبدالبهاء ضمن چهارده لوح خطاب به بهائیان آمریکای شمالی صادر گردیده و به الواح نقشه ملکوتی معروف است. اجرای این نقشه ملکوتی توسط حضرت ولی امرالله آغاز شد و اکنون تحت هدایات بیت‌العدل اعظم دنبال می‌گردد.



### تبیین تعالیم

از آنجائی که اصل تساوی جنسی توسط حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء به وضوح تصریح گردیده است، نیاز به تبیین و تفسیر توسط حضرت ولی امرالله اکثراً به زمینه کاربرد آن مربوط می‌گردد و به‌طوری که خواهیم دید، نقش مهم آن حضرت عمدتاً در جهت اجرای این اصل است. از قبل، به چند تبیین حضرت ولی امرالله اشاره شده است که اصولاً در پاسخ به سئوالات افرادی بوده که سعی داشتند اثر این اصل را بر جنبه‌های مختلف حیات روزانه خود، به‌خصوص در مورد احکام ازدواج درک نمایند. هم‌چنین به بیان حضرت ولی امرالله مبنی بر لزوم عفت و پاکدامنی برای مرد و زن هر دو، اشاره گردید. در بین توضیحات حضرت ولی امرالله در ارتباط با ازدواج و طلاق، در زمینه تأکید بر تک همسری اشاره فرموده‌اند که تساوی کامل بین زن و مرد به هر دو طرف اجازه می‌دهد که پیشنهاد ازدواج را مطرح سازند و در صورت فروپاشی زندگی زناشویی، هر یک از طرفین حق طرح درخواست طلاق دارد. از طریق پاسخ به پرسش‌هایی در باره این موضوع و سایر مسائل، حضرت ولی امرالله با صبر و حوصله به اجابۀ کمک فرمودند تا به درک کامل‌تری از اهمیت اصل مساوات که در تعالیم بهائی با تأکید زیاد توصیه شده نائل گردند.

### توسعه نظم اداری

حضرت ولی امرالله از اولین روزهای دوران رهبری خود قابلیت زنان را به میزانی که در هیچ‌یک از ادیان سابقه نداشته به کار گرفته‌اند. قبلاً به واگذار نمودن سرپرستی و اداره امور دیانت بهائی به کف با کفایت بهیبه خانم، هنگامی که پس از انتصاب به ولایت امر، برای مدت کوتاهی مجبور به ترک ارض اقدس گردیدند اشاره شده است. واگذاری چنین وظیفه مهمی به عهده یک زن حتی برای مدت کوتاه بی‌تردید نمایانگر شناخت قابلیت و توانمندی زنان از طرف امر بهائی می‌باشد.

نمونه دیگری در همین دوران، دعوت حضرت ولی امرالله از جمع کوچک و متنوعی از بهائیان باتجربه و مطلع به مرکز جهانی جهت مشورت

در بارهٔ پیشرفت آیندهٔ امر بهائی بود. حدود نیمی از اعضای این گروه برگزیدهٔ عالی را زنان تشکیل می‌دادند.

حضرت ولی امرالله بیشتر توجه خود را صرف تأسیس محافل روحانی محلی و ملی در سراسر جهان نمودند. به طوری که از فعالیت‌های زنانی چون کورین ترو و اتل رزنگ روشن بود، هیچ مانع و رادعی بر سر راه عضویت زنان در این مؤسسات در جهان غرب وجود نداشت. اما در شرق که تعصبات و محدودیت‌های دیرینه مانع بزرگی در راه مشارکت زنان ایجاد می‌کرد، وضع کاملاً متفاوت بود. روشی که حضرت ولی امرالله اتخاذ نمودند، مانند عصر رسولی، اجرای تدریجی احکام به همراه اعلام صریح اصل مساوات و ترویج پیشرفت زنان بود.

در نقاطی مانند هندوستان و برمه که سنن فرهنگی متداول از قبل به زنان تا حدی آزادی می‌داد، حضرت ولی امرالله عضویت زنان را در محافل تأیید و تصریح نمودند. در نامهٔ مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۳۲ خطاب به محفل روحانی ملی هندوستان و برمه، چنین راهنمایی می‌فرمایند:

"تصور می‌کنم حال وقت آن رسیده است که زنانی که از قبل با کنار گذاشتن حجاب، از رسم متداول در هند و برمه پیروی می‌کنند، نه تنها باید از حق رأی دادن برای انتخاب نمایندگان محلی و ملی خود برخوردار باشند، بلکه باید برای عضویت در تمام محافل بهائی اعم از محلی و ملی در سراسر هند و برمه واجد شرایط شمرده شوند.

اما این گام قطعی و بسیار مهم باید با نهایت مراقبت، حزم، احتیاط و تفکر و تأمل برداشته شود. باید به توانمندی واقعی و دست‌آوردهای کنونی آنها توجه مبذول گردد و فقط کسانی که بهتر از هر کس واجد شرایط عضویت هستند، اعم از زن و مرد و بدون توجه به وضع اجتماعی آنان باید برای احراز موقعیت فوق‌العاده پرمشولیت عضویت محفل بهائی انتخاب گردند."<sup>۳۱</sup> (ترجمه به مضمون)

حضرت ولی امرالله در حالی که تأثیر احتمالی این تصمیم مهم را بر ادامهٔ پیشرفت زنان در نظر داشتند، چنین اظهار داشته‌اند:

"اطمینان دارم که این امر انگیزه مهمی برای زنان بهائی در سراسر هندوستان و برمه خواهد بود که امیدوارم بپاخیزند و در حدّ توان خود بکوشند که دانشی بهتر و عمیق‌تر در باره امر کسب نمایند تا سهمی فعال و منظم در امور عمومی این جنبش داشته باشند و از هر جهت نشان دهند که همکاری‌های روشنفکر، مسئول و لایق برای اعضای مرد جامعه خود در انجام وظیفه مشترک پیشبرد امر در سراسر کشورشان خواهند بود.

امید است که آن‌ها مسئولیت‌های بزرگ خود را در این یوم تشخیص دهند و با تمام قوا بکوشند که امید فراوانی را که به آینده آنان داریم توجیه نمایند و از هر نظر شایستگی خود را در انجام مأموریت شریفی که عالم بهائی اکنون بر عهده آنان نهاده است نشان دهند.<sup>۳۳</sup> (ترجمه به‌مضمون) به خوبی می‌توان تصور نمود که بیان حضرت ولی امرالله بر این زنان که خود را برای انجام این مسئولیت جدید و خطیر آماده می‌کردند چه اثرات هیجان‌انگیزی داشته است. در عین حال که به وضوح مشکل بودن این وظیفه را تأیید می‌نمودند، اطمینان خود را به توانائی آن‌ها برای بر عهده گرفتن مأموریت شریف خود ابراز داشته آنان را به عمل دعوت می‌نمودند.

در کشورهای اسلامی مانند ایران، وضع بسیار پیچیده‌تر و مستلزم آن بود که پیشرفت تدریجی باشد و آسیب‌پذیری جامعه بهائی در مقابل افتراء و آزار و اذیت از ناحیه عناصر متعصب در نظر گرفته شود. اقدامات بهائی در جهت آزادسازی و آموزش و پرورش زنان دست‌آویزی برای لکه‌دار کردن نام جامعه به عنوان ترویج فساد قرار می‌گرفت و به این ترتیب توسط کسانی که مخالف امر بهائی بودند بهانه‌ای برای اتخاذ روش‌های سرکوب‌کننده می‌شد.

در دهه ۱۹۲۰ حضرت ولی امرالله بر هدایات حضرت عبدالبهاء در مورد لزوم استفاده از حجاب در کشورهای اسلامی تأکید نمودند، هرچند زنان بهائی در دیگر نقاط عالم تشویق به کنار گذاشتن آن می‌شدند. در نامه عمومی مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۲۳ خطاب به بهائیان شرق، حضرت ولی امرالله از زنان بهائی در کشورهای اسلامی می‌خواهند که بر طبق اوضاع اجتماعی و دینی کشوری که در آن زندگی می‌کنند، از حجاب استفاده نمایند. اما ادامه استفاده از حجاب از طرف زنان بهائی برای مدتی در این کشورها نباید به

عنوان تأیید و موافقت با این محدودیت در مورد زنان تغییر شود. حضرت ولی امرالله در نامه مورخ ۶ دسامبر ۱۹۲۸ خطاب به عموم، "گسترش عدم محبوبیت حجاب در بین تقریباً همه اقشار جامعه ایرانی" (ترجمه) را به عنوان علائم امیدوارکننده اصلاح شرایط زندگی در آن مملکت توصیف فرموده‌اند.<sup>۵</sup> در طی آن دورانی که حکمت ایجاب می‌کرد حجاب در ایران رعایت گردد، از زنان خواسته شده بود که هدف مساوات را که در جهت آن باید تلاش نمایند از نظر دور ندارند. در نامه مورخ ۱۴ مارس ۱۹۳۳ که از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به بهائیان هند نوشته شده آمده است:

"اگر چه حضرت عبدالبهاء و اکنون حضرت ولی امرالله از خانم‌های ایرانی نخواستند که حجاب را کنار بگذارند، اما پیوسته به آن‌ها توصیه شده که برای پیشرفت زن و برطرف کردن یوغی که مردن بر گردن آنان نهاده‌اند فعالیت نمایند. آن‌ها باید برای مساوات که یکی از تعالیم اولیه امر است تلاش کنند، ولی متوجه باشند که در انجام امور عجله نکنند."<sup>۶</sup> (ترجمه)

در دهه ۱۹۳۰ زنان بهائی در ایران توانستند به تدریج حجاب را ترک نمایند، چون ممارست رسوم سنتی در جامعه ایران در حال فرو پاشی بود. این تحوّل مطلوب به زنان امکان داد که به نحو کامل‌تری در فعالیت‌های جامعه شرکت نمایند و در واقع راه را برای آزادی بیشتر زنان باز نمود. در سال ۱۹۴۴، حضرت ولی امرالله رفع حجاب را به عنوان نشانه مطلوبی از روبه‌زوال نهادن نفوذ روحانیون ایران شمردند.<sup>۷</sup>

در سال ۱۹۴۴ بهائیان ایران یک لجنه ملی برای پیشرفت زنان تشکیل دادند که مشغول سازماندهی فعالیت‌های زنان در سراسر کشور بود. کار این لجنه با طرح یک نقشه چهارساله (۱۹۵۰-۱۹۴۶) برای زنان که هدفش تحقق تساوی جنسی در خدمات اداری امر بود، به نحو زیادی تقویت گردید.<sup>۸</sup> در سال ۱۹۵۴ گزارشی در مورد نتیجه این نقشه منتشر شد که در قسمت‌هایی از آن آمده است:

"این هدف تحت یک نقشه چهارساله دنبال گردید که نتیجه آن این بود که برای اولین بار شاهد انتخاب زنان به عضویت محافل بودیم، به این

ترتیب زنان بر یک ناتوانی تاریخی غلبه نمودند. خدمت زن و مرد در این هیئت‌های منتخب نمایانگر عملکرد اصل تساوی فرصت و مقام برای زن و مرد است که دیانت بهائی در الگوی اجتماعی جدید که اکنون در سراسر جهان پیاده می‌گردد تأسیس کرده است.

زنان بهائی ایران از طریق کلاس‌های مخصوص و بحث و مذاکره و با مشارکت فعالانه در امور جامعه بهائی، قابلیت خود را برای به‌عهده گرفتن مسئولیت‌هایی که به مردان اختصاص داشت نشان داده‌اند. ...

نقشه چهارساله تسهیلاتی برای آموزش و پرورش دختران و کلاس‌های مخصوصی برای زنان تدارک دید. یک لجنه ملی ترقی نسوان منصوب گردید با لجنات منطقه‌ای که تحت نظارت آن عمل می‌کردند. یک انجمن شور ملی بانوان بهائی با شرکت اعضای لجنه ملی ترقی نسوان و بیست و دو نماینده از لجنات منطقه‌ای به‌طور سالانه تشکیل شد. در این گردهم‌آئی‌ها زنان توانائی و شایستگی خود را برای خدمت به امر بهائی به نحو مساوی با مردان نشان دادند. علاوه بر آن انجمن‌های ناحیه‌ای جهت مشورت در مورد راه‌هایی که بتوان آموزش و پرورش را حتی برای زنان روستاها فراهم ساخت هر شش ماه یک‌بار تشکیل می‌شد. برنامه آموزشی دستورات شفاهی برای بیسوادان و کسانی که سواد اندکی داشتند و کلاس‌های پیشرفته برای فارغ‌التحصیلان دبیرستان و کلاس‌های عالی‌تری برای آموزش پیشرفته‌تر برای زنانی که در مراکز بزرگ زندگی می‌کردند را شامل می‌شد. سرانجام نشریه‌ای با مطالبی در باره موضوع‌هایی مانند تاریخ عمومی، تاریخ بهائی، علوم، ادبیات، سلامت و بهداشت، خانه‌داری و مراقبت از کودکان در فواصل معین منتشر می‌شد.

پیامی از حضرت ولی امرالله دریافت شد که بیان می‌داشت:

"بر اثر تحولات اخیر و هم‌چنین مساعی شکوهمند و مستمر خواهران عزیز بهائی در کشور و خارج، موانع بزرگ اکنون به کلی برطرف گردیده و تساوی مطلق حاصل شده است."<sup>۹۱</sup> (ترجمه به مضمون)

تحوّل مشابهی در سال ۱۹۵۱ در مصر به وقوع پیوست، هنگامی که زنان برای اولین بار به عضویت محافل روحانی محلی انتخاب گردیدند،

تحوّلی که حضرت ولی امرالله آن را به عنوان قدم مهمّی در جهت پیشرفت وضع زنان بهائی در خاورمیانه توصیف فرمودند.<sup>۱۰</sup> مشکل است بتوان ابعاد اهمّیت این پیشرفت‌ها را که بعد از سه دهه آموزش، تشویق و تعلیم تحت رهنمودهای حضرت ولی امرالله در ایران و مصر حاصل شد، برآورد نمود. در کشورهایی که فرهنگ و سنن متداول سخت‌ترین محدودیت‌ها را برای مشارکت زنان در هر زمینه‌ای از فعالیت خارج از منزل تحمیل کرده بود، عملکرد جامعه بهائی به درجه‌ای از تساوی تکامل یافته بود که زنان می‌توانستند به عضویت هیئت‌های با قدرت و نفوذ اداری جامعه بهائی انتخاب گردند. هنگامی که در سال ۱۹۵۴ این پیروزی در ایران حاصل شد، حضرت ولی امرالله به عالم بهائی اعلان فرمودند:

"به زنان بهائی ساکن مهد امرالله حقوق کامل اعطاء گردیده که در عضویت محافل روحانی ملی و محلی مشارکت نمایند و به این ترتیب آخرین مانع موجود در راه اجرای تساوی کامل حقوق در امور اداری جامعه بهائی ایران رفع گردد."<sup>۱۱</sup> (ترجمه به‌مضمون)

حضرت ولی امرالله در پیامی خطاب به زنان بهائی ایران در سال ۱۹۵۴، به آن‌ها توصیه می‌کنند که به تساوی اداری قانع نشوند و از آنان دعوت می‌نمایند که در میادین خدمت به امر مانند تبلیغ و مهاجرت\* از مردان پیشی بگیرند، و از آن‌ها می‌خواهند که شجاعت و شهامت و انقطاعی بیش از مردان از خود نشان دهند. توجّه آنان را به نمونه زنان بهائی آمریکا به عنوان معیاری که آن‌ها باید بکوشند به آن نائل گردند و حتی از آن پیشی گیرند جلب می‌نمایند.<sup>۱۲</sup>

زنان بهائی ایران تا دهه‌ها بعد از صدور این پیام حضرت ولی امرالله با شهامت و شجاعت به مساعی خود ادامه دادند. سوابق موفقیت آن‌ها نمونه‌ای است از قدرت دیانت بهائی در تغییر دادن طرز فکر دیرینه سنتی و نیز نمایانگر روشی پیشرفته است که جامعه بهائی برای اجرای این هدف اتخاذ نموده است، هدفی که با روح اتحاد و همکاری بین زنان و مردانی که اعتقاد

\* مهاجرت عبارت است از ترک شهر و یا کشور خود و اقامت گزیدن در نقاط دیگر به منظور تبلیغ دیانت بهائی.

مشترک به وظائف روحانی خود برای تجلی عملی تساوی جنسی دارند، دنبال شده است.

حضرت ولی امرالله در سال‌های آخر دوران رهبری خود، به منظور تحکیم و پیشبرد امور در حال رشد امر الهی، مؤسسات بین‌المللی را ایجاد نمودند. در سال ۱۹۵۱ مؤسسه‌ایادی امرالله با انتصاب دوازده نفر بهائی به این مقام والا و ظرف چند ماه بعد، هفت نفر دیگر به این مقام، مؤسسه‌ای دائر و کار آمد گردید. زنان و مردان هر دو در این مؤسسه به خدمت دعوت شده بودند. هم‌چنین در سال ۱۹۵۱، حضرت ولی امرالله شورای بین‌المللی بهائی را تأسیس نموده با انتصاب هشت نفر به عضویت آن و اضافه نمودن یک نفر دیگر در سال ۱۹۵۵، عضویت آن را تکمیل نمودند که پنج نفر از اعضای آن زن بودند. از سال‌های اولیه‌ی قرن بیستم، در مدتی کمتر از پنج دهه از هنگامی که کورین ترو و اتل رزنبرگ همکاری و کمک خود را در پیشرفت مرحله‌ی جنینی مؤسسات اداری بهائی در غرب آغاز نمودند و انجمن روحانی زنان بهائی در تهران تشکیل شد، دیانت بهائی به پیشرفت‌های عظیمی نائل آمد.

### حمایت از پیشرفت زنان

چنانچه اشاره رفت، حضرت ولی امرالله برای تأسیس محافل روحانی محلی و ملی در بسیاری از نقاط جهان و بکارگیری این مؤسسات برای انتشار بیشتر امرالله، کوشش بسیار نمودند. پیشرفت زنان جزء مهمی از این تلاش‌ها بود.

در حالی که از بهائیان در سراسر جهان خواسته می‌شد که تساوی حقوق زن و مرد را در زندگی روزانه خود مراعات نمایند، حضرت ولی امرالله خط مشی‌هایی با جزئیات بیشتری برای کشورهای شرق صادر فرمودند. مثلاً در سال ۱۹۲۶، خطاب به محافل روحانی در سراسر شرق نوشتند که یکی از وظائف مهم آن‌ها "ترویج آزادی و پیشرفت زنان و حمایت از تعلیم و تربیت اجباری هر دو جنس می‌باشد." باز در سال ۱۹۲۸، حضرت ولی امرالله در نامه‌ای خطاب به محفل روحانی مرکزی ایران، بر اهمیت کلاس‌های سواد

آموزی بهائی تأکید نموده آغاز برنامه‌های آموزشی را جهت آماده نمودن زنان برای خدمت در محافل روحانی محلی و ملی تشویق نمودند.<sup>۱۳</sup> ماهیت خاص تشویق‌های حضرت ولی امرالله تا حدی بستگی به محیط اجتماعی متداول و توانائی زنان برای انجام وظائف روحانی خود در آن زمان داشته است. در آن مواردی که زنان ممکن بود مهارت و صلاحیت لازم را نداشته باشند، حضرت ولی امرالله ابتداء سعی در کمک به آنها می‌نمود تا قبل از واگذار کردن وظیفه خاصی به آنان بتوانند بر کمبودها و نارسائی‌های خود فائق آیند و در نتیجه احتمال موفقیت آنان افزایش یابد و موجب شود که مشارکت زنان در جامعه بهائی مورد پذیرش بیشتر زن و مرد هر دو واقع گردد.

زنان بهائی در غرب که بیشتر از خواهران بهائی خود در شرق به امکانات تحصیلی دسترسی داشتند و موانع کمتری برای مشارکتشان در فعالیت‌های خارج از منزل وجود داشت، از اوایل تاریخ امر پیشرو فعالیت‌های تبلیغی بوده و در مقام اعضای منتخب محافل روحانی خدمت نموده‌اند. در آغاز یکی از فعالیت‌های تبلیغی در آمریکای لاتین، حضرت ولی امرالله ضمن تشویق و تجلیل از خدمات نمونه آنان چنین می‌فرمایند:

"در این مقام چون خدمات گرانبهائی را که حضرات امام‌الرّحمن کنیزان جمال اقدس ابهی از بدو طلوع و اشراق امر مقدّس الهی در دیار غربیه نسبت به تسخیر مدّن و فتح اقطار در سراسر کره ارض فریداً و حیداً انجام داده‌اند در نظر آورم، خود را ملزم می‌شمارم که نه تنها مراتب تجرّد و انقطاع و قیام و همت و استغنا و شهامت آنان را که فی الحقیقه خاطرات جانفشانی مردان دلاوری را که در صدر امر مایه بسط و اعتلاء آئین اعزّ اقدس ابهی گردیده‌اند تجدید می‌نماید تمجید و تقدیر نمایم بلکه اهمیت چنین سهم عظیمی را که نساء غرب در تقویّت و استمرار امر الهی در بسط غربا به منصب ظهور رساننده و می‌رسانند بیان کنم و بستایم. حضرت عبدالبهاء بنفسه المقدّس بر این حقیقت متعالی یعنی علو مرتبت و سمو منزلت نسوان در ظل این امر اعظم شهادت داده می‌فرمایند "از جمله مسائل خطیره که فی الحقیقه از خوارق عادات محسوب و از خصائص این



دور مقدّس شمرده می‌شود آن است که چون نساء در ظل کلمه‌الله مستظلّ و به صفوف مؤمنین و مرّوجین امرالله ملحق گشتند شجاعت و بسالت بیشتری نسبت به رجال از خود به منصفه ظهور رساندند<sup>۱۴</sup> این شهادت جلیل و قویم به‌نحو اخصّ به اشطار غریبه راجع و هر چند تا این تاریخ مصادیق درخشنده و تابان آن به نحو جلی مشهود و ملحوظ ولی امید چنان است که چون یاران امریک به مجلّ‌ترین مرحله از خدمات تبلیغی خویش تحت نقشه هفت ساله قدم نهند مظاهر این حقیقت در طی شهر و اعوام شاخص‌تر و قوی‌تر جلوه نماید. "شجاعت" که در کلمات مبارک مذکور و مساعی و مجهودات ماضیه اماء الرّحمن بدان موصوف و منعوت چون در آستانه خدمات عظیم‌تر و مشعشع‌تری قرار گیرد البته مقنوع نشود و از جلوه و لمعان نیفتد بلکه باید به مرور زمان و در طول و عرض این اقالیم وسیعه غیرمفتوحه در امریکای لاتین به نحو شدیدتر ظاهر و نمایان گردد و به فتوحاتی اعلی و اجلّ از آنچه تا کنون بدان توفیق یافته‌اند در خدمت امر اعزّ ابهی نائل آید.<sup>۱۵</sup>

در مورد ترویج صلح، حضرت ولی امرالله نقش زنان را به عنوان عوامل تغییر در این امر مهمّ تصدیق نموده با تأکید بر قابلیت تشکیلات اداری امر در پیشبرد فعالیت‌های صلح، شرکت فعال آنان را در "این موضوع اساسی" تشویق می‌نمایند.<sup>۱۵</sup>

در این مورد، در نامه‌ای که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده آمده است:

"منظور حضرت عبدالبهاء از قیام زنان برای صلح این است که این موضوعی است که در حقیقت بر زنان اثر می‌گذارد و هنگامی که آنها بتوانند افکار عمومی را به صورت توده‌ای آگاه و قاطع علیه جنگ تجهیز نمایند، جنگی نخواهد بود. زنان بهائی هم‌اکنون با عضویت در جامعه بهائی و نظم اداری در این مورد مجهّز هستند، نیازی به تشکیلات بیشتری ندارند. اما آنها باید سعی نمایند با تبلیغ و حمایت اخلاقی فعال از هر جنبشی که در جهت صلح فعالیت می‌کند، تأثیری قوی بر افکار سایر زنان در باره این موضوع اساسی داشته باشند.<sup>۱۶</sup>" (ترجمه به‌مضمون)

حضرت ولی امرالله افراد احباء و محافل روحانی را به مشارکت در فعالیت‌هایی که بر موضوع زنان و صلح تأکید داشتند تشویق می‌نمودند. مثلاً در سال ۱۹۳۰ محفل روحانی ملی هند و برمه کتباً از حضرت ولی امرالله در مورد شرکت در یک کنفرانس بین‌المللی زنان سؤال نمودند. در نامه‌ای که از طرف ایشان نوشته شده چنین پاسخ می‌دهند:

"در باره شرکت نماینده بهائیان در کنفرانس زنان آسیا، این بدون شک شایسته‌ترین اقدام است بخصوص با توجه به اینکه امر مبارک به موقعیت زنان در اجتماع بسیار اهمیت می‌دهد. حضرت ولی امرالله امیدوارند که محفل ملی نهایت سعی خود را بنماید تا تحسین کلیه نمایندگان مجتمع در کنفرانس را نسبت به تعالیم امر مبارک در این راستا برانگیزد. ما باید همیشه از چنین فرصت‌هایی که پیش می‌آید استفاده نمائیم، شاید بتوانیم در انجام خدمتی به جامعه و سبک کردن آلام آن موفق گردیم." (ترجمه به مضمون)

حضرت ولی امرالله نه تنها شرکت در کنفرانس را تأیید کردند، بلکه از طریق محفل ملی پیام و تحیات شخصی خود را نیز به شرح ذیل ارسال داشتند:

"از طرف حضرت ورقه علیا، خواهر گرامی حضرت عبدالبهاء و خودم مراتب توجه و علاقه عمیق و خالصانه را نسبت به مجهودات کنفرانس زنان آسیا ابلاغ می‌نمایم. شمول تأییدات الهی را بر مساعی جلیله آن‌ها رجا داریم." (ترجمه به مضمون)

یکی از بهائیان که با کنفرانس زنان آسیا همکاری نزدیک داشت خانم شیرین فوزدار بود. شیرین فوزدار که در سال ۱۹۰۵ در بمبئی در یک خانواده زردشتی ایرانی که به دیانت بهائی ایمان آورده بودند دنیا آمد، یکی از اولین زنان شرقی بود که در هند در جمع سخنرانی کرد. او در سال ۱۹۲۲ هنگامی که هنوز نوجوان بود در یک جلسه عمومی در سالن شهرداری کراچی که مرکز نفوذ مسلمانان در هند مستعمره انگلیس در آن زمان بود سخنانی ایراد نمود. شهردار کراچی ریاست این رویداد تاریخی را عهده‌دار بود. در سال ۱۹۳۱، خانم فوزدار به عضویت کمیته اجرایی کنفرانس زنان

آسیا انتخاب شد و در سال ۱۹۳۴ نمایند این کنفرانس در جامعه ملل گردید. وی در این مقام از نمایندگان قدرت‌های بزرگ درخواست نمود که اعلامیه جهانی حقوق زن را اعلان و حمایت نمایند.

خانم فوزدار در طول حیات سراسر خدمت خود، قهرمان مدافع حقوق زنان آسیا بود. او برای این منظور سفرهای فراوانی کرد و در مقام یک زن خطیب و سخنور برای آزادی زنان فعالیت کرد و به نحوی خستگی‌ناپذیر در جهت پیشبرد آموزش و پرورش زنان تلاش نمود.<sup>۱۹</sup>

### واگذاری وظائف بین‌المللی به زنان

حضرت ولی امرالله نیز مانند حضرت عبدالبهاء از زنان توانا، ماهر، خادم، باهوش و فعال دعوت نمود تا مأموریت‌های حساس بین‌المللی را برای امر بهائی به‌عهده بگیرند. هرچند یک بررسی کامل از فعالیت‌های بسیاری از زنانی که حضرت ولی امرالله با اتکاء به توانائی آنان، از آن‌ها دعوت نمود تا خدماتی فوق‌العاده و در بسیاری موارد قهرمانانه برای پیشبرد امر انجام دهند از حوصله این بحث خارج است، ولی به چهار نمونه مهم آن توجه خواهیم کرد: دو زن غربی که وظائف فوق‌العاده مشکلی را در شرق انجام دادند و دو زن دیگر که خدماتشان آن‌چنان شایسته بود که به مقام ایادی امرالله یعنی بالاترین مقام در نظم اداری بهائی منصوب شدند.

حضرت ولی امرالله اغلب با توجه به استعدادهای زنان غربی از آن‌ها می‌خواستند وظائفی را در ایران به‌عهده بگیرند. این وظائف نمایانگر اعتماد حضرت ولی امرالله به توانائی زنان بود و حضور این زنان در ایران بر اصل تساوی زن و مرد تأکید می‌نمود و موجب تشویق زنان بهائی می‌شد. دو نفر از این زنان یعنی افی بیکر و کیث رانسوم که هر دو را در این جا مورد بحث قرار می‌دهیم.

**افی بیکر Effie Baker:** در اوایل دهه ۱۹۳۰، حضرت ولی امرالله از مهارت افی بیکر به‌عنوان یک عکاس و هنرمند برای تهیه عکس‌هایی از اماکن تاریخی بهائی در ایران استفاده نمود. خانم بیکر اولین زنی که در استرالیا به امر حضرت بهاء‌الله ایمان آورد برای مدت یازده سال افتخار

خدمت در مرکز جهانی بهائی را داشت. در طی این مدت، او با اتومبیل از حیفا از طریق سوریه و عراق، مسیری که دزدی و راهزنی در آن معمول و متداول بود، به ایران مسافرت نمود. در زمانی که مسافرت یک زن غربی به ایران غیرعادی بود، زمانی که در قسمت‌هایی از ایران، رفتن یک نفر غربی اعم از مرد و زن خطرناک بود، افی بیکر در حالی که برای حفظ خود چادر سر کرده بود، وظایف خود را با شهامت و قاطعیت انجام داد. برای رسیدن به این اماکن تاریخی، او با اتومبیل، اسب و گاهی با الاغ و قاطر مسافرت نمود. مجموعه‌ای از عکس‌هایی را که خانم بیکر در طی این دوران گرفته بود حضرت ولی امرالله در ترجمه انگلیسی تاریخ نیل که شرح وقایع اوایل دیانت بهائی است به کار بردند و به این ترتیب آن‌ها را جاودانه ساختند.<sup>۲۰</sup>

قسمتی از نامه ذیل که از طرف حضرت ولی امرالله به خانم بیکر نوشته شده روشن می‌سازد چقدر حضرت ولی امرالله مهارت وی را ارج می‌نهند:

"اغلب حضرت ولی امرالله اشاره می‌کنند که اگر شما در حیفا بودید عکس‌های زیبایی می‌گرفتید، ایشان احساس می‌کنند که هیچ‌کس تا کنون نتوانسته زیبایی اماکن را در عکس مانند شما نشان دهد و عکس‌هایی که شما گرفته‌اید زینت بخش اطاق‌های خود ایشان و دارالآثار و قصر بهجی است. ..."<sup>۲۱</sup> (ترجمه به مضمون)

**کیث رانسوم کهلر Keith Ransom Kehler**: خانم کیث رانسوم کهلر در سال ۱۹۳۲ در مقام نماینده محفل روحانی ملی ایالات متحده و کانادا برای خدمت به ایران سفر نمود. او از طرف حضرت ولی امرالله برای این وظیفه خطیر برگزیده شده بود که با حکومت ایران تماس بگیرد و از آن‌ها بخواهد که محدودیت ورود و توزیع مطبوعات بهائی در ایران را برطرف نمایند.

در سرزمینی که زنان هنوز اکثراً در خانه منزوی بودند، از خانم کیث رانسوم کهلر خواسته شده بود که در بالاترین سطح با وزای دولت و اعضای پارلمان در تماس باشد و سعی کند درخواست بهائیان به‌شاه تقدیم گردد. این زن شجاع در نامه‌ای از تهران به محفل روحانی ملی ایالات متحده و

کانادا با اشاره به تجارب خود می‌نویسد: "کارهای خداوند چقدر عجیب است که من زن فقیر، پیر و ضعیف از غرب دور باید متقاضی آزادی و عدالت در سرزمین حضرت بهاءالله باشم..."<sup>۲۲۱</sup>

برای مدت بیش از یک سال، خانم کیث رانسوم کهلر با موانع شدید، نقض قول و توصیه‌های ضد و نقیضی از سوی اولیای امور ایران روبرو بود. در نهایت اولیای امور هرگز پاسخی به درخواست وی ندادند. با این حال علیرغم این مشکلات، بدون دلسردی یا تیزهوشی، بلاغت کامل، خردمندی و قضاوت مدبرانه خود در وظیفه حساسی که به عهده داشت پافشاری کرد. سرانجام خانم رانسوم کهلر در حالی که از شکست مأموریت خود مأیوس گشته و از تلاش‌های مداوم برای حضور و صحبت در جلسات بهائی در سراسر ایران قوای خود را از دست داده بود به بیماری آبله مبتلا شد و در ۲۳ اکتبر ۱۹۳۳ در اصفهان دارفانی را وداع گفت. وقتی حضرت ولی امرالله خبر اسف‌انگیز مرگ ناگهانی وی را دریافت کردند، نه فقط قدردانی خود را نسبت به مساعی او ابراز داشتند، بلکه اهمیت واقعی خدمات او را روشن ساخته در تلگرافی به تاریخ ۲۸ اکتبر ۱۹۳۳ او را "اولین شهید ممتاز" جامعه بهائی آمریکا قلمداد کردند و انتصاب وی را به مقام ایادی امرالله اعلام نمودند. مضمون این پیام به فارسی چنین است:

"کیث در وطن جمال مبارک با جانفشانی جان عزیز خویش را در راه خدمت به امر فدا نمود. به خاطر ایران در خاک ایران با مشکلات عدیده روبرو گشت و با امتیازی شایان، اراده‌ای تسخیرناپذیر و وفاداری بی‌نظیر با نیروهای ظلمت رویارویی نمود. جمع غفیری از برادران ایرانی بی‌دفاع او به خاطر از دست رفتن آزادکننده دلیر خویش به سوگ نشسته‌اند. احبای امریکه اولین شهید ممتاز خود را با افتخار ارج می‌نهند. این عبد به خاطر جدائی از همکار ارزشمند، مشاور باوفا و دوست وفادار و محترم خود در این عالم ادنی با قلبی آکنده از تألم، سوگوارم. لازم است محافل روحانی جلسات تذکر شایسته به یادبود کسی که خدمات بین‌المللی اش او را در مقام والای ایادی امر حضرت بهاءالله قرار می‌دهد منعقد نمایند."<sup>۲۲۲</sup> (ترجمه به مضمون)

گزارش‌هایی از فعالیت‌های وی در ایران نشان می‌دهد که علاوه بر مساعی دلیرانه و قاطعانه‌اش در جهت تخفیف مشکلاتی که بهائیان ایران با آن روبرو بودند، خانم رانسوم کهلر سهم بزرگی در تقویت روحیه زنان داشت. در یکی از این گزارش‌ها آمده است:

"فعالیت او با زنان بهائی و متحرّیان حقیقت گسترده بود و لجنه برنامه زنان جلسات متعددی ترتیب داد که در آن وی مراحل اداری، ترقی زنان، روانشناسی کودک و امثال این مطالب را مورد بحث قرار داد. چنین احساس می‌شد که حضور او نیروی عظیمی به حرکت زنان ایران بخشید و کسانی که صحبت‌های او را شنیدند کلمات رعد آسای او را فراموش نخواهند کرد. در سال ۱۹۳۲... لجنه تبلیغ زنان دو جلسه قابل ملاحظه برای او ترتیب داد که در هر یک از آن‌ها حدود صد نفر زن متحرّی حقیقت حضور داشتند و کیث با آن‌ها در باره درک روزافزونی از اسلام در غرب بر اثر انتشار تعالیم بهائی، صحبت کرد. سخنان الهام‌بخش او خطاب به بیست و شش نفر عضو لجنه ترقی نسوان در باره نقشی بود که آن گروه در ایران مدرن ایفاء خواهد نمود."<sup>۴۴</sup> (ترجمه)

گزارش زیر از مسافرت وی در بعضی از قسمت‌های ایران نمایانگر شور و اشتیاقی است که سفرهای این زن دلیر بهائی آمریکائی ایجاد نموده است:

"در سیسان، اجباء یک جاده اتومبیل رو بیش از ۵ مایل برای استقبال از او ساختند و حدود هزار نفر بهائی برای ملاقات او آمدند. در زنجان، کیث از خانه جناب حجت\*<sup>۶</sup> بازدید کرد و با زانو زدن در کنار خرابه‌های خانه و مناجات با حالت گریان موجب شگفتی عابریں شد. یکی از وقایع مهم سفر او به مشهد ملاقات با روحانی بزرگ مسلمان شهر و متولی آستان قدس رضوی بود. این روحانی برجسته در منزل خود از او پذیرائی نمود و وی را در بازدید از مؤسسات غیردینی که وقف امام شده بود مانند مدرسه معروف و بیمارستان بزرگ جدید همراهی نمود. هنگامی که بعد از تأخیری که بر اثر مشکل فنی اتومبیل پیش آمده بود، کیث و

\* حجت یکی از پیروان برجسته حضرت باب بود که در زنجان شهید شد.

همراهانش به علی آباد شاهی رسیدند، معلوم شد که بهائیان ساری و ماهفروزک تلگراف وی را دریافت نکرده بودند و برای دو روز در باران شدید در تپه‌ای نزدیک جاده اردو زده آماده استقبال از وی بودند. در بندر گز جمعیت زیادی به ایستگاه راه آهن آمده بودند و کیث و همراهانش را با پای پیاده تا محلی که برای اقامت ایشان تعیین شده بود همراهی نمودند. تعداد جمعیت آنقدر زیاد بود که توجه مسئولین امور را در شهر همجوار یعنی استرآباد جلب نمود که به بندر گز تلفن زدند تا بدانند چه اتفاقی افتاده است و پلیس به آن‌ها گفته بود که یک زن آمریکائی بهائی برای ملاقات با جامعه بهائی محلی آمده است.<sup>۲۵</sup>

جسد خانم رانوم کهلر به دستور حضرت ولی امرالله و موافقت خانواده‌اش در اصفهان، در جوار مرقد مطهر یکی از مؤمنین اولیه امر مبارک که از طرف حضرت بهاءالله به لقب "سلطان شهداء" مفتخر گردیده بود به خاک سپرده شد.<sup>۲۶</sup>

همان‌طور که اشاره رفت خانم رانوم کهلر به مقام ایادی امر منصوب شد و به این ترتیب عضوی از این مؤسسه عظیم الشان در نظم اداری بهائی گردید. این مؤسسه به فرمان حضرت بهاءالله تأسیس گردید که در دوران حیات خود چهار نفر را به مقام ایادی امر منصوب فرمودند که در جهت تبلیغ و حفظ و صیانت امرش فعالیت نمایند. حضرت عبدالبهاء در آثار خود چهار نفر مؤمن برجسته دیگر را ایادی امر خواندند و در الواح مبارکه وصایا قید فرموده و از حضرت ولی امرالله خواسته‌اند که به صلاحدید خود ایادی امر تعیین نمایند. هم‌چنین در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء برگزیدن نه نفر ایادی امر که از نزدیک با حضرت ولی امرالله کار کنند قید شده است. \*<sup>۷</sup> ابتداء حضرت ولی امرالله ده نفر را بعد از فوت آن‌ها به مقام ایادی امر منصوب فرمودند و در طی سال‌های آخر دوران خود، ابتداء دوازده نفر و مجموعاً سی و دو نفر را از همه قارات عالم به این مقام منصوب نمودند.

<sup>۷</sup> \* ایادی امر و شرایط انتصاب آنان توسط حضرت ولی امرالله و انتخاب نه نفر ایادی امر جهت خدمت در معیت حضرت ولی امرالله در صفحه ۱۲ الواح وصایا آمده است.

علاوه بر کیث رانسوم کهلر، زن دیگری به نام مارتا روت نیز پس از درگذشتش به مقام ایادی امر منصوب گشت. شش زن در زمان حیات خود به این مقام منصوب شدند که عبارتند از: دروتی بیکر، امیلیا کالینز، کلارا دان، کورین ترو، امةالبهاء روحیه خانم و آگنس الکساندر. خدمات شایان این افراد در جای دیگر شرح داده شده است.<sup>۲۷</sup> در این جا به اختصار به مارتا روت و امیلیا کالینز که مساعی آنان به نحوی فوق العاده مورد تمجید حضرت ولی امرالله قرار گرفته است اشاره می شود.

**مارتا روت Martha Root** حضرت ولی امرالله در "کتاب قرن بدیع"،

مارتا روت را چنین توصیف می فرمایند:

"...این نفس مقدّس اول و اقدم ایادی امر کردگار است که دست قدرت حضرت بهاءالله پس از صعود مولای خون در حیّز امکان مبعوث ... فرموده است... باید وی را افخم و اعظم سفیر امر الهی خوانیم و او را فخر مبلغین و مبلّغات در شرق و غرب عالم بهائی نام نهیم.

مارتا روت سر حلقهٔ خادمین و خدمات اولین نفسی است که در همان سنه که الواح تبلیغی منزله از کلک گهربار مرکز میثاق زیارت و جامعهٔ بهائی امریک از مضامین آن رقّ منشور مستحضر گردید صلاهی تاریخی مولای خویش حضرت عبدالبهاء را اجابت نمود و با تصمیمی خلل ناپذیر و انقطاعی بی نظیر به سیر و سفر پرداخت و آوارهٔ مدن و دیار گردید و چون نسیم به هر کوه و صحرا مرور کرد و مشام مشتاقان را به روائح مسکّیه الهیه معطر ساخت. این منادی ملکوت در طی بیست سنه از قیام مستمرّ خود چهار بار برای ابلاغ کلمهٔ الله دور کرهٔ ارض حرکت نمود... این روح مجرد در جمیع احیان به ذیل توکل و انقطاع متوسل بود و در کافهٔ احیان از شئون عرضیه فارغ و آزاد، در روش و سکنات سیره و مشی مبارک حضرت عبدالبهاء را در اقطار غریبه سرمشق خویش قرار می داد و در خدمات و مجاهدات بر اثر اقدام آن قدوة اهل بهاء حرکت می کرد.<sup>۲۸</sup>

مارتا روت در طی سفرهای خود برای تبلیغ امر با اعضای خانواده‌های سلطنتی، سیاستمداران و افراد دانشگاهی تماس گرفت. وی در بیش از چهارصد دانشگاه و کالج در شرق و غرب سخنرانی‌هایی ایراد کرد، مقالات



متعددی در روزنامه‌ها و مجلات در هر کشوری که وارد شد به چاپ رساند، به کتابخانه‌های دولتی و خصوصی کتب بهائی اهداء نمود، به کار ترجمه و چاپ تعداد زیادی نسخ مختلف کتاب "بهاءالله و عصر جدید" نوشته دکتر جان اسلمنت،<sup>۲۹</sup> نظارت نمود، به زیارت اماکن مقدسه در ایران رفت و از ادرنه در خاک ترکیه دیدن نمود و در مقام یافتن خانه‌هایی که محل سکونت حضرت بهاءالله در آن شهر بود و اشخاصی که در دوران تبعید مبارک در آن شهر با ایشان ملاقات نمودند برآمد.

سفرهای مارتا روت دائمی، دشوار و غالباً خطرناک بود. او متابع مالی محدودی داشت، اغلب با ناآرامی‌های سیاسی در کشورهای مختلف مواجه می‌شد و بیش از یکبار در شرایط خطرناکی قرار گرفت. در اواخر حیاتش دچار سرطان سینه شد که بر اثر آن در سال ۱۹۳۹ در هاوایی در سن شصت و هفت سالگی دارفانی را وداع گفت.

حضرت ولی امرالله با ارزیابی خدمات مارتا روت، معرفی امر مبارک به ملکه ماری را به‌خصوص مورد تأکید خاص قرار داده می‌فرمایند:

"از بین خدماتی که این نجم بازغ افق ایمان به آستان حضرت رحمان تقدیم نمود اعظم و اشرف آن ابلاغ پیام الهی به علیا حضرت ملکه رومانیا است..."<sup>۳۰</sup>

حضرت ولی امرالله حیات مارتا روت را "اعظم ثمره عصر تکوین دور مبارک حضرت بهاءالله" دانسته و وی را چنین توصیف نموده‌اند: "اول و اقدم ایادی امر کردگار است که دست قدرت حضرت بهاءالله پس از صعود مولای خون در حیّز امکان مبعوث... فرموده است."<sup>۳۱</sup>

امیلیا کالینز Amelia E. Collins: خانم امیلیا کالینز در سال ۱۸۷۳ متولد شد و در سال ۱۹۱۹ به دیانت بهائی ایمان آورد. انتصاب وی به مقام ایادی امر در سال ۱۹۵۱ اعلام گردید. او برای سال‌های متمادی در مقام عضویت محفل ملی ایالات متحده و کانادا خدمت نمود.

خانم کالینز تبرّعات سخاوتمندانه و کریمانه‌ای به مؤسسات امری در آمریکای شمالی و ارض اقدس تقدیم نمود. حضرت ولی امرالله به وی به عنوان کسی که "در اهداء تبرّعات به صفت فتوت و سخاوت ممتاز است"

اشاره می‌نمایند. تبرعات کریمانه وی به نحو قابل‌ملاحظه‌ای به ابتیاع زمین‌هایی برای مشرق‌الاذکارهای جهان، از جمله مقرّ مشرق‌الاذکار ارض اقدس در کوه کرمل، و نیز ساختمان مشرق‌الاذکارهای کامپالا، سیدنی و فرانکفورت، چاپ و انتشار آثار بهائی، تزیین و زیباسازی محوطه اطراف روضه مبارکه در بهجی، روینای ساختمان مقام اعلی و ساختمان و تزیین دارالآثار بین‌المللی در کوه کرمل کمک نمود. "باب کالینز" با زیبایی خاص خود که دروازه اصلی روضه مبارکه است توسط حضرت ولی امرالله به افتخار وی نامگذاری گردید.<sup>۳۳</sup>

خانم کالینز به خاطر امر بهائی سفرهای زیادی نمود که بسیاری از آن‌ها را به دستور حضرت ولی امرالله انجام داد. آن حضرت وظائف حساسی را به وی واگذار نمود که مطمئن بود آن‌ها را با نهایت احتیاط و فداکاری انجام خواهد داد. یکی از این وظائف که در دوره جنگ جهانی دوم به عهده گرفت مسافرتش به بوئنوس آیرس در سال ۱۹۴۲ به منظور برپائی بنای یادبودی برای مرقدمی ماکسول، مادر روحیه خانم بود که در آن شهر دارفانی را وداع گفته بود و به عنوان شهید امر مورد ستایش حضرت ولی امرالله قرار گرفته بود.

هرچند خانم کالینز در سال ۱۹۴۷ توسط حضرت ولی امرالله به مقام ایادی امر منصوب شده بود، ولی این انتصاب اعلام نگردید تا سال ۱۹۵۱ که حضرت ولی امرالله اولین گروه ایادی امر را که در قید حیات بودند اعلام نمود. وی هم‌چنین به عضویت و در مقام نایب رئیس شورای بین‌المللی بهائی که پیش در آمد بیت‌العدل اعظم است منصوب گردید.

خدمات بی‌نظیر امیلیا کالینز به حضرت ولی امرالله و امتیازی که وی را از سایر ایادی متمایز می‌سازد از خلاصه‌ای از نامه‌ای که در سال ۱۹۴۷ از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده روشن می‌گردد. این نامه و یادداشتی از حضرت ولی امرالله در ذیل آن، نشان می‌دهد که وی در زمره نه نفر ایادی امر می‌باشد که در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء پیش‌بینی شده که باید از نزدیک با حضرت ولی امرالله کار کنند.

"حضرت ولی امرالله مایلند برای شما روشن سازند که وقتی در تلگراف اخیر خود می‌گویند خدمات شما نمونه‌ای است برای آن عده از ایادی امر که در آینده به نحو خاص برای خدمت به ولی امر انتخاب خواهند شد، منظورشان خدمات اخیر شما به امرالله است به خاطر آنکه ماهیت آن خدمات و ارتباط نزدیک آن‌ها با شخص ایشان از آن نوع خدماتی است که یکی از این نه نفر مأمور انجام آن خواهد شد. بنابراین ملاحظه می‌نمائید که شما نه تنها شایسته مقام ایادی امر هستید، بلکه قائم به خدمتی بوده‌اید که معمولاً این هیئت نه نفره منتخب به انجامش قیام می‌نمایند." (ترجمه)

حضرت ولی امرالله با دستخط خود یادداشتی در ذیل این نامه به شرح ذیل مرقوم فرموده‌اند:

"با قلبی سرشار از سپاس عمیق، این چند خط را مرقوم می‌دارم تا منویات قلبی و تحسین بی‌حد خود را برای خدمات شایان شما که اخیراً در موارد متعدد و ضمن چند تلگراف ابراز گردیده تأیید نمایم، خدماتی که در شرایطی استثنائی و مشکل که شایستگی آن را در نظر خداوند مضاعف می‌سازد انجام شده است. وظیفه‌ای را که به شما ارجاع نموده‌ام به روشی که شایسته تحسین و ستایش ملأ‌اعلی است انجام داده‌اید. مقام بلندی را که دارا هستید و هیچ بهائی تا کنون در حیات خود بدان نائل نگشته، صرفاً برای شناسائی خدمات متعددی که تا کنون انجام داده‌اید به شما اعطا گردیده و به هیچ‌وجه نباید به منظور تشویق یا انگیزه‌ای برای خدمت تلقی گردد. در حقیقت خصوصیت این خدمت بسیار مهمی که اخیراً انجام داده‌اید شما را در زمره آن نه نفر ایادی منتخبی قرار می‌دهد که مأمورند مستقیماً و از نزدیک با امور و مسئولیت‌های ولی امراللهی مرتبط باشند."<sup>۳۳۱</sup> (ترجمه به مضمون)

سفرها و فعالیت‌های فراوان املیا کالینز در جهت خدمت به امراللهی بی‌وقفه تا پایان حیات افتخار آمیزش در سال ۱۹۶۲ ادامه پیدا کرد.

## نقش بیت‌العدل اعظم

بعد از صعود حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۷، هیئت ایادی امر در مقام حارسان امر الهی، به هدایت محافل ملی و اعضای جوامع بهائی در سراسر جهان برخاسته و آن‌ها را در مساعی خود برای نیل به اهداف نقشه ده ساله که در سال ۱۹۵۳ توسط حضرت ولی امرالله طرح شده بود تشویق و ترغیب نمودند. اجرای موفقیت‌آمیز این نقشه راه را برای تشکیل بیت‌العدل اعظم، مؤسسه‌ای که در آثار بهائی مقرر گردیده بود، باز نمود.

بیت‌العدل اعظم که برای اولین بار در سال ۱۹۶۳ انتخاب گردید هیئت بین‌المللی اداره‌کننده امر بهائی است که امور این آئین را هماهنگ می‌کند و بر پیشرفت آن نظارت دارد. این مؤسسه جهت گسترش امر در سطح جهان اولویت‌هایی را در نظر می‌گیرد و اعتلای حیات جامعه و تشویق و هدایت روابط آن را با تمامی جهان منظور می‌نماید. وظائف این مؤسسه در اساسنامه بیت‌العدل اعظم<sup>۳۳</sup> تعیین گردیده است. نقش بیت‌العدل اعظم در ترویج اصل تساوی حقوق زن و مرد در این قسمت مورد بحث قرار می‌گیرد. از این بررسی روشن می‌گردد که بیت‌العدل اعظم این راه را ادامه داده و بر فرایندهای متعددی که توسط حضرت بهاءالله، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله آغاز شد تأکید بیشتری نموده است و نیز قادر بوده که با بهره‌گیری از رشد و توسعه امر، توجه اجتماع بزرگ‌تر را به اصل تساوی جنسی جلب نماید.

از آنجائی که فرایندهای اجرایی که در این جا شرح داده می‌شود هم‌چنان به سرعت در حال گسترش است، شرح و توضیحات ارائه شده با در نظر گرفتن وضع کنونی لزوماً ناکافی و حتی منسوخ به نظر خواهد رسید، چنین است سرعت تغییر و تحوّل در جامعه بهائی در سراسر جهان.

## توضیح دادن تعالیم

از جمله وظائفی که در الواح وصایای حضرت عبدالبهاء برای بیت‌العدل اعظم تعیین گردیده وظیفه ذیل است:

"آن اعضاء (اعضای بیت‌العدل اعظم)... در آنچه اختلاف واقع یا مسائل مبهمه و یا مسائل غیرمنصوصه مذاکره نمایند..."<sup>۳۵۱</sup>

ضمن انجام این وظیفه، بیت‌العدل اعظم اغلب در پاسخ به پرسش‌های مختلف، هدایات بسیار موثقی در مورد اجرای اصل تساوی جنسی به جامعه بهائی ارائه می‌دهد.

در بسیاری موارد، بیت‌العدل اعظم موجب رفع سوء تعبیراتی بوده است که به نحو اجتناب‌ناپذیری در جامعه بهائی که در تلاش آزاد سازی خود از الگوی افکار و رفتار سنتی است به وجود می‌آید. این تکرار مستمر تعالیم در پاسخ به سئوالات احبائی که سعی دارند مفاهیم اصل تساوی را با ذهیت خود تطبیق دهند وسیله‌ای است که به بهائیان که در صدد بنای جامعه جدیدی مبتنی بر چنین مساواتی هستند، اطمینان خاطر می‌بخشد.

فصل‌های قبل شامل نمونه‌های بسیاری از توضیحات بیت‌العدل اعظم در باره اجرای اصل تساوی حقوق زن و مرد می‌باشد. چندین نمونه به روابط خانوادگی از جمله به مشورت و تصمیم‌گیری زن و شوهر بدون تسلط غیرمنصفانه یکی از طرفین، محکوم نمودن خشونت در خانواده و آزار جنسی و تمایز بین رتبه اداری و مقام روحانی، مربوط می‌گردد.

این بیان بیت‌العدل اعظم که احکام بهائی به نحو مساوی در مورد زن و مرد اجراء می‌شود، مگر آنکه این امر از نظر اصولی غیرممکن باشد، بسیار حائز اهمیت است. این رهنمود گرایش صحیحی را ارائه می‌دهد که در چارچوب آن تمام قواعد مربوط به احکام بهائی از جمله احکام کتاب اقدس باید در نظر گرفته شود.

در وعده صلح جهانی، بیاتیه بیت‌العدل اعظم در باره صلح که در سال ۱۹۸۵ خطاب به مردم جهان صادر گردید، بیت‌العدل اعظم توجه را به این حقیقت جلب می‌نمایند که پذیرش اتحاد نوع بشر زیربنای اولیه صلح و نظم جهانی است. یک چنین پذیرشی مستلزم ترک هر نوع تعصب از جمله

تعصب جنسی می‌باشد، زیرا نگرش تعصب آمیز حس برتری ایجاد می‌کند که منتهی به اختلاف و ظلم و ستم می‌گردد.

شناسائی تساوی حقوق زن و مرد جزء لاینفک پذیرش اتحاد نوع بشر است. در حقیقت، بیت‌العدل اعظم تأیید می‌نمایند که "آزادی زنان و وصول به تساوی میان زن و مرد هر چند اهمیتش چنانکه باید هنوز آشکار نباشد یکی از مهم‌ترین وسائل حصول صلح جهانی محسوب است." و اینکه "فقط زمانی که زنان در جمیع مساعی بشری سهمی کامل و متساوی داشته باشند از لحاظ اخلاقی و روانی جو مساعدی خلق خواهد شد که در آن صبح صلح جهانی پدیدار گردد."<sup>۳۶۱</sup>

### پیشبرد روند اجرائی

با تشخیص این نکته که برای برقراری تساوی کامل میان زن و مرد در جامعه بهائی بایستی بر موانع شدید طرز برخورد، نگرش و رفتار غلبه نمود، بیت‌العدل اعظم تدابیری تدریجی برای پیشبرد اجرائی آنچه توسط حضرت بهاءالله آغاز گردیده و توسط حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله توسعه یافته است اتخاذ نموده‌اند. این تدابیر با گسترش وسیع جامعه بهائی و توسعه نفوذ و عضویت آن در همه نقاط جهان از سال ۱۹۶۳ به بعد همراه بوده است. هر چند هنوز راه درازی در پیش است، اما در پاسخ به رهنمودهای بیت‌العدل اعظم ضمن بیاناتی مانند آنچه که در ذیل از پیامی که در سال ۱۹۸۴ به تمام بهائیان جهان خطاب گردید نقل می‌گردد، پیشرفت مثبتی حاصل شده است:

"تساوی حقوق زن و مرد در حال حاضر در سطح جهانی به اجرا در نیامده است. ما باید در اجرای این تعلیم بهائی در آن مناطقی از جهان که هنوز عدم تساوی سنتی موانعی در راه پیشرفت ایجاد می‌کند از خود رهبری نشان دهیم. زنان و دختران بهائی باید تشویق و ترغیب شوند تا در فعالیت‌های اجتماعی، روحانی و اداری جوامع خود شرکت نمایند."<sup>۳۷۱</sup> (ترجمه)

علاوه بر ارائه این رهنمودها، بیت‌العدل اعظم خواهان اقدامات خاصی برای پیشبرد آزاد سازی زنان از قیود رسوم دیرینه سنتی بوده است. این اقدامات از جمله عبارتند از کوشش در جهت گسترش سوادآموزی، طرح برنامه‌هایی به منظور افزایش مشارکت زنان در همه جنبه‌های حیات جامعه و برگزاری کنفرانس‌های زنان که در آگاه سازی و ایجاد همبستگی و حمایت و تشویق متقابل در بین زنان بهائی نقش مهمی دارند.

شرحی از پیشرفت ترقی زنان بهائی در ایران، جایی که موانع فرهنگی برای تساوی زن و مرد بخصوص بسیار قوی است، در گزارشی در سال ۱۹۷۳ از موفقیت‌های یک لجنه بهائی که متخصص این کار بوده موجود است. این گزارش که در مجلد ۱۵ عالم بهائی به چاپ رسیده است، ضمن بررسی فعالیت‌های جامعه چنین می‌نویسد:

در نتیجه تشدید فعالیت‌ها، لجنه مخصوصی که این مسئولیت را به عهده داشت، کلاس‌های آموزشی ویژه‌ای تشکیل داد، منتخباتی از آثار بهائی در باره موضوع‌هایی مانند حیات خانواده و مقام زن تألیف نمود، مجله جالبی برای زنان بهائی به‌طور منظم منتشر کرد، به منظور کمک به برنامه‌های زنان در نقاط مختلف، مسافرت‌هایی به سراسر کشور ترتیب داد، کنفرانس‌هایی مخصوص زنان برگزار نمود و زنان بیش از پیش تشویق شدند که نقش‌های مهمی در مقام مبلغ، مهاجر و مجریان امور اداری ایفاء نمایند. گزارش شده است که تا رضوان ۱۹۷۳، مساعی لجنه از هر نظر به نحو مؤثری بی‌سوادی را در بین زنان بهائی زیر سن چهل سال ریشه کن نموده بود.<sup>۲۸۱۱</sup>

توسعه جامعه جهانی بهائی از طریق یک سلسله نقشه‌های متعدد صورت می‌گیرد که مدت و خصوصیات عمومی آن‌ها با شرح جزئیات اهدافی که باید در سطح ملی و محلی دنبال گردند، توسط بیت‌العدل اعظم مشخص می‌شوند. یکی از مراحل برجسته و مهم پیشرفت زنان در دیانت بهائی تعیین هدفی از طرف بیت‌العدل اعظم برای هشتاد محفل ملی در نقشه پنجساله (۱۹۷۹ - ۱۹۷۴) بود که در کشورهایی که محدودیت‌های سنتی در مورد آزادی زنان اعلام گردیده بود فعالیت‌هایی برای زنان ترتیب دهند. در نامه‌ای

خطاب به همه محافل ملی در سال ۱۹۷۵، بیت‌العدل اعظم بر اهمیت این وظیفه به این نحو تأکید می‌فرماید:

"اگر چه واضح است که همه عالم بهائی متعهد تشویق و ترغیب نقش فعال زنان در جامعه بهائی و نیز در اجتماع وسیع‌تر می‌باشند، نقشه پنج ساله بخصوص از هشتاد محفل ملی دعوت می‌نماید که برای زنان فعالیت‌های بهائی ترتیب دهند. در طی سال جاری، که به عنوان فعالیت جهانی از طرف سازمان ملل متحد "سال بین‌المللی زن" نامیده شده است، بهائیان به‌ویژه در این هشتاد جامعه ملی باید برنامه‌هایی را آغاز و به مرحله اجرا گذارند که مشارکت کامل زنان را در همه جنبه‌های حیات جامعه بهائی تشویق و ترویج نمایند تا با موفقیت این برنامه‌ها، احباء بتوانند امتیاز امر الهی را در این زمینه از مساعی بشری نشان دهند."<sup>۳۹</sup> (ترجمه)

در قسمتی از گزارشی که در سال ۱۹۷۹ در پایان نقشه پنج ساله ارائه شده است، چنین آمده است:

"این هدف در بسیاری از نقاط جهان با موفقیت دنبال شده است. فعالیت‌های بهائی که برای زنان آغاز گردیده شامل مشارکت بیشتر در مساعی متعددی برای پیشبرد امر از طریق کنفرانس‌های زنان، کنفرانس‌هایی برای حیات خانواده، کلاس‌هایی برای نگهداری کودکان، مطالعه، تغذیه و بهداشت، هنر و صنایع دستی و بسیاری امور دیگر بوده است. افزایش تعداد کلاس‌های کودکان و تشکیل گروه‌های تبلیغی زنان بخصوص حائز اهمیت بوده است. بعضی از این گروه‌ها پس از شرکت در نیو هیبرید، از سه جزیره در آن منطقه بازدید کرده، نقاط جدیدی را در جمهوری دومینیکن به روی امر باز کردند، چهار ماه مشغول گشودن نقاطی در گواتمالا بودند و سفر تبلیغی خود را از پاناما به سه کشور آغاز نمودند."<sup>۴۰</sup>

از چشم‌گیرترین موفقیت‌ها در تحقق اهداف این نقشه پنجساله ابتکار برگزاری یک سلسله کنفرانس‌های زنان بهائی بود که منتهی به تشکیل ۱۵۰ کنفرانس در سطح بین‌المللی، ملی و محلی گردید. چنین کنفرانس‌هایی را می‌توان پاسخ دیگری به دعوت حضرت عبداله‌بهاء دانست که انجمن‌های



زنان را تشویق می‌فرمودند تا عامل تنویر افکار و پیشرفت زنان گردند. این کنفرانس‌ها توجّه را به بیاناتی در آثار بهائی در مورد تساوی زن و مرد و بیاناتی در مورد نقش مهمی که به زنان برای پیشرفت بشریت هم در خانواده و هم در اجتماع واگذار شده است جلب می‌نماید. برنامه‌های این کنفرانس‌ها شامل مرور شرح حال زنان برجسته بهائی مانند بهیّه خانم و مارتا روت، جلساتی در باره اهمیت تعلیم و تربیت زنان و بحث‌هایی به منظور ترویج مشارکت عظیم‌تر زنان در همه فعالیت‌های اجتماعی بود. اهداف این کنفرانس‌ها در سال ۱۹۷۷ در تلگرافی از طرف بیت‌العدل اعظم به محافل ملی در سراسر عالم به این نحو تأکید گردیده است: "به‌خصوص از زنان بهائی که هنوز قابلیت آن‌ها در بسیاری از سرزمین‌ها بلااستفاده مانده و استعدادشان برای خدمت بسیار زیاد است دعوت شود تا قیام نموده اهمیت نقشی را که باید در میادین خدمت به امر ایفاء نمایند نشان دهند."<sup>۴۱۱</sup> (ترجمه)

کنفرانس‌های بین‌المللی در هند، السالوادور، پرو و لیبیا تشکیل گردید، ولی اکثر کنفرانس‌ها در سطح ملی و منطقه‌ای برگزار شد. این واقعیت که این کنفرانس‌ها از نظر گروهی نقطه عطفی در روند اجرای تعالیم بهائی در مورد تساوی جنسی بود، در بخشی از یک گزارش که ذیلاً نقل می‌گردد مشهود است:

"در بسیاری از موارد این کنفرانس‌ها اولین فعالیت بهائی منطقه‌ای یا ملی بودند که در آن، زنان از دورافتاده‌ترین دهکده‌ها شرکت کردند و اغلب اولین موقعیتی بود که در آن، زنان بومی در جمع صحبت کردند. ...

... بخصوص قابل توجّه این است که بسیاری از این کنفرانس‌ها نه در شهرهای بزرگ بل در دهکده‌ها و شهرهای کوچک در مناطق دورافتاده‌ای که قلمرو بهائیان بومی بود تشکیل گردید. غالباً سفر به کنفرانس و از کنفرانس گام مهمی در نزدیک نمودن زنان بهائی با یکدیگر بود. شرح سفر با قایق یا پیاده توسط شرکت کنندگان در اولین کنفرانس زنان مالزی به کمپونگ تمیانگ، جایی که کنفرانس برگزار شد، حاکی از روح دوستی و مودت بین زنانی است که از یازده جامعه جنگل‌نشین آمده بودند:

"سفر شادی بود با مبادله اخبار و آشنا شدن بهائیان با یکدیگر همانطور که قایق در گرمای بعد از ظهر جنگل‌های استوایی پیش می‌رفت... نهایتاً مجبور شدیم که از قایق پیاده شده یک‌ساعت آخر سفر را پیاده طی کنیم، در حالی که سعی می‌کردیم با راه رفتن روی تنه درختانی که بریده شده و به‌طور منظم در آنجا قرار گرفته بود توازن خود را حفظ کنیم - که بسیار آسان‌تر از راه رفتن در زمین باطلاق بود... وقتی رسیدیم خسته ولی بسیار شاد بودیم."

ساکنان دهکده‌های بهائی نشین مناطق بویک، مان، و دانین در ساحل عاج برای رفتن به کنفرانس بین‌المللی زنان بهائی در مونرویا واقع در لیبیا، مسافتی حدود ۴۰۰ مایل را پیاده طی نمودند. چنین زنان روستائی برای موفقیت این کنفرانس‌ها در سراسر جهان فعالیت کردند و اغلب برای اولین بار بود که در مقابل جمعیت زیادی صحبت می‌کردند و یا صحبت‌ها را به زبان بومی ترجمه می‌نمودند. مردان نیز مانند زنان به طرق گوناگون کمک نمودند تا این جلسات موفقیت‌آمیز باشند: در بسیاری از موارد مردانی که در کنفرانس شرکت می‌کردند کارهای مربوط به آماده کردن غذا، شستن ظروف و نگهداری از کودکان را به عهده گرفتند تا به زنان امکان دهند به بحث در باره مسئولیت‌ها و پیشرفت‌هایشان در امر و اهمیت نقش خود به عنوان اولین مربیان نسل بعدی بهائی بپردازند. این همکاری و خدمت به زنان از ناحیه مردان به‌خصوص درخور توجه است زیرا این روش با آداب و رسوم اجتماعی متداول در جامعه اطراف آن‌ها در تضاد کامل قرار داشت. شوق و ذوقی که این گردهمایی‌ها ایجاد نمود اغلب موجب گردید که زنان اهدافی مانند تزئین اطلاعات خود و خانوادشان در باره حقایق اساسی امر بهائی، تأسیس کلاس‌های محلی برای زنان و کودکان، تبلیغ امر در محل یا به عنوان مبلغ سیار، تسجیل تمام افراد یک خانواده و تشکیل محافل روحانی محلی، برای خود تعیین نمایند. زنان، اغلب، برای تطبیق یا نزدیک نمودن عادات و رسوم محلی خود با تعالیم دینانشان و به‌خصوص برای همخوانی

آن‌ها با جایگاه والایشان به‌عنوان یک زن بهائی آن‌ها را مورد بررسی قرار می‌دادند.

شاید مهم‌ترین توفیق در این راستا تقویت روح جدیدی در بین زنان بهائی که در این کنفرانس‌ها شرکت داشته‌اند بوده است، زیرا تصور آن‌ها در باره نقش خود در پیشرفت دیانت بهائی و جامعه بشری به‌طور کلی با آموختن بیان انقلابی حضرت عبدالبهاء در مورد اهمیت زنان در پیشرفت تمامی بشریت، به کلی تغییر کرد.<sup>۴۲</sup>

دو عنصر جدید در اجرای اصل تساوی جنسی در طی نقشه پنجساله - یعنی تعیین اهداف خاصی برای محافل ملی و محلی در مورد فعالیت‌های زنان و تشکیل کنفرانس‌های زنان- در سال‌های بعد توسعه یافت. بدین ترتیب در طی نقشه هفت ساله (۱۹۸۶-۱۹۷۹)، بیش از ۴۰۰ کنفرانس ملی و منطقه‌ای برای زنان تشکیل شد و ۱۱۶ جامعه ملی برنامه‌های مخصوصی در جهت پیشرفت زنان ترتیب دادند.<sup>۴۳</sup> برنامه‌های سواد آموزی نیز افزایش یافت. بعضی از محافل ملی مجلاتی مخصوص زنان بهائی منتشر کردند، در حالی که سایر محافل با درج مقالاتی در باره ترویج پیشرفت زنان در نشریه معمولی خبری خود، در این جهت کوشش نمودند.

در طی سال‌های اخیر بیت‌العدل اعظم با بررسی اجرای اصل تساوی جنسی در جامعه بهائی، ضمن پیامی در سال ۱۹۹۶ به بهائیان جهان می‌فرمایند: "تلاش در جهت بهبود موقعیت زنان در تعدادی از کشورها تحرک یافته است، کشورهایائی که علاوه بر شرکت بهائیان در طرح‌هایی که از طرف سایر سازمان‌ها ارائه شده است، مؤسسات بهائی نیز لجنات و دوایری به منظور پیشبرد امور زنان تأسیس نموده‌اند."<sup>۴۴</sup> (ترجمه)

بیت‌العدل اعظم در سال ۱۹۹۶، در پیام‌هایی به قسمت‌های مختلف جهان، بر نارسائی‌هایی در مورد اجرای اصل مساوات تأکید کرده و امکانات بخصوصی را جهت ترویج پیشرفت زنان در نواحی مختلف شناسائی نموده‌اند. مثلاً در پیامی خطاب به بهائیان شبه قاره هند و نواحی اطراف می‌فرمایند:

"...از شما دعوت می‌نمائیم که به پیشرفت زنان توجّه مخصوص مبذول دارید. تقریباً در همه منطقه شما، زنان از نظر سنتی نقشی دست دوم در حیات جامعه داشته‌اند که این شرایط هنوز در بسیاری از جوامع بهائی منعکس می‌باشد. جهت کمک به زنان که مقام حقیقی خود را در میادین تبلیغی و اداری احراز نمایند، تدابیر مؤثری باید اتخاذ گردد. با تبلیغ تمام اعضای خانواده، شما می‌توانید از افزایش تعداد زنانی که به امر وارد می‌شوند اطمینان حاصل کنید و در نتیجه موازنه لازم را در جوامع خود برقرار ساخته در هر خانواده از لحظه پذیرش امر، روندی را آغاز نمائید که از طریق آن اصل اساسی تساوی بین زن و مرد بتواند تحقق یابد.<sup>۴۵۱</sup> (ترجمه)

هم‌چنین از بهائیان قاره آفریقا دعوت می‌شود که "طرح‌ها و برنامه‌ها را برای ارتقاء مقام زن و تشویق حمایت فعال مردان در این گونه مساعی مضاعف سازند"<sup>۴۶۱</sup> (ترجمه). بیت‌العدل اعظم برای کشورهای منطقه پاسیفیک، هدايات ذیل را ارائه می‌دهند:

"در بین بسیاری از ملل منطقه شما، زنان از نظر سنتی محدود به نقشی فرعی و درجه دوم در حیات جامعه بوده‌اند. از زنان بهائی این کشورها دعوت می‌نمائیم تا با اطمینان از حمایت و تشویق تمامی عناصر جامعه بهائی و با شهامت و ابتکار خود در امر تبلیغ و مشارکت کامل خویش در فعالیت‌های اداری امر، نیروی ثقلیب‌کننده این ظهور را نشان دهند."<sup>۴۷۱</sup> (ترجمه)

### حمایت از مشارکت زنان در امور اداری بهائی

از مطالب بخش چهارم این کتاب در باره خدمات زنان در مؤسسات بهائی واضح و آشکار می‌گردد که دیانت بهائی خواهان مشارکت کامل زنان در فعالیت‌های اداری است و مساعی مهم و بنیادین حضرت ولی امرالله در جهت تحقق این هدف در فوق شرح داده شد. بیت‌العدل اعظم به تقویت این جنبه از تساوی جنسی ادامه می‌دهد و روشن ساخته است که در مناطقی که زنان به لحاظ آداب سنتی محدود هستند، زنان و دختران بهائی باید تشویق شوند که در فعالیت‌های اداری جامعه خود شرکت نمایند.

دیانت بهائی از استفاده از سهمیه‌بندی و سایر ابزار مصنوعی به منظور برقرار نمودن تساوی در ترکیبات تشکیلاتی خود اجتناب می‌ورزد. یکی از ویژگی‌های اصلی تشکیلات بهائی این است که اعضای این هیئت‌ها موظفند با توجه به تعالیم بهائی، آنچه را به مصلحت تمامی اعضای جامعه و نه بخشی از آن است، در نظر گیرند. بنابراین انتظار می‌رود که مساعی تشکیلات بهائی برای اجرای عدالت بستگی به ترکیب اعضاء نخواهد داشت و رعایت تساوی جنسی بسته به آن نیست که در تشکیلات تعداد مساوی زن و مرد عضویت داشته باشند. علاوه بر این، هر محفل روحانی موظف است پیوسته بکوشد تا از نظریات و خواست‌های همه اعضای جامعه با اطلاع بوده آماده باشد که پیشنهادات و توصیه‌هایی را که مستقیماً توسط افراد و یا از طریق گردهمایی‌هایی مانند ضیافت نوزده روزه<sup>۸</sup> یا کنفرانس‌ها به آن محفل ارائه می‌شود در نظر بگیرد.

بهائیان برای انتخاب اعضای محافل روحانی محلی یا ملی می‌بایستی این نکات را در نظر بگیرند:

"بدون کوچک‌ترین اثری از احساسات تند و تعصب، و قطع نظر از هرگونه توجهات مادی، اسامی کسانی را برگزینند که به بهترین وجهی واجد صفات لازم یعنی وفاداری بی قید و شرط، اطاعت خالصانه، دقت نظر، مهارت و درایت، کار آزمودگی و بلوغ فکری باشند..."<sup>۸۱۱</sup> (ترجمه به مضمون)

می‌توان انتظار داشت که از نظر آماری، این "صفات لازم" بین اعضای زن و مرد یک جامعه متوسط بهائی به‌طور مساوی توزیع گردد و در عین حال که جامعه از نظر درک و ابراز تساوی جنسی رشد می‌کند، تعداد اعضای زن و مرد در محفل متناسب گردد. به این دلیل، نسبت تعداد اعضای زن در محافل روحانی ملی و محلی مورد توجه است و نمایانگر اطلاعات مفیدی در

<sup>۸</sup> \* ضیافت نوزده روزه جلسه‌ای در جامعه بهائی در سطح محلی است که در اولین روز هر ماه بهائی که از نوزده روز تشکیل شده است برگزار می‌شود. برنامه ضیافت شامل دعا و نیایش، شور و مشورت و گردهم‌آئی اجتماعی است.

بارۀ پیشرفت جامعهٔ بهائی در تلاش مستمرش برای اجرای کامل‌تر اصل تساوی جنسی می‌باشد.

مقایسه جامعهٔ بهائی با سایر جوامع عظمت و ظرفیت‌های را که این جامعه با آن روبرو است نشان می‌دهد. در فعالیت‌های مذهبی جامعهٔ بشری در سراسر جهان، استقبالی که از زنان می‌شود عموماً تا حدی نیست که آنان را مشمول نقش تصمیم‌گیری در یک هیئت انتخابی که شامل مردان است نماید، مگر گاهگاهی در موارد جزئی و به‌عنوان حرکتی نمادین. حتی در حوزهٔ غیر مذهبی مربوط به امور اداری مدنی، به‌طوری که ذیلاً اشاره می‌شود نسبت حضور زنان در هیئت‌های قانونگذاری جهان، از کمال مطلوب بسیار دور است.

روند حمایت از مشارکت بیشتر زنان در خدمات اداری بهائی مقدمتاً در سطح محلی مورد نظر بوده است. در حالی که زنان بیشتری در ضیافت نوزده روزه در شور و مشورت شرکت می‌نمایند، قابلیت آن‌ها معلوم و شناخته می‌شود و به‌عضویت محفل روحانی محلی و یا نمایندگی انجمن شور روحانی ملی که به منظور انتخاب اعضای محفل روحانی ملی تشکیل می‌گردد انتخاب می‌شوند. این جریان به نوبه خود منتهی به مشارکت زنان در سطح ملی در مقام اعضای منتخب محفل روحانی ملی و یا انتصاب در لجنات ملی می‌گردد. انتخاب اولین زن به‌عضویت محفل روحانی ملی قابل توجه و موجب خرسندی در جامعهٔ ملی است، ولی نهایتاً این مسئله عادی می‌شود و زن و مرد معمولاً با هم در محافل ملی شرکت می‌نمایند.

تأثیر مشارکت زنان در امور اداری بهائی در گزارشی از فعالیت‌های بهائیان هندوستان در سال ۱۹۸۵ منعکس می‌باشد به این شرح:

"نفس عمل بهائی شدن برای اغلب زنان در مناطق روستائی اولین تصمیم مهم زندگی شخصی آن‌ها به شمار می‌رود. سپس در عین حال که در تعالیم بهائی و نقشی که از آنها در فعالیت‌های اداری بهائی انتظار می‌رود عمیق‌تر می‌شوند، و از اعضای بی‌تفاوت جامعه به اعضای پر تحرک و پویای یک نظم جدید بدل می‌شوند. به‌خاطر عملکردشان در مقام اعضای هیئت‌های اداری بهائی و با رأی دادن و رأی آوردن و

انتخاب شدن، زنان گام‌های بزرگی در یک اجتماعی که اکثراً زیر سلطه مردان بوده است برداشته‌اند. تعداد روبه‌افزایشی از محافل محلی بهائی عضو زن دارند و محافل محلی که همه اعضای آن زن بوده‌اند نیز گزارش شده است.<sup>۴۹۱</sup>

گزارش مشابهی از نیوزیلند نمایانگر آن است که:

"زنان حقیقتاً بر طبق امتیازات و مسئولیت‌های خود در امور جامعه به‌طور کامل عمل می‌نمایند. موفقیت مساعی آنان به حس بزرگواری، اعتماد روحانی، تحصیلات و شناخت نقش زن در همه زمینه‌های جامعه بستگی دارد. از آنجائی که زنان بسیاری در همه جنبه‌های امور اداری و حیات جامعه بهائی مشارکت دارند، اصل تساوی در این زمینه‌ها بیش از هر زمینه دیگری ثمربخش بوده است."<sup>۵۰۱</sup>

پیشرفتی مداوم در افزایش میزان زنانی که در مؤسسات اداری بهائی خدمت می‌کنند گزارش شده است و بررسی‌های صحیحی برای برآورد این پیشرفت در دست انجام است. در سال ۱۹۹۷ معلوم گردید که ۳۲ درصد از اعضای ۱۷۲ محفل روحانی ملی زن هستند، که اروپا و آمریکا بالاترین میزان (۴۰ درصد) و آفریقا پائین‌ترین میزان (۱۷ درصد) را دارا بودند. در سطح منطقه‌ای، در درون کشورهای مختلف این نسبت از ۵۱ درصد در آمریکای شمالی تا ۱۴ درصد در غرب آفریقا بوده است. این ارقام هم پیشرفتی که حاصل شده است و هم نیاز به ادامه این تلاش‌ها را نشان می‌دهد. برای برآورد بهتر این ارقام باید آن‌ها را با ارقامی مقایسه نمود که نشان دهنده نمایندگی زنان در مجالس قانونگذاری ملی کشورها است که میانگین جهانی آن‌ها بیش از ۱۰ درصد نیست که از کشورهای اسکاندیناوی با میانگین ۴۰ درصد گرفته تا کشورهای خاور میانه که مشارکت زنان ناچیز می‌باشد را در بر می‌گیرد. در مجالس قانونگذاری کشورهای ایالات متحده آمریکا، روسیه و ژاپن، نمایندگی زنان کمتر از ۱۰ درصد است.<sup>۵۱</sup>

در توسعه جامعه بهائی، نقش مهمی از طرف مؤسساتی انتصابی ایفاء گردیده است که اعضای آن به منظور رایزنی، تشویق و مشاوره با محافل روحانی و افراد بهائی در تلاش برای اجرای تعالیم بهائی، منصوب شده‌اند.

این مؤسسات شامل پنج هیئت مشاورین قاره‌ای در جهان، اعضای هیئت معاونت و مساعدین آنها می‌باشد. در بعضی موارد، در جاهائی که نیاز بخصوص احساس شود، اعضای هیئت معاونت مساعدینی را که تنها وظیفه آنها تشویق مشارکت بیشتر زنان در فعالیت‌های بهائی می‌باشد منتصب می‌کنند. یک بررسی تازه نشان داده است که ۳۴ درصد از مشاورین قاره‌ای زن هستند، حال آنکه نسبت زنان در بین اعضای هیئت معاونت و مساعدین آنها ۴۷ درصد می‌باشد.<sup>۵۲</sup>

### دفتر جامعه بین‌المللی بهائی برای پیشرفت زنان

جامعه بهائی همواره در پی همکاری و تشریک مساعی با گروه‌ها و سازمان‌هائی بوده است که هدف‌هائی منطبق با تعالیم این دیانت داشته‌اند. منظور از این همکاری ارائه دیدگاه خود در جهت نیل به این اهداف و حمایت از مساعی آن نهادها می‌باشد. علاوه بر آن، هر گاه موقعیت مقتضی ایجاب نموده از ارائه پیشنهاداتی در جهت اصلاح شرایط جامعه، درنگ نموده است.

هنگامی که حضرت عبدالبهاء در سال ۱۹۱۲ از ایالات متحده دیدن می‌کردند در مجمعی که در نیویورک برای حق رأی زنان برگزار شده بود خطابه‌ای ایراد نمودند و با اعضای فدراسیون انجمن‌های زنان در شیکاگو صحبت کردند. آن حضرت در هر دو مورد بر نیاز به مساوات و برابری تأکید نمودند. در نیویورک با اشاره به تساوی زن و مرد چنین فرمودند: "طبیعی و مقتضی نیست که زن یا مرد از پیشرفت و ترقی محروم باشد و تا مادامی که هر دو کامل نشوند سعادت عالم انسانی تحقق نپذیرد." (ترجمه به مضمون)، در گردهمائی شیکاگو اظهار داشتند: "تا مادامی که تساوی زن و مرد تحقق نپذیرد پیشرفت اجتماعی و سیاسی، نه در این جا و نه در هیچ جای دیگر میسر نشود."<sup>۵۳</sup> (ترجمه به مضمون)

در سال‌های اخیر جامعه بین‌المللی بهائی در ارتباط با نهادهای مختلف حضور مؤثری داشته است. این جامعه در سال ۱۹۴۸ به عنوان یک سازمان



غیردولتی بین‌المللی به رسمیت شناخته شد و بعد از آن مقام مشورتی در شورای اجتماعی و اقتصادی سازمان ملل متحد و صندوق کودکان این سازمان (یونیسف) به آن اعطاء شد. این جامعه از حضور خود در این سازمان‌ها برای پیشبرد مقام زن، همکاری با سازمان‌های غیردولتی که دارای دیدگاه مشابه هستند و ارائه بیانیه‌هایی به کنفرانس‌ها و نهادهای سازمان ملل در باره جنبه‌های مختلف تساوی استفاده نموده است.

فعالیت‌های جامعه بهائی به منظور ترویج پیشرفت زنان در طول دهه سازمان ملل متحد برای زنان، ۱۹۸۵-۱۹۷۶ بخصوص قابل توجه است. نمایندگان جامعه بهائی در کنفرانس‌های مهمی که در این ارتباط در مکزیکوسیتی (۱۹۷۵)، کپنهاگ (۱۹۸۰) و نایروبی (۱۹۸۵) تشکیل شد شرکت کردند و در فعالیت‌های مخصوص سازمان‌های غیردولتی که در این مجامع در جریان بود مشارکت نمودند. گزارشی مفصل به کنفرانس سال ۱۹۸۵ تقدیم شد که نتایج یک بررسی جامع از فعالیت‌هایی را که توسط بهائیان برای اصلاح موقعیت زنان در همه قارات عالم به عمل آمده بود ارائه می‌داد. یکی از نتیجه‌گیری‌های این گزارش چنین بود:

"جوامع بهائی در عین حال که در ارزیابی موانعی که باید بر آن غلبه کنند واقع‌بین هستند، به تغییر در روش و رفتار متعهد بوده و برای نیل به هدف مساوات جنسی، به‌طریقی منظم و عملی فعالیت می‌کنند. آن‌ها به تعلیم و تربیت زنان بسیار اهمیت می‌دهند و از آن‌جا که زنان در مقام مادران تأثیر مهمی بر نسل آینده دارند، حتی تعلیم و تربیت آنان را بر مردان مقدم می‌شمرند. از این گذشته، با توجه به اینکه زنان به نحو روزافزونی در همه جنبه‌های حیات اجتماعی مشارکت می‌نمایند، به اهمیت بالقوه زنان در نیل به صلح و نظم جهانی نیز ناظر هستند."<sup>۵۴</sup>

فعالیت جامعه بین‌المللی بهائی بخصوص در جلب توجه نهادهای سازمان ملل متحد به اهمیت بهبود شرایط کودکان دختر بسیار مؤثر بوده است. این جامعه در بیانیه‌ای که در سال ۱۹۹۱ به هیئت اجرایی یونیسف تقدیم نمود نگرانی عمیق خود را از "غفلت آشکاری در مورد کودکان دختر که در بسیاری از نقاط جهان به عنوان جزوی از فرهنگ جامعه توجیه می‌گردد"

اعلام کرد و یونیسف را تشویق نمود که "روش خود را در مورد بهداشت مادران گسترش دهد و عواملی که بهداشت دختران و زنان را قبل از زایمان به خطر می‌اندازد از جمله رفتار و رسوم سنتی مضر را تغییر دهد."<sup>۵۵</sup> این بیانیه بر نقش مهمی که مادران باید ایفاء نمایند تأکید دارد:

"حال مادران می‌توانند عاملان اصلی برای تواندهی به افراد در جهت متحوّل نمودن جامعه باشند. تنها آنها هستند که قادرند اعتماد به نفس و احترام به دیگران را که لازمه پیشرفت تمدن است به فرزندان خود بیاموزند. پس بدیهی است که توجه به مقام مادران که در بسیاری از جوامع به نحو روزافزونی مخدوش گردیده است حائز اهمیت و استحقاق فراوان می‌باشد."<sup>۵۶</sup>

اما در عین حال این بیانیه به لزوم دخالت خانواده نیز اشاره می‌کند:

"اما باید تأکید نمود که این مسئولیت دوگانه شکل دادن شخصیت طفل و پرورش قوای عقلانی وی متوجه تمامی خانواده از جمله پدر و پدر بزرگ و مادر بزرگ و جامعه نیز می‌گردد."<sup>۵۷</sup>

این گونه فعالیت‌ها در سازمان ملل متحد بیش از چهار دهه ادامه داشت تا در دسامبر ۱۹۹۲، هنگامی که بیت‌العدل اعظم تصمیم خود را مبنی بر تأسیس دفتری به عنوان نمایندگی جامعه بهائی برای پیشرفت زنان اعلام نمود، به اوج خود رسید. بیت‌العدل اعظم در نامه مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۲ خطاب به همه محافل ملی، اشاره می‌نماید که منظور دفتر جدید این است که:

"اصول دیانت بهائی را از طریق تعامل با نهادهای بین‌المللی که علاقمند به مسائلی هستند که بر حقوق، مقام و رفاه زنان اثر می‌گذارد، ترویج نماید. هم‌چنین این دفتر برنامه‌ها و پروژه‌هایی را که در آن مشارکت جامعه می‌تواند مشوق مساعی در جهت تحقق تساوی حقوق زن و مرد باشد، به محافل روحانی ملی توصیه خواهد نمود."<sup>۵۸</sup> (ترجمه)

بیت‌العدل اعظم بر اهمیت مخصوص این دفتر جدید با عبارات ذیل تأکید می‌فرماید:

"گشایش دفتر پیشرفت زنان به همراه سایر دفاتر جامعه بین‌المللی بهائی در نیویورک گام مهم دیگری در جهت اداره امور خارجی دیانت

بهائی می‌باشد و البته به‌جامعه ما وسیله‌ای ملموس برای کاربرد عملی یکی از اصول اساسی امر حضرت بهاءالله را ارائه می‌دهد.<sup>۵۹۱</sup> (ترجمه)

بیت‌العدل اعظم با این اعلام توجه ما را به این حقیقت جلب می‌فرمایند که از سال ۱۹۸۸ جامعه بین‌المللی بهائی در مقام هماهنگ‌کننده نهاد مدافعین امنیت غذایی آفریقا خدمت نموده است. این نهاد ائتلافی است از سازمان‌های غیردولتی، نهادهای سازمان ملل متحد و هیئت‌های بین‌دولتی که در سال ۱۹۸۶ به منظور آگاه نمودن زنان که تولیدکنندگان اکثر مواد غذایی خانگی در آفریقا هستند تأسیس گردید. بیت‌العدل اعظم هم‌چنین بر همکاری جامعه بین‌المللی بهائی با "صندوق توسعه سازمان ملل متحد برای زنان" تأکید می‌نماید.

دفتر پیشرفت زنان از بدو تأسیس، در نشان دادن رهبری از خود و معرفی مساعی جامعه بهائی برای پیشبرد مقام زن بسیار کوشا بوده است. با رهنمودهای این دفتر، نمایندگان رسمی جامعه بهائی در کنفرانس جهانی زن در شهر یکن در سپتامبر ۱۹۹۵ شرکت نمودند. این دفتر هم‌چنین در برنامه‌ریزی و برگزاری "گردهمائی سازمان‌های غیردولتی در امور زنان" سهم مهمی داشت که فعالیتی در کنار کنفرانس یکن بود و توانست پانصد زن بهائی را از سراسر جهان تشویق نماید تا فعالانه از این گردهمائی مهم حمایت نمایند. کتابی که تحت عنوان *The Greatness Which Might Be Theirs* از طرف دفتر پیشرفت زنان در ارتباط با کنفرانس یکن منتشر گردید نمایانگر دیدگاه دیانت بهائی در باره بعضی از مسائل مطرح شده در این کنفرانس می‌باشد.

دفتر پیشرفت زنان در بیانیه‌ای که در ماه مارس ۱۹۹۵ به سی و نهمین اجلاس کمیسیون مقام زن سازمان ملل متحد ارائه داد، با اشاره به لزوم تعلیم و تربیت دختران، از تصمیم کمیسیون مبنی بر اینکه "توجه به آموزش و پرورش دختران و زنان جزو اولویتهای موضوع توسعه قرار داده شود" استقبال نمود، ولی بیان داشت که تربیت مورد نیاز سه نوع است: تربیت مادی که به سلامت و رفاه جسمانی مربوط می‌گردد، تربیت انسانی که شخص را برای شرکت در فعالیت‌های جامعه متقدمان مانند تجارت، علوم، هنر و اداره

اجتماع آماده می‌سازد و نیز تربیت روحانی که به ارزش‌ها و توسعه و پیشرفت شخصیت و منش انسان مربوط می‌گردد. در باره نوع اخیر تربیت چنین بیان می‌دارد:

"تعلیم و تربیت روحانی یا اخلاقی تقریباً هرگز در خارج از مدارس مذهبی و یا ناحیه‌ای و محدود دیده نشده است و در بیشتر کشورهای پیشرفته به‌عنوان موضوعی تحمیلی و بی‌ارتباط با آموزش و پرورش نوین، از آن اجتناب شده و به‌ندرت در سطح بین‌المللی برای آن بودجه‌ای منظور شده است. این نوع آموزش مدعی بزرگی مقام روح انسانی با همه تنوع آن بوده روابط فرد را با پروردگار تأیید می‌نماید. ارزش‌های کلی انسانی مانند درستکاری، راستگویی، ادب، سخاوتمندی، احترام و شفقت از جهان جنگجو و سراسر اختلاف ما با سرعتی بیش از پیش در حال محو شدن است. از طریق آموزش اخلاقی یا پرورش شخصیت فرد، اعم از اینکه ضمن یک برنامه دینی و یا غیردینی رسماً ارائه شود و یا به‌طور غیررسمی توسط خانواده‌های خردمند و مراقب و یا اعضای جامعه‌ای که به ارزش‌های اخلاقی ارجح می‌نهد اعمال گردد به زندگی مفهوم بخشیده و به نسل‌های آینده منتقل می‌گردد."<sup>۶۰</sup>

خشونت علیه زنان مسئله‌ای است که به‌طور خاص مورد توجه دفتر پیشرفت زنان بوده است و این دفتر توجه و نظر خود را در باره این مسئله به کنفرانس جهانی حقوق بشر در وین، در ژوئن ۱۹۹۳ و به کمیسیون حقوق بشر سازمان ملل متحد در ژنو در ژانویه ۱۹۹۵ تسلیم نمود. این دفتر چنین بیان داشته است:

"خشونت خانگی برای بسیاری از زنان در سراسر جهان، صرفنظر از نژاد، طبقه و یا پیشینه تحصیلی، واقعیتی از زندگی است. در بسیاری از جوامع، اعتقادات سنتی که زنان را باری بر دوش جامعه می‌دانند آن‌ها را به آسانی هدف خشم جامعه قرار می‌دهند. در شرایط دیگر، نومی‌دی و یأس مردان در زمان ناپسامانی‌های اقتصادی، بر سر زنان و کودکان خالی می‌شود. در همه نقاط جهان خشونت علیه زنان ادامه می‌یابد، زیرا تنبیهی برای آن وجود ندارد."<sup>۶۱</sup>

و نیز اشاره می‌کند:

"اما به نحو روزافزونی روشن می شود که هر نوع خشونت علیه زنان نه فقط شأن قربانیان، بلکه شأن مرتکبین را نیز تنزل می دهد. کسانی که علیه زنان خشونت اعمال می کنند خود قربانیان نظام قدرت هستند. هنگامی که رقابت لگام گسیخته، تجاوز و ظلم و ستم بافت جامعه را از بین می برد، همه رنج می کشند. از دیدگاه آئین بهائی "از اجبار اختلال حاصل گردد و انتظام امور بشر مختل شود" و خشونت علیه زنان نشانه جدی این اختلال بزرگ تر امور بشری است"<sup>۶۲۱</sup>

این دفتر به راه های ریشه کنی این خشونت چنین اشاره دارد:

"عقاید و رسوم می که به اعمال جور و ستم بر زنان کمک می کند باید با توجه به موازین عدالت مورد تجدید نظر قرار گیرند. اصل تساوی بنیادین زن و مرد اگر به درستی درک شود، نهایتاً تمام روابط اجتماعی را متحول می سازد و به هر فرد اعم از مرد یا زن امکان می دهد که استعدادهای بی نظیر خود را شکوفا سازد. بهره برداری از قوای هر فرد، جامعه را به سوی بلوغ به پیش می برد. در حالی که اصل تساوی جنسی مورد پذیرش واقع می گردد، والدین، مدارس، دولت ها و سازمان های غیردولتی باید وظیفه خطیر انتقال آن را به نسل آینده به عهده گیرند."<sup>۶۲۲</sup>

دفتر پیشرفت زنان هم چنین مدعی است که:

"تداوم و افزایش خشونت علیه زنان، به وسیله افراد یا مؤسسات، اکثراً از ممنوعیت زنان از مشارکت در روندهای توسعه و تصمیم گیری ناشی می گردد. تعدیل عمیقی در دیدگاه جمعی نوع بشر لازم است که با در نظر گرفتن ارزش های عمومی و اصول روحانی هدایت شده باشد. وضع قوانینی مورد نیاز است که برای مقابله با بی عدالتی هایی که زنان با آن روبرو هستند، نمایانگر جلوه عملی تساوی جنسی باشد."<sup>۶۲۳</sup>

این دفتر برای رفع خشونت علیه زنان، تربیت مجدد مردان و زنان را نیز لازم می داند:

"اما مشکل خشونت را نمی توان حقیقتاً حل نمود، مگر آنکه مردان چنان تربیت شوند که زنان را شریک مساوی خود بدانند. هر گونه تلاشی در جهت حفظ زنان در مقابل خشونت مردان تا مادامی که پسران از سنین

خردسالی در این راستا تعلیم نیندند، صرفاً نتایجی کوتاه‌مدت خواهد داشت. به‌همین نحو تمام مساعی در جهت درک علل و نتایج خشونت علیه زنان که مردان در آن مشارکت نداشته باشند با شکست روبرو خواهد شد.<sup>۶۵</sup>

یکی از زیانبارترین و موحش‌ترین نوع خشونت‌هایی که علیه زنان اعمال می‌شود عمل مثله کردن آلت تناسلی یا ختنه دختران است. دفتر پیشرفت زنان در کنفرانسی که زیر نظر یونسف در باره استعمار جنسی و تجارتی کودکان در ماه مه ۱۹۹۶ در نیویورک برگزار شد و نیز در کنفرانس جهانی در بارهٔ دین و صلح، با ارائهٔ بیانیه‌ای گزارش می‌دهد که در مناطقی از جهان که ختنهٔ دختران مرسوم است، تشکیلات جامعهٔ بهائی وظیفهٔ خود می‌داند که با "برنامه‌های آموزشی مستمر که بر اصول روحانی و اطلاعات صحیح علمی مبتنی است" سعی در ریشه کن کردن این رسم نماید.<sup>۶۶</sup>

تأسیس و عملکرد دفتر جامعهٔ بین‌المللی بهائی برای پیشرفت زنان به مساعی بهائیان در سطح ملی انگیزهٔ بیشتری بخشیده تا توجه اجتماع را به تعلیم دیانت بهائی در مورد تساوی حقوق زن و مرد جلب نمایند. بیت‌العدل اعظم با شروع نقشهٔ چهار ساله در سال ۱۹۹۶ برای فعالیت‌های جامعه بهائی در سراسر جهان، از جامعهٔ بهائی خواستند که در تلاش‌های خود که در جهت اثر گذاری بر فرایندهای صلح جهانی در اجتماع به عمل می‌آید بر "مقام زن" تأکید مخصوص نمایند، این را می‌توان تداوم تأکید بر نقش زن در نیل به صلح جهانی دانست.<sup>۶۷</sup>

تعدادی از محافل ملی اقدام به تأسیس دفتر پیشرفت زنان نموده‌اند که در سطح ملی فعالیت می‌کنند و تحت رهنمودهای دفتر بین‌المللی می‌باشند؛ در حالی که در اروپا، تشکیل هیئت اجرائی زنان به عنوان عاملی برای پیشبرد و ترویج کنفرانسی برای زنان در سراسر قارهٔ اروپا و آموزش زنان به عنوان رهبران تحول اجتماعی عمل نموده است. علاوه بر آن، سازمان‌ها و انجمن‌های تخصصی مطالعات بهائی در برنامه‌های خود بر پیشرفت زنان تأکید نموده‌اند. سنگاپور با ارائهٔ گزارش بین‌المللی ۱۹۹۴ نقش قابل ملاحظه‌ای ایفاء نموده است. این گزارش چنین آغاز می‌شود:

"در سنگاپور کمیسیون زنان بهائی با شورای سازمان‌های زنان سنگاپور در انجام مطالعات جامعی در زمینه جنبش زنان همکاری نمود که نتایج آن در سال ۱۹۹۳ تحت عنوان *نظرها و گزینه‌ها: جنبش زنان در سنگاپور* منتشر گردید. یکی از دو خانم برجسته و والا در این نشریه شیرین فوزدار، یک زن بهائی است که شورای زنان سنگاپور را در سال ۱۹۵۲ بنیان نهاد. وی در دهه ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰ سخنگوی کمیسیون زنان سنگاپور بود و به‌عنوان یکی از پیشروان دفاع از حقوق زن در آسیا شمرده می‌شود.<sup>۶۸</sup>

دیدگاه بهائی به‌طوری که در فصل دوم این کتاب اشاره شد این است که انکار تساوی کامل زنان و مردان اثرات دیرپائی بر همه زمینه‌های فعالیت‌های بشری می‌گذارد. در بیانیه‌ای تحت عنوان *رفاه عالم انسانی* که از طرف دفتر اطلاعات عمومی جامعه بین‌المللی بهائی در ژانویه ۱۹۹۵ صادر شد، تأثیر تساوی جنسی در توسعه جهانی به این صورت مورد بحث قرار گرفته است:

"برای موفقیت در کوشش‌هایی که به منظور طرح‌ریزی و اجرای توسعه و عمران جهانی معمول شده، برقرار کردن تساوی کامل میان زن و مرد در همه شئون زندگی و در جمیع سطوح جامعه حائز اهمیت اساسی است.

در حقیقت موفقیت در این زمینه، خود معیاری برای ارزیابی موفقیت برنامه‌های توسعه و عمران است. با در نظر گرفتن نقش حیاتی فعالیت اقتصادی در پیشرفت تمدن، میزان دستیابی زنان به همه شعبه‌های فعالیت اقتصادی نشانه سرعت پیشرفت توسعه و عمران خواهد بود. چالش از تضمین توزیع منصفانه امکانات، گرچه این نیز مهم است، فراتر می‌رود. مسائل اقتصادی باید از بنیان مورد مطالعه مجدد قرار گیرد، به‌نحوی که همه تجارب بشری و بینش‌هایی که تا کنون در این گونه مباحث در نظر گرفته نمی‌شد به کار گرفته شود. اقدامات اقتصادی بدون توجه به خصوصیات افراد بشر، یعنی تنها تحصیل منفعت را هدف قرار دادن و انسان را به‌عنوان وسیله وصول به چنان هدفی به کار بردن، با نیازهای دنیائی که انگیزه و آرزوی عدالت و یگانگی را در سر می‌پروراند ناسازگار است. جامعه انسانی روز به‌روز بیشتر مجبور می‌شود الگوهای اقتصادی جدیدی بوجود آورد که پایه و اساسش درک و همدردی با

تجارب مشترک و روابط بین افراد بشر و شناخت نقش اساسی خانواده و جامعه در رفاه اجتماعی باشد. چنین راه‌گشایی فکری که نوع‌دوستانه است نه خودخواهانه، باید بر پایه معرفت روحانی و علمی نژاد بشری استوار باشد، و هزاران سال تجربه زنان را برای ایفای نقشی حسّاس در این کوشش عمومی آماده نموده است<sup>۶۹</sup>

در اکتبر ۱۹۹۵، پنجاهمین سالگرد تأسیس سازمان ملل متحد، جامعه بین‌المللی بهائی بیانیه‌ای تحت عنوان "نقطه عطفی برای همه ملل عالم" صادر نمود که شامل توصیه‌هایی برای اصلاح کارآئی سازمان ملل می‌باشد. در این بیانیه در قسمت مربوط به "پیشبرد مقام زن"، بیان زیر آمده است:

"بدون مشارکت کامل زنان در کلیه میادین فعالیت‌های بشری، ایجاد یک تمدن جهانی صلح‌آمیز و پایدار غیرممکن خواهد بود. در عین حال که پیشبرد موقعیت زنان به نحو روزافزونی مورد حمایت قرار می‌گیرد، ولی بین پذیرش عقلی و اجرای آن تفاوت فاحشی وجود دارد.

وقت آن فرا رسیده است که مؤسسات جهان که عموماً از مردان ترکیب شده‌اند، از نفوذ خود برای ترویج شمول سیستماتیک زنان در امور استفاده نمایند. این کار نباید با تفرعن و منت‌گذاری یا به گمان از خودگذشتگی، بلکه به عنوان اقدامی برخاسته از این باور که کمک و همکاری زنان شرط حصول پیشرفت جامعه است انجام شود. تنها هنگامی که کمک و همکاری زنان ارج نهاده شود، از این همکاری استقبال خواهد شد و جزئی از تار و پود اجتماع خواهد گشت. نتیجه این همکاری تمدنی صلح‌آمیزتر، متعادل‌تر، عادلانه‌تر و مرفه‌تر خواهد بود."<sup>۷۰</sup>

### ترویج توسعه اجتماعی و اقتصادی زنان

ترویج توسعه همه جنبه‌های روحانی، عقلانی، اجتماعی و اقتصادی حیات بشری همواره جزء انفکاک‌ناپذیر تعالیم و باورهای بهائی بوده است. همانگونه که بیت‌العدل اعظم اشاره می‌فرمایند: "وحدت عالم انسانی که در عین حال هم اصل اجرائی و هم هدف نهائی ظهور حضرت بهاءالله است



مستلزم رسیدن به انسجامی پویا بین نیازهای روحانی و عملی حیات در این عالم می‌باشد.<sup>۷۱</sup> (ترجمه)

در سال‌های اخیر رشد جامعه بهائی و گسترش آن حتی به دورترین مناطق جهان برای بهائیان این امکان را نه تنها ایجاد بل ضروری نموده است تا نقش برجسته‌تری در توسعه اجتماعی و اقتصادی مردم ناحیه محل سکونت خود داشته باشند.<sup>۷۲</sup>

روش دیانت بهائی روشی مشخص و ممتاز است زیرا در آن عامل مهم، جامعه بهائی محلی است که با انگیزه روحانی خود، مساعی‌اش در به کاربردن تعالیم و اصول حضرت بهاءالله و تعهدش به تصمیم‌گیری جمعی از راه مشورت بهائی، متمایز می‌باشد. در حالی که جامعه بهائی کاملاً علاقمند به گسترش تعالیم بهائی و جذب تعداد زیادی از مردم به این دیانت است، این تعالیم هم‌چنین پیروی از موازین عالی اخلاقی را ایجاب می‌نماید، موازینی که استفاده از وسائل مادی برای جلب افراد به این آئین را منع می‌کند.

تعداد و وسعت طرح‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی که در سراسر جهان در دست اقدام است با چنان سرعتی در حال رشد می‌باشند که نمی‌توان آن‌ها را به‌طور کامل و دقیق در این جا بررسی نمود. این طرح‌ها شامل برنامه‌های سوادآموزی؛ مدارس خصوصی؛ مؤسسات آموزشی ابتدائی، متوسطه و عالی؛ پروژه‌های کشاورزی و پزشکی؛ ایستگاه‌های رادیویی آموزشی؛ مؤسسات آموزشی حرفه‌ای جهت تولید درآمد؛ و برنامه‌هایی برای توسعه روستائی و بهداشت در سطح روستا می‌باشد.

در این قسمت توجه فقط به نمونه‌هایی از پروژه‌های تعلیم و تربیت، مراقبت‌های بهداشتی و تغییر گرایش که اصولاً در جهت اصلاح شرایط زنان بوده متمرکز خواهد بود. در این جا به هیچ‌وجه سعی نمی‌شود که یک بررسی جامع به عمل آید، بلکه منظور ارائه نشانه‌ای از جنبه‌های این موضوع است که در حال حاضر به آن توجه می‌شود.

## تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت دختران و زنان از زمانی که اولین برنامه‌های آموزشی در دوران حضرت عبدالبهاء در ایران آغاز گردید، بالاترین اولویت را در جامعه بهائی دارا بوده است. این برنامه‌ها همواره مورد تأکید بوده چنانچه بیت‌العدل اعظم در پیام آوریل ۱۹۹۶ به بهائیان آفریقا چنین می‌فرماید:

"والدین برای تعلیم و تربیت فرزندان پسر و دختر خود مسئولیت دارند. آن‌ها باید مراقب باشند که دختران مورد غفلت قرار نگیرند، زیرا دختران تحصیل کرده پیشرفت آینده جامعه را تضمین می‌نمایند، در واقع اگر شخص ملزم به انتخاب باشد، تربیت دختران باید مقدم شمرده شود. اصل تساوی حقوق زن و مرد که از تعالیم حضرت بهاءالله است با این موضوع ارتباط نزدیک دارد. بسیار مقتضی است که بزرگسالانی که بی‌سوادند، اعم از مرد و زن، در برنامه‌های سوادآموزی شرکت نمایند، تا به تدریج همه بهائیان قادر باشند کلام الهی را خود مطالعه نمایند." (ترجمه)

نمونه‌های بیشماری از برنامه‌های آموزشی بهائی که به منظور ترقی مقام زن طرح ریزی شده‌اند وجود دارند. مثلاً زنان هند با چالش دوگانه غلبه بر تعصب طبقاتی و پستی مقام اجتماعی در فرهنگ آن جامعه روبرو هستند. تشکیلات بهائی، مدارس و مراکز آموزشی جامعه به تدریج با این تعصبات سنتی رویارویی می‌نمایند، بدین نحو که ابتداء با ایجاد برنامه‌هایی به زنان و دختران آن دسته از مهارت‌های حرفه‌ای و خانگی را که در محیط کنونی قابل قبولند و به علت ایجاد درآمد اضافی ارزشمند هستند تعلیم می‌دهد. در ضمن این دوره‌ها، موضوع‌های دیگری مانند تعلیم و تربیت دختران، نظام طبقاتی، اتحاد، برنامه‌ریزی خانواده، وفاداری به حکومت متبوعه و شرافت انسانی به تدریج مطرح می‌شوند.<sup>۴</sup>

ویژگی‌های روش بهائی برای ارائه سوادآموزی به زنان با بررسی جزئیات اقدامات "مؤسسه حرفه‌ای فیضی برای زنان روستائی" در نواحی قبیله‌ای اطراف "ایندور" واقع در جنوب غربی "مدهیاپرادش" در هند نشان داده است که در حالی که مهارت‌هایی را به منظور ایجاد درآمد به زنان می‌آموزد، تحول اجتماعی مثبتی را نیز ترویج می‌نماید. این مؤسسه که در سال ۱۹۸۳

تأسیس گردید در این ناحیه قبیله‌ای که دچار محرومیت اقتصادی و اوضاع نامساعد اجتماعی است فعالیت می‌کند، جایی که ۹۰ درصد از زنان بیسوادند، یک نظام طبقاتی قوی در بین قبایل متعدد محلی حکمفرما است، فقر بسیار گسترده و زیاد است، خدمات بهداشتی موجود ناچیز می‌باشد و میزان تلفات در بین زنان و بخصوص کودکان دختر بالا است.<sup>۷۵</sup>

برنامه آموزشی رسمی "مؤسسه حرفه‌ای برای زنان روستائی" در آن نواحی قبیله‌ای که شرکت کنندگانی در مؤسسه دارند، انگیزه‌ای در جهت ترویج تحوّل اجتماعی بوجود می‌آورد. این انگیزه قوی نتیجه توجّه به بُعد روحانی هستی و اجرای اصل تساوی حقوق زن و مرد می‌باشد. با توجّه به دیدگاه بهائی که پیشرفت زنان را برای تحوّل اجتماعی ضروری می‌داند، این مؤسسه زنان را تشویق می‌نماید که استعدادهای وسیع اقتصادی، فکری، اجتماعی و اخلاقی خود را کاملاً پرورش دهند. به کارآموزان کمک می‌شود تا خود را از نظر استعداد با مردان مساوی بدانند و توانائی‌های ذاتی خویش را کشف کنند و راه‌های جدیدی برای کمک به رفاه جامعه بیابند. این زنان در مقام مادران تحصیل کرده احساس تازه‌ای در مورد اهمیت نقش خود در شکل دادن مجدد جوامع قبیله‌ای نیز پیدا می‌کنند. در این مؤسسه، زنان روستائی می‌توانند استعدادهای فکری خود را توسعه دهند، تعهد خود را نسبت به خانواده و جامعه خود قوی سازند و هنرهای مفیدی بیاموزند. حمایتی که به دنبال این آموزش در روستاها به عمل می‌آید اطمینان می‌دهد که فوائد حاصله از این آموزش متداوم باشد.

دوره‌هایی که مؤسسه ارائه می‌دهد منحصر به سوادآموزی نیست، گرچه این مسئله بسیار ضروری است. این دوره‌ها شامل تعلیم فعالیت‌هایی است که در آمد ایجاد می‌کند، مثلاً ساختن شمع، صابون، گچ، محصولات دستباف، فرش و کارهای دستی مانند تسبیح‌سازی و گلدوزی. این برنامه‌ها آموزش در باره حفظ سلامت و محیط زیست به صورت خدمات بهداشتی، کمک‌های اولیه و آگاهی از خطرهای محیط و اطلاعاتی در باره تکنولوژی‌های مفید روستائی مانند بخاری‌های کم مصرف بدون دود و وسائل تصفیه آب را نیز در بر می‌گیرد. از همه مهم‌تر شرکت زنان روستائی

در مؤسسه از طریق جلسات نیایش و مناجات و مطالعه نوشته‌های الهام‌بخش و نیز بحث در باره اصول روحانی و اخلاقی و به کاربردن آن‌ها در زندگی شخصی و مسائل اجتماعی معاصر، برای آنان امکان پیشرفت معنوی و روحانی فراهم می‌سازد. هم‌چنین مشهود است که مؤسسه از طریق تعاملات غیر رسمی به منظور ترویج آگاهی بیشتر اجتماعی، گرایش علمی نسبت به مسائل و مشارکت در فعالیت‌های برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری، در بین شرکت‌کنندگان خود تحوّل فکری به وجود می‌آورد.

یکی از عوامل مهم موفقیت این مؤسسه آن است که برنامه‌های آن بر اساس مشورت با محافل روحانی محلی اطراف "آیندور"، یعنی نواحی محل سکونت شرکت‌کنندگان طرح ریزی شده است. مشورت باعث پذیرش عقاید و روش‌های جدید می‌شود و موجب حمایت توده مردم برای مشارکت زنان در برنامه‌های کارآموزی و نیز ارج نهادن به کمک‌هایی که کارآموزان بعد از دوره‌های کارآموزی خود قادرند به جوامع محلی ارائه دهند می‌گردد. به‌خصوص محافل در برگزیدن کاندیداها کمک می‌کنند. آن‌ها از فعالیت‌های مؤسسه حمایت کرده به‌مردان روستا کمک می‌نمایند که اهمیت تعلیم و تربیت زنان را درک کنند و آنان را تشویق به شرکت در این برنامه‌ها نمایند تا بعد از تکمیل دوره‌ها، دانش و مهارت‌های حاصله را در خدمت جامعه بهائی به کار بندند.

بدیهی است برنامه‌های مؤسسه حرفه‌ای برای زنان روستائی اثر مهمی بر زندگی زنان روستا داشته است. در سطح فردی، این زنان اعتماد و عزت نفس پیدا کرده‌اند که با کسب مهارت‌ها و بالا رفتن آگاهی آنان از اصول روحانی و اخلاقی همراه می‌باشد. علاوه بر این، آن‌ها کمک مهمی به روند غلبه بر تعصّب طبقاتی می‌نمایند که کماکان در این قسمت از هند، روستائیان را از هم جدا می‌سازد.

در سطح اجتماعی، توسعه توانمندی زنان برای کسب درآمد مقام آنان را در نظر مردانشان بالا برده است. به علاوه تعلیم و تربیت در سوادآموزی، خدمات پزشکی و بهداشت نه تنها به اصلاح زندگی جسمانی آنان کمک نموده، بلکه اثر مثبتی بر حیات روستا نیز داشته است. مثلاً برنامه‌ای که توسط

فارغ‌التحصیلان مؤسسه برای تهیه آب آشامیدنی سالم در روستاها به اجرا درآمد منتهی به ریشه‌کنی کرم گینه در بیش از سیصد روستا در منطقه گردید. هم‌چنین اعضای مرد جامعه شروع به دفاع از حقوق زنان، حفظ منافع آنان و پیشبرد توسعه استعدادهای زنان نمودند.

نمونه‌های بسیار دیگری از برنامه‌های بهائی برای سوادآموزی در آفریقا، آمریکای لاتین و استرالیا دیده می‌شود. هنگامی که شرکت کنندگان از یک منطقه روستائی هستند، معمول است که کلاس‌های سوادآموزی با آموزش در کسب مهارت‌هایی مانند آشپزی، بهداشت اولیه، مراقبت از کودکان و خیاطی توأم گردد. چنانچه در مؤسسه فیضی در هند متداول است، مهارت‌هایی که ایجاد درآمد می‌کند نیز ممکن است تعلیم داده شود. در سایر موارد، مثلاً در یتیم‌خانه "لار لیندا تانور" Lar Linda Tanure که توسط جامعه بهائی ماناس Manaus در برزیل اداره می‌شود، کلاس‌های سوادآموزی برای زنان جزو یک برنامه آموزشی جامع است که از آموزش برای کودکان یتیم ناشی می‌گردد. در فرانسه، جامعه بهائی کلاس‌های سوادآموزی برای زنان ترک ارائه داده است و کلاس‌های مشابهی برای مهاجرین جدید در ایالات متحده آمریکا و در استرالیا نیز ارائه شده است.<sup>۷۶</sup>

مدارس بهائی در سطح متوسطه یا بالاتر معمولاً مختلط هستند. اما در بعضی جاها که اجتماع توانسته است امکاناتی برای ادامه تحصیل دختران بعد از سطح ابتدائی فراهم سازد، بهائیان تا آن‌جائی که منابعشان اجازه می‌دهد برای پاسخگویی به نیاز تحصیلی دختران نهادهائی تأسیس نموده‌اند. یک نمونه آن مدرسه بین‌المللی متوسطه دخترانه بنانی است که در ژانویه ۱۹۹۳ در زامبیا افتتاح شد، جائی که فقط ۲۰ درصد از دختران به تعلیم و تربیت دسترسی دارند. این مدرسه در حالی که به خاطر استانداردهای عالی آموزشی و لحن اخلاقی قابل تحسین‌اش مورد تقدیر مسئولین امور دولتی قرار گرفته است، برای دختران یک برنامه آموزشی جامع که مبتنی بر تعلیم عملی در علوم و کشاورزی می‌باشد ارائه می‌دهد.<sup>۷۷</sup>

سایر برنامه‌های آموزشی بهائی برای زنان در جهت کمک به آنها برای کسب تخصص در رشته‌هایی بوده است که آنها از نظر سنتی به آن دسترسی

نداشته‌اند. نمونه‌هایی از این برنامه‌ها یک دوره پنج روزه برای زنان بود که در یوگاندا توسط بهائیان با همکاری انجمن‌های زنان به منظور افزایش دانش شرکت کنندگان در مدیریت امور مالی، بازار یابی، و حسابرسی و نیز مسائل قانونی مربوطه تشکیل گردید. احتمالاً در سال‌های آینده، یک چنین دوره‌های تخصصی در آن کشورهایی که زنان به‌خصوص به چنین کمک‌های مفیدی نیاز دارند افزایش خواهد یافت.<sup>۷۸</sup>

### مراقبت‌های بهداشتی

اقداماتی که در جهت اصلاح وضع بهداشتی زنان در کشورهایی که به این مسئله توجه نشده است انجام می‌شود ریشه در اقداماتی دارد که به دستور حضرت عبدالبهاء برای تأمین خدمات پزشکی برای زنان ایرانی به عمل آمد. در سال‌های اخیر جامعه بهائی در بسیاری از نقاط جهان امکان آن را یافته است که به این نیاز توجه بیشتری نماید.<sup>۷۹</sup>

در بسیاری از موارد مانند مؤسسه فیضی در هند، آموزش بهداشت از برنامه سواد آموزی یا آموزش عمومی ناشی می‌گردد. خدمات جامعه بهائی در این زمینه دو گانه است: یکی آنکه اطلاعاتی در باره موضوع‌هایی که زنان از دیرزمان به آن دسترسی نداشته‌اند مانند بهداشت، بهزیستی و تغذیه در بر دارد، ولی شاید مهم‌تر از آن کمک‌های بهائیان در زمینه ارائه یک دیدگاه روشنفکرانه‌تر نسبت به جهان باشد. بدین طریق تعصبات رفع می‌گردد و اسطوره‌ها و استدلال‌های غلط در باره بهداشت شخصی و خانوادگی می‌تواند برطرف گردد. جریانی که در این جا در کار است بر پایه درک تطابق بین علم و دین می‌باشد که یکی از اصول بنیادین دیانت بهائی است.

یکی از نمونه‌های پروژه‌های بهائیان برای آموزش بهداشت طرحی است که اخیراً برای پرورش آگاهی بهداشتی در بین زنان نواحی کم‌درآمد، طی مدت پنج‌سال، بین سال‌های ۱۹۹۴ - ۱۹۸۹ در مالزی اجرا شد. هدف اولین مرحله "طرح آگاهی بهداشتی" آموزش بهداشت و پرورش کودک به مادران و خانواده‌ها در نواحی خاص و ارائه اصولی مفیدتر از رسوم موجود در منطقه در باره بهداشت و پرورش کودکان به مادران بود. اولین گام، ارائه

برنامه‌ای به منظور کاهش ابتلا به بیماری‌های پوستی، شپش، و کرم در بین خانواده‌ها در این مناطق کم درآمد بود. علاوه بر انجام خدمت مورد نیاز، این برنامه هم‌چنین در ایجاد رابطه‌ای خوب و بادوام با زنان محلی موفق شد و بدین ترتیب طرح آگاهی بهداشتی توانست ادامه یابد و ابتکارات پیشرفته دیگری از جامعه محلی به‌طور طبیعی ظاهر گردید.

در دومین مرحله، این طرح به ده ناحیه در ده استان منطقه گسترش یافت. در این نواحی هفت گروه قومی مختلف اکثریت و اقلیت در مناطق کم‌درآمد، منزوی و دورافتاده زندگی می‌کردند. هم‌چنان که طرح ادامه داشت حتی در دورافتاده‌ترین نواحی، مشارکت مردم به‌خصوص زنان افزایش یافت، به‌طوری که در یک منطقه حدود دویست زن و مرد و کودک در گردهمایی اولیه شرکت نمودند. از آن پس، تمایل به مشارکت در همه فعالیت‌ها، شامل مراقبت از دندان‌های کودکان، مراقبت‌های شخصی، شناخت ویتامین‌ها و اهمیت آن برای سلامت جسمی و قوای فکری، پرورش کودکان، گذراندن دوران بارداری سالم و شیردادن نوزادان افزایش یافت.

تأثیر مثبت این طرح را می‌توان در بهبود نظافت و بهداشت شخصی مردم در جوامعی که این طرح در آن‌ها اجرا شد و در افزایش علاقه مردم به مسائل بهداشتی مشاهده نمود. در نواحی دورافتاده‌تر و محافظه‌کارتر، زنان غالباً سئوالاتی در زمینه اسطوره‌ها و استدلال‌های غلط و خرافات در باره سلامت و بهداشت مطرح می‌کردند. چنین سئوالاتی نه فقط نمایانگر اعتماد آنان به متخصصین بهداشت بود بلکه تمایل آن‌ها را به اطمینان از صحت و سقم این عقاید از نظر علمی نیز نشان می‌داد.

هم‌چنین علاقه به تعلیم و تربیت و پرورش اطفال افزایش یافت. زنان در ۱۰ جامعه مختلف شناختی نسبت به کمک‌هائی که صرفاً از طریق بازی و معاشرت با فرزندان‌شان می‌توانستند در جهت تعلیم و تربیت آن‌ها ارائه دهند پیدا کردند. علاوه بر این، بیش از پیش از استعداد‌های خویش و لزوم پیشرفت خود آگاه شدند و بنابراین برای مشارکت و ارائه نظر و پیشنهاد و سازماندهی - و بالاتر از همه - رهبری، قدم پیش گذاشتند. بدین ترتیب این طرح موفقیتی بسی بیشتر از صرفاً ایجاد آگاهی از مسائل بهداشتی، حاصل

نمود بلکه زنان بیشتری را در سطح محلی برای مدیریت تعلیم داد و به ارتقاء مقام زن کمک نمود. به علاوه این طرح سایر فعالیت‌های توسعه را در منطقه موجب گردید. اعضای جامعه از لزوم انجام کارهای بیشتری برای جامعه خود آگاه شدند و بدین ترتیب برای حفظ منافع خود طرح‌های عمرانی دیگری مانند اسفالت کردن یک جادهٔ خاکی یا تشکیل کلاس‌های سوادآموزی را عهده دار شدند. زنان عموماً شروع به نشان دادن علاقهٔ بیشتری به آموزش و پرورش فرزندانشان نمودند.

مساعی جامعهٔ بهائی تنها به بهداشت و آگاهی در جهت حفظ سلامت منحصر نشده است. مثلاً در آفریقا در مناطقی که منابع معمولی تهیه پروتئین به لحاظ گرانی در اختیار نیست، به زنان تعلیم داده شده است که از محصول سویا جهت بدست آوردن پروتئین برای خوراک خانواده خود استفاده نمایند. در بسیاری از مناطق نه فقط به منظور بهبود محیط زیست، بلکه برای منافع حاصله از کاستن فرسایش زمین و کاهش گرد و خاک، به زنان درختکاری آموخته شده است.

### تغییر نگرش

از جمله اهداف اصلی دیانت بهائی نیل به تغییر نگرش مردان و زنان است تا به شناسائی کامل تساوی جنسی منتهی گردد. جوامع بهائی در بسیاری از کشورها برای اثرگذاری بر سایر جوامع سعی می‌کنند با سرمشق بودن و مطرح نمودن بحث، چنین تغییر بنیادینی را در اجتماع به وجود آورند.

شاید قابل ملاحظه‌ترین نمونهٔ فعالیت جامعهٔ بهائی در این زمینه طرح دو ساله‌ای است تحت عنوان "رسانه‌های سنتی در مقام عوامل تغییر" که توسط دفتر پیشرفت زنان وابسته به جامعهٔ بهائی با همکاری "صندوق توسعهٔ سازمان ملل برای زنان" UNIFEM در بولیوی، کامرون و مالزی و حمایت جامعهٔ بهائی در برزیل و نیجریه به اجراء درآمد.

گزارشی در بارهٔ این طرح، آن را با دارا بودن سه جزء اصلی به این نحو توصیف می‌نماید:



- این طرح سعی می‌کند ابتداء با آموختن ابزار مدرن تجزیه و تحلیل مانند گروه‌های خاص تحقیق و بررسی و مطالعه جامعه و نیز مشورت بهائی، مردم را کمک کند تا مستقیماً به تجزیه و تحلیل مشکلات خود بپردازند.

- سپس این طرح با تأکید بر اهمیت یک اصل اخلاقی مثبت که در این مورد تساوی حقوق زن و مرد است، به این تجزیه و تحلیل جهت می‌بخشد.

- نهایتاً این طرح با گفتگو در باره نتایج این تجزیه و تحلیل از طریق وسائل رایج و متداول غیر خبری مانند تئاتر، سرود و رقص که مطبوع‌تر می‌باشند سعی می‌کند در جامعه تغییر بوجود آورد.<sup>۸</sup>

این روند با تعلیم یک گروه برگزیده از بهائیان داوطلب در سطح ملی در زمینه مشورت بهائی، یعنی روشی ممتاز برای تصمیم‌گیری گروهی غیرمجادله‌ای که در فصل سوم مورد بحث قرار گرفت، و نیز در فنون جمع‌آوری اطلاعات از قبیل بررسی‌های مشارکتی و گروه‌های تحقیق آغاز گردید. هم‌چنین در ارزیابی، بایگانی و سازماندهی نیز آموزش‌هایی داده شد. این داوطلبان بعداً به جوامع محلی خود بازگشتند و جلسات آموزشی مشابهی را در سطح محلی تشکیل دادند و در نتیجه در هر دهکده یک گروه اصلی داوطلب برای اجرای این طرح وجود داشت.

هریک از این گروه‌های اصلی در حالی که با همکاری نزدیک با محفل روحانی محلی در ناحیه خود کار می‌کردند، با زنان و مردان جامعه در باره مسائل مربوط به نقش زنان مصاحبه می‌کردند سپس در باره مسائلی که شناخته شده بود مشورت‌هایی ترتیب می‌دادند. در یک مورد خاص از مردان و زنان خواسته شد که لیستی از وظائف روزانه خود تهیه نمایند که از آن به وضوح روشن گردید که لیست وظائف زنان به‌طور ثابت اقلأً دو برابر لیست وظائف مردان بود.

نتایج این بررسی‌ها اساس مشورت آنان در باره مشکلات و نیازهایشان قرار گرفت. به‌طور کلی سه مشکل اصلی مشخص شد: بیسوادی در بین زنان، عدم مدیریت در امور مالی خانواده از ناحیه مردان، و انبوه بار غیرمنصفانه

کاری که بر عهده زنان گذاشته شده بود. از طریق فرایند مشورت به مردم جامعه کمک شد تا با استفاده از وسائل رایج مانند سرود، رقص، داستان و نمایشنامه که همه توسط هنرمندان و مجریان محلی اجراء می‌شد، شیوه‌هایی برای ایجاد تغییر گرایش اتخاذ گردد. سپس این نمایش‌ها در جشنواره‌ها، برنامه‌های تفریحی شب و سایر گردهمائی‌های جامعه به تمامی مردم ناحیه ارائه گردید.

اهمیت این طرح در چند عامل است: برای رساندن پیام خود بر سواد متکی نیست؛ برای جمع‌آوری و تجزیه و تحلیل اطلاعات و طرح تدابیر سازنده جهت ایجاد تغییر، زنان و مردان هر دو را به کار می‌گیرد، و مشکل اصلی توزیع نامساوی کار در بین زنان و مردان را در سطح دهکده مورد توجه قرار می‌دهد.

بررسی‌ها نشان داده است که این طرح در بالابردن سطح مشارکت زنان در تصمیم‌گیری خانواده و جامعه، افزایش انگیزه زنان و دختران برای تحصیل، اشتغال بیشتر از ناحیه مردان به کارهای عادی خانه که قبلاً تماماً به زنان واگذار شده بود، موفقیت‌شایانی کسب نموده است.

گزارشی از این طرح بیاناتی از یک زن شرکت‌کننده را چنین نقل می‌کند:

"ابتداء این طرح هیچ مفهومی برای من نداشت. بعداً به مزایای آن پی بردم. اکنون می‌بینم که شوهرم که قبل از این طرح به من کمک نمی‌کرد تغییر کرده است. ما در خانه و در مزرعه با هم کار می‌کنیم. شوهرم اکنون بیشتر در کارهای خانه به من کمک می‌کند، کارهایی که قبلاً فکر می‌کرد تنها وظیفه زن است. او بچه را بغل می‌کند، ظرف‌ها و لباس‌ها را می‌شوید. من هم به اهمیت تعلیم و تربیت کودکان و اینکه این کار در درجه اول وظیفه من می‌باشد پی برده‌ام و اکنون سعی می‌کنم که بهتر از فرزندانم مراقبت نمایم. من این امور را از طریق سرودها آموختم، زیرا وقتی به سرود گوش می‌دهم با دقت به آنچه گفته می‌شود توجه می‌کنم."<sup>۸۱۱۱</sup>

مردی که در این طرح شرکت کرده بود می‌گوید:

"این‌جا در این دهکده معمول نبود که مردان و زنان با هم کار کنند اما در طول این طرح با کمال تعجب دیدم که آن‌ها دوش به دوش هم کار می‌کنند. من شخصاً شاهد تغییری در زندگی خودم بودم. هم‌چنین در مورد تساوی زن و مرد، مشاهده می‌کنم که طرز فکر و رفتار مردان تغییر کرده است. حال، آن‌ها با زنان خود مشورت می‌کنند و من نیز چنین می‌کنم. قبل از این پروژه بسیار دشوار بود که بدانیم زنان با پول‌ها چه می‌کنند، اما اکنون زن من در این مورد با من مشورت می‌کند. من با زنم در یک مزرعه با هم کار می‌کنیم و من مثلاً در تمیز کردن خانه به او کمک می‌کنم، کاری که هرگز در گذشته نکرده بودم."<sup>۸۲</sup>

بر موفقیت این طرح بقدری تأکید گردیده که شایسته است در مقیاسی وسیع‌تر گسترش یابد. به علاوه ویدئوئی تحت عنوان "دو بال" در باره این طرح تهیه گردیده و برای جلب توجه بیشتر در سطح وسیعی توزیع شده است.<sup>۸۳</sup>

### اهمیت نمونه‌ها

در این قسمت فقط چند نمونه مورد بحث قرار گرفته است و بدون شک در آینده نزدیکی نمونه‌های جامع‌تر دیگری از فعالیت‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی بهائی ارائه خواهد شد. با این حال، این پروژه‌ها نمایانگر آن است که جامعه بهائی نمونه‌های یک روش تکاملی را برای ایجاد تغییرات بنیادین در گرایش و رفتار ارائه می‌دهد، نمونه‌هایی که به تدریج به نحوی نزدیک‌تر با آرمان و بینش اتحاد و مساوات که در آثار حضرت بهاءالله منعکس است و توسط کسانی که خود را منتسب به آئین او می‌دانند ارائه می‌گردد، تطبیق دارد. روشی که اتخاذ گردیده معرف تعهدی است به ایجاد تغییر در طی یک مدت معین و نشان‌دهنده قدرت ایمان به عنوان عامل تغییر می‌باشد. این روح ایمان است که موجب تشویق و تقویت شرکت‌کنندگان در فعالیت‌های مطالعاتی دائمی در جامعه بهائی می‌گردد و به طرح‌های توسعه اجتماعی و اقتصادی نیرو می‌بخشد و موجب نیل به اهدافشان می‌شود.

چندین برنامه توسعه اجتماعی و اقتصادی که شرح داده‌ایم گواهی است آشکار بر قدرت دیانت بهائی و تعهد پیروان و نهادهای آن در ایجاد تغییرات بنیادین اجتماعی که می‌تواند تعصبات سنتی و طرز فکر و رفتار تبعیض‌آمیز دیرینه را در قسمت‌هایی از جهان که زنان در حیات اجتماعی ناپیدا و اکثراً تحت ستم فراوان هستند، تغییر دهد.

## فصل هفتم

به مرحلهٔ عمل در آوردن مساوات

تغیر یک روند تکاملی است که مستلزم صبر و تحمل در قبال خود و دیگران،  
تعلیم و تربیت محبت‌آمیز و گذشت زمان می‌باشد تا مؤمنین اطلاعات خود را  
از اصول دیانت بهائی عمیق سازند و به تدریج نگرش سستی دیرینه را ترک  
کنند و تدریجاً حیات خود را با تعالیم اتحادبخش امر الهی تطبیق  
دهند. (ترجمه)

بيت العدل اعظم

## ضرورت اخلاقی

بدیهی است دیانت بهائی از نظر تعهدی محکم نسبت به تساوی زن و مرد و مرتبط ساختن قاطعانه این اصل با تمامی تعالیمش و منظور نمودن تفاوت وظائف، موقعیت ممتازی را در بین ادیان جهان دارا است.

از دیدگاه بهائی، منظور از دین تقلیب روحانی ارزش‌ها و رفتار انسانی هم در سطح فردی و هم اجتماعی است. در نتیجه دیانت بهائی بر اجرای تعالیمش از جمله تعالیمی مانند تساوی زن و مرد که با رسوم و سنن متداول اجتماعی متفاوت است، تأکید زیاد دارد.

در فصل‌های پنجم و ششم به تلاش‌هایی که در جهت اجرای این اصل در جامعه بهائی، و نیز با ارائه نمونه و تشویق در جوامع دیگر، تحت رهنمودهای مرکز امر بهائی انجام شده اشاره شد. ویژگی‌های ممتاز این تلاش‌ها عبارت است از ثبات در کوشش و صبر و شکیبائی در تشخیص عظمت و پیامد تغییرات فکری و رفتاری که باید صورت گیرد. بهائیان می‌پذیرند که این فرایند کامل نیست، زیرا عادات شکل گرفته طی قرون گذشته باید تغییر کند، و رسوم سنتی شکسته شود. تعالیم بهائی به زن و مرد هر دو کمک می‌کند که شخصی‌ترین جنبه‌های زندگی خانوادگی و خصوصی‌ترین روابط اجتماعی خود را دگرگون سازند. بهائیان در سراسر جهان به‌واسطه دستورات دینی روشن خود نسبت به تساوی زن و مرد، خود را مردمی می‌دانند که با مساعی جدی و مستمر خویش می‌کوشند این اصل را به مرحله اجرا در آورند. در این راه موفقیت‌های شایانی حاصل شده و این توفیقات مؤثر بوده است، ولی هنوز راه درازی در پیش است.

مسئله اصلی آزادسازی نیمی از تمامی نوع بشر از قیودی است که در طی قرن‌های متمادی تحت آن زیسته‌اند. برای بهائیان این امر بسی عظیم‌تر از صرفاً اصلاح و هماهنگی اجتماعی است، و فوائد آن از رهاسازی نیرو و توانائی‌های بسیار بیشتری برای پیشبرد تمدن فراتر می‌رود. بهائیان ترجیحاً این مسئله را یک امر اساساً اخلاقی می‌دانند که با اعتقاد به ارزش روحانی انسان و لزوم آزاد سازی روح برای پرستش خداوند مرتبط می‌گردد. بنابراین الزامی

که بهائیان را به انجام مساوات و ادار می کند از وظائفشان در قبال خالق خود و تلاش ابدی آنان برای پیشرفت روحانی ناشی می گردد.

در این جا ما به نقش فرد بهائی به عنوان عضوی از یک جامعه محلی بهائی، در اجرای تساوی جنسی در زندگی روزانه خود توجه داریم. با توجه به فصول گذشته، به کارگیری عناصر مختلف تعالیم بهائی را که در آن فصول مورد بحث قرار گرفت در فرد مورد بررسی و مطالعه قرار خواهیم داد. روشی که در این جا مطرح گردیده اساساً استفاده از یک طرح عمومی است که برای اجرای همه اصول دیانت بهائی توصیه شده است. ابتداء اجرای تعالیم بهائی را به طور کلی مورد بررسی قرار می دهیم که این خود زمینه مناسبی برای دقت در به کارگیری اصل تساوی زن و مرد ارائه می دهد.

### پیاده کردن تعالیم بهائی در عمل

برای تجزیه و تحلیل روشی که طی آن یک فرد بهائی می کوشد تا تعالیم بهائی را از طریق رفتار شخصی خود نشان دهد باید ضرورت ماهیت روحانی این روند را در نظر داشت. هم چنین باید به تشویق و تقویت حاصله از فعل و انفعالات سازنده با جامعه نیز توجه مقتضی مبذول نمود.

### بعد روحانی

بسیاری از اصول دیانت بهائی از جمله وحدت عالم انسانی، اهمیت تعلیم و تربیت عمومی، تساوی حقوق زن و مرد و لزوم تحرّی حقیقت و لغو تعصبات، امروزه دیگر منحصر به این دین نیست. آن بخش از جمعیت جهان که خود را روشنفکر، آزادی خواه و آینده نگر می دانند عموماً این اصول را پذیرفته آن ها را معتبر می شمردند. به این دلیل در بررسی به کارگیری تعالیم بهائی در رفتار عملی، باید به این سؤال توجه شود که چه چیز در دیانت بهائی باعث ایجاد انگیزه در پیروانش برای پیاده نمودن تعالیم در عمل می گردد که بر آنچه که دیگران است دارند برتری دارد. پاسخ به این سؤال ممکن است برای کسان دیگر نیز مفید باشد، کسانی که تعالیم بهائی را قابل



تحسین می‌دانند ولی نمی‌خواهند عضوی از این جامعه باشند چون معتقدند که بدون قیودی که ظاهراً پیوستن به یک جامعه مذهبی سازمان یافته ممکن است بر آنان تحمیل نماید، می‌توانند تعالیمش را اجرا نمایند.

ثبت نام به عنوان عضوی از جامعه بهائی موکول است به پذیرفتن ادعای حضرت بهاءالله که مظهر الهی است و ظهوری را رهبری می‌نماید که نمایانگر کلام خدا برای این دوران از تاریخ بشر است و بنابراین حقیقتی الهی دارد. تحرّی حقیقت که یکی از اصول دیانت بهائی است مستلزم آن است که چنین ادعائی کورکورانه پذیرفته نشود، بلکه شخص متحرّی باید با تحقیق و شواهد مقتضی به صحّت این ادعا پی برد. ماهیت این شواهد برای هر شخص متفاوت خواهد بود ولی کیفیت حیات حضرت بهاءالله، ماهیت تعالیم او، تحقّق پیش‌بینی‌های پیامبرگونه وی، تناسب احکام او با نیازهای این زمان را شامل می‌گردد. اعتقاد نهایتاً از ایمان ناشی می‌شود که از تجزیه و تحلیل عقلانی فراتر می‌رود و لی مخالف عقل نیست. به این ترتیب پذیرفتن ادعای حضرت بهاءالله متکی بر ایمان کورکورانه نیست، بلکه نتیجه یک سلسله مراحل تحقیقی است که در آن عموماً قدرت منطقی و عقل ارزشمندترین نقش را ایفا می‌کند.

یک بهائی چون بر این باور است که این تعالیم از اراده الهی ناشی شده‌اند از تعالیم حضرت بهاءالله پیروی می‌کند. این اعتقاد انگیزه‌ای قوی‌تر از میل به ایجاد جامعه‌ای بر مبنای انصاف و عدالت و یا آرزوی حفظ حقوق بشر است. یک مؤمن با آگاهی به این حقیقت که این تعالیم نمایانگر راه پیشرفت روحانی است و به آزادی روح انسانی و رسیدن به خوشبختی و موفقیت حقیقی منتهی می‌شود ملزم به انجام آن‌ها از روی ایمان است. بیت‌العدل اعظم می‌فرماید:

"همانگونه که قوانینی بر حیات جسمانی ما حاکم است و اگر بخواهیم دچار مشکلات بدنی نشویم باید غذاهای خاصی را به بدن برسانیم و بدن خود را در درجه حرارت بخصوصی نگهداریم و اموری از این قبیل، به همین نحو قوانینی نیز بر حیات روحانی ما حکمفرما است. این قوانین در هر زمانی توسط مظاهر الهی بر بشر ظاهر می‌شوند و اگر قرار است هر فرد

و بشریت به طور کلی به نحو شایسته و هماهنگ رشد کند، اطاعت از این قوانین بسیار حائز اهمیت می‌باشد.<sup>۱۱۱</sup> (ترجمه)

چنین دیدگاهی در ایجاد اراده، پشتکار و استقامت بسیار حائز اهمیت است زیرا اجرای این قوانین غالباً مشکل بوده مستلزم آن است که بر تعصبات غلبه گردد و الگوهای تازه‌ای برای فکر، رفتار و فعالیت عملی کسب شود و این امور تداوم یابند.

بررسی بُعد روحانی بدون اشاره به اسرارآمیزترین جنبه آن یعنی عامل نیروبخشی که در ادبیات ادیان و به‌خصوص در آثار بهائی به عنوان قدرت روح القدس توصیف شده است کامل نخواهد بود. علم جدید حوزه‌های فوآئی نامرئی را که از فواصل دور عمل می‌کنند - مثلاً نیروی الکترومگنتیزم، نیروی جاذبه زمین و نیروهائی که در درون هسته اتم در کارند شناسائی نموده و فهم و درکی از آن ارائه می‌دهد. آثار بهائی اشاره می‌کنند که قدرت روح القدس در درون عالم خلقت عمل می‌کند. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "فهمیدیم نفثات روح القدس مؤثر در وجود است" و شرح می‌دهند که "از فیوضات روح القدس است تا مدیثت روحانیّه تأسیس شود" و در مورد نفثات روح القدس اشاره می‌کنند که "در هویت قلوب دمید و حیات ابدیه بخشید"<sup>۱۱۲</sup>. از این بیانات و سایر نوشته‌ها در آثار بهائی روشن می‌شود که این قدرت منبعی از انگیزه و نیرو برای به‌اجراء در آوردن تعالیم است که بسیار مافوق آن چیزی است که از قدرت بشری به تنهایی ساخته است. بهائیان معتقدند که پذیرفتن ادعای حضرت بهاءالله که مظهر الهی برای این زمان است به همراه مساعی خالصانه آن‌ها در اجرای این تعالیم به آنان امکان می‌دهد تا از تأییدات و تجلیات تازه‌ای از قدرت روح القدس مدد گیرند. آگاهی از حقیقت و امکانات این قدرت، منشأ آن خوشبینی در باره توانائی انسان است که می‌تواند گرایش‌ها و ارزش‌های خود را تغییر دهد تا نمایانگر دیدگاه بهائی در باره شرایط آینده بشریت باشد.

## رفتار فردی

آثار بهائی رهنمودهای روشنی در باره روشی که یک فرد باید در جریان متحول سازی ارزش‌ها و رفتار شخصی که هدف اصلی دیانت بهائی است به کار گیرد، ارائه می‌دهند. این جریان با تلاشی برای به اجرا در آوردن تعالیم آغاز می‌شود. همان‌طور که قبلاً ذکر شد کوشش و تلاش جاذب تأییدات روح القدس است که تلاش اولیه را هر چقدر هم ناچیز باشد قوت می‌بخشد و بزرگ جلوه می‌دهد. حضرت ولی امرالله از طریق منشی خود چنین مرقوم فرموده‌اند که "نفس عمل برای خدمت، هر قدر ناچیز، جاذب تأییدات الهی است و شخص را قادر می‌سازد که برای انجام وظیفه مربوطه شایستگی بیشتری پیدا کند" (ترجمه به مضمون). هم‌چنین از طریق منشی خود فرموده‌اند که "هر چقدر سخت‌تر برای نیل به هدف خود بکوشید، تأییدات حضرت بهاءالله عظیم‌تر خواهد بود و شما در نیل به موفقیت مطمئن‌تر خواهید شد."<sup>۳</sup> (ترجمه به مضمون)

روند تقلیب شخصی اساساً حرکتی است ادواری و از طریق فعل و انفعالات متقابل سازنده، بین کوشش و نیروهای روحانی به‌وقوع می‌پیوندد. کوشش اولیه جاذب قوای نیروبخشی است که اثرات آن فرد را قادر می‌سازد تا تلاش بیشتری نماید و بدین ترتیب قوای روحانی بیشتری را جذب کند و به نوبه خود به کوشش‌های باز هم بیشتری منتهی گردد و این چرخش دایره‌وار ادامه یابد. دقت بیشتری در آثار بهائی نشان می‌دهد که این جریان به‌واسطه امتحانات و پس‌رویی‌ها و عملکرد ماهیت روحانی و مادی انسان، قدری پیچیده‌تر از آن است که این‌جا ارائه می‌شود، ولی ویژه‌گی اصلی آن همانگونه است که توصیف شد.

به این دلیل به فرد بهائی توصیه می‌گردد که با اطمینان کامل از اینکه این آغاز با پشتکار در طول زمان به تغییرات عظیمی منتهی خواهد شد، این روند را آغاز نماید. اصولاً دعا و نیایش در تعالیم بهائی - از جمله نماز، روزه نوزده روزه سالانه، و مطالعه روزانه آثار الهی\*<sup>۹</sup> - همه بدین منظور است که

\*<sup>۹</sup> به کتاب *The Path Towards Spirituality: Sacred Duties and Practices of the Bahá'í Life* از انتشارات پالابرا ۱۹۹۶ مراجعه شود.

به فرد مؤمن قدرت روحانی لازم را برای تقلیب رفتار فردی اعطاء کند. در نامه‌ای که از طرف حضرت ولی امرالله نوشته شده چنین آمده است:

"قدرت الهی می‌تواند شخصیت ما را به کلی تغییر دهد و از ما موجوداتی کاملاً متفاوت با آنچه که قبلاً بوده‌ایم بسازد. از طریق دعا و مناجات و اطاعت از احکام الهی که توسط حضرت بهاءالله نازل گشته و خدمت روزافزون در راه امرش، ما می‌توانیم خود را متحول سازیم."<sup>۴۴</sup> (ترجمه به مضمون)

یکی از اجزای مهم این جریان رشد و پیشرفت روحانی ارزیابی و تجدید نظر مکرر سازنده است. حضرت عبدالبهاء این نیاز را با اصطلاحاتی شاعرانه چنین توصیف می‌فرمایند:

"بنابراین به شما می‌گویم که انسان باید در راه خدا حرکت کند. باید روز به روز سعی کند که بهتر شود، ایمانش باید زیادتر گردد و ثابت قدم‌تر گردد، خصایص نیکوی وی و توجهش به خدا باید زیادتر شود، آتش عشقش باید سوزان‌تر شعله ور گردد، آن وقت است که روز به روز ترقی کند، زیرا توقف در پیشرفت به معنی تدتی است. مرغ تا پرواز می‌کند و رو به اوج می‌رود در ترقی است، چون توقف نماید رو به تدتی است. هر روز صبح که برمی‌خیزید باید امروزتان را با دیروز مقایسه کنید و ملاحظه کنید که در چه شرایطی هستید. اگر ملاحظه کردید که ایمان شما قوی‌تر است و قلبتان بیشتر به خدا مشغول و بر میزان عشقتان افزوده گشته و از این عالم آزادتر شده‌اید آنگاه شکر خدا را بجای آرید و آرزوی افزایش این خصائص نمایید. باید دعا کنید و برای خطاهائی که مرتکب شده‌اید اظهار ندامت کنید و تأیید و توفیق طلبید که بهتر از دیروز شوید تا به ترقی خود ادامه دهید."<sup>۴۵</sup> (ترجمه به مضمون)

یک چنین ارزیابی اخلاقی متناوب تنها به برنامه روزانه منحصر نمی‌شود. فعالیت‌های عبادتی حیات بهائی ملاحظه و ارزیابی رفتار را در زمان‌های مختلف در طول سال، از جمله ایام متبرکه بهائی که سال‌روز وقایع مهم آئین بهائی است در بر می‌گیرد. در نه روز از این ایام متبرکه، کار در صورت امکان متوقف می‌گردد و هر جامعه بهائی جلسه دعا برای این ایام تشکیل

می‌دهد. این ایام خاص، فرصت مناسبی به بهائیان می‌دهد که روال زندگی روزانه خود را متوقف سازند و در مساعی خود در راه پیشرفت روحانی تأمل و تفکر نمایند.

دوره مهم دیگری در حیات عبادتی بهائی، ماه روزه است که هر سال در ماه مارس به مدت نوزده روز از طلوع تا غروب آفتاب می‌باشد. اهمیت این عبادت در نامه‌ای که از طرف حضرت ولی امرالله در ژانویه ۱۹۳۶ نوشته شده توضیح داده شده است:

"ایام صیام فی الواقع دوره دعا و مناجات و تأمل است که طی آن فرد مؤمن باید بکوشد تا در حیات درونی خود تعادل لازم را برقرار ساخته قوای روحانی را که در روحش به ودیعه نهاده شده تجدید نماید. بنابراین اهمیت و مقصد آن از نظر ماهیت اساساً روحانی است. روزه حالتی نمادین دارد و یادآور پرهیز از امیال نفسانی و جسمانی است." (ترجمه به مضمون)

البته تجویز ارزیابی متناوب نفس مخاطراتی نیز در بر دارد. در آئینی که از کشیش و ملا، اعتراف به گناهان و یا اقتدار رهبران مذهبی عاری می‌باشد، این موضوع یک مسئله بسیار خصوصی و شخصی است. فرد باید از زیاده‌روی در هر دو جهت پرهیزد، یعنی هم پرهیز از بازیابی مبتنی بر رضامندی از خود که می‌تواند به خودبینی و بی‌ارادگی منتهی گردد و هم از قضاوت بیش از حد ظالمانه و محکوم‌کننده در باره خود که می‌تواند موجب بروز احساس گناه و یأس و نومیدی گردد.

باز باید گفت که تعالیم بهائی اهمیت بسیاری به سعی و کوشش می‌دهد، چه که کوشش است که قوای روحانی نیروبخش، یعنی تأییدات الهی را جذب می‌کند. این تأکید بر کوشش بسیار مهم است. وقتی که ارزش اصلی به‌جای "کوشش"، برای "موفقیت و پیروزی" منظور می‌گردد، افراد این چنین نتیجه‌گیری می‌کنند که به پیشرفت روحانی نائل گشته‌اند و دیگر نیازی به کوشش بیشتری برای اصلاح شرایط خود ندارند، نتیجه حاصله غالباً تکبر یا مقدس‌نمائی خواهد بود. تأکید بر "کوشش" به آن دسته از مؤمنینی که به‌طور اشتباه احساس می‌کنند که اعمال غیرمذهبی گذشته آن‌ها

نومیدکننده و به دور از رستگاری بوده احساس آرامش و رضایت می‌بخشد وقتی که متوجه می‌شوند که تعهدشان به کوشش، شرط اول حیات بهائی را تأمین می‌کند. این بدان معنا نیست که موفقیت اهمیتی ندارد، بلکه تأکید بر کوشش نمونه‌ای از جریان گرایش تکاملی تعالیم بهائی و اطمینانی است که در این تعالیم ارائه شده است، این کوشش مستمر که با قدرت روح القدس تقویت شده است در ایجاد تحول و تقلیبی مؤثر موفق خواهد بود.

همه مبانی تعالیم بهائی در باره رفتار شخصی یک کلیت واحد و به هم وابسته را تشکیل می‌دهد و طبعاً از یک بهائی به عنوان یکی از پیروان حضرت بهاءالله انتظار می‌رود که صادقانه بکوشد که به همه این تعالیم بدون قید و شرط عمل نماید. مثلاً برای یک فرد بهائی از نظر منطقی تناقض آمیز خواهد بود اگر کوشش برای اجرای تساوی نژادی را معوق گذارد تا آنکه بتواند بر قصور در سایر موارد رفتاری فائق آید. به همین نحو هیچ فرد بهائی نمی‌تواند تصمیم بگیرد که کاملاً خود را نسبت به اجرای تساوی جنسی متعهد سازد مگر آنکه سایر جنبه‌های رفتار شخصی خود را اصلاح نماید. در این ارتباط توجه به پاسخ حضرت ولی امرالله به یک فرد جالب است که در نامه‌ای که از طرف ایشان نوشته شده به آن فرد که پرسیده بوده که شرایط روحانی وی در پیشگاه خداوند چگونه خواهد بود اگر او در یکی از جنبه‌های رفتاری خود، مثلاً جنبه جنسی، سوء رفتار داشته باشد، در حالی که سعی می‌کند سایر جنبه‌های تعالیم بهائی را رعایت نماید، چنین راهنمایی کرده‌اند:

"خداوند هر نفسی را بر حسب لیاقت و شایستگی‌اش مورد قضاوت قرار می‌دهد. حضرت ولی امرالله نمی‌توانند به شما بگویند شخصی که در اکثر موارد به جز این یک مورد حیات خوبی داشته باشد در نزد خداوند چگونه است. تنها می‌توانند به شما بگویند که این رفتار از طرف حضرت بهاءالله ممنوع شده است و کسی که به آن مبتلا است باید به‌طور مکرر بکوشد که بر آن فائق آید. ما باید به بخشش خداوند امیدوار باشیم ولی خود را بر آن تحمیل نکنیم."<sup>۷۱۱</sup> (ترجمه به مضمون)

اصول دینت. بهائی در باره رفتار فردی صفاتی را توصیف می کند که شخص مؤمن باید سعی کند آن ها را در حیات روزانه خود بروز دهد. این تعالیم مقررات رفتاری مکانیکی غیر قابل انعطاف دقیقی را برای پیروی تعیین نمی کنند. امکان ابراز خصوصیات فردی و تفاوت های فرهنگی در محدوده ای که توسط تعالیم تعیین شده است وجود دارد؛ تبعیض نژادی یا رفتار تعصب آمیز نسبت به زنان را هرگز نمی توان بر این اساس که این گونه رفتار جزوی از سنن فرهنگی دیرینه هستند توجیه نمود. یک مؤمن با استفاده از تعالیم بهائی به عنوان معیار و ملاک، طبیعتاً در تصمیم گیری روزانه در باره رفتار شخصی خود توانائی قضاوت صحیح کسب می نماید. در نامه ای از طرف بیت العدل اعظم در پاسخ به درخواست یکی از بهائیان مبنی بر تعیین مقرراتی دقیق برای یکی از جنبه های رفتار بهائی چنین آمده است:

"تعیین مقرراتی که بتوان آن را در هر موقعیتی اعمال نمود برای بیت العدل اعظم نه ممکن است و نه مطلوب، بلکه این وظیفه فرد است که با درکی که از طریق دعا و مناجات از آثار کسب می نماید تصمیم بگیرد که با رویارویی با هر موقعیتی در زندگی روزانه دقیقاً چه رفتاری پیش گیرد. اگر فرد بخواهد در مقام یکی از پیروان حضرت بهاء الله به هدف واقعی زندگی خود نائل آید باید زندگی خویش را برطبق تعالیم این آئین تنظیم نماید. فرد مؤمن نمی تواند صرفاً بر طبق مجموعه ای از مقررات انعطاف ناپذیر به این مقصد نائل گردد. هنگامی که زندگی اش در جهت خدمت به حضرت بهاء الله باشد و وقتی که هر عمل آگاهانه ای در چارچوب این ارزش ها صورت گیرد، او در رسیدن به مقصد واقعی زندگی خود مشکلی نخواهد داشت.

بنابراین هر فرد مؤمن باید به طور مستمر آثار مبارکه و دستورات حضرت ولی امرالله را مطالعه کند و همواره بکوشد درک بهتر و تازه تری از اهمیت آن تعالیم در زندگی فردی خویش و حیات جامعه خود کسب نماید. او باید برای جلب هدایت الهی و حکمت و توانائی انجام آنچه

موجب رضای الهی می گردد مشتاقانه دعا کند و با تمام قوا به خدمت حق قیام نماید.<sup>۸۱۱</sup> (ترجمه)

مشاهده و تجربه هر دو تأیید می کنند که سعی در به کارگیری تعالیم بهائی در رفتار شخصی از نظر روحانی و عقلانی رهایی بخش بوده ضمن غنی ساختن تجربه و بینش فرد، از افکار مقید، کوته بینانه و تجارب محدودی که اغلب با رعایت قواعد دینی در جوامع دیگر همراه است بسیار فاصله دارد.

### تأثیر متقابل در اجتماع

برخلاف نظر متداول در بسیاری از ادیان، دیانت بهائی پیشرفت روحانی فرد را از طریق انزوا و کناره گیری از اجتماع امکان پذیر نمی داند. رهنمود آن برای پیشرفت، مستلزم گوشه گیری از جهان و دوری از آمیزش و داد و ستد اجتماعی نیست و به هیچ وجه از انزوا در اماکن دورافتاده به منظور جذب شدن کامل به امور عبادتی و نیایشی حمایت نمی نماید.

در واقع تعالیم بهائی به ما این آگاهی را می دهد که فرد از طریق فعالیت در اجتماع بشری و با ادامه معاشرت با دیگران در جامعه، بهتر می تواند به هدف شخصی پیشرفت و تحول روحانی نائل گردد. این نظر مبتنی است بر شناسائی ارتباط و پیوستگی بین برون و درون، یعنی توسعه روحانی درونی تحت تأثیر محیط وسیع تر مادی و اجتماعی قرار دارد. حضرت ولی امرالله این مسئله بنیادین را در نامه ای که از طرف ایشان نوشته شده است مطرح ساخته چنین بیان می دارند:

"ما نمی توانیم قلب انسانی را از محیطی که در اطراف ماست جدا بدانیم و بگوئیم هر وقت یکی از اینها اصلاح شد همه چیز بهبود خواهد یافت. انسان جزئی اساسی از جهان است. حیات دورنی او محیط را شکل می دهد و خودش نیز عمیقاً تحت تأثیر آن قرار می گیرد. هر یک از آنها بر دیگری اثر می گذارد و هر تغییر بادوامی در حیات بشری نتیجه این واکنش متقابل می باشد.



هیچ نهضتی در عالم بجز تعالیم حضرت بهاءالله به این هر دو جنبه از حیات بشری توجه نداشته و برای اصلاح آن‌ها تدابیر کامل ارائه نداده است، و این یکی از ویژگی‌های ممتاز این آئین است. بنابراین اگر خیرخواه عالم هستیم باید سعی کنیم آن تعالیم را انتشار دهیم و نیز در زندگی شخصی خود نیز به آن‌ها عمل نمائیم. از طریق این تعالیم قلوب و اذهان بشری تغییر می‌کند و نیز در محیط اجتماعی جوئی به وجود می‌آید که در آن می‌توانیم رشد روحانی یابیم و اتوار الهی را که با ظهور حضرت بهاءالله بر جهان تاییده به‌طور کامل منعکس سازیم.<sup>۱۱۱</sup> (ترجمه به‌مضمون)

هدف تعالیم بهائی ایجاد شرایطی است که در سایه آن این تاثیر متقابل بین فرد و اجتماع سازنده و از هر نظر مفید بوده در عین حال به پیشرفت فردی، پیشبرد تمدن، رشد همبستگی اجتماعی و بهترین بهره‌گیری از محیط زیست منتهی گردد. در واقع ویژگی‌های این رابطه مؤثر متقابل چارچوب مفیدی ارائه می‌دهد که در آن می‌توان دامنه وسیع این تعالیم را ملاحظه نمود و جنبه‌های گوناگون فعالیت‌ها و تدابیر بهائی را بررسی کرد.

بیت‌العدل اعظم در اشاره به اطاعت فرد از احکامی که مظهر الهی برای بشریت ارائه می‌دهد، همبستگی فرد و اجتماع را چنین توصیف می‌نماید:

"این احکام در هر عصری توسط مظهر الهی بر بشر نازل شده است و اطاعت از آن‌ها برای رشد کامل و هم‌آهنگ هر فرد و به‌طور کلی نوع بشر حائز اهمیت می‌باشد. مضافاً بر آن، این جنبه‌های مختلف به هم وابسته می‌باشند. اگر فردی از احکام روحانی که برای توسعه خودش لازم است تخطی نماید نه تنها به خود بلکه به جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کند ضرر می‌رساند. به همین نحو، اوضاع اجتماع اثری مستقیم بر کسانی که در آن اجتماع زندگی می‌کنند دارد."<sup>۱۱۲</sup> (ترجمه)

هر فرد بهائی در اطاعت از تعالیم می‌تواند انتظار داشته باشد که جامعه بهائی محیطی پذیرا و استقبال‌کننده ارائه می‌دهد که در آن هر عضو جامعه بتواند بکوشد تا رفتاری را به منصفه ظهور برساند که ممکن است در اجتماع نوظهور و ناخواسته باشد، مانند سعی در جهت ریشه‌کنی تعصبات نژادی، رفتار مؤدبانانه و احترام‌آمیز با اقلیت‌ها و رعایت تساوی بین زن و مرد.

همانطور که جامعه رشد می‌کند و توسعه می‌یابد با دقت بیشتری به این آرمان نزدیک می‌شود که محیطی از تشویق متقابل به وجود آورد، محیطی که در آن همه می‌توانند در تجارب سهیم باشند، از سرمشق دیگران بهره گیرند و شهامت و اشتیاق، افزایش یابد. حضرت ولی امرالله در پاسخ سنوالی در نامه‌ای که از طرف ایشان نوشته شده چنین بیان می‌دارند:

"حیات جامعه بهائی برای شما به منزله آزمایشگاهی مهم است که در آن می‌توانید اصولی را که از تعالیم درک کرده‌اید به صورت عمل زنده و سازنده ارائه دهید. وقتی شما جزوی از آن ارگان زنده می‌شوید می‌توانید به روح واقعی که در سراسر تعالیم بهائی جریان دارد دست یابید. بنابراین مطالعه اصول و سعی در زیستن بر طبق آن‌ها دو واسطه اصلی هستند که از طریق آن‌ها می‌توانید اطمینان حاصل کنید که حیات روحانی درونی و هم‌چنین وجود خارجی شما توسعه می‌یابد و پیشرفت می‌کند."<sup>۱۱۱</sup> (ترجمه به‌مضمون)

بدون وجود این تاثیر متقابل در جامعه، هیچ‌گونه توجهی از ناحیه فرد برای انجام تعالیم بهائی در رفتار شخصی کامل نخواهد بود. تعالیم بهائی جامعه را در سطوح مختلفش - محلی، ملی و بین‌المللی - به‌عنوان یک واحد اساسی ترسیم می‌کند که به فرموده بیت‌العدل اعظم:

"در آرمان‌ها و روش‌های متحد بوده، از یک منبع واحد تأیید و توفیق می‌طلبند و با آگاهی از اتحاد خود درخشان و شکوفا می‌گردند. بنابراین در این هیئتی که با هدایت الهی قرین رحمت و انوار است، مشارکت هر فرد مؤمن نهایت اهمیت را داشته منبعی از قدرت و نیروی حیاتی است که هنوز برای ما ناشناخته است."<sup>۱۱۲</sup> (ترجمه)

دستورالعمل برای نیل تدریجی به این این شرایط شکوهمند توسط بیت‌العدل اعظم به این نحو تعیین گردیده است:

"اجباً باید یکدیگر را دوست داشته باشند و همواره مشوق هم بوده در کنار هم کار کنند و مانند یک روح در یک بدن باشند و بدین طریق در حقیقت هیئتی زنده و سالم گردند که از روح ایمان جان یافته و منور گشته است. در چنین هیئتی همه سلامت روحانی و انرژی حیاتی خود را از خود

این سازمان کسب می‌کنند و کامل‌ترین نتایج و ثمرات ظاهر خواهد شد.<sup>۱۳۳</sup> (ترجمه)

در یک جامعه بهائی در حال رشد که خواهان آن است که مردمی را با درجات مختلف رشد در درون خود بپذیرد، گاهگاهی نمونه‌هایی از کز رفتاری و قصور در پیروی از تعالیم بهائی از افرادی دیده خواهد شد. در دیانتی مانند دیانت بهائی که تأکیدش در درجه اول بر تلاشی در جهت روند و تحول تکاملی و بر اساس نگرشی واقع‌بینانه از پیچیدگی طبیعت بشری است، تلاش برای نیل به اهداف روحانی و قصوری که در مسیر این مساعی پیش می‌آید طبیعی شمرده می‌شود.

واکنش یک فرد بهائی آگاه از اینکه یکی دیگر از مؤمنین در راه پیروی از تعالیم کوتاهی و قصور می‌کند همواره باید از غیبت و عیب‌جوئی برکنار باشد. حضرت ولی امرالله در نامه‌ای که از طرف ایشان نوشته شده چنین بیان می‌دارند:

"یکی از فرائض مهمی که حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء بر آن تأکید فرموده‌اند این است که ما باید در مقابل این تمایل طبیعی که به‌جای آنکه متوجه معایب خود باشیم به قصور و کوتاهی دیگران توجه کنیم مقاومت نمائیم. هر یک از ما فقط مسئول زندگی یک نفر است و آن زندگی خودش می‌باشد. هر یک از ما بی‌نهایت از کمال پدر آسمانی به دور هستیم و وظیفه کمال بخشیدن به حیات و شخصیت خودمان وظیفه‌ای است که مستلزم تمام توجه، نیرو و قدرت اراده ما می‌باشد ...

تعالیم بهائی بر هیچ موضوعی بیش از لزوم اجتناب از غیبت و عیب‌جوئی تأکید نکرده است در حالی که ما را تشویق می‌کند تا معایب خود را یافته ریشه‌کن سازیم و بر قصور خود فائق آئیم.<sup>۱۳۴</sup> (ترجمه به‌مضمون) در بسیاری موارد، یک فرد بهائی باید بکوشد به ناپسندی و نارسانی آشکار رفتار هم‌دینان خود نظر نکند تا چه رسد به مشغول داشتن خود به آن. او باید سعی کند که توصیه حضرت ولی امرالله را به کار بندد که در نامه‌ای که از طرف ایشان نوشته شده اشاره کرده‌اند "هر چه بیشتر احباء نسبت به یکدیگر و نسبت به قصور دیگران صبر، تفاهم، مهربانی و اغماض بیشتری از

خود نشان دهند، پیشرفت تمامی جامعهٔ بهائی در مجموع بیشتر خواهد شد.<sup>۱۵۱</sup> (ترجمه به مضمون) این امر مستلزم نگرشی عاری از قضاوت و خرده‌گیری در بارهٔ دیگران است و مبتنی است بر این تشخیص که ما همه فرزندان خداوند هستیم که می‌کوشیم بر طرز فکر و رفتاری که از گذشته کسب کرده‌ایم و با تعالیم بهائی ناسازگار است غلبه نماییم. غالباً ما می‌توانیم دیگران را از طریق قدرت سرمشق شخصی که بدون احساس برتری، و از طریق دعا برای خودمان و دیگران که در مسیر دشوار توسعهٔ روحانی پیش می‌رویم ارائه‌گردد، به بهترین وجهی کمک نماییم.

هنگامی که یک فرد بهائی در دیگر بهائیان حالتی که موجب نگرانی است مانند تعصبات ناآگاهانه و تبعیضات زیرکانه ملاحظه می‌کند، بزرگواری و بخشندگی لازم است. وقتی روشن باشد که رفتار رنجش‌آور غیر عمدی بوده انگیزهٔ آن بی‌توجهی به تعالیم بهائی نبوده است، حفظ اتحاد جامعه به منظور تداوم جلب قوای روحانی معمولاً واکنشی از اغماض و حسن نیت را ایجاب می‌نماید.

در بعضی موارد، دوستی نزدیک و حسن تفاهم ممکن است به یک فرد امکان دهد که به شیوه‌ای مدبرانه و محتاطانه توجه بهائی دیگری را به لزوم یا فرصت پیشرفت بیشتر از طریق تعدیل جنبه خاصی از رفتار جلب نماید، مشروط بر آنکه این عمل حمل بر مداخله در امور خصوصی دیگری و یا تصوّر تعیین دستور زندگی برای دیگران نشود. گاهی ممکن است بتوان در یک بحث عمومی جامعه، توجه را به اصول بهائی مربوطه جلب نمود به این امید که فردی که ظاهراً نیازمند توجه به این اصول است متذکر شود و در این جهت تلاش نماید؛ در این جا نیز به منظور اجتناب از اظهارات کنایه‌آمیزی که فرد مورد نظر را مشخص می‌سازد، رعایت حکمت، فراست و خلوص نیت لازم است.

مواردی وجود دارد که واکنش‌های فوق ناکافی به نظر می‌رسد. رفتار یک بهائی ممکن است تخطی ناهنجار و زنده‌ای از تعالیم صریح بهائی باشد، که مغایر مصالح امر بوده یا به نحو زیان‌بخشی به نام و اعتبار جامعهٔ بهائی در اجتماع لطمه وارد سازد. مورد دیگر زمانی است که یک بهائی بر اثر رفتار

بهائی دیگری که شاید از روی تحقیر عمدی یا تبعیض و یا به واسطه سایر قصور اخلاقی بوده متحمل رنج ناروایی گردد. در چنین مواردی، راه حل آن است که فرد ستمدیده به محفل روحانی مراجعه نماید تا با مراجعه به یک مؤسسه بهائی که مسئولیت حفظ و تأمین عدالت را دارد دادخواهی نماید. این عمل نباید اشتهاهاً به عنوان غیبت کردن تعبیر شود، زیرا گزارشی است که به یک مؤسسه امری داده می‌شود، نه آنکه در بین اعضای جامعه پخش گردد. این عمل مانعی در راه اتحاد جامعه ایجاد نمی‌کند، بلکه برعکس اقدامی است در جهت حفظ اتحاد آن. در تعالیم بهائی اتحاد بر اساس محکم پیروی از اصول متکی است، نه بر سازشکاری و تظاهر. هم‌چنین هنگامی که یک بهائی بر خلاف موازین بهائی رفتار می‌کند و رفتار او اثر زیان‌بخشی بر دیگران دارد، محفل روحانی موظف به مداخله است.

### به کارگیری اصل تساوی جنسی

به مرحله عمل در آوردن اصل تساوی زن و مرد مستلزم کوششی پی‌گیر و همه جانبه از سوی همه بهائیان است. به علاوه برای به کارگیری کامل این اصل در ازدواج و روابط خانوادگی و در کارکرد جامعه بهائی کوشش‌های فراوانی لازم است.

### در سطح فردی

در فصول قبلی این کتاب بر اهمیت زیاد به کارگیری اصل تساوی زن و مرد در حیات روزانه و نیز اقدامات تدریجی که از طرف پیشوایان امر بهائی در جهت تحقق اجرای این اصل به عمل آمده تأکید شده است. روشی که باید جهت رسیدن به این هدف در سطح فردی اتخاذ گردد در متن زیر از طرف بیت‌العدل اعظم خلاصه شده است:

"اصل تساوی حقوق زن و مرد مانند سایر تعالیم امر بهائی هنگامی می‌تواند به نحو مؤثر و به‌طور عمومی در بین اجزاء استقرار یابد که در ارتباط با سایر جنبه‌های حیات بهائی دنبال شود. تغییر خود یک روند تکاملی است که مستلزم صبر و شکیبایی فرد نسبت به خود و دیگران،

تعلیم و تربیت محبت‌آمیز و گذشت زمان است که ضمن آن که احباء دانشی عمیق از اصول امر کسب می‌کنند به تدریج گرایش‌های سنتی دیرینه را به دور می‌افکنند و زندگی خود را بیش از پیش با تعلیم اتحادبخش آئین بهائی سازش می‌دهند.<sup>۱۶۱۱</sup> (ترجمه)

روشی را که باید از طرف فرد اتخاذ گردد به خوبی می‌توان در چارچوب کلی که در فوق ترسیم شد ملاحظه نمود و نکاتی که در این متن مورد بحث قرار گرفته به همان اندازه که به این اصل ارتباط دارد به سایر اصول آئین بهائی نیز مربوط می‌گردد.

همان‌طور که قبلاً اشاره رفت، یکی از جنبه‌های مهم تلاش فردی ارزیابی و تجدید نظر اعمال و طرز فکر است. در تلاش‌های خود برای اجرای اصل تساوی جنسی، زن و مرد هر دو باید بکوشند این منظور را حاصل نمایند و هر دو باید این بررسی مکرر را انجام دهند. با انجام این کار، آن‌ها به خوبی درمی‌یابند که آیا به‌طور ناخودآگاه تعصبات متداول در اجتماع را پذیرفته، گرایش‌های ناشی از گذشته را انعکاس داده و آن‌ها را مسلم پنداشته‌اند. افکار کلیشه‌ای در باره زنان و مردان بر اساس تعمیم غیرلازم باید با دقت شناخته و بیش از پیش کنار گذاشته شود، در عین حال که این تشخیص وجود دارد که آن تساوی که در تعلیم بهائی آمده است تفاوت‌های فیزیولوژیکی ذاتی بین مرد و زن و متفاوت بودن مقتضی بعضی از وظائف را تأیید می‌نماید. در ارزیابی و سنجش مکرر شخصی، عادات متداول در گفتار و رفتار را که به‌طور غیرعمد از گرایش‌های عدم تساوی ناشی شده و ممکن است جزئی از رفتار شخص شده باشد نباید نادیده گرفت. به‌خصوص در به کار بردن مزاح و شوخی، چون این مسئله نقشی منطقی و در واقع ارزشمند در معاشرت‌های اجتماعی دارد و اگر به‌طور نامناسب و بدون فکر بکار رود می‌تواند موجب تحقیر و جریحه‌دار کردن احساسات افراد گردد.

یک جنبه تأسف آور تلاش برای تساوی جنسی در اجتماع بحث و جدل و مشاجره بوده است که گاهی بین زنان و مردان بروز می‌کند و منجر به گرایش‌های متضاد و اتهامات متقابل می‌گردد. ضروری است که مردان و زنان بهائی سعی کنند از ورود چنین گرایش‌های مخربی به گفتارهای بهائی

جلوگیری نمایند. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند: "عدل نیز چنین اقتضا می‌نماید که زنان و مردان مساوی باشند تربیت واحد بشوند و وظیفه‌شان را بتمامه اجرا دارند. در نزد خدا زنی و مردی نیست هر کس قلبش روشن‌تر است نزد خدا مقرب‌تر است، هر کس ایمانش بیشتر است نزد خدا مقبول‌تر." آن حضرت در مکاتیب خود به بعضی از زنان بهائی چنین توصیه می‌نماید: "من از خود شما می‌خواهم که این اختلاف بین رجال و نساء را محو نمائید." هم‌چنین چنین هشدار می‌دهند که "تصوّر برتری از سوی مردان همواره همت زنان را تضعیف خواهد نمود گوئی که رسیدن زنان به تساوی از نظر خلقت غیرممکن است، اشتیاق زنان به ترقی را مانع می‌گردد و آنان به تدریج مایوس می‌گردند."<sup>۱۸</sup> (ترجمه به‌مضمون)

در طی دوره‌ای که جنبش حقّ رأی زنان در انگلستان آشفستگی ایجاد کرده بود حضرت عبدالبهاء فرمودند: "توسل به زور آن‌طور که در حال حاضر در انگلستان معمول است نه مؤثر است و نه موجب تساوی زنان می‌گردد." (ترجمه به‌مضمون) اما اشاره می‌فرمایند که "وقتی زنان ترقی کنند که مردان خود شهادت دهند که زنان با ما مساویند، حاجت به جدال و نزاع نیست"<sup>۱۸</sup>.

دیانت بهائی تنوع فرهنگی نوع بشر را ارج می‌نهد و قصد ندارد که غلبه هیچ فرهنگ خاصی را ترویج نماید تا چه رسد به آنکه سعی کند در جلوه‌های فرهنگی نوعی اتحاد شکل بی‌حاصل بوجود آورد. اما در این ادعا مصرّ است که آن رسوم فرهنگی که با اصول اساسی بهائی مانند تساوی زن و مرد سازگار نیست باید جای خود را به تعالیم بهائی که از طرف پیروان حضرت بهاء‌الله به عنوان پیام خداوند برای این زمان در تاریخ بشر پذیرفته شده است بدهد. بیت‌العدل اعظم در نامه‌ای خطاب به بهائیان منطقه اقیانوس آرام چنین می‌فرمایند:

"در بین بسیاری از ملت‌های منطقه شما، زنان از نظر سنتی نقش درجه دوم در حیات اجتماعی داشته‌اند. ما از زنان بهائی در این کشورها می‌خواهیم که با اطمینان از حمایت و تشویق همه عناصر جامعه بهائی،

قدرت تقلیب‌دهنده این ظهور را با شهامت و ابتکار خود در امور تبلیغی و مشارکت کامل خود در فعالیت‌های امری نشان دهند.<sup>۱۹۱</sup> (ترجمه)

به بهائیان در شبه قاره هند چنین خطاب می‌فرمایند:

"... ما از شما می‌خواهیم که به ارتقاء مقام بانوان توجه خاصّ مبذول دارید. تقریباً در تمامی منطقه شما، زنان از نظر سنتی نقشی درجه دوم در حیات اجتماعی داشته‌اند، شرایطی که بازتاب آن هنوز در بسیاری از جوامع بهائی دیده می‌شود. باید اقدامات مؤثری به منظور کمک به زنان به عمل آید تا مقام مشروع و مناسب خود را در میادین تبلیغ و نظم اداری احراز نمایند."<sup>۱۹۲</sup> (ترجمه)

این انحراف از تعالیم بهائی است اگر هر یک از مردان یا زنان نیل به تساوی را به جای آنکه مستلزم عمل و همکاری از جانب هر دو بدانند آن را صرفاً موضوعی مورد توجه اعضای جنس مخالف شمرند. تشویق نقش مهمی در این راستا ایفاء می‌نماید؛ در سال ۱۹۷۹، بیت‌العدل اعظم ضمن پیامی خطاب به بهائیان عالم خواهان آن شدند که "زنان بهائی تشویق شوند تا به‌طور کامل بر حسب امتیازات و مسئولیت‌های خود در امور جامعه عمل نمایند" (ترجمه) و در پیام مشابهی در سال ۱۹۸۴ تصریح می‌نماید که "زنان و دختران بهائی باید تشویق شوند که در فعالیت‌های اجتماعی، روحانی و اداری جوامع خود شرکت جویند."<sup>۱۹۳</sup> (ترجمه) بدیهی است این تشویق‌ها فقط وقتی می‌تواند مؤثر واقع شوند که خالصانه بوده از تعهد واقعی ناشی گردند. بیان صرف تأثیر زیادی نخواهد داشت. مثل اعلی و بی‌نظیر حضرت عبداله‌اء، هم الهام بخش است و هم برای کسانی که مایلند مشوق ارتقاء مقام زن باشند نمونه‌ای بی‌همتا است.

نه فقط مردان باید خود را متعهد بدانند که زنان را در جهت اهداف و تلاششان تشویق نمایند، بلکه زنان باید از سوی سایر زنان، به‌خصوص کسانی که در کوشش‌های خود موفق بوده‌اند، نیز تشویق شوند. مفاهیم وسیعی که در آن‌ها حضرت عبداله‌اء اصل تساوی زن و مرد را ارائه فرمودند مبنای مفیدی است که می‌تواند الهام بخش تعهدی اصیل در جهت تشویق زنان باشد. بیان آن حضرت در تأیید اینکه پیشرفت کامل مردان بدون پیشرفت



کامل زنان قابل حصول نیست و اینکه این پیشرفت و توسعه متقابل شرط لازم خوشبختی در جهان است حائز اهمیت خاص می باشد. هم چنین بدیهی است که حضرت عبدالبهاء به خوبی آگاه بودند که کوشش زنان برای رسیدن به آن سطح از پیشرفت که با ابراز تساوی هماهنگی داشته باشد تا چه حد می بایستی عظیم باشد و از زنان خواستند تا برای تلاش لازم بیا خیزند و بکوشند در این جریان بر بیم و ترس خود فائق آیند.

### در چارچوب ازدواج و خانواده

جلوه آشکار دگرگونی و تقلیبی که بر اثر تعالیم آئین بهائی در رفتار بشری حاصل می شود بیش از هر عرصه دیگری در ازدواج و روابط خانوادگی بهائی که نمایانگر تساوی جنسی است مشهود است. ابراز و اجرای تساوی در این خصوصی ترین روابط انسانی با شریک زندگی که کاملاً با احساسات، گرایش ها و ارزش های واقعی شخص آشنا است رفتار بهائی را از ادعاهای سطحی تساوی که در اجتماع متداول است و هنگامی که در محیط خانواده مورد دقت و موشکافی قرار می گیرد تا حد تزویر و ریا تنزل می یابد، جدا می سازد.

تعالیم بهائی را در مورد ازدواج و روابط خانوادگی در فصول قبل بررسی کردیم و احکام بهائی را در باره این موضوع شرح دادیم. چالشی که در برابر هر زن و شوهر بهائی قرار دارد آن است که این تعالیم را به کاربندند تا ازدواجی را بنا نهند که در آن تساوی متجلی باشد. عظمت و اهمیت این وظیفه را نباید ناچیز شمرد، زیرا بوجود آوردن روابطی را ایجاد می کند بسیار متفاوت از آنچه که در هر یک از سنن دینی و فرهنگی موجود یافت می شود، سستی که تماماً از عدم تساوی در اعصار گذشته ناشی می گردد. رویارویی با این چالش مستلزم بذل توجه دقیق به الگوهای رفتاری است که می تواند مسلم انگاشته شود و متضمن تشویق و حمایت متقابل در پذیرفتن تدریجی شیوه جدید رفتار باشد.

آنچه در تلاش برای ایجاد یک چنین ازدواجی نقش اساسی دارد توضیحاتی در آثار بهائی در باره تصمیم گیری بر مبنای مشورت است که در

آن، نه شوهر و نه زن هیچ کدام نقش سلطه‌جو و غالب ندارد. این مسئله برای زن و شوهرهایی که از نظر دانش، تجربه، تحصیلات و موقعیت اجتماعی تفاوت زیادی با هم دارند حتی مهم‌تر است. این توصیه در مورد اجتناب از سلطه‌طلبی مانع از در نظر گرفتن ارزش و اعتبار تخصصی که یکی از زوجین ممکن است در باره موضوع خاصی داشته باشد نمی‌شود، ولی مستلزم احترام و توجه متقابل و نیز اجتناب از روش‌های مخرب چون استفاده از فشارهای روانی، انواع ملایم تحقیر، یا اظهاراتی است که ممکن است از عزت و اعتماد به نفس یکی از زوجین بکاهد.

تعالیم بهائی تعریف خشک و انعطاف ناپذیری از وظایف جنسی ارائه نمی‌دهد، اگرچه واگذاری بعضی از مسئولیت‌های اصلی را تأیید می‌نماید. شرایط فردی و گرفتاری و محدودیت‌های وقت به واسطه شرایط کاری، تحصیل و کارهای ذوقی حدود مشارکت زن و شوهر را در وظائف منزل و در امور جامعه بیرون تعیین می‌کند. در باره این امور باید از طریق مشورت تصمیم گرفته شود تا هیچ‌یک از طرفین احساس نکند که غیرمنصفانه با او رفتار شده است، این روش راه را برای تغییر دادن قرارها وقتی که شرایط عوض می‌شود آماده می‌سازد. آنچه حائز اهمیت است این است که در مرحله اولیه این مشورت هیچ‌گونه الزام و محدودیتی که در تعالیم بهائی نیامده است مانند محدود نمودن زنان فقط به وظائف منزل که مخالف نصوص معتبر بهائی است نباید مطرح گردد. در نامه‌ای از طرف بیت‌العدل اعظم در پاسخ به سئوالی آمده است: "تصمیم راجع به اینکه یک مادر چه مدت می‌تواند در خارج از منزل به کار پردازد بستگی به وضع خانواده دارد که ممکن است در زمان‌های مختلف متفاوت باشد و مشورت خانوادگی به یافتن جواب کمک خواهد کرد..."<sup>۲۱۱</sup> به همین نحو اگر شرایط ایجاب نماید، تعالیم بهائی هیچ محدودیتی برای مشارکت مردان در انجام کارهای منزل ندارد. به بیانی از بهیه خانم در باره اینکه حضرت بهاءالله در طباحتی و سایر امور منزل به نواب کمک می‌کردند و شرکت حضرت عبدالبهاء در معمولی‌ترین کارهای منزل اشاره شده است.

حتی مهم‌تر از تقسیم کار بین زوجین ارزشی است که برای وظائفی که در خانه انجام می‌شود قائل می‌شوند، یعنی کارهایی که از نظر سنتی به عنوان اموری که مهارت اندکی لازم دارند ناچیز شمرده می‌شوند. در مقایرت کامل با چنین طرز فکری، بیت‌العدل اعظم در نامه‌ای که از طرف آن مؤسسه در پاسخ به سئوالی در باره این توصیه دیانت بهائی که همه باید به کار مقید در اجتماع مشغول باشند می‌نویسند: "خانه‌داری از امور بسیار پسندیده و پر مسئولیت با ارزش اساسی برای بشریت است..."<sup>۲۳۱</sup> (ترجمه) بهائیان باید لزوماً بکوشند که دیدگاه خود را در باره کارهای خانه با تعالیم دیانت بهائی تطبیق دهند و بدین ترتیب درک کاملی از وظائف پیچیده، مدیریت، تنظیم بودجه و برنامه‌ریزی قبلی که نوعاً جزوی از خانه‌داری امروزی است کسب نمایند.

یکی از ویژگی‌های مهم اجرای تساوی جنسی در درون خانواده اعاده احترام و افتخار به مقام مادری است آن گونه که در فصل سوم شرح داده شد که رابطه اجرای این تساوی در محیط خانواده با نیل به صلح بررسی گردید. در سال ۱۹۹۷ بیانیه‌ای توسط محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده صادر گردید که توجه را به مفاهیم ارج نهادن به مقام مادری جلب می‌نمود:

"احترام به مقام مادری و حمایت از این مقام غالباً برای توجیه محروم نمودن زنان از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته است. این پیامدهای تبعیض آمیز و مضر است که باید تغییر یابد. البته مقام مادری و اهمیت تربیت کودکان براستی شریف و درخور افتخاری بزرگ است. آثار بهائی با توجه به مقام والای مادری چنین بیان می‌دارد "ای مادران مهربان این را بدانید که در نزد یزدان اعظم پرستش و عبادت تربیت کودکان است به آداب کمال انسانیت... " چالش عظیمی که اجتماع با آن روبرو است این است که در عین حال که مشارکت مساوی و کامل زنان را در همه جنبه‌های زندگی ترویج می‌نماید، وظائف مهم مادری را نیز تقویت کند."<sup>۲۳۲</sup>

در حالی که اجتماع به تدریج به سوی نیل به این تحول در نگرش نسبت به مقام مادری به پیش می‌رود، بسیار حائز اهمیت است که از ایجاد یک رابطه خصمانه بین مادرانی که تصمیم گرفته‌اند خود را تماماً وقف تربیت

فرزندانشان نمایند و مادرانی که به دلایل گوناگون مشاغل در آمددار نیمه وقت یا تمام وقت در خارج از منزل را اختیار کرده‌اند اجتناب گردد. در یک خانواده بهائی که تلاش می‌کند تساوی جنسی را اجراء نماید، ماهیت تعلیم و تربیت رسمی و غیررسمی کودکان مستلزم توجه و نظارت است. اجرای این روش لزوماً تدریجی است و در طی یک دوران طولانی چندین نسل صورت می‌گیرد، اما با اقدام در جهت جلوگیری از انتقال تصادفی و ناخواسته طرز فکر مضر به نسل جدید می‌توان شاهد پیشرفت سریع در یک نسل واحد بود. پدران و مادران هر دو باید مراقب باشند که پسرانشان به طرز فکر برتری مردان نسبت به زنان گرایش پیدا نکنند، یک چنین طرز فکری می‌تواند از آن ناشی گردد که مثلاً نسبت به پسران امتیاز، توجه و ستایشی بیشتر از آنچه نسبت به دختران ابراز می‌شود مبدول گردد، و یا دختران را طوری تربیت نمایند که همیشه تسلیم نظر برادرانشان باشند. هم‌چنین پدران و مادران باید مراقب و مشوق ذوق و علاقه منطقی و موجه دختران و پیشرفت‌های تحصیلی آن‌ها باشند و هرگاه فرصت‌های مناسب موجود باشد تمایل آنان را برای موفقیت‌های هنری، حرفه‌ای و علمی حمایت نمایند. پیروی از این تعلیم دیانت بهائی که وقتی منابع برای دسترسی به آموزش و پرورش محدود است باید اولویت به تحصیل دختران داده شود، در پیشرفت و روشنفکری زنان در طی زمان بسیار مؤثر است.

### در درون جامعه

فعل و انفعالات سازنده‌ای که با اجرای اصول بهائی بین فرد و جامعه بهائی صورت می‌گیرد قبلاً مورد بحث قرار گرفته است. میزان حمایتی که جامعه باید در باره تساوی جنسی ارائه دهد در پیامی از بیت‌العدل اعظم در سال ۱۹۷۵ خطاب به کلیه محافل روحانی ملکی آمده است که می‌فرمایند: "تمامی عالم بهائی موظف به تشویق و ترغیب نقش مهم زنان در جامعه بهائی و نیز در اجتماع می‌باشد..." (ترجمه). یک چنین بیان صریح و روشنی را به‌خوبی می‌توان تکرار اعلام قاطع حضرت عبدالبهاء دانست که در مورد تشویق زنان می‌فرماید: "البته باید محفل روحانی نهایت همت را در این قضیه بفرماید."<sup>۲۵۲</sup>

راه‌های فراوانی وجود دارد که از طریق آن‌ها جامعه بهائی می‌تواند این جنبه از وظائف خود را تحقق بخشد. بدیهی است قسمت اعظم این امر بستگی به نیازها و شرایط خاص در هر منطقه‌ای از جهان دارد، ولی می‌توان بعضی خطوط عمل کلی و قابل اجراء را تعیین نمود.

برنامه‌های مطالعاتی که قسمتی از حیات جامعه بهائی است بسیار ثمربخش و غنی می‌شود اگر در بین مطالب مورد مطالعه، بررسی نحوه بکارگیری اصل تساوی زن و مرد در حیات روزانه گنجانده شود. این مطالعات افزایش می‌یابند اگر حیات زنان بهائی که خدمات شایانی به امر نموده‌اند در حوزه این مطالعات وارد گردد، زنانی که شهامت، ایمان راسخ و قدرت اراده، آن‌ها را قادر ساخت تا بر همه موانعی که بر سر راهشان بود فائق آیند.

محفل روحانی با دقت در رفتار و خصوصیات جامعه خود و پی بردن به اینکه چه اقداماتی روند اجرای تساوی جنسی را در جامعه به پیش خواهد برد، می‌تواند خدمت مهمی در این راستا انجام دهد. این محفل ممکن است متوجه شود که با تشویق و ترغیب می‌تواند به تغییر گرایش‌هایی که در راه رسیدن به تساوی مضر است کمک نماید. ممکن است به اقدامات مثبت نیاز باشد تا زنان جامعه را از منتسب کردن خود به نقش‌های کلیشه‌ای در امور جامعه باز دارد؛ به محفل کاملاً توصیه می‌گردد که فعلاً نه در جستجوی راه‌هایی باشد که فرصت‌های تازه‌ای برای زنان جهت کسب تجربه در جنبه‌های مختلف فعالیت جامعه ایجاد نمایند تا بتوانند توانمندی‌های خود را نشان دهند. محفل روحانی با برگزیدن نمایندگان خود برای موقعیت‌های عمومی اجتماعی، با انتخاب اعضای لجنات خود و با تشویق مشارکت عمومی در امر مشورت در ضیافت نوزده روزه، می‌تواند کمک شایانی به توسعه منابع انسانی در جامعه و پیشرفت زنان نماید.

محفل روحانی هم‌چنین می‌تواند مفیدترین منبع توصیه و تشویق برای زنان بهائی در تلاششان برای ادای مسئولیت‌هایشان در ابلاغ امر به دیگران باشد، چنانچه حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"باید زن‌ها خیلی بکوشند تا تحصیل فضائل عالم انسانی نمایند، در وحدت عالم انسانی بکوشند، در نشر نفعات الهی بکوشند، سبب ایمان

نفوس شوند، سبب دخول نفوس در ملکوت الهی گردند تا مواهب الهی شامل حال کل شود و بر کل احاطه نماید.<sup>۲۶۱</sup> از آن جایی که مشخص شده که اولین مربی کودک مادر است، از جمله وظائف محفل روحانی ارائه کمک‌های مورد نیاز در این زمینه است. حضرت عبدالبهاء می‌فرمایند:

"محافل روحانیّه باید به جهت تربیت اطفال تعالیم منتظمه به جهت امّهات ترتیب دهند که چگونه طفل را باید از سن شیرخوارگی تربیت نمود و مواظبت کرد و آن تعلیمات را به جمیع امّهات دستور العمل دهند تا همه مادرها اطفال را به موجب آن تعالیم تربیت نمایند و پرورش دهند.<sup>۲۷۱</sup> اشتغال زنان به این نقش تربیتی اولیه عامل مفیدی برای ترویج مشارکت بیشتر زنان در حوزه وسیع تری از فعالیت‌های توسعه خواهد بود. در نامه‌ای که از طرف بیت‌العدل اعظم نوشته شده است چنین آمده است: "بیت‌العدل اعظم نیاز به تعلیم و هدایت زنان در مسئولیت اولیه شان به عنوان مادر را فرصتی مناسب و ممتاز برای سازماندهی فعالیت‌های زنان می‌دانند. تلاش‌های شما باید معطوف به کمک به آنها در وظائفشان به عنوان مریبان نسل آینده باشد... (ترجمه)<sup>۲۸۱</sup>"

اهمیت آموزش و پرورش زنان و دختران قبلاً در فصل دوم مورد بحث قرار گرفته است. محفل روحانی هر گاه لازم باشد می‌تواند پدران و مادران بهائی را تشویق کند تا تشخیص دهند که دختران تحصیل کرده آنها می‌توانند در شناخت منابعی که این روند را به پیش می‌برد کمک کنند. در بعضی موارد اقدام مورد نیاز ممکن است تشکیل کلاس‌های سواد آموزی اولیه برای کسانی باشد که نیاز دارند، از جمله زنانی که در سنین نوجوانی از آموزش محروم بوده‌اند.

با چنین روش‌هایی که در این جا شرح داده شد حیات پویای جامعه بهائی می‌تواند تقویت شود، ویژگی ممتاز آن مشخص گردد و پیشروی به سوی اهدافش سرعت یابد.

## با اطمینان به سوی آینده

مطالعه تساوی جنسی که در این کتاب ارائه گردیده بر تساوی روحانی زن و مرد که یکی از ویژگی‌های تغییرناپذیر هر یک از ادیان الهی در تاریخ بشری بوده است تأکید دارد. در گذشته به لحاظ شرایطی که وجود داشت، از جمله ماهیت و چگونگی جامعه که در آن نیروی بدنی و جنگ نقش عمده و غالبی داشت، برای زنان از نظر اجتماعی امکان کسب تساوی اجتماعی در آزادی و فرصت‌ها وجود نداشت. با دور شدن ادیان گذشته از پاکی و خلوص تعالیم اصلی خود و با شرایط ظالمانه حاصله از آن که اکثراً منکر تساوی روحانی زنان بود، این وضع پیچیده و بغرنج گردید.

روند وسیع تکامل اجتماعی که در طی هزاران سال جریان داشته است اکنون با فرا رسیدن دوران جدیدی در تاریخ که از امتیازات آن عدالت، اتحاد و آزادی است به اوج خود رسیده است. یکی از ویژگی‌های اصلی این دوران جدید نیل به تساوی جنسی و تداوم آن در تمام جنبه‌ها است. دیانت بهائی ارائه دهنده انگیزه روحانی لازم برای تغییر و تحول ارزش‌ها و گرایش‌ها به همراه الگوی‌های جدید رفتار فردی و اجتماعی حاصله از آن است که این روند تکاملی را تقویت کرده تداوم می‌بخشد.

یک چنین تغییر اساسی در ماهیت حیات و روابط انسانی را نمی‌توان به‌طور ناگهانی حاصل نمود، به‌خصوص اگر قرار است این تغییر دوام آورد و جزو ثابتی از جهان آینده گردد. فصول این کتاب که وقف اجرای اصل تساوی جنسی گردیده است نشان می‌دهد چگونه مفاهیم آن در طی دهه‌هایی که از آغاز دیانت بهائی می‌گذرد به تدریج روشن گردیده و بکار برده شده است. بدیهی است کاربرد تدریجی، خطر تعویق و تأخیر غیر قابل توجیه را نیز با خود دارد که در آئین بهائی به خاطر تشکیلات منسجم آن تحت هدایات و رهبری بیت‌العدل اعظم که محل توجه بهائیان است از آن اجتناب می‌گردد.

پیروان این دیانت باید بر اساس اصول اعتقادی خود متعهد به قبول همه اصولی که حضرت بهاءالله مقرر فرموده‌اند از جمله تساوی حقوق زن و مرد باشند. این امر آغازگر یک جریان اجرائی برای تمام عمر می‌باشد که در سطح فردی، خانوادگی، و جامعه به نحوی که یکدیگر را تقویت می‌نمایند

انجام می‌شود. سوابق موفقیت‌های جامعه بهائی نمایانگر پیشرفت مداوم به سوی این آرمان و حاکی از افزایش مداوم نفوذ و اعتبار در جوامع دیگر هم از طریق ارائه الگوهای بهائی و نیز از طریق صوابدید و اظهار نظر مؤسسات بهائی در زمینه توسعه و پیشرفت اجتماعی می‌باشد.

کسانی که با سابقه به کارگیری دستورات دینی در دوره‌های گذشته آشنائی دارند ممکن است این سؤال برایشان مطرح شود که آیا دیانت بهائی نیز با گذشت زمان محکوم به همین سرنوشت یعنی انحراف از ارزش‌های اولیه خود خواهد بود. بهائیان بر چه اساسی می‌توانند ادعا کنند که پاکی و درستی تعالیم دینی آنان از جمله تساوی زن و مرد در طی دهه‌ها و قرن‌ها در معرض خطر مصالحه و سازشکاری قرار نخواهد گرفت؟ چگونه آن‌ها می‌توانند مطمئن شوند که انکار آزادی و حقوق انسانی زنان مجدداً بروز نکند؟ پاسخ این پرسش‌ها را در مقررات صریح تعالیم بهائی در باره عهد و میثاق - که در هیچ‌یک از ادیان دیگر سابقه و نظیری ندارد - می‌توان یافت که از طریق آن مرجعیت، اتحاد، پاکی و خلوص تعالیم این آئین حفظ می‌شود. ضمانت تخطی‌ناپذیری را که موجب می‌شود بهائیان در باره آینده جامعه دینی خود و اصول آن کاملاً احساس اطمینان نمایند باید در روشنی و جامعیت مقررات این آئین که به نحو روشن و واضح بر بیانات صریح حضرت بهاءالله متکی است جستجو نمود.

به واسطه این عهد و میثاق است که اجرای تدریجی احکام امکان‌پذیر می‌شود، بدون ترس از اینکه در یکی از مراحل آینده، اجرای کامل آن‌ها متوقف گردد. عهد و میثاق اساس تعدیل سن تاریخی گذشته است، این جا است که نسل‌های آینده بیشتر قادر خواهند بود که خود را از کسب گرایش‌های ناآگانه و خصوصیات متداول در اجتماع بزرگ‌تر آزاد سازند و بدین ترتیب به آرمان بهائی که نیروی عهد و میثاق آن را از فساد یا مصالحه‌کاری حفظ می‌کند نزدیک‌تر گردند. حفظ موازین تغییر‌ناپذیر تعالیم بهائی آزادی تنوع بیان را در چارچوبی که اصول دیانت بهائی مشخص نموده نیز میسر می‌سازد.



با این ملاحظات است که بهائیان با اطمینانی تزلزل‌ناپذیر به سوی آینده توجّه دارند. برای انجام وظیفه روحانی و مقدّس استقرار کامل تساوی زن و مرد راه درازی در پیش است. اما برای بهائیان شگّی وجود ندارد که در این راه توفیق حاصل خواهد شد و اهداف جامعه بهائی کاملاً متحقّق خواهد گشت. بیت‌العدل اعظم به اعضای جامعه بهائی اطمینان می‌دهند که "... عهد و میثاق حضرت بهاءالله به آنها و به مؤسّسات نظم جهانی‌اش کمک خواهد کرد تا شاهد تحقّق هر یک از اصولی باشند که از قلم خطا‌ناپذیرش نازل گشته است، از جمله تساوی زن و مرد که شرح آن به تفصیل در آثار مقدسه این آئین آمده است.<sup>۲۹</sup> (ترجمه)

پیوست

## دو بال یک پرنده:

### تساوی حقوق زن و مرد

بیانیه محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده آمریکا

آزادی زنان و نیل به تساوی کامل بین زن و مرد برای پیشرفت بشریت و تحوّل سازنده جامعه بشری لازم و ضروری است. نابرابری در این زمینه نه تنها مانع پیشرفت زنان می‌گردد بلکه پیشرفت تمدن را نیز مختل می‌سازد. انکار مداوم تساوی نیمی از جمعیت جهان هتک آشکار شرافت انسانی است. این روند رفتار و عادات مخرب را در زن و مرد به وجود می‌آورد که از خانواده به محل کار و به حیات سیاسی و مالاً به روابط بین‌المللی کشیده می‌شود. انکار تساوی بین زن و مرد هیچ مجوز اخلاقی، عملی و طبیعی ندارد. فقط زمانی که زنان در جمیع مساعی بشری سهمی کامل و مساوی داشته باشند از لحاظ اخلاقی و روانی جوّ مساعدی ایجاد می‌گردد که ملت ما را قادر به استقرار عدالت اجتماعی می‌کند و به صلح جهانی کمک خواهد نمود.<sup>۱</sup>

ظلم و ستم مرتب نسبت به زنان یک واقعیت آشکار و دردناک تاریخی است. زنان در حالی که فعالیتشان در حیات اجتماعی بسیار محدود شده، از فرصت‌های تحصیلی و حقوق اولیه انسانی محروم گشته، در معرض خشونت قرار داشته و به کرات با آن‌ها به عنوان موجوداتی پائین‌تر از انسان رفتار شده است، نتوانسته‌اند استعداد‌های خود را به منصه ظهور رسانند. الگوهای دیرینه انقیاد زنان که در فرهنگ عامه، ادبیات و هنر، قوانین و حتی متون مذهبی منعکس است هم‌چنان همه جنبه‌های زندگی را در بر گرفته است. علیرغم پیشرفت حقوق سیاسی و مدنی زنان در آمریکا و پذیرش گسترده مساوات از نظر اصولی، تساوی کامل حاصل نشده است.

اثرات ویرانگر تعصب جنسی نقطه ضعفی در زیربنای حیات اجتماعی ما است. منافع زنان به سختی در گرو پندارهای موروثی تعبیر نیافته و اغلب بررسی نشده می‌باشد، و در این راستا هنوز راه درازی در پیش است. نیل به

تساوی کامل مستلزم درک تازه‌ای در باره هویت خودمان، هدف ما در زندگی و چگونگی ارتباطمان با یکدیگر می‌باشد، درکی که ما را مجبور می‌سازد که در ساختار زندگی خود و اجتماع خود تجدید نظر نمائیم.

هیچ وقت از زمان تأسیس جنبش حقوق زن در امریکا، نیاز به توجه به این مسئله تا این حدّ حائز اهمیت نبوده است. ما در آستانه یک قرن جدید و یک هزاره جدید قرار داریم. چالش‌های این دوران جدید از هم‌اکنون در مقابل ما قرار دارند و بر خانواده‌ها، سبک زندگی ما، ملت ما و جهان ما اثر می‌گذارد. در جریان تکامل انسانی، دوره شیرخوارگی و کودکی گذشته است. آشفته‌گی و عصیان دوران جوانی به تدریج و به نحو دردناکی ما را برای زمان بلوغ یعنی هنگامی که تعصب و استثمار منسوخ خواهد شد و اتحاد استقرار خواهد یافت، آماده می‌سازد. عناصر لازم برای متحد کردن مردم و ملل جهان دقیقاً همان عناصری است که برای برقرار کردن تساوی جنسی و بهبود روابط بین زن و مرد ضروری است. کوشش برای غلبه بر این نابرابری تاریخی مستلزم مشارکت کامل همه مردان و زنان و همه جوانان و کودکان می‌باشد.

بیش از یک قرن پیش، برای اولین بار در تاریخ ادیان، حضرت بهاءالله، مؤسس دیانت بهائی، ضمن اعلام احکام الهی برای این زمان، با این بیان که "انات و ذکور عندالله واحد بوده و هست"<sup>۲</sup> اصل تساوی حقوق زن و مرد را اعلان نمود. حضرت بهاءالله اشاره می‌فرماید که برقراری حقوق و مزایای مساوی برای زن و مرد پیش شرط نیل به اتحاد وسیع تری است که رفاه و امنیت همه مردم جهان را در بر دارد. آثار بهائی بر این معنا تأکید می‌کنند که "وقتی همه نوع بشر از امکانات و آموزش مساوی برخوردار شوند و تساوی زن و مرد تحقق پذیرد اساس جنگ به کلی محو و نابود گردد."<sup>۳</sup> (ترجمه به مضمون)

بدین ترتیب نظر دیانت بهائی در باره تساوی جنسی بر پایه اصل روحانی وحدت نوع بشر قرار دارد. اصل وحدت مستلزم آن است که "هیئت جمعیت را به منزله شخص واحد پنداشتن و نفس خود را عضوی از اعضای این هیئت

مجسمه انگاشتن" و با قاطعیت یقین داشتن که "الم و تأثر هر جزئی سبب تألم کل اجزاء هیئت" است.<sup>۴</sup>

از تعالیم حضرت بهاء الله این است که مقصد الهی از خلقت تحقق اتحاد در بین نوع بشر است، می فرماید:

"هَلْ عَرَفْتُمْ لِمَ خَلَقْنَاكُمْ مِنْ تُرَابٍ وَاحِدٍ؛ لِنَلَّا بِفَتْخَرٍ أَحَدٌ عَلَى أَحَدٍ. وَتَفَكَّرُوا فِي كُلِّ حِينٍ فِي خَلْقِ أَنْفُسِكُمْ؛ إِذَا يَنْبَغِي كَمَا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ شَيْءٍ وَاحِدٍ أَنْ تَكُونُوا كَنَفْسٍ وَاحِدَةٍ، بِحَيْثُ تَمْشُونَ عَلَى رِجْلِ وَاحِدَةٍ، وَتَأْكُلُونَ مِنْ فَمٍ وَاحِدٍ، وَتَسْكُنُونَ فِي أَرْضٍ وَاحِدَةٍ؛ حَتَّى تَظْهَرَ مِنْ كَيْنُونَاتِكُمْ وَأَعْمَالِكُمْ وَأَفْعَالِكُمْ آيَاتُ التَّوْحِيدِ وَجَوَاهِرُ التَّجْرِيدِ." (مضمون بیان: آیا

می دانید چرا شما را از یک خاک واحد آفریدیم؟ برای آنکه هیچ کس بر دیگری افتخار نکند. همیشه در باره آفریدن خودتان بیاندیشید، از آن جایی که شما را از جنس واحد خلق کردیم شایسته است که مانند روح واحد باشید، به نحوی که با پای واحد حرکت کنید، با دهان واحد تناول کنید و در زمین واحد ساکن شوید تا از ذات شما و اعمال و رفتارتان نشانه های اتحاد و جوهر انقطاع ظاهر گردد.)

مشارکت کامل و مساوی زنان در همه جنبه های حیات برای توسعه اجتماعی و اقتصادی، منسوخ نمودن جنگ، و تأسیس نهائی یک جهان متحد لازم و ضروری است. در آثار بهائی برابری زن و مرد زیربنای نقشه الهی برای پیشرفت و سعادت و رفاه بشری است:

"عالم انسانی را دو بال است یک بال ذکور و یک بال اناث باید هر دو بال قوی باشد تا عالم انسانی پرواز کند. اما تا یک بال قوی و یک بال ضعیف مرغ پرواز نکند حرکتش بطئی است. خداوند هر دو را بشر خلق کرده و در جمیع قوی مشترک فرموده هیچ امتیازی نداده."<sup>۵</sup>

آثار آئین بهائی مشعر بر آن است که اعلان مساوات به معنای منکر شدن تفاوتی که در وظائف زن و مرد وجود دارد نیست، بلکه تأیید نقش مکمل و متممی است که زن و مرد در خانه و اجتماع دارند. با بیان اینکه کسب دانش به منزله "مراقبت برای صعود"<sup>۶</sup>، حضرت بهاء الله تعلیم و تربیت مساوی برای زن و مرد مقرر فرمودند ولی تصریح کرده اند که وقتی منابع محدود است، اولویت باید به تعلیم و تربیت زنان و دختران داده شود. تعلیم و

تربیت دختران به خصوص حائز اهمیت است، زیرا هر چند پدر و مادر هر دو مسئول پرورش کودکان هستند، ولی از طریق مادران تحصیل کرده است که فوائد علم و دانش در سراسر جامعه انتشار می‌یابد.

احترام به مقام مادری و حفظ این مقام غالباً برای توجیه محروم نمودن زنان از فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی مورد استفاده قرار گرفته‌است. این پیامدهای تبعیض آمیز و مضر است که باید تغییر یابد. البته مقام مادری و اهمیت تربیت کودکان به راستی شریف و درخور افتخاری بزرگ است. آثار بهائی با توجه به مقام الای مادری چنین بیان می‌دارد "ای مادران مهربان این را بدانید که در نزد یزدان اعظم پرستش و عبادت تربیت کودکان است به آداب کمال انسانیت ..."<sup>۸</sup> چالش عظیمی که اجتماع با آن روبرو است این است که در عین حال که مشارکت مساوی و کامل زنان را در همه جنبه‌های زندگی ترویج می‌نماید، وظائف مهم مادری را نیز تقویت کند.

تعالیم بهائی با اظهار این مطلب که زنان و مردان "مقرّ و مقام" مشابه دارند و "هر دو بشوند و در جمیع مراتب مشترک"، نمونه‌ای از تساوی بر اساس مشارکت و همکاری ارائه می‌دهد.<sup>۹</sup> تنها هنگامی که زنان در همه جنبه‌های زندگی مشارکت کامل نمایند و به حوزه مهم تصمیم‌گیری وارد شوند، بشریت برای شروع مرحله بعدی پیشرفت جمعی خود آماده خواهد بود.

آثار مقدسه بهائی مؤکداً بیان می‌دارند که زنان عامل مهمی در تأسیس صلح جهانی و حکمیت و داوری بین‌المللی خواهند بود.<sup>۱۰</sup> چنین خواهد شد هنگامی که زنان به‌طور کامل و مساوی در امور جهان مشارکت نمایند، وقتی که آنان با اطمینان و لیاقت به عرصه مهم قانون و سیاست وارد شوند، جنگ و جدال متوقف خواهد شد زیرا زنان مانع جنگ خواهند بود.<sup>۱۱</sup> (ترجمه به‌مضمون)

برطرف کردن تبعیض علیه زنان یک ضرورت روحانی و اخلاقی است که نهایتاً باید تعهدات قانونی، اقتصادی و اجتماعی کنونی را از نو شکل دهد. حمایت از ترویج ورود تعداد بیشتری از زنان به مقامات ممتاز و معتبر برای نیل به یک نظام عادلانه اجتماعی گامی لازم است ولی کافی نیست. بدون تغییرات بنیادین در طرز فکر و ارزش‌های افراد و در آداب و رسوم نهادهای

اجتماعی، نمی‌توان به مساوات کامل بین زنان و مردان نائل آمد. برای رسیدن به جامعه‌ای که بر اساس مشارکت و همکاری باشد، جامعه‌ای که در آن تعدی و توسل به زور جای خود را به همکاری و مشورت دهد، تقلیب و دگرگونی قلوب انسانی لازم است.

"در قدیم دنیا با زور اداره می‌شد و مرد چون جسماً و فکراً از زن قوی‌تر و زورمندتر بود بر او غالب و مسلط بود. ولی حال وضع عوض شده و اعمال زور و عنف تسلط خود را از دست داده است. و اکنون هوشیاری و فهم و فراست فطری و خصائل روحانی محبت و خدمت که در زن قوی است تفوق و غلبه یافته است. و به این مناسبت عصر جدید بیشتر با عواطف و نوایای زنان آمیخته است تا با صلابت مردان یا اگر بخواهیم روشن‌تر و صحیح‌تر بگوئیم عصری خواهد بود که در آن دو عنصر مرد و زن در ایجاد تعادل و هماهنگی در مدنیت به‌طور یکسان مؤثر خواهند بود"<sup>۱۱۱</sup>

مردان وظیفه مهم و گریزناپذیری در جهت پیشبرد تساوی زنان بر عهده دارند. گمان برترتیب از ناحیه مردان همت زنان را خنثی می‌کند و مانع ایجاد محیطی که در آن مساوات حاکم باشد می‌گردد. اثرات مخرب این نابرابری، مردان را از بلوغ فکری و کسب صفات لازم برای مقابله با چالش‌های هزاره جدید باز می‌دارد. در آثار بهائی آمده است "... ترقی نساء سبب ترقی مردان است. لهدا باید نساء را تربیت کامل نمود ... تا هم‌چنانکه در حیات مشترک با رجالند در کمالات عالم انسانی نیز مشترک شوند و البته اشتراک در کمال از نتایج تساوی در حقوق است."<sup>۱۱۲</sup> لازم است که مردان به بررسی دقیق و آگاهانه نگرش، احساسات و رفتاری که در عادات و رسوم فرهنگی عمیقاً ریشه دوانده است و مانع مشارکت مساوی زنان و رشد مردان می‌گردد بپردازند. تمایل مردان به اینکه مسئولیت این مساوات را بپذیرند جو مساعدی برای پیشرفت بوجود می‌آورد: "وقتی زنان ترقی کنند که مردان خود شهادت دهند که زنان با ما مساویند حاجت به جدال و نزاع نیست."<sup>۱۱۳</sup>

این شرایط عدم تساوی دیرینه و ریشه‌دار باید برطرف گردد. برای غلبه بر این شرایط "محبت خالص و صبر و شکیبائی تام و خضوع و خشوع حقیقی و

اتخاذ تمهیدات بالغه و توسل به ذیل حکمت و متانت و بذل همت و استقامت توأم با ادعیه و مناجات " لازم است. <sup>۴</sup> نهایتاً حضرت بهاءالله وعده فرموده‌اند که روزی فراخواهد رسید که مردان از شرکت زنان در همه جنبه‌های زندگی استقبال خواهند نمود. حال زمان حرکت قاطعانه به سوی این آینده موعود است.



## یادداشت‌ها

## فصل دوم - تعریف مساوات

- ۱- نگاه کنید به کتاب *The Women's History of the World*، تألیف رزالیند مایلز Rosalind Miles (لندن: Michael Joseph، ۱۹۸۸).
- ۲- عبدالبهاء نقل در *بهاء‌الله و عصر جدید*، چاپ برزیل، ص ۱۶۸.
- 3- Juanita H. Williams, *Psychology of Women: Behavior in a biosocial context* (New York: W.W. Norton, 1977), p 2.
- 4- See Bonnie S. Anderson and Judith p. Zinsser, *A History of Their Own: Women in Europe from Prehistory to the Present* (New York: Harper and Row, 1988), vol.1, pp 22-23, 28.
- ۵- ترجمه بیان حضرت عبدالبهاء نقل در *Women: A compilation of extracts from the Bahá'í Writings* (لندن: مؤسسه مطبوعات بهائی، ۱۹۹۰)، شماره ۲۸. این بیان به زبان انگلیسی ابتداء در *'Abdu'l-Bahá on Divine Philosophy* (بوستن: انتشارات تودور، ۱۹۱۷ چاپ مجدد ۱۹۱۸)، صفحه ۸۱ درج گردید. اصل این بیان به فارسی پیدا نشده است. (نقل از یادداشت دایره مطالعه نصوص و الواح در مرکز جهانی در پاسخ به پرسش مترجم).
- ۶- عبدالبهاء، *منتخبانی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد ۱، ص ۷۷ شماره ۳۸.
- ۷- عبدالبهاء، *گلزار تعالیم بهائی*، ص ۲۸۳؛ *عبدالبهاء، مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد ۷ ص ۹۸؛ ترجمه مضمون از *خطابه حضرت عبدالبهاء مورخ ۲ دسامبر ۱۹۱۲* نقل در *Promulgation of Universal Peace* ص ۴۵۵.
- 8- Saint Augustine, quoted in *History of Ideas on Women: A Source Book*, [ed. Rosemary Agonito], (New York: Perigee Books, 1977), p 77.
- ۹- عبدالبهاء، نقل در *بهاء‌الله و عصر جدید*، ص ۲۳۳.
- ۱۰- عبدالبهاء، *مفروضات*، صفحات ۸۹ و ۹۱.
- ۱۱- سنت توماس اکویناس، نقل در *History of Ideas on Women*، صفحه ۸۵.
- ۱۲- همان‌جا

13- Fatima Mernissi, *Women and Islam: An Historical and Theological Enquiry*, trans. Mary Jo Lakeland (Oxford: Blackwell, 1991), pp. 49-61, 64-72.

- ۱۴- نگاه کنید به Mernissi *Women and Islam* صص ۸۴-۶۲ .
- ۱۵- نگاه کنید به مولانا محمدعلی، *The Religion of Islam: A Comprehensive Discussion of the Sources, Principles, and Practices of Islam* (لاهور، پاکستان: انجمن احمدیہ اشاعه اسلام، ۱۹۷۱)، صص ۴۸-۲۴۶ .
- ۱۶- نقل از ترجمه‌ای از مکتوب مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء، متن انگلیسی این نامه در *The American Bahá'í* ۲۴، شماره ۱۷ مورخ ۲۳ نوامبر ۱۹۹۳ صص ۱۱-۱۰ به چاپ رسید.
- ۱۷- بهاء‌الله، استخراج از الواح حضرت بهاء‌الله (نقل از یادداشت دایره مطالعه نصوص و الواح)؛ *آیات الهی* جلد ۲، ص ۳۳۹؛ استخراج از الواح حضرت بهاء‌الله (نقل از یادداشت دایره مطالعه نصوص و الواح).
- ۱۸- عبدالبهاء، *منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد ۱ ص ۷۷ .
- ۲۰- ترجمه مضمون بیان حضرت عبدالبهاء، نقل از دیانت بهائی آئین فراگیر جهانی ص ۱۲۳ .
- ۲۱- بیت‌العدل اعظم، *وعده صلح جهانی* ص ۱۷، انتشارات بهائی هند، سال ۱۹۸۵؛ حضرت بهاء‌الله، نقل در *گلزار تعالیم بهائی*، ص ۲۸۲؛ حضرت عبدالبهاء، نقل در *گلزار تعالیم بهائی*، ص ۲۸۳؛ حضرت عبدالبهاء، *خطابات حضرت عبدالبهاء* جلد ۲، ص ۱۳۴ .
- ۲۲- عبدالبهاء، *خطابات حضرت عبدالبهاء* جلد ۲ ص ۱۳۴ .
- ۲۴- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء مورخ ۲۰ مه ۱۹۱۲ میلادی نقل در *Promulgation of Universal Peace*، ص ۱۳۵ .
- ۲۵- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء، همانجا، صص ۳۷-۱۳۶ .
- ۲۶- عبدالبهاء، *خطابات حضرت عبدالبهاء* جلد ۲، ص ۲۳۰ .
- ۲۷- همانجا، ص ۲۲۹ .
- ۲۸- همانجا .
- ۲۹- بیت‌العدل اعظم، *وعده صلح جهانی*، ص ۲۳ .

- ۳۰- بهاء‌الله، کتاب اقدس؛ عبدالبهاء، خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۲، ص ۱۳۵؛ بیت‌العدل اعظم، وعده صلح جهانی، صص ۱۷ و ۱۸.
- 31- See [Agnes Akosua Aidoo], *The Girl Child: An Investment in the Future* (New York: UNICEF, 1990), pp 14- 15.
- ۳۲- عبدالبهاء، مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۳، فرج الله زکی الکردی، ۱۹۲۱، ص ۳۰۲.
- ۳۳- عبدالبهاء، خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۲، صص ۱۳۵؛ ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء مورخ ۲۶ اوت ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation*، ص ۲۸۱.
- ۳۴- عبدالبهاء، نقل در بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۱۶۶.
- ۳۵- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء مورخ ۲۰ مه و ۲۶ اوت ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* صص ۱۳۵ و ۲۸۳.
- ۳۶- بیت‌العدل اعظم، وعده صلح جهانی، ص ۲۳.
- ۳۷- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء، مورخ ۲۰ مه و ۹ ژوئن ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* صص ۱۳۵ و ۱۷۵.
- ۳۸- بیت‌العدل اعظم، مقدمه کتاب اقدس، ص ۱۶.
- ۳۹- عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۱ شماره ۲۲۷، انتشارات بهائی ویلمت ایلینوی ۱۹۷۹، ص ۲۹۱.
- ۴۰- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء مورخ ۲۰ مه ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* ص ۱۳۴.

### فصل سوم - پویائی خانواده و صلح

- ۱- عبدالبهاء، خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۲، لانگنهاین، آلمان، ص ۹۹.
- ۲- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء مورخ ۱۴ ژوئیه ۱۹۱۲، نقل در *Promulgation* ص ۲۳۰.
- ۳- بیت‌العدل اعظم، وعده صلح جهانی، ص ۱۷.

4- See Betty A. Reardon, *Sexism and the War System* (New York: Teachers College Press, 1986).

5- See Gerda Lerner, *The Creation of Patriarchy*, vol 1 of *Women and History* (New York: Oxford University press, 1986), p.239.

بیت‌العدل اعظم، وعده صلح جهانی، ص ۱۷.

6- Jean Baker Miller, M.D., *Toward a New Psychology of Women*, 2<sup>nd</sup> ed. (Boston: Beacon Press, 1986), pp 6-7.

7- Lerner, *The Creation of Patriarchy*, pp. 217-18.

8- See Shan Guisinger and Sidney J. Blatt, "Individuality and Relatedness: Evolution of a Fundamental Dialectic", *American psychology* 49, no. 2 (Feb. 1994). Pp. 104-11.

۹- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء مؤرخ ۲۰ مه ۱۹۱۲، نقل در *Promulgation* ص ۱۳۴.

۱۰- عبدالبهاء، نقل در پیام ملکوت، تألیف عبدالحمید اشراق خاوری، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ایران ۱۳۰ بدیع، ص ۲۳۵.

11- See *Developing a National Agenda to Adress Women's Mental Health Needs: A Conference Report* (Washington, D. C.: American Psychological Association, 1985), p.29.

۱۲- بیت‌العدل اعظم، وعده صلح جهانی، ص ۲۳.

13- See John Scanzoni and Greer Litton Fox, "Sex Roles, Family and Society: The Seventies and Beyond," *Journal of Marriage and the Family* 42 (Nov. 1980), pp. 743-56.

14- Riane Eisler, David Loye, and Kari Norgaard, *Women, Men, and the Global Quality of Life: A Report of the Gender Equity and Quality of Life Project of the Center for Partnership Studies* (Pacific Grove, Calif.: Center for Partnership Studies, 1995), pp 40-41.

15- Susan Moller Okin, *Justice, Gender and the Family* (New York: Basicbook, 1989), pp. 17-18.

16- Riane Eisler, "Human Rights: The Unfinished Struggle", *International Journal of Women's Studies* 6, no. 4: p, 329.

۱۷- عبدالبهاء، خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۲، لجنة ملی نشر آثار امری ایران، صص

۱۳۵ و ۱۳۶.

- ۱۸- ولی امرالله شوقی ربانی، ترجمه‌ای از مکتوب مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از احباء، مرکز جهانی بهائی، فوریه ۲۰۰۷.
- ۱۹- ترجمه به‌مضمون از خطابات حضرت عبدالبهاء، نقل در جزوه حیات بهائی تهیه و تنظیم در دایره مطالعه نصوص و الواح بیت‌العدل اعظم.
- ۲۰- ترجمه مضمون بیان حضرت ولی امرالله، نقل در جزوه حیات بهائی.
- ۲۱- نامه مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۸۰ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم به محفل روحانی ملی بهائیان نیوزیلند، متن انگلیسی نقل در *Messages from the Universal House of Justice, 1963- 1986, no 272.4*
- ۲۲- حضرت بهاءالله، کتاب اقدس بند ۴۸؛ نامه مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۸۰ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم به محفل روحانی ملی بهائیان نیوزیلند، *Messages from the Universal House of Justice, 1963- 1986, no 272.6*.
- ۲۳- نامه مورخ ۲۳ اوت ۱۹۸۴ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم خطاب به یک فرد، ترجمه نقل در جزوه حیات بهائی.
- ۲۴- عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۱ شماره ۹۸ ص ۱۲۴.
- ۲۵- عبدالبهاء، مکاتیب حضرت عبدالبهاء، جلد ۵، مؤسسه ملی مطبوعات امری، ایران ۱۳۲ بدیع، صص ۱-۱۳۰.
- 26- See Guisinger and Blatt, "Individuality and Relatedness", *American Psychologist* 49, no. 2, p. 109; see also Laurie Hayes, "Men in Transition: Changing Sex Roles", *Guidepost* 30, no. 12 (1988): pp. 1-3.
- ۲۷- نامه مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۸۰ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم به محفل روحانی ملی بهائیان نیوزیلند، متن انگلیسی نقل در *Messages from the Universal House of Justice, 1963- 1986, no 272.4*
- ۲۸- استخراج از نامه مورخ ۱۶ مه ۱۹۸۲ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم خطاب به یک فرد، نقل در *Women* شماره ۷۳.
- ۲۹- استخراج از نامه مورخ ۱ اوت ۱۹۷۸ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم خطاب به یک فرد، ترجمه نقل از جزوه حیات بهائی، تهیه و تنظیم در دایره مطالعه نصوص و الواح بیت‌العدل اعظم.

- ۳۰- ترجمه نامه مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۸۰ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم به محفل روحانی ملی بهائیان نیوزیلند، قسمتی از متن ترجمه نقل از جزوه حیات بهائی؛ عبدالبهاء، "مجموعه مناجات‌های حضرت عبدالبهاء"، مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران، ص ۴۵۵ .
- ۳۱- استخراج از نامه مورخ ۱۶ مه ۱۹۸۲ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم خطاب به یک فرد، ترجمه نقل از جزوه حیات بهائی، تهیه و تنظیم در دایره مطالعه نصوص و الواح.
- ۳۲- نامه مورخ ۲۸ دسامبر ۱۹۸۰ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم به محفل روحانی ملی بهائیان نیوزیلند؛ استخراج از نامه مورخ ۱۱ ژانویه ۱۹۸۸ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم خطاب به یک فرد، ترجمه نقل از جزوه حیات بهائی.
- ۳۳- استخراج از نامه مورخ ۶ ژوئیه ۱۹۵۲ از طرف حضرت ولی امرالله خطاب به یک فرد، نقل در *Women* شماره ۶۹.
- ۳۴- عبدالبهاء، *منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء*، جلد ۱ شماره ۸۵ ص ۱۱۵ .
- ۳۵- بهاءالله، *منتخباتی از آثار حضرت بهاءالله*، شماره ۱۳۱، لجنة نشر آثار، لانگهین-آلمان، ص ۱۸۳ .
- ۳۶- عبدالبهاء، *مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد ۴، ص ۱۳ ، از سایت کتابخانه مراجع و آثار بهائی.
- ۳۷- عبدالبهاء، *منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد اول شماره ۹۵، صص ۱۲۱ و ۱۲۲ .
- ۳۸- همانجا، ص ۱۲۲.
- ۳۹- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء مورخ ۹ ژوئن ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* ص ۱۷۵ .

## فصل چهارم- زنان و احکام بهائی

- ۱- بیت‌العدل اعظم، ترجمه نامه مورخ ۲۴ ژوئیه ۱۹۷۵ خطاب به یک فرد، متن انگلیسی نقل در *Messages from the Universal House of Justice, 1963- 1986, no. 166.2* .
- ۲- بیت‌العدل اعظم، کتاب *اقدس*، مقدمه صفحه ۹ .
- ۳- استخراج از نامه‌ای که از طرف حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۳ به یکی از محافل ملی نوشته شده است، نقل در مقدمه کتاب *اقدس*، صفحه ۱۴ .

- ۴- بهاء‌الله، *منتخباتی از آثار حضرت بهاء‌الله*، شماره ۴۳، ص ۶۷.
- ۵- عبدالبهاء، نقل در مقدمه کتاب اقدس صفحه ۱۲.
- ۶- بیت‌العدل اعظم، نقل در مقدمه کتاب اقدس صفحات ۱۱ و ۱۲.
- ۷- همانجا، صص ۱۵ و ۱۶.
- ۸- بهاء‌الله، کتاب اقدس، بند ۷۵ و ۷۴؛ نگاه کنید به یادداشت شماره ۱۰۶ کتاب اقدس.
- ۹- همانجا، بند ۳۲؛ مقدمه کتاب اقدس صفحه ۱۶.
- ۱۰- استخراج از نامه مورخ ۵ سپتامبر ۱۹۳۸ از طرف حضرت ولی امرالله به یک فرد، ترجمه فارسی نقل از جزوه حیات بهائی.
- ۱۱- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء مورخ ۲ ژوئن ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* ص ۱۶۶.
- ۱۲- استخراج از نامه مورخ ۵ سپتامبر ۱۹۳۸ از طرف حضرت ولی امرالله به یک فرد، ترجمه فارسی نقل از جزوه حیات بهائی.
- ۱۳- بهاء‌الله، کتاب اقدس بند ۱۵۹.
- ۱۴- نقل از نامه مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم به یک فرد؛ ترجمه فارسی نقل از جزوه حیات بهائی.
- ۱۵- بهاء‌الله، کتاب اقدس، بند ۶۳؛ عبدالبهاء، نقل در *بهاء‌الله و عصر جدید*، ص ۱۶۶.
- ۱۶- جامعه بین‌المللی بهائی، *Moral and Ethical Concerns of the Bahá'í International Community in the Face of the Widespread Sexual Exploitation of Children*، این سند در کنفرانس دین و صلح و یونیسف، در مارس ۱۹۹۶ در نیویورک ارائه شد.
- ۱۷- استخراج از نامه مورخ ۵ سپتامبر ۱۹۳۸ از طرف حضرت ولی امرالله به یک فرد، ترجمه فارسی نقل از جزوه حیات بهائی.
- ۱۸- نقل از نامه مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم به یک فرد؛ ترجمه فارسی نقل از جزوه حیات بهائی.
- ۱۹- در این خصوص نگاه کنید به آگس غزنوی، *Sexuality, Relationships and Spiritual Growth* (آکسفورد: جورج رنالد، ۱۹۹۵).
- ۲۰- عبدالبهاء، *منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد ۱ شماره ۸۵، ص ۱۱۵.



- ۲۱- شوقی افندی، کتاب *قرن بدیع*، ترجمه نصرالله مؤدت، مؤسسه معارف بهائی به لسان فارسی، دانداس-انتاریو، کانادا، ۱۹۹۲، ص ۴۲۹.
- ۲۲- بهاء‌الله، کتاب *اقدس*، بند ۶۳ و ۱۷۴.
- ۲۳- بر اساس یکی از الواح منتشر نشده حضرت عبدالبهاء که نویسنده با اجازه بیت‌العدل اعظم خلاصه‌ای از آن را در این جا نقل کرده است.
- ۲۴- عبدالبهاء، *امر و خلق* جلد چهارم، ص ۱۷۷.
- ۲۵- عبدالبهاء، نقل از کتاب *اقدس*: یادداشت‌ها و توضیحات، شماره ۸۹، ص ۱۶۶.
- ۲۶- عبدالبهاء، *امر و خلق* جلد ۴، لانگنهاین-آلمان، ص ۱۷۸.
- ۲۷- نگاه کنید به کتاب *اقدس* یادداشت شماره ۹۳.
- ۲۸- کتاب *اقدس*، تلخیص و تدوین حدود و احکام - احکام شخصی، ص ۷-۸۶.
- ۲۹- استخراج از پیام مورخ ۱۷ ژوئیه ۱۹۷۹ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم به یک فرد، نقل در *Preserving Bahá'í Marriage: A Memorandum and Compilation prepared by the Universal House of Justice* (مرکز جهانی بهائی، ۱۹۹۱) شماره ۳۸.
- ۳۰- بهاء‌الله، نقل در جزوه حیات بهائی.
- ۳۱- ترجمه‌ای از مکتوب مورخ ۲۴ ژانویه ۱۹۹۳ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم خطاب به یکی از احبّاء، از مرکز جهانی بهائی، فوریه ۲۰۰۷.
- ۳۲- همان‌جا.
- ۳۳- شوقی افندی، نقل در کتاب *اقدس*، یادداشت شماره ۱۰۰، ص ۱۷۵؛ بهاء‌الله، کتاب *اقدس*، آیه ۶۸.
- ۳۴- بر اساس نامه مورخ ۱۱ فوریه ۱۹۸۴ دارالانشاء بیت‌العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده.
- ۳۵- *دائرة المعارف بریتانیکا*، چاپ پانزدهم، "Family Law".
- ۳۶- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء مورخ ۷ مه ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* ص ۲۸۳.
- ۳۷- بهاء‌الله، کتاب *اقدس*، بند ۱۰۹؛ عبدالبهاء، *امر و خلق* جلد ۴، لانگنهاین، آلمان، ص ۲۱۰.

- ۳۸- بهاء‌الله، کتاب اقدس، رساله سوال و جواب فقرة ۶۹؛ عبدالبهاء، امر و خلتی جلد چهارم صفحه ۲۱۸.
- ۳۹- کتاب اقدس یادداشت‌ها، شماره ۳۸، صفحه ۱۳۰.
- ۴۰- نگاه کنید به *Memissi, Women and Islam* صص ۶۱-۴۹.
- ۴۱- بهاء‌الله، کتاب اقدس، بند ۵۲.
- ۴۲- بیان حضرت عبدالبهاء نقل در پیام بیت‌العدل اعظم مورخ ۳۱ مه ۱۹۸۸ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان زلاند نو.
- ۴۳- استخراج از نامه مورخ ۲۸ ژوئیه ۱۹۳۶ از طرف حضرت ولی امرالله به یک فرد، نقل در پیام بیت‌العدل اعظم مورخ ۳۱ مه ۱۹۸۸ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان زلاند نو.
- ۴۴- پیام بیت‌العدل اعظم مورخ ۳۱ مه ۱۹۸۸ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان زلاند نو.
- ۴۵- عبدالبهاء، *منتخباتی از مکاتیب جلد اول*، شماره ۳۸؛ استخراج از نامه مورخ ۱۷ سپتامبر ۱۹۵۲ از طرف حضرت ولی امرالله به یک فرد، *Messages from Universal House of Justice, 1963-1986*؛ استخراج از نامه مورخ ۹ اوت ۱۹۸۴ از طرف بیت‌العدل اعظم به یک فرد.
- ۴۶- پیام بیت‌العدل اعظم الهی مورخ ۳۱ مه ۱۹۸۸ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان نیوزیلند.
- ۴۷- استخراج از نامه مورخ ۲۳ ژوئن ۱۹۸۷ از طرف بیت‌العدل اعظم به یک فرد.
- ۴۸- نامه مورخ ۳۱ مه ۱۹۸۸ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان نیوزیلند.
- 49- *The Universal House of Justice, letter dated 27 March 1978 to all National Spiritual Assemblies, in the Continental Boards of counselors: Letters, Extracts from Letters, and Cables from the Universal House of Justice/ An Address by Counselor Edna M. True , Comp. National Spiritual Assembly of the Bahá'ís of the United States (Wilmette, Ill, Bahá'í Publishing Trust, 1981), p. 60.*
- ۵۰- شوقی افندی، کتاب قرن بدیع، ص ۷۶۶.
- ۵۱- عبدالبهاء، امر و خلتی جلد ۴، ص ۲۹۹؛ بهاء‌الله، کلمات فردوسی، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، صفحه ۳۸.

## فصل پنجم - اجرای مساوات:

## دوران حضرت بهاء‌الله و حضرت عبدالبهاء

- ۱- بهاء‌الله، لوح تجلیات، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، ص ۲۷.
- ۲- عبدالبهاء، رساله مدتیّه، ص ۸۴.
- ۳- بهاء‌الله، لوح اشراقات، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، صفحه ۷۶؛ منتخباتی از آثار، شماره ۴.
- ۴- بهاء‌الله، مائده آسمانی جلد ۸ صص ۵۲ و ۵۳ - مؤسسه ملی مطبوعات امری ایران.
- ۵- بهاء‌الله، از الواح حضرت بهاء‌الله. (نقل از یادداشت دایره مطالعه نصوص و الواح).
- 6- See Irene Franck and David Brownstone, *Women's world: A Timeline of Women in History* (New York: Harper Perennial, 1995), pp. 128-34.
- ۷- بهاء‌الله، از الواح حضرت بهاء‌الله (نقل از یادداشت دایره مطالعه نصوص و الواح).
- ۸- بهاء‌الله، از الواح حضرت بهاء‌الله (نقل از یادداشت دایره مطالعه نصوص و الواح).
- ۹- بهاء‌الله، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی، ص ۱۶۱.
- ۱۰- همان‌جا.
- ۱۱- همان‌جا، ص ۱۵۷.
- ۱۲- همان‌جا، ص ۱۶۱.
- ۱۳- همان‌جا.
- ۱۴- بهاء‌الله، لثالی حکمت، جلد اول، ص ۱۲۶.
- ۱۵- بهیه خانم، نقل در لیدی بلامفیلد - *The Chosen Highway*، (ویلمت، ایلینوی: مؤسسه مطبوعات بهائی، ۱۹۶۷).
- ۱۶- نگاه کنید به بهاریه روحانی معانی، *Asiyih Khanum: The Most Exalted Leaf entitled Navvab* (آکسفورد: جورج رنالد، ۱۹۹۳) ص ۵۷.
- ۱۷- بهاء‌الله، نقل در حضرت بهاء‌الله، نوشته محمد علی فیضی، صفحه ۲۳۷.
- ۱۸- بهاء‌الله، نقل در جزوه زیارت اماکن مقدسه بهائی، حيفا، مرکز جهانی بهائی، صفحه ۴۴.
- ۱۹- بهاء‌الله، پیام آسمانی جلد ۱، ص ۱۶۴.

- ۲۰- شوقی افندی، نقل در بهائیه خانم حضرت ورقه علیا، تدوین دایره مطالعه نصوص و الواح مرکز جهانی بهائی، لجنة ملی نشر آثار امری به زبان‌های فارسی و عربی، لانگنهاین-آلمان، ۱۹۸۵، ص ۳۲.
- پیام آسمانی، جلد ۱، ص ۱۶۵.
- ۲۱- شوقی افندی، کتاب قرن بدیع، ص ۶۹۹.
- ۲۲- نگاه کنید به ادیب طاهرزاده، *The Revelation of Bahá'u'lláh*، جلد چهارم، (آکسفورد: جورج رنالد، ۱۹۸۷) ص ۴۲۹.
- ۲۳- عبدالبهاء، تذکرة الیوم، ص ۲۶۶.
- ۲۴- نگاه کنید به ادیب طاهرزاده، *The Revelation of Bahá'u'lláh*، جلد اول، صص ۱۲ و ۱۳.
- ۲۵- بهاء‌الله، نقل در مائده آسمانی، جلد ۴، صص ۳۳۱-۳۲۹.
- ۲۶- نگاه کنید به ادیب طاهرزاده، *The Revelation of Bahá'u'lláh*، جلد اول، ص ۱۳.
- ۲۷- نیل اعظم، نقل در *Stories of Bahá'u'lláh* تألیف علی اکبر فروتن، ترجمه به انگلیسی Katayoon and Robert Crerar et al (آکسفورد: جورج رنالد، ۱۹۸۶) صص ۲۶-۲۷ (ترجمه از متن انگلیسی).
- ۲۸- شوقی افندی، کتاب قرن بدیع، ص ۵۶۵.
- ۲۹- شوقی افندی، نقل در کتاب بهائیه خانم حضرت ورقه علیا، صص ۸-۳۷.
- ۳۰- عبدالبهاء، نقل در توقیعات مبارکه (۱۹۲۷-۱۹۳۹)، صص ۱۹-۲۱۸.
- ۳۱- عبدالبهاء، نقل در کتاب بهائیه خانم، حضرت ورقه علیا، ص ۱۲.
- ۳۲- عبدالبهاء، نقل در توقیعات مبارکه (۱۹۲۷-۱۹۳۹)، ص ۲۲۱.
- ۳۳- بهیة خانم، نقل در کتاب بهائیه خانم، حضرت ورقه علیا صص ۷-۹۶.
- ۳۴- شوقی افندی، نقل در کتاب بهائیه خانم، حضرت ورقه علیا، ص ۲۱.
- ۳۵- منیره خانم، نقل در لیدی بلامفیلد، - *The Chosen Highway*، ص ۸۹.
- ۳۶- همان‌جا، صص ۹۰-۸۹.
- ۳۷- بهیة خانم، نقل در *The Master in Akka* تألیف Myron H. Phelps، (لس آنجلس: کلمت پرس، ۱۹۸۵)، ص ۱۱۸.

- 38- 'Abdu'l-Bahá, quoted in Genevieve L. Coy, "A Week in 'Abdu'l-Bahá's Home" in *In His Presence: Visits to 'Abdu'l-Bahá* (Los Angeles: Kalamat Press, 1989), p. 146.
- 39- *Munirih Khanum: Memories and Letters*, trans. Sammireh Anwar Smith (Los Angeles: Kalamat Press, 1986), pp. 85-86.
- متن اصلی نامهٔ منیره خانم هنوز پیدا نشده است. (نقل از یادداشت دایرهٔ مطالعهٔ نصوص و الواح)
- ۴۰- شوقی افندی، نقل در جزوه اماکن مقدسه، صفحهٔ ۱۳۵؛ نامهٔ مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۳۸ از طرف شوقی افندی به سید مصطفی، نقل در *Messages of Shoghi Effendi to Indian Subcontinent*، ص ۱۷۱.
- ۴۱- بهیه خانم، نقل در *The Master in Akka* تألیف Pheleps، صص ۷۶-۷۵.
- 42- Robert Weinberg, *Ethel Jenner Rosenberg: The life and Times of England's Outstanding Bahá'í Pioneer Worker* (Oxford: George Ronald, 1995), p. 56.
- ۴۳- طویا خانم، نقل در لیدی بلامفیلد، *The Chosen Highway*، ص ۱۰۱.
- ۴۴- نگاه کنید به "A Bahá'í Pioneer of East and West – Doctor Susan Moody, Amatu'l-Bahá" تألیف Jessie E. Revell در مجلد ۶، عالم بهائی، ۱۹۳۶ – ۱۹۳۴، محفل ملی بهائیان ایالات متحده و کانادا (نیویورک: لجنهٔ مطبوعات بهائی، ۱۹۳۷) صص ۸۶-۴۸۳.
- ۴۵- ترجمهٔ مضمون از خطابهٔ حضرت عبدالبهاء مورخ ۲۰ مه ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation*، ص ۱۳۳.
- ۴۶- ترجمهٔ مضمون از خطابهٔ حضرت عبدالبهاء در بستن، ماساچوست، ۲۶ اوت ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation*، ص ۲۸۳.
- ۴۷- عبدالبهاء، *خطابات* جلد اول، نطق مبارک مورخ ۱۴ نوامبر ۱۹۱۱ در پاریس، ص ۱۶۴
- ۴۸- ترجمهٔ مضمون از خطابهٔ حضرت عبدالبهاء در کلیسای یونیتارین، در فیلادلفیا، پنسیلوانیا، ۹ ژوئن ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation*، ص ۱۷۴.

۴۹- ترجمهٔ مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء در فدراسیون کلوب زنان در شیکاگو، ایلینوی، ۲ مه ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation*، ص ۷۷.

۵۰- عبدالبهاء، *منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد اول، شمارهٔ ۲۲۷؛ خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۲ ص ۱۳۶.

۵۱- ترجمهٔ مضمون از خطابهٔ حضرت عبدالبهاء مورخ ۲۰ مه ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* ص ۱۳۴.

۵۲- عبدالبهاء، نقل در پیام ملکوت، ص ۲۳۵.

۵۳- ترجمهٔ مضمون از خطابهٔ حضرت عبدالبهاء در بستن، ماساچوست، ۲۶ اوت ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* صص ۸۱-۲۸۰.

۵۴- ترجمهٔ مضمون از خطابهٔ حضرت عبدالبهاء در فدراسیون کلوب زنان در شیکاگو، ایلینوی، ۲ مه ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* صص ۷۶-۷۵.

۵۵- عبدالبهاء، پیام ملکوت، ص ۲۳۶؛ خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۱، ص ۱۶۴ ترجمه از خطابه ۲۵ اکتبر ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* صص ۷۵-۳۷۴.

۵۶- عبدالبهاء، از الواح حضرت عبدالبهاء (نقل از یادداشت دایرهٔ مطالعهٔ نصوص و الواح).  
۵۷- عبدالبهاء، *خطابات حضرت عبدالبهاء* جلد ۲، ص ۱۳۵.

۵۸- ترجمهٔ مضمون از خطابهٔ حضرت عبدالبهاء مورخ ۲۰ مه ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* ص ۱۳۴.

59- Gerda Lerner, *The Creation of Patriarchy* (New York: Oxford University Press, 1986), p. 4;

برای ملاحظهٔ عقیدهٔ مشابهی در نوشته‌های معاصر نگاه کنید به

Riane Eisler, *The Chalice and the Blade: Our History, our Future* (San Francisco: Harper and Row, 1987).

۶۰- عبدالبهاء، پیام ملکوت، ص ۲۳۳.

۶۱- عبدالبهاء، پیام ملکوت، ص ۲۴۱.

۶۲- ترجمهٔ مضمون از خطابهٔ حضرت عبدالبهاء مورخ ۹ ژوئن ۱۹۱۲، نقل در *Promulgation* ص ۱۷۵.

63- Nathan Rutstein with Edna M. True, *Corinne True: Faithful*

*Handmaid of 'Abdu'l-Bahá* (Oxford: George Ronald, 1987), p. 71.

۶۴- همان‌جا، ص ۷۵.

۶۵- همان‌جا، صص ۰۷-۲۰۶.

66- 'Abdu'l-Bahá quoted in Mariam Haney, "Mrs Agnes Parsons" in *The Bahá'í World: A Biennial International Record, Volume 5, 1932-1934*, comp. National Spiritual assembly of the Bahá'ís of the United States and Canada (New York: Bahá'í Publishing Committee, 1936), p.413.

۶۷- ترجمه مضمون بیان حضرت عبدالبهاء، این بیان در اصل در نشریه انگلیسی نجم باختر مجلد ۱۲، شماره ۶ صفحه ۱۵ درج گردیده است. اصل آن به فارسی پیدا نشده است. (نقل از یادداشت دایره مطالعه نصوص و الواح).

68- 'Abdu'l-Bahá quoted in Mariam Haney, "Mrs Agnes Parsons" in *The Bahá'í World: A Biennial International Record, Volume 5, 1932-1934*, comp. National Spiritual Assembly of the Bahá'ís of the United States and Canada (New York: Bahá'í Publishing Committee, 1936), p. 414.

69- See "Ella Goodall Cooper", in *The Bahá'í World: A Biennial International Record, Volume 12, 1950-1954*, comp. National Spiritual Assembly of the Bahá'ís of the United States (Wilmette, Ill.: Bahá'í Publishing Trust, 1956), pp. 681-84.

۷۰- عبدالبهاء، نقل در توقیعات مبارکه ۱۹۵۷-۱۹۵۲، موسسه ملی مطبوعات امری ایران، ص ۱۱۶.

۷۱- نگاه کنید به حسن موقر بالیوزی، *'Abdu'l-Bahá: The Centre of Covenant of Bahá'u'lláh* (آکسفورد: جورج رنالد، ۱۹۷۴) صص ۱۹-۴۱۸ و ۳۵-۵۳۴ مراجعه کنید.

۷۲- ظهور عدل الهی ترجمه نصرالله مودت، صص ۱۴۳ و ۱۴۴.

۷۳- عبدالبهاء، از آثار حضرت عبدالبهاء، (نقل از یادداشت دایره مطالعه نصوص و الواح).

- ۷۴- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء مورخ ۲ مه ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* صص ۷۷-۷۶.
- ۷۵- عبدالبهاء، مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۷ صص ۱۳۵ و ۱۳۶.
- ۷۶- عبدالبهاء، مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۷، ص ۱۰۷.
- ۷۷- عبدالبهاء، مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۷، ص ۲۱۹.
- ۷۸- حضرت عبدالبهاء، نقل در *Memories of Abd'l- Ramona Allen Brown Baha: Recollections of the Early Days of the Bahá'í Faith in California* (ویلمت، ایلینوی: مؤسسه مطبوعات بهائی، ۱۹۸۰)، ص ۹۲. اصل فارسی نقل از لوحی از حضرت عبدالبهاء خطاب به علی‌قلیخان (نقل از یادداشت دایره مطالعه نصوص و الواح).
- 79- See Blomfield, *Chosen Highway*, p. 190; see Coy, *In His Presence*, p. 95; see National Spiritual of the Bahá'ís of Canada, *Marion Jack, Immortal Heroine* (Thornhill, Ont. Bahá'í Canada Publications), p. 2.
- ۸۰- نگاه کنید به *Munirih Khanum: Memories and Letters* صص ۸۱-۷۷ مراجعه شود.
- ۸۱- نگاه کنید به البیوزی، *Eminent Bahá'ís in the Time of Bahá'u'lláh with Some Historical Background* (آکسفورد: جورج رنالد، ۱۹۸۵) ص ۲۶۸؛ همچنین به طاهرزاده، *The Revelation of Bahá'u'lláh* جلد چهارم، ص ۳۱۲.
- ۸۲- مجلد سوم عالم بهائی ۱۹۳۰-۱۹۲۸ (نیویورک: لجنة مطبوعات، ۱۹۳۰)، ص ۸۵.
- ۸۳- عبدالبهاء، نقل از لوح حضرت عبدالبهاء به افتخار لیلیان کیس. (نقل از یادداشت دایره مطالعه نصوص و الواح).
- ۸۴- نگاه کنید به مقاله "Genevieve Lenore Coy" نوشته Dorothea Morrell Reed نقل در مجلد ۱۴ عالم بهائی ۱۹۶۸-۱۹۶۳ صص ۲۸-۳۲۶؛ نگاه کنید به "اشراقیه ذبیح"، همانجا صص ۱۸-۵۱۷؛ نگاه کنید به "روح انگیز فتح اعظم" در مجلد ۱۷ عالم بهائی، ۱۹۷۹-۱۹۷۶، صص ۷۰-۴۶۷.
- ۸۵- برای اطلاع در باره حسن شهرت مدارس تربیت، نگاه کنید به مؤزان مؤمن *The Bábí and Bahá'í Religions: 1844- 1944: Some Contemporary*



- Accounts (آکسفورد: جورج رنالد، ۱۹۸۱)، صص ۷۹-۴۷۵ و مقاله وحید رأفتی تحت عنوان "Bahá'í Schools" در دائرة المعارف ایرانیکا جلد سوم، صص ۷۰-۴۶۷.
- ۸۶- نگاه کنید به طاهرزاده، *The Revelation of Bahá'u'lláh* جلد چهارم، صص ۳۱۲ و ۳۰۴؛ هم چنین نگاه کنید به بالیوزی *Eminent Bahá'is in the Time of Bahá'u'lláh*، ص ۱۷۴.
- ۸۷- نگاه کنید به طاهرزاده، *The Revelation of Bahá'u'lláh* جلد چهارم، ص ۳۱۲.
- 88- See Robert H. Stockman, *The Bahá'í Faith in America: Early Expansion, 1900- 1912*, vol. 2 (Oxford: George Ronald, 1995), pp. 47, 49-50, 53-54.
- ۸۹- همان جا، ص ۳۲۳.
- ۹۰- عبدالبهاء، *منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد اول، شماره ۹۴.
- ۹۱- عبدالبهاء، *مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد ۷، صص ۱۳۴ و ۱۳۵.
- ۹۲- عبدالبهاء، *منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد اول، شماره ۹۴، ص ۱۲۱.
- ۹۳- عبدالبهاء، *مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد ۷، ص ۸۱.
- ۹۴- عبدالبهاء، *منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد دوم، شماره ۳۴۸، ص ۲۵۰.
- ۹۵- عبدالبهاء، *مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد ۷، صص ۱۳۴-۱۳۵.
- 96- See Genevieve L. Coy, "Educating the Women of Persia", *Star of the West* 17, no. 1 (April 1926), pp. 50-55.
- ۹۷- عبدالبهاء، نقل در لورا کلیفورد بارنی، *مقدمهٔ مفاوضات حضرت عبدالبهاء*، ص ۱۷.
- ۹۸- Ella Goodall Cooper در "Henrietta Emogene Martin Hoagg" در مجلد ۱۰ *عالم بهائی*، ۱۹۴۶-۱۹۴۴، صص ۲۱-۵۲۰.
- 99- Amine De Mille, "Emogene Martin Hoagg, an exemplary pioneer", *Bahá'í News*, no 511 (Oct. 1973): p. 7.
- 100- See *Star of the West* 2, no. 3 (28 April 1911), p. 61; *Star of the West* 2, no. 7-8 (1 August 1911), pp. 7-9; *Star of the West* 16, no. 9 (December 1925), p. 650.
- ۱۰۱- عبدالبهاء، نقل در اسلمنت، *بهاء‌الله و عصر جدید*، ص ۱۶۶؛ عبدالبهاء، ترجمهٔ مضمون از خطابهٔ حضرت عبدالبهاء مورخ ۲۰ مه و ۲۶ اوت ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* ص ۲۸۳.

- ۱۰۲- عبدالبهاء، نقل از لوحی از حضرت عبدالبهاء خطاب به کاترین ترو. (نقل از یادداشت دایرة مطالعه نصوص و الواح).
- ۱۰۳- عبدالبهاء، نقل در شوقی افندی، کتاب قرن بدیع، ص ۷۷۲؛ شوقی افندی، نقل در مقاله "Beatrice Irwin" نوشته Marion Hofman در مجلد ۱۳ عالم بهائی، ۱۹۶۳-۱۹۵۴، ص ۸۸۲.

## فصل ششم - اجرای مساوات نقش حضرت ولی امرالله و بیت‌العدل اعظم

- ۱- شوقی افندی، کتاب قرن بدیع، ص ۶۵۹.
- ۲- همانجا، صص ۶۶۰ و ۶۶۱.
- ۳- شوقی افندی، استخراج از نامه مورخ ۲۷ دسامبر ۱۹۲۳ خطاب به محفل روحانی ملی بهائیان هند و برمه، نقل در *Women* شماره ۱۴.
- ۴- همانجا
- ۵- شوقی افندی، نامه مورخ ۶ دسامبر ۱۹۲۸ به اجبای الهی و امام‌الرحمن در سراسر عالم، نقل در *Bahá'í Administration*، ص ۱۴۸.
- ۶- نامه مورخ ۱۴ مارس ۱۹۳۳ از طرف شوقی افندی به یک فرد، نقل شده با اجازه بیت‌العدل اعظم.
- ۷- شوقی افندی، کتاب قرن بدیع، صص ۴۵۷ و ۴۵۸.
- ۸- نگاه کنید به وحید رافعی، "The Bahá'í Community of Iran" در *دائرةالمعارف ایرانیکا* جلد سوم، صص ۶۰-۴۵۴.
- ۹- "Review of Various National Events" در مجلد ۱۲ عالم بهائی، ص ۶۵.
- ۱۰- همانجا، ص ۶۶.
- ۱۱- شوقی افندی، استخراج از نامه مورخ آوریل ۱۹۵۴، نقل در *Messages to the Bahá'í World, 1950-1957* (ویلست، ایلینوی، مؤسسه مطبوعات بهائی، ۱۹۷۱)، ص ۴۲.
- 12-See Baharieh Rouhani Ma'ani, "The Interdependence of Bahá'í Communities: Services of the North American Baha'í Women to Iran", *Journal of Bahá'í Studies* 4, no 1 (1991): p. 42.

- ۱۳- شوقی افندی، استخراج از نامه مورخ ۳۰ ژانویه ۱۹۲۶ خطاب به محافل روحانی در سراسر شرق، نقل در مجموعه *Trustworthiness: A compilation of extracts from the Bahá'í Writings*، دایره تحقیق مرکز جهانی بهائی (لندن: مؤسسه مطبوعات بهائی، ۱۹۸۷)، شماره ۶۹؛ بر اساس نامه مورخ ۲ نوامبر ۱۹۲۸ از شوقی افندی به محفل مرکزی ایران.
- ۱۴- شوقی افندی، *ظهور عدل الهی*، صص ۴-۱۴۳.
- ۱۵- استخراج از نامه مورخ ۲۴ مارس ۱۹۴۵ از طرف شوقی افندی به یک فرد، نقل در *Women* شماره ۹۳.
- ۱۶- همان‌جا.
- ۱۷- استخراج از نامه مورخ ۱۰ نوامبر ۱۹۳۰ از طرف شوقی افندی به محفل روحانی ملی بهائیان هند و برمه، نقل در *Women* شماره ۹۲.
- ۱۸- شوقی افندی، تلگراف مورخ ۳۰ دسامبر ۱۹۳۰ به یک فرد، نقل شده با اجازه بیت‌العدل اعظم.
- ۱۹- محفل روحانی ملی بهائیان سنگاپور، *Eulogy, Shirin Fozdar, 1 March 1905- 2 February 1992: Champion of Asian Women* (سنگاپور: محفل روحانی ملی بهائیان سنگاپور، ۱۹۹۲).
- ۲۰- نیل اعظم (نیل زرندی)، *مطالع الانوار* (تاریخ نیل).
- ۲۱- استخراج از نامه مورخ ۲۷ اوت ۱۹۵۱ از طرف شوقی افندی به افی بیکر، نقل در "Effie Baker" نوشته James Heggie در مجلد ۱۴ *عالم بهائی*، ص ۳۲۱.
- ۲۲- نامه کیث رانسوم کهلر مورخ ۳ مارس ۱۹۳۳ به محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده و کانادا، نقل در مجلد ۵ *عالم بهائی*، ص ۴۰۲.
- ۲۳- شوقی افندی، تلگراف مورخ ۲۸ اکتبر ۱۹۳۳، نقل در *Messages to America*.
- 24- Dr. Lutfullah S. Hakim and Mardiyih N. Carpenter, "Part Three – Persia", in "Current Bahá'í Activities in the East and West", in *Bahá'í World*, vol.5, p. 121.
- 25- Ibid., p. 122.
- 26- "In Memoriam", in *Bahá'í World*, Vol. 5, p. 398.

27- See Barron Deems Harper, *Light of Fortitude: Glimpses into the lives of the Hands of the Cause of God* (Oxford: George Ronald, 1997).

۲۸- شوقی افندی، کتاب قرن بدیع، صص ۷-۷۶۶.

۲۹- جان اسلمنت، بهاء‌الله و عصر جدید.

۳۰- شوقی افندی، کتاب قرن بدیع، ص ۷۷۲.

۳۱- همان‌جا، صص ۷۷۱ و ۷۶۶.

۳۲- شوقی افندی، توقیعات مبارکه ۱۹۵۷-۱۹۵۲ صص ۱۰-۲۰۹.

۳۳- نامه‌ای که در ژانویه ۱۹۴۷ از طرف شوقی افندی به امیلیا کالینز نوشته شد، نقل در "Amilia E. Collins" نوشته Beatrice Ashton در مجلد ۱۳ عالم بهائی، صص ۸۳۸ شوقی افندی، بی‌نویس نامه مورخ ژانویه ۱۹۴۷ از طرف شوقی افندی به امیلیا کالینز، نقل در "Amilia E. Collins" نوشته Beatrice Ashton در مجلد ۱۳ عالم بهائی، صص ۸۳۹.

۳۴- بیت‌العدل اعظم، اساسنامه بیت‌العدل اعظم (حیفا: مرکز جهانی بهائی، ۱۹۷۲).

۳۵- عبدالبهاء، الواح وصایای مبارکه حضرت عبدالبهاء، صفحه ۲۱.

۳۶- بیت‌العدل اعظم، وعده صلح جهانی، صص ۱۷.

۳۷- بیت‌العدل اعظم، پیام مورخ رضوان ۱۹۸۴ به بهائیان عالم، نقل در *Messages from the Universal House of Justice, 1963- 1986*، شماره ۷. ۳۹۴.

۳۸- "International Survey of Current Bahá'í Archives, 1968- 1973" در مجلد ۱۵ عالم بهائی، صص ۲۴۸.

۳۹- بیت‌العدل اعظم، پیام مورخ ۲۵ مه ۱۹۷۵ خطاب به همه محافل روحانی ملی، نقل در *Messages from the Universal House of Justice, 1963- 1986* شماره ۱۶۲. ۳۲.

۴۰- نقشه پنج ساله، ۱۹۷۴-۱۹۷۹، گزارش آماری، رضوان ۱۹۷۸ (حیفا: مرکز جهانی بهائی، ۱۹۷۸)، صص ۳۳-۳۴.

۴۱- بیت‌العدل اعظم، پیام مورخ ۲۴ مارس ۱۹۷۷ خطاب به همه محافل روحانی ملی، در *Messages from the Universal House of Justice, 1963- 1986*، شماره ۱۹۰، ۵.

42- Rachel Collins, "Survey of Activities of Bahá'í Women in Five Year Plan" in *Bahá'í World*, vol. 17, pp. 210-12.

۴۳- نقشه هفت ساله، ۱۹۷۹-۱۹۷۴، گزارش آماری، ص ۱۰۷.

۴۴- بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۱۵۳ (۱۹۹۶) خطاب به عالم بهائی، *The Four Year Plan: Messages of the Universal House of Justice* (انتشارات پالابرا، ۱۹۹۶) شماره ۳، ۹.

۴۵- بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۱۵۳ (۱۹۹۶) خطاب به پیروان حضرت بهاء‌الله در جزایر آندامان و نیکوبار، بنگالادش، هند، نپال و سری لانکا، نقل در نقشه چهارساله، شماره ۱۰، ۱۱.

۴۶- بیت‌العدل اعظم، پیام مورخ رضوان ۱۵۳ (۱۹۹۶) خطاب به پیروان حضرت بهاء‌الله در آفریقا، نقشه چهارساله، شماره ۱۳، ۴.

۴۷- بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۱۵۳ (۱۹۹۶) خطاب به پیروان حضرت بهاء‌الله در استرالیا، جزایر کوک، جزایر کارولینای شرقی، جزایر فیجی، پلونزی فرانسه، جزایر هاوایی، اندونزی، ژاپن، کریاس، کره، جزایر ماریانا، جزایر مارشال، نیو کالدونیا، و جزایر لویالتی، نیوزیلند، گینه جدید پاپوا، فلپین، ساموا، جزایر سلیمان، تونگا، توالو، وانواتو، و جزایر غربی کارولینا، نقل در نقشه چهارساله، شماره ۸، ۵.

۴۸- شوقی افندی، نامه مورخ ۳ ژوئن ۱۹۲۵ به احبای الهی و اماء الرحمن، نمایندگان و شرکت کنندگان در کانونش بهائی، گرین ایگر مین، در *Bahá'í Administration* ص ۸۸.

۴۹- "Achievements of the Bahá'í Community in Advancing the Status of Women" در مجلد ۱۹ *عالم بهائی*، بیت‌العدل اعظم (حیفا: مرکز جهانی بهائی، ۱۹۹۴) ص ۴۰۱.

۵۰- همانجا، ص ۴۰۲.

۵۱- دفتر جامعه بین‌المللی بهائی، دایره پیشرفت زنان، *The Status of Women in the Bahá'í Community* نقل در *The Greatness Which Might be Theirs* (جامعه بین‌المللی بهائی، ۱۹۹۵) صص ۸۷-۸۱.

۵۲- همانجا.

- ۵۳- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء مورخ ۲۰ مه ۱۹۱۲؛ و نیز خطابه مورخ ۲ مه ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* صص ۱۳۴ و ۷۷.
- ۵۴- “Achievements of the Bahá’í Community in Advancing the Status of Women” در مجلد ۱۹ عالم بهائی، ص ۳۹۹.
- ۵۵- جامعه بین‌المللی بهائی، “The Girl Child: A Critical Concern” نقل در *The Greatness Which Might be Theirs* (جامعه بین‌المللی بهائی، ۱۹۹۵)، صص ۷۸-۷۷.
- ۵۶- همان‌جا، ص ۷۸.
- ۵۷- همان‌جا.
- ۵۸- بیت‌العدل اعظم، دستخط مورخ ۱۰ دسامبر ۱۹۹۲ خطاب به همه محافل روحانی ملی. ۵۹- همان‌جا.
- 60- Bahá’í International Community, “Educating Girls: An Investment in the future” in *The Greatness Which Might be Theirs*, pp. 8-9.
- 61- Bahá’í International Community, “Protection of Women’s Rights” in *The Greatness Which Might be Theirs*, p. 64.
- 62- Bahá’í International Community, “Ending Violence Against Women” in *The Greatness Which Might be Theirs*, p. 28;
- بیان حضرت عبدالبهاء نقل از منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۱ شماره ۷۹.
- 63- Bahá’í International Community, “Protection of Women’s Rights” in *The Greatness Which Might be Theirs*, p. 64.
- 64- Ibid., pp. 63-64.
- 65- Bahá’í International Community, “Ending Violence Against Women” in *The Greatness Which Might be Theirs*, p. 29.
- 66- Bahá’í International Community, “Moral and Ethical Concerns of the Bahá’í International Community in the Face of Widespread Sexual Exploitation of Children”, (paper presented at the meeting of the World Conference on Religion and Peace and UNICEF, New York, March 1996).

۶۷- بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۱۵۳ (۱۹۹۶) به بهائیان عالم، نقل در نقشه چهارساله، شماره ۳. ۳۳.

68- Ann Boyles, "Towards the Goal of Full Partenership: One Hundred and Fifty Years of Advancement of Women" in *The Bahá'í World, 1993-94: An International Record* (Haifa: Bahá'í World Centre, 1994), p. 266.

۶۹- دفتر اطلاعات عمومی جامعه بین‌المللی بهائی، بیانیه رفاه عالم انسانی، سایت دیانت بهائی: <http://aeenebahai.org/node/533>

۷۰- جامعه بین‌المللی بهائی، نقطه عطفی برای همه ملل عالم: بیاتیه‌ای از جامعه جهانی بهائی به مناسبت پنجاهمین سال‌گرد تأسیس سازمان ملل متحد، اکتبر ۱۹۹۵.

۷۱- بیت‌العدل اعظم، پیام مورخ ۲۰ اکتبر ۱۹۸۳ به بهائیان عالم، نقل در *Messages from the Universal House of Justice 1963-1986*، شماره ۳۷۹. ۲.

۷۲ - نگاه کنید به عالم بهائی ۱۹۹۶-۱۹۹۵ (حیفا: مرکز جهانی بهائی، ۱۹۹۷)، صص ۲۰-۳۱۷.

۷۳- بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۱۵۳ (۱۹۹۶) خطاب به پیروان حضرت بهاء‌الله در آفریقا، نقل در نقشه چهارساله، شماره ۴. ۹.

۷۴- بر اساس اطلاعات ارائه شده توسط دفتر توسعه اجتماعی و اقتصادی مرکز جهانی بهائی.

75- See Boyles, "Towards the Goal of Full Partenership: One Hundred and Fifty Years of Advancement of Women" in *The Bahá'í World, 1993-94*, p. 257.

۷۶- همان‌جا؛ برای اطلاع بیشتر در باره پرورشگاه Lar Linda Tanure نگاه کنید به "Profile: Association for the Coherent Development of the Amazon" نقل در *عالم بهائی* ۹۶-۱۹۹۵، صص ۱۰۵-۳۰۱.

۷۷- نگاه کنید به Boyles, "Towards the Goal of Full Partenership: One Hundred and Fifty Years of Advancement of Women" نقل در *عالم بهائی* ۹۴-۱۹۹۳، صص ۲۵۵.

78- *The Six Year Plan, 1986- 1992: Summary of Achievements* (Haifa: Bahá'í World Centre, 1993), p. 81.

79- See "Simple Methods, Simple training are Keys to primary health care in villages", *One Country* 1, no. 3 (June-August 1989): pp. 1, 8-9; see also *Six Year Plan*, pp. 76-79.

80- "UNIFEM/ Bahá'í Project Raises Community Consciousness" (an article originally published in *One Country* 5, no. 3 [Oct-Dec. 1993], p. 9) in *The Greatness Which Might be Theirs*, p. 56.

81- Quoted in Boyles, "Towards the Goal of Full Partnerships" in *The Bahá'í World, 1993-96*, p. 262.

82- Ibid.

83- See "The Bahá'í International Community: Activities 1994- 95" in *The Bahá'í World, 1994-95* (Haifa: Baha'í World Centre, 1995), p.

145; Bahá'í International Community Office of Advancement of Women, *Two Wings: Changing Behavior and Attitudes — Story of the Bahá'í International Community's Traditional Media as Change Agent Project* (New York: Bahá'í International Community Office of Advancement of Women, 1994), videocassette 25:35 minutes.

## فصل هفتم: به مرحله عمل در آوردن مساوات

۱- بیت‌العدل اعظم، دستخط مورخ ۶ فوریه ۱۹۷۳ خطاب به همه محافل روحانی ملی، در *Messages from the Universal House of Justice, 1963- 1986*، شماره ۲.

. ۱۲۶

۲- عبدالبهاء، خطابات حضرت عبدالبهاء جلد اول، صص ۱۸۱، ۳۳ و ۱۹.

۳- استخراج از نامه مورخ ۴ مه ۱۹۴۲ از طرف شوقی افندی به یک فرد، نقل در *The Power of Divine Assistance: Extracts from the Writings of Bahá'u'lláh, the Bab, 'Abdu'l-Bahá and Shoghi Effendi ... and*



- Selected Prayers*، مرکز تحقیقات بیت‌العدل اعظم (محفل روحانی ملی بهائیان کانادا، ۱۹۸۲)، صص ۵۳ و ۵۰.
- ۴- استخراج از نامهٔ مورخ ۲۲ نوامبر ۱۹۴۱ از طرف شوقی افندی به یک فرد، نقل در *Compilation of Compilations*، جلد ۲، شماره ۱۷۷۰.
- ۵- ترجمهٔ مضمون بیان حضرت عبدالبهاء (قسمتی از خطابهٔ حضرت عبدالبهاء که در نجم باختر، مجلد هشتم، شماره ۶، صفحه ۶۸ درج گردیده است. متن آن به زبان اصلی پیدا نشده است. (نقل از یادداشت دایرهٔ مطالعهٔ نصوص و الواح).
- ۶- استخراج از نامهٔ مورخ ۱۰ ژانویه ۱۹۳۶ از طرف شوقی افندی به محفل روحانی ملی بهائیان ایالات متحده، نقل در *Light of Guidance: A Bahá'í Reference File*، تألیف Helen Hornby، چاپ سوم، (نیودهل: مطبوعات بهائی، ۱۹۹۴) شماره‌های ۷۷۵، ۱۲۲۳.
- ۷- استخراج از نامهٔ مورخ ۲۶ مارس ۱۹۵۰ از طرف شوقی افندی به یک فرد، نقل در *Light of Guidance: A Bahá'í Reference File*، شماره ۱۲۲۳.
- ۸- استخراج از دستخط مورخ ۱۷ اکتبر ۱۹۶۸ از طرف بیت‌العدل اعظم به یک فرد، نقل در *Compilation of Compilations*، جلد ۱، شماره ۱۱۸.
- ۹- استخراج از نامهٔ مورخ ۱۷ فوریه ۱۹۳۳ از طرف شوقی افندی به یک فرد، نقل در *Compilation of Compilations*، جلد ۱، صص ۸۵-۸۴.
- ۱۰- بیت‌العدل اعظم، پیام مورخ ۶ فوریه ۱۹۷۳ خطاب به همهٔ محافل روحانی ملی، نقل در *Messages from the Universal House of Justice 1963- 1986*، شماره ۲، ۱۲۶.
- ۱۱- استخراج از نامهٔ مورخ ۲ نوامبر ۱۹۳۳ از طرف شوقی افندی به یک فرد، نقل در *Compilation of Compilations*، جلد ۱، شماره ۴۷۵.
- ۱۲- بیت‌العدل اعظم، پیام مورخ سپتامبر ۱۹۶۴ خطاب به بهائیان عالم، نقل در *Messages from the Universal House of Justice 1963- 1986*، شماره ۴، ۱۹، ۱۳- همان‌جا، شماره ۱۹.۶.
- ۱۴- استخراج از نامهٔ مورخ ۱۲ مه ۱۹۲۵ از طرف شوقی افندی به یک فرد، نقل در *Compilation of Compilations*، جلد ۲، شماره ۱۲۷۲.

- ۱۵- استخراج از نامهٔ مورخ ۲۷ فوریه ۱۹۴۳ از طرف شوقی افندی به یک فرد، نقل در *Compilation of Compilations*، جلد ۲، شماره ۱۲۸۹.
- ۱۶- استخراج از نامهٔ مورخ ۲۵ ژوئیه ۱۹۸۴ از طرف بیت‌العدل اعظم به یک فرد، نقل در *Messages from the Universal House of Justice 1963- 1986*، شماره ۶، ۴۰۲.
- ۱۷- عبدالبهاء، *خطابات حضرت عبدالبهاء* جلد ۱، ص ۱۶۴؛ عبدالبهاء، *مکاتیب حضرت عبدالبهاء* جلد ۷، ص ۳۷؛ عبدالبهاء، ترجمهٔ مضمون از خطابهٔ حضرت عبدالبهاء مورخ ۲ مه ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* ص ۷۶.
- ۱۸- ترجمهٔ مضمون از خطابهٔ حضرت عبدالبهاء مورخ ۲۶ اوت ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* ص ۲۸۳؛ عبدالبهاء، *خطابات حضرت عبدالبهاء* جلد ۱، ص ۱۶۵.
- ۱۹- بیت‌العدل اعظم، پیام مورخ رضوان ۱۵۳ (۱۹۹۶) خطاب به پیروان حضرت بهاء‌الله در استرالیا، جزایر کوک، جزایر کارولینای شرقی، جزایر فیجی، پلونزی فرانسه، جزایر هاوایی، اندونزی، ژاپن، کریباس، کره، جزایر ماریانا، جزایر مارشال، نیو کالدونیا، و جزایر لویالی، نیوزیلند، گینهٔ جدید پاپوا، فلپین، ساموا، جزایر سلیمان، تونگا، توالو، وانواتو، و جزایر غربی کارولینا، نقل در *نقشهٔ چهارساله*، شماره ۵، ۸.
- ۲۰- بیت‌العدل اعظم، پیام رضوان ۱۵۳ (۱۹۹۶) خطاب به پیروان حضرت بهاء‌الله در جزایر آندامان و نیکوبار، بنگالادش، هند، نپال و سری لانکا، نقل در *نقشهٔ چهارساله*، شماره ۱۰، ۱۱.
- ۲۱- بیت‌العدل اعظم، پیام نوروز ۱۹۷۹ خطاب به بهائیان عالم، نقل در *Messages from the Universal House of Justice 1963- 1986*، شماره‌های ۱۳، ۲۲۱، ۷، ۳۹۴.
- ۲۲- استخراج از نامهٔ مورخ ۹ آگست ۱۹۸۴ از طرف بیت‌العدل اعظم به یک فرد، نقل در *Women*، شماره ۷۸. ترجمهٔ فارسی نقل از مجموعهٔ نصوص در بارهٔ حیات بهائی، تهیه شده در مرکز جهانی بهائی.
- ۲۳- استخراج از نامهٔ مورخ ۱۶ ژوئن ۱۹۸۲ از طرف بیت‌العدل اعظم به یک فرد، نقل در *Women*، شماره ۷۷.
- ۲۴- محفل روحانی ملی ایالات متحده، *Two Wings of a Bird: The Equality of Women and Men* (ویلمت، ایلبونوی: مؤسسهٔ مطبوعات بهائی، ۱۹۹۷)، صص ۸-۷.

- ۲۵- بیت‌العدل اعظم، دستخط مورّخ ۲۵ مه ۱۹۷۵ به همه محافل روحانی ملّی، نقل در *Messages from the Universal House of Justice 1963- 1986*، شماره ۳۲، ۱۶۲؛ عبدالبهاء، مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۷، ص ۱۹۰.
- ۲۶- عبدالبهاء، خطابات حضرت عبدالبهاء جلد اول، صص ۱۶۵ و ۱۶۶.
- ۲۷- عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد ۱، شماره ۱۱۳ ص ۱۳۵.
- ۲۸- استخراج از نامه مورّخ ۲۹ فوریه ۱۹۸۴ از طرف بیت‌العدل اعظم خطاب به محفل روحانی ملّی جزایر ماریانا، نقل در *Women*، شماره ۱۲۴.
- ۲۹- بیت‌العدل اعظم، نامه مورّخ ۳۱ مه ۱۹۸۸ خطاب به محفل روحانی ملّی بهائیان زلاند نو، ص ۴.

### ضمیمه: دو بال یک پرنده

- ۱- بیت‌العدل اعظم، وعده صلح جهانی، ص ۱۷.
- ۲- بهاء‌الله، استخراج از آثار حضرت بهاء‌الله، (نقل از یادداشت دایره مطالعه نصوص و الواح).
- ۳- عبدالبهاء، ترجمه مضمون از خطابه مورّخ ۹ ژوئن ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation* ص ۱۷۵.
- ۴- عبدالبهاء، رساله مدنی، لجنة نشر آثار ۱۹۸۴، لانگنهاین- آلمان، ص ۴۷.
- ۵- بهاء‌الله، کلمات مکتوبه عربی، شماره ۶۸، مطبوعات امری برزیل، ۱۹۹۵، ص ۳۲.
- ۶- عبدالبهاء، نقل در پیام ملکوت، صص ۶- ۲۳۵.
- ۷- بهاء‌الله، لوح تجلیات، مجموعه‌ای از الواح جمال اقدس ابهی که بعد از کتاب اقدس نازل شده، ص ۲۸.
- ۸- عبدالبهاء، منتخباتی از مکاتیب حضرت عبدالبهاء جلد اول، شماره ۱۱۴.
- ۹- بهاء‌الله، نقل در گلزار تعالیم بهائی، ص ۲۸۲؛ عبدالبهاء، خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۲، ص ۲۳۰.
- ۱۰- ترجمه مضمون از خطابه حضرت عبدالبهاء مورّخ ۲۰ مه ۱۹۱۲ نقل در *Promulgation*، ص ۱۳۵.
- ۱۱- عبدالبهاء، نقل در بهاء‌الله و عصر جدید، ص ۱۶۸.
- ۱۲- عبدالبهاء، نقل در پیام ملکوت، ص ۲۳۵.

- ۱۳- عبدالبهاء، خطابات حضرت عبدالبهاء جلد ۱، ص ۱۶۵.  
۱۴- شوقی افندی، ظهور عدل الہی، ترجمہ نصر اللہ مودت، صص ۶-۸۵.

**فهرست وازگان**  
**ویژة دیانت بهائی**

**آثار بهائی:** اشاره به دستخطها و نوشته‌های حضرت بهاءالله، حضرت باب، و حضرت عبدالبهاء است که آثار مقدسهٔ دیانت بهائی را تشکیل می‌دهند.

**آسیه خانم:** هم‌چنین معروف به نواب (لقبی افتخاری به معنای والامقام و شریف) و ورقهٔ علیا، همسر حضرت بهاءالله و مادر حضرت عبدالبهاء، بهیه خانم و میرزا مهدی (غصن اطهر) است. وی در سال ۱۸۳۵ با حضرت بهاءالله ازدواج کرد و برای تقریباً چهل سال مشکلات تبعید را در معیت آن حضرت تحمل نمود و سرانجام در سال ۱۸۸۶ جهان فانی را ترک گفت.

**احباء - احباء الهی:** اصطلاحی است که در بین بهائیان برای اشاره به مؤمنین به دیانت بهائی بکار می‌رود.

**اساسنامه بیت‌العدل اعظم:** سندی است که در سال ۱۹۷۲ به تصویب بیت‌العدل اعظم رسید که اساس و وظائف آن مؤسسه را شرح می‌دهد، روش عمل آن را مشخص می‌سازد، و روابط آن را با سایر مؤسسات نظم اداری تعریف می‌کند.

**اعصار دیانت بهائی:** دوران آئین بهائی به سه عصر تقسیم می‌شود - عصر رسولی، عصر تکوین و عصر ذهبی - که به مراحل توسعه و رشد این آئین مربوط می‌گردد. عصر رسولی یا عصر قهرمانی با اظهار امر حضرت باب در سال ۱۸۴۴ آغاز شد و دوران‌های حضرت باب (۵۳-۱۸۴۴)، حضرت بهاءالله (۹۲-۱۸۵۲) و حضرت عبدالبهاء (۱۹۲۱-۱۸۹۲) را در بر گرفت. عصر دوّم یعنی عصر تکوین که عصر کنونی است در سال ۱۹۲۱، زمانی که حضرت شوقی افندی به مقام ولایت امر رسید آغاز گردید. از ویژگی‌های این عصر پیدایش و تأسیس نظم اداری بهائی است. بعد از آن، عصر ذهبی خواهد بود که مقدر است شاهد تأسیس اتحاد جهانی همهٔ ملل باشد.

**الواح وصایای حضرت عبدالبهاء:** سندی است به خط حضرت عبدالبهاء که مؤسسه ولایت امر را تأسیس و شوقی افندی را به عنوان ولی امر منصوب نمود. در این سند هدایاتی در باره انتخاب بیت العدل اعظم و انتصاب ایادی امرالله ارائه شده و وظائف این دو مؤسسه تعیین گردیده است.

**اماء- اماء الرحمن:** اصطلاحی است شاعرانه و عرفانی که در آثار بهائی برای اشاره به اعضای زن جامعه بکار می رود.

**ایادی امرالله:** شخصیت های برجسته و شایسته بهائی که ابتداء توسط حضرت بهاءالله و بعداً توسط حضرت ولی امرالله برای ترویج و حفظ و صیانت دیانت بهائی منصوب گردیدند.

**باب:** به معنی "درب" عنوان و لقب سید علی محمد شیرازی (۵۰- ۱۸۱۹)، بنیانگذار دیانت بابی و مبشر ظهور حضرت بهاءالله می باشد.

**بهاءالله:** عنوان میرزا حسینعلی نوری (۹۲- ۱۸۱۷) پیامبر و بنیانگذار دیانت بهائی است. او در سال ۱۸۶۳ رسالت خود را به عنوان موعود همه ادیان اعلام نمود و در سال ۱۸۹۲ در عکا واقع در فلسطین بعد از چهل سال زندان و تبعید دار فانی را وداع گفت. بهائیان نوشته های حضرت بهاءالله را نفعات و وحی الهی می دانند.

**بهائی:** کسی که پیرو حضرت بهاءالله و عضو دیانت بهائی می باشد. دیانت بهائی توسط حضرت بهاءالله تأسیس گردید.

**بهبه خانم** (۱۹۳۲- ۱۸۴۶): ملقب به حضرت ورقه علیا، دختر حضرت بهاءالله و آسبه خانم و از زنان قدیس و قهرمان دیانت بهائی است.

**بیت العدل اعظم:** مؤسسه‌ای است که رهبری دیانت بهائی را بعد از حضرت ولی امرالله به‌عهده دارد. بیت‌العدل عالی‌ترین مرجع اداری و قانونگذاری دیانت بهائی در سطح بین‌المللی است که در سال ۱۹۶۳ تأسیس گردید و هر پنج سال یکبار توسط اعضای محافل روحانی ملی که در یک کانونشن بین‌المللی بهائی گردهم می‌آیند انتخاب می‌گردد. این معهد فعالیت‌های جامعه بهائی را در سراسر جهان هدایت و راهنمایی می‌نماید. بیت‌العدل اعظم مؤسسه‌ای است که توسط حضرت بهاءالله به‌عنوان نهادی با اختیارات قانونگذاری در مورد مسائلی که در آثار بهائی ذکر نشده تعیین گردیده است.

**بیت عدل:** عنوان مؤسسه اداری منتخبی است که اداره‌کننده جامعه بهائی می‌باشد. بیوت عدلی که در سطح محلی و ملی عمل می‌کنند در حال حاضر محافل روحانی محلی و ملی نامیده می‌شوند. در سطح بین‌المللی بالاترین مرجع دیانت بهائی بیت‌العدل اعظم است که گاهی صرفاً بیت‌العدل خوانده می‌شود.

**جامعه بهائی:** اصطلاحاً به مجموع بهائینی که در یک منطقه خاص جغرافیائی زندگی می‌کنند و به مؤسسات بهائی که فعالیت‌های آن‌ها را اداره می‌نمایند اطلاق می‌شود.

**جامعه بین‌المللی بهائی:** نامی است که برای جامعه جهانی بهائی و روابطش با نهادهای خارج به کار می‌رود. جامعه بین‌المللی بهائی با ارگان‌های مختلف سازمان ملل متحد در مقام مشورتی همکاری می‌نماید. این جامعه ضمن همکاری خود با سازمان ملل متحد در جلساتی که مربوط است به مسائلی مانند حقوق بشر، توسعه اجتماعی، مقام زن، محیط زیست، استقرار پناهندگان، آذوقه و خوار و بار جهانی، علم و تکنولوژی، جمعیت، قوانین و مقررات دریائی، پیشگیری از جرائم، مواد مخدر، جوانان، کودکان، خانواده، خلع سلاح، و دانشگاه سازمان ملل متحد، شرکت می‌نماید.



**خانواده مبارک:** اعضای خانواده حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء. اعضای این خانواده شامل همسر حضرت بهاء الله، آسیه خانم (نواب) و فرزندان آنها، حضرت عبدالبهاء، بهیه خانم و میرزا مهدی و همسر حضرت عبدالبهاء، منیره خانم و دختران و نوادگان آنها می باشند.

**دارالتبلیغ بین المللی:** مؤسسه‌ای است که در سال ۱۹۷۳ توسط بیت العدل اعظم تأسیس شد. اعضای مشاور آن هر پنج سال یکبار تعیین می گردند. وظائف دارالتبلیغ بین المللی تشویق و هماهنگ نمودن فعالیت‌های هیئت‌های مشاورین قاره‌ای، عمل به عنوان رابط بین آنها و بیت العدل اعظم، زیر نظر گرفتن کامل شرایط و اوضاع دیانت بهائی در سراسر جهان، و حمایت از توسعه حیات اجتماعی و اقتصادی هم در درون جامعه بهائی و هم در خارج از این جامعه می باشد.

**دور:** مدت زمانی که در طی آن احکام و تعالیم یک پیامبر، یا مظهر الهی مرجعیت روحانی دارد. هر دوری با اظهار امر مظهر ظهور الهی آغاز می گردد و با ظهور مظهر الهی بعدی خاتمه می یابد.

**رضوان:** به معنی بهشت است و به اعیاد دوازده روزه بهائی که از ۲۱ آوریل تا ۲ مه ادامه دارد اطلاق می گردد که بزرگداشت سالروز اظهار امر حضرت بهاء الله در سال ۱۸۶۳ می باشد. هر سال در عید رضوان محافل روحانی محلی و ملی تجدید انتخاب می شوند و هر پنج سال یکبار نیز بیت العدل اعظم در این ایام انتخاب می گردد.

**زیارت:** سیاحتی که به قصد دیدار اماکن مقدسه انجام می شود. در دیانت بهائی اماکن تاریخی بخصوصی برای زیارت تعیین گردیده‌اند از جمله اماکنی که در اراضی مقدسه به بنیانگذاران دیانت بهائی مربوط می شوند. زائرین اولیه به زیارت حضرت بهاء الله و حضرت عبدالبهاء می رفتند.

**زیارتنامه:** عبارت است از لوح یا مناجاتی است که در هنگام زیارت اعتبار مقدسه و یا مراقد مؤمنین برجسته تلاوت می‌شود.

**سجن اعظم عکا:** زندان عکا که در آن حضرت بهاءالله و اعضای خانواده و همراهانش زندانی بودند. این محل در کشور اسرائیل امروزی واقع شده است.

**سرکار آقا:** یکی از القاب حضرت عبدالبهاء است.

**سلطان شهداء:** لقب میرزا محمد حسن یکی از مؤمنین اولیه اصفهان است که به خاطر ایمان به حضرت باب کشته شد.

**شورای بین‌المللی بهائی:** مؤسسه‌ای است که در سال ۱۹۵۱ توسط حضرت ولی امرالله تأسیس شد و پیش‌درآمدی برای بیت‌العدل اعظم بود. با انتخاب بیت‌العدل اعظم در سال ۱۹۶۳ دوره خدمت این مؤسسه پایان یافت.

**شور و مشورت:** جریان تصمیم‌گیری جمعی، و نیز وسیله‌ای برای پژوهش و بررسی مسائل و طریقی برای نیل به وحدت نظر می‌باشد. مشورت روشی است که بهائیان برای تصمیم‌گیری فردی یا تشکیلاتی از آن استفاده می‌کنند. از جمله شرایط مشورت که در آثار بهائی تعیین گردیده محبت، همدلی، خلوص نیت، تواضع، فروتنی، و صبر و تحمل می‌باشد. شرکت کنندگان در این جریان نه تنها حق دارند نظرات خود را ابراز دارند بلکه از آنان انتظار می‌رود که دیدگاه‌های خود را به‌طور کامل و با نهایت خلوص، ادب، وقار، مراعات، و اعتدال بیان نمایند. اگر اتفاق آراء حاصل نشود، تصمیمات بر اساس رأی اکثریت خواهد بود.

**شوقی افندی:** شوقی افندی ربانی (۱۸۹۷-۱۹۵۷) نواده ارشد حضرت بهاءالله است که توسط حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای آن حضرت به ولایت امر دیانت بهائی منصوب گردید و بعد از وفات حضرت عبدالبهاء در سال

۱۹۲۱ این مقام را احراز نمود. ایشان در بین بهائیان به حضرت ولی امرالله نیز معروف هستند.

**عبدالبهاء:** به معنی "بنده بهاء" لقبی است که حضرت عباس افندی (۱۹۲۱-۱۸۴۴)، پسر ارشد و جانشین حضرت بهاءالله، بنیانگذار دیانت بهائی، برای خود اختیار نمود. بعد از وفات حضرت بهاءالله در سال ۱۸۹۲، حضرت عبدالبهاء بنا به وصیت آن حضرت رهبری جامعه بهائی را به عهده گرفت. حضرت عبدالبهاء با عناوین مختلفی از جمله مرکز میثاق، سرکار آقا، و مثل اعلای تعالیم بهائی شناخته می شود.

**عصر تکوین:** نگاه کنید به اعصار.

**عصر ذهبی:** نگاه کنید به اعصار.

**عصر رسولی:** نگاه کنید به اعصار.

**عصر قهرمانی:** نگاه کنید به اعصار.

**عهد و میثاق:** اشاره به تدارک و تأمینی است که در آثار بهائی در باره جانشینی و مرجعیت در دیانت بهائی بعد از صعود حضرت بهاءالله و نیز کیفیت ساختار نظم اداری بهائی آمده است. ضمن میثاقی که حضرت بهاءالله با پیروان خود نمود، حضرت عبدالبهاء به عنوان مرکز میثاق تعیین گردید و اختیار تبیین و تفسیر آثار حضرت بهاءالله به ایشان اعطاء شد. هم چنین بر اساس این عهد و میثاق، مؤسسات ولایت امر و بیت العدل اعظم به عنوان دو جانشین حضرت بهاءالله و حضرت عبدالبهاء رسماً تأسیس گردیدند.

**قیادت روحانی:** دوران رهبری هر یک از رهبران اصلی دیانت بهائی - یعنی حضرت بهاءالله، حضرت باب، حضرت عبدالبهاء و حضرت ولی امرالله.

**کانونشن محلی:** جلسه‌ای است که سالانه در سطح محلی برای انتخاب یک یا چند نماینده کانونشن ملی تشکیل می‌شود. این نمایندگان که توسط بهائیان هر محل انتخاب می‌شوند در کانونشن ملی شرکت می‌کنند و اعضای محفل روحانی ملی را انتخاب نموده در باره امور دیانت بهائی مشورت می‌نمایند و پیشنهادات خود را به محفل روحانی ملی ارائه می‌دهند. همچنین نگاه کنید به **کانونشن ملی**.

**کانونشن ملی:** جلسه سالانه‌ای است که به منظور انتخاب اعضای محفل روحانی ملی تشکیل می‌شود. هم‌چنین نگاه کنید به **کانونشن محلی**.

**کتاب اقدس:** کتاب اصلی احکام و دستورات دینی آئین بهائی است که به زبان عربی در سال ۱۸۷۳ در عکا نازل شد.

**لوح:** از آثار مقدسه بهائی است. این اصطلاح در دیانت بهائی به نوشته‌ها و نامه‌های حضرت بهاء الله، حضرت باب و حضرت عبدالبهاء اطلاق می‌گردد.

**مؤمنین:** اصطلاحی است که برای اشاره به پیروان دیانت بهائی به کار می‌رود.

**محفل روحانی:** نام هیئت‌های منتخب مؤسسات اداری بهائی است که در سطح محلی و ملی جامعه بهائی انجام وظیفه می‌نمایند. این مؤسسات مسئول هدایت و هماهنگ نمودن امور جامعه بهائی در مناطق تحت اشراف خود می‌باشند. هم‌چنین نگاه کنید به **محفل روحانی محلی** و **محفل روحانی ملی**.

**محفل روحانی محلی:** هیئت اداری محلی جامعه بهائی است که در آثار حضرت بهاء الله مقرر گردیده است. نه نفر اعضای آن سالانه از بین اعضای بزرگ سال جامعه محلی با رأی اعضای جامعه انتخاب می‌شوند و برای یک

سال در آن محفل خدمت می‌کنند. محفل بر امور جامعه نظارت دارد و تصمیماتش بر اساس مشورت می‌باشد.

**محفل روحانی ملی:** هیئت منتخب اداری ملی دیانت بهائی که در آثار بهائی تعیین گردیده است. اعضای آن در کانونش ملی از بین بهائیان مملکت برای مدت یک سال انتخاب می‌شوند. محفل روحانی ملی مسئول نظارت بر کار دیانت بهائی در حوزه تحت اشراف خود می‌باشد. هم‌چنین نگاه کنید به **محفل روحانی**.

**مرکز میثاق:** یکی از القاب حضرت عبدالبهاء که نمایانگر آن است که ایشان از طرف حضرت بهاء‌الله به‌عنوان جانشین تعیین شده‌اند، و همه بهائیان بعد از حضرت بهاء‌الله باید به ایشان توجه نمایند.

**مشرق‌الاذکار (معبد بهائی):** عبادتگاه بهائی یا مشرق‌الاذکار برای نیایش به روی همگان باز است. در حال حاضر معبد بهائی در شهرهای زیر وجود دارد: در ویلمت شیکاگو، ایلینوی؛ کامپالا در کشور یوگاندا؛ اینگلساید سیدنی در استرالیا؛ لانگنهاین فرانکفورت در آلمان؛ پاناما سیتی در کشور پاناما؛ آپیا واقع در ساموای غربی؛ و دهلی نو در هند. در ضمن معبد دیگری در سانتیاگو در کشور شیلی در دست ساختمان است.

**مظهر الهی / مظهر ظهور الهی:** اصطلاحی است که برای توصیف پیامبر الهی که بنیانگذار یک دور مذهبی می‌باشد بکار می‌رود. منظور از مظاهر الهی این نیست که خداوند از مقام خود نزول کرده و به زمین آمده باشد بلکه این مظاهر صرفاً صفات الهی را منعکس می‌نمایند، درست مثل آینه‌ای که نور خورشید را منعکس می‌کند اما خود خورشید نیست.

**منیره خانم:** همسر حضرت عبدالبهاء است.

**میرزا مهدی:** (۱۸۷۰-۱۸۴۸) یکی از پسران حضرت بهاءالله که به او لقب غصن اطهر اعطاء شده بود. وی به عنوان منشی پدرش خدمت می کرد و در سال ۱۸۷۰ در سن ۲۲ سالگی، پس از آنکه در زندان عکا از بام به زیر افتاد این عالم فانی را ترک گفت.

**نظم اداری بهائی:** نظم است جهانی برای اداره امور جامعه بهائی. این نظم از نظر دستورات روشنی که در آثار حضرت بهاءالله، بنیانگذار این آئین، در باره جانشینی و حدود و اختیارات آن مقام و نحوه سازماندهی جامعه آمده است، در تاریخ دینی جهان بی نظیر می باشد. مؤسسات اصلی نظم اداری بهائی عبارتند از ولایت امر و بیت العدل اعظم. نظم اداری مرکب است از محافل روحانی محلی و ملی که به طریق دموکراتیک انتخاب می شوند و امور جامعه بهائی را هدایت می کنند، احکام و موازین بهائی را حفظ و حمایت می نمایند، و مسئولیت تربیت، هدایت و صیانت جامعه را بر عهده دارند. علاوه بر آن، این نظم شامل مؤسسه ایادی امرالله، دارالتبلیغ بین المللی و هیئت های مشاورین قاره ای و هیئت های معاونت و مساعدین آنها نیز می باشد. اعضای منصوب این مؤسسات وظیفه مشاوره ای و توصیه ای دارند و مسئولیت حفظ و ترویج دیانت بهائی را عهده دار می باشند. همچنین نگاه کنید به هیئت های معاونت، هیئت های مشاورین قاره ای، ولایت امر، ایادی امرالله، دارالتبلیغ بین المللی، محفل روحانی محلی، محفل روحانی ملی، و بیت العدل اعظم.

**نقشه ها:** به مجموعه اقداماتی اطلاق می گردد که توسط حضرت ولی امرالله و بعداً بیت العدل اعظم به منظور ترویج و تحکیم روشمند و سازمان یافته دیانت بهائی در سراسر جهان طرح می شود. نقشه هایی که توسط حضرت ولی امرالله طرح گردید عبارتند از اولین نقشه هفت ساله (۴۴-۱۹۳۷)، دومین نقشه هفت ساله (۵۳-۱۹۴۶)، و نقشه دهساله (۶۳-۱۹۵۳). بیت العدل اعظم در سال ۱۹۶۴ اولین نقشه خود را آغاز نمود. این نقشه ها برای مدت های متفاوتی طرح می شوند. نقشه کنونی (۰۶-۲۰۰۱) [هنگام نوشتن کتاب] یک نقشه پنج ساله است.

**ورقه/ورقات:** به معنی برگ درختان، اصطلاحی است ادبی و شاعرانه که در آثار بهائی برای اشاره به اعضای زن جامعه بهائی بکار می‌رود.

**ورقه علیا:** نگاه کنید به بهیه خانم.

**ولایت امر:** مؤسسه‌ای که توسط حضرت بهاءالله پیش‌بینی شد و توسط حضرت عبدالبهاء در الواح وصایای آن حضرت تحقق پذیرفت و حضرت شوقی افندی به آن مقام منصوب گردید. حضرت شوقی افندی ربانی از سال ۱۹۲۱ تا زمان وفاتش در سال ۱۹۵۷ در این مقام انجام وظیفه نمود. مهم‌ترین وظائف ولی امرالله تبیین آثار حضرت بهاءالله، حضرت باب، و حضرت عبدالبهاء و هدایت و توسعه جامعه بهائی بود.

**هیئت معاونت:** مؤسسه‌ای است که توسط حضرت ولی امرالله در سال ۱۹۵۴ به منظور کمک به ایادی امرالله در انجام وظائف مربوط به حفظ و صیانت و ترویج دیانت بهائی تأسیس شد. در سال ۱۹۷۳ هیئت معاونت تحت سرپرستی و هدایت هیئت‌های مشاورین قاره‌ای قرار گرفت که این هیئت‌ها اعضای آن را از بین بهائینی که در منطقه جغرافیائی آن‌ها زندگی می‌کنند انتخاب می‌نمایند. اعضای هیئت معاونت نیز مساعدینی را بر می‌گزینند که آنان را در وظائف خود یاری دهند.

**هیئت‌های مشاورین قاره‌ای:** مؤسسه‌ای از نظم اداری بهائی است که در سال ۱۹۶۸ تأسیس گردید. اعضای آن از طرف بیت‌العدل اعظم برای مدت پنج سال تعیین می‌گردند. وظائف آن ترویج و توسعه دیانت بهائی و هدایت کار اعضای هیئت معاونت می‌باشد.

## سخنی کوتاه در بارهٔ دیانت بهائی

دیانت بهائی در طی مدتی بیش از یک‌صد سال با رشدی سریع، از یک جنبش ناشناخته در خاورمیانه به گسترده‌ترین دین مستقل جهان بعد از مسیحیت تبدیل شده است. این دین با حدود ۵ میلیون [تقریباً هفت میلیون در حال حاضر پیرو که در واقع در هر گوشه‌ای از جهان پراکنده هستند - با مردمی از هر ملت، قوم و فرهنگ، از هر شغل و حرفه و طبقه اجتماعی و اقتصادی - امروزه احتمالاً متنوع‌ترین هیئت سازمان یافته بشری را در کره زمین تشکیل می‌دهد.

تعالیم بنیانگذار این آئین، حضرت بهاء‌الله، مبتنی است بر وحدانیت الهی، وحدت نوع بشر و وحدت ادیان با این توضیح که همهٔ ادیان جهان مراحل مختلف یک حرکت تکاملی روحانی را بر اساس ارادهٔ الهی تشکیل می‌دهند، و ظهور پیامبران الهی یک حرکت مستمر تاریخی است که همیشه ادامه خواهد داشت. بهائیان معتقدند که اتحاد نوع بشر نه تنها برای پیشرفت تمدن بشری لازم است بلکه امری اجتناب‌ناپذیر می‌باشد. دیانت بهائی می‌آموزد که: دین باید سبب اتحاد و محبت باشد، کلیهٔ تعصبات قومی، دینی، و نژادی را محکوم می‌نماید، تساوی حقوق زن و مرد را ترویج می‌کند، اهمیت ارزش ازدواج و خانواده را تأکید می‌نماید، تحرّی حقیقت را تشویق و حمایت می‌کند، بر آموزش و پرورش عمومی تأکید دارد، لزوم هماهنگی بین علم و دین را اعلام می‌دارد، بر نیاز به ریشه‌کنی فقر و برطرف کردن فاصله طبقاتی تأکید می‌کند، و کار را در صورتی که با روح خدمت انجام شود به درجه عبادت می‌رساند.

بهائیان معتقدند که دین باید یک نیروی پویا باشد که فرد، خانواده، و جامعه را به اوج پیشرفت معنوی برساند. از این رو پیروان این دیانت در سراسر جهان می‌کوشند تا جوئی از محبت در حیات فردی، محیط خانواده و جامعهٔ خود به وجود بیاورند.

برای اطلاعات بیشتر در بارهٔ دیانت بهائی، لطفاً به سایت اینترنتی ذیل مراجعه فرمائید: <http://www.bahai.org>



## فهرست اعلام

## آ

- آدم و حوا، ۲۷، ۲۸  
 آسیا، ۲۰، ۲۰۳، ۲۰۴، ۲۳۲  
 آسیه خانم، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۲  
 آسیه (دختر فرعون)، ۱۶۰  
 آمریکا، ایالات متحده، ۱۱۳، ۱۴۶، ۱۵۱، ۱۶۷-۱۶۳، ۱۷۲، ۱۷۵، ۱۷۸، ۱۸۲، ۱۸۳، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۹، ۲۰۶، ۲۱۰، ۲۲۴، ۲۳۸، ۲۸۱، ۲۸۲  
 آمریکای لاتین، ۲۰۲، ۲۳۸  
 آندامان، ۳۰۸، ۳۱۳  
 آیزلر، رین، ۶۵

## الف

- ابن ابهر، ۱۷۵، ۱۷۷  
 ابو الفضائل گلپایگانی، میرزا، جناب، ۱۸۲  
 ارث، ۱۰۸، ۱۰۹  
 اروپا، ۱۴۶، ۱۷۲، ۲۲۴، ۲۳۱  
 اروین، بتریس، ۱۸۴  
 ازدواج، ۲۳، ۵۵، ۵۷، ۶۰، ۶۷، ۶۸، ۷۶، ۷۸، ۸۹، ۹۱، ۹۶، ۹۹، ۱۰۸-۱۰۰، ۱۳۲، ۱۴۶، ۱۴۷، ۱۹۴، ۲۶۵، ۲۶۹، ۳۱۹، ۳۲۹  
 اسپانیا، ۱۶۰  
 استرالیا، ۲۰۴، ۲۳۸، ۳۰۸، ۳۱۳، ۳۲۶  
 استوارت، الیزابت، ۱۵۱  
 اشراقیه، ذبیح، ۱۷۶، ۳۰۳  
 اشرف، قدسیه، ۱۸۳  
 افندی، شوقی، به شوقی افندی مراجعه شود  
 السالوادور، ۲۱۸  
 الصحيح، ۲۹  
 الکساندر، آگنس، ۱۶۹، ۲۰۹  
 الکل، ۸۹  
 امة الاعلی، ۱۵۱  
 امة البهائم روحیه خانم، ۲۰۹  
 اندونزی، ۳۰۸، ۳۱۳  
 اوکین، سوزان مولر، ۶۴  
 ایادی امراة، ۸، ۱۱۱، ۱۲۰، ۱۲۱، ۱۶۵، ۱۷۵، ۱۷۷، ۲۰۴، ۲۰۶، ۲۰۸، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱  
 ۳۲۸، ۳۲۰، ۳۲۲  
 ایران، ۲۰، ۳۸، ۱۳۱، ۱۳۹، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۶۸، ۱۷۴، ۱۷۵، ۱۷۷، ۱۷۸، ۱۸۰، ۱۸۳، ۱۹۱، ۲۰۰-۱۹۹، ۲۰۴، ۲۰۵، ۲۰۶، ۲۰۷، ۲۱۰، ۲۱۶، ۲۳۵، ۲۱۲، ۲۹۳، ۲۹۴، ۲۹۸، ۳۰۲، ۳۰۶  
 ایراتیکا، دائرة المعارف، ۳۰۴، ۳۰۵، ۳۰۶  
 ایزابلا، ملکه، ۱۶۰

## ب

- بازنی، لورا کلیفورد، ۱۸۱، ۱۸۲، ۳۰۴

- باکره، ۳۱، ۱۰۴، ۱۰۵  
 باکستر، ایان، اف، جی، ۱۰۷  
 برمه، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۰۳، ۳۰۵، ۳۰۶  
 بلا مفیلد، لیدی، ۱۴۶، ۱۷۴، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰  
 بنانی، مدرسه بین‌المللی متوسطه دخترانه، ۲۳۸  
 بنگلادش، ۳۰۸  
 بهاء‌الله و عصر جدید، ۲۱۰، ۲۸۹، ۲۹۱، ۲۹۵، ۳۰۴، ۳۰۷، ۳۱۴  
 بهانیان ایران - تأسیس مدرسه دخترانه، ۳۸  
 بهداشت، ۳۸، ۱۹۸، ۲۱۷، ۲۲۷، ۲۳۴، ۲۴۱-۲۳۷  
 بهیه خانم، ۱۳۷، ۱۴۳، ۱۴۵، ۱۴۷، ۱۴۹، ۱۹۴، ۲۱۸، ۲۹۸، ۲۹۹، ۳۰۰  
 بیت العدل اعظم، ۸، ۱۰، ۳۲، ۳۷، ۳۸، ۴۱، ۴۲، ۴۵، ۵۸، ۶۳، ۶۹، ۷۰، ۷۱، ۷۴، ۷۵، ۷۸، ۹۴-۹۶، ۸۸، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۳، ۱۰۷، ۱۱۰، ۱۱۲-۱۲۲، ۱۱۲، ۱۲۹، ۱۷۰، ۱۹۲، ۲۱۱، ۲۱۳، ۲۲۱-۲۲۱، ۲۱۳، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۳۱، ۲۳۵، ۲۳۸، ۲۴۱، ۲۴۲، ۲۶۵، ۲۶۷، ۲۶۸، ۲۷۰، ۲۷۱، ۲۷۲، ۲۷۴، ۲۷۵، ۲۷۷، ۲۹۷-۲۹۷، ۳۱۰-۳۰۵، ۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۴، ۳۲۴-۳۲۴، ۳۲۷، ۳۲۹  
 بیکر، افی، ۲۰۴، ۲۰۵، ۳۰۶  
 بیکر، دورتی، ۲۰۹  
 بیگم، زهرا، ۱۳۹

## پ

- پاپوا، ۳۰۸، ۳۱۳  
 پارسونز، آگنس، ۱۶۶  
 پاناما، ۱۶۷، ۱۶۸، ۲۱۷، ۳۲۶  
 پدران، ۵۸، ۶۵، ۷۰، ۷۱، ۷۳، ۷۷، ۲۷۲، ۲۷۴  
 پرت سعید، ۱۸۲  
 پرنده، هم‌چنین به دو بال یک پرنده مراجعه شود، ۴۳، ۱۴۸  
 پرو، ۲۱۸

## ت

- تاریخ نیل، ۲۰۵، ۳۰۶  
 تجاوز جنسی، ۲۰، ۶۰، ۹۷، ۹۹، ۱۰۰، ۱۰۶  
 تخری حقیقت، ۷، ۱۱۶، ۱۱۷، ۲۰۷، ۲۵۲، ۲۵۳، ۳۲۹  
 تذکره‌الوفاء، ۱۳۹، ۲۹۹  
 تربیت، مدرسه دخترانه، ۱۷۵، ۳۰۳  
 ترو، کاترین، ۱۸۳، ۳۰۵  
 ترو، کورین، ۱۶۳، ۱۶۴، ۱۶۵، ۱۹۵، ۲۰۰، ۲۰۹  
 تعدد زوجات، ۱۹، ۲۳، ۱۰۲، ۱۰۳  
 تعصب، ۷، ۱۱، ۳۷، ۴۰، ۶، ۱۱۸، ۱۳۰، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۴۵، ۲۵۹، ۲۸۱، ۲۸۲  
 تک همسری، ۱۰۰، ۱۰۱، ۱۹۴  
 تونگا، ۳۰۸، ۳۱۳  
 تهران، ۱۴۸، ۱۵۰، ۱۵۱، ۱۷۷، ۱۸۳، ۲۰۰، ۲۰۵

ج

جامعہ ملل، ۲۰۴  
 جگ، ماریون، ۱۷۴  
 جنگ، ۱۸، ۱۹، ۴۱، ۵۸، ۵۶، ۶۶-۶۶، ۷۹، ۸۲، ۱۵۴، ۱۶۷، ۱۶۹، ۱۷۴، ۲۰۲، ۲۱۸، ۲۷۵،  
 ۲۸۲-۲۸۴  
 جنگ جهانی اول، ۱۷۴  
 جنگ جهانی دوم، ۲۱۱

چ

چیس، تورنتون، ۱۶۴

ح

حضرت بھاء اللہ، ۱-۵، ۲۲، ۲۳، ۳۳، ۳۴، ۳۵، ۷۰، ۷۱، ۷۵، ۷۹، ۸۷، ۸۸، ۸۹، ۹۰، ۹۳،  
 ۱۰۱-۹۷، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۱۱، ۱۱۲، ۱۱۴، ۱۱۵، ۱۱۷، ۱۱۳، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۵، ۱۹۱،  
 ۱۹۲، ۱۹۴، ۲۱۰-۲۰۴، ۲۲۸، ۲۷۷، ۲۳۳، ۲۳۴، ۲۳۵، ۲۵۴، ۲۶۱، ۲۶۲، ۲۶۷، ۲۷۰، ۲۷۵،  
 ۲۷۶، ۲۷۷، ۲۸۲، ۲۸۳، ۲۸۶، ۲۹۰، ۲۹۸، ۳۰۸، ۳۲۸-۳۱۰  
 حضرت عبدالبہاء، ۸، ۹، ۱۸، ۲۲-۲۰، ۲۷، ۲۸، ۳۳-۳۴، ۵۶، ۵۷، ۶۱، ۶۶، ۶۸، ۷۱، ۷۶،  
 ۷۸، ۸۱، ۸۲، ۸۷، ۹۰، ۹۶، ۱۰۳-۹۹، ۱۰۷، ۱۰۸، ۱۱۶-۱۱۳، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۹، ۱۳۰،  
 ۱۳۹، ۱۷۵-۱۴۱، ۱۸۵، ۱۷۷، ۱۹۱، ۱۹۳، ۱۹۴، ۱۹۶، ۱۹۷، ۲۰۴-۲۰۱، ۲۰۸، ۲۰۹،  
 ۲۱۱، ۲۱۵-۲۱۳، ۲۱۷، ۲۲۰، ۲۲۵، ۲۳۵، ۲۳۹، ۲۵۴، ۲۵۶، ۲۶۳، ۲۷۰، ۲۷۶-۲۷۴،  
 ۲۷۷، ۳۰۳-۲۸۹، ۳۰۵، ۳۰۷، ۳۱۵-۳۱۱، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۸-۳۲۲  
 حقوق بشر، ۶۲، ۶۳، ۶۴، ۱۳۲، ۲۲۹، ۲۵۳، ۳۲۱  
 حور، ۳۱، ۳۲

خ

خدیجہ، ۱۱۰  
 خدیجہ بیگم، ۱۳۹  
 خشونت، ۲۰، ۴۹، ۵۷، ۶۰، ۶۲، ۶۴، ۶۵، ۷۱، ۸۰، ۱۰۵، ۱۰۶، ۱۱۴، ۲۲۹، ۲۳۰، ۲۳۱، ۲۸۱

د

دارالتبلیغ بین المللی، ۹، ۱۱۱، ۱۲۰، ۳۲۲، ۳۲۷  
 دان، کلارا، ۲۰۹  
 دعا و مناجات، ۲۵۶، ۲۵۷، ۲۵۹  
 دلاوری، ۶۵، ۲۰۱  
 دو بال یک پرندہ، ۲۸۱

ر

رائستین، ناتان، ۱۶۴  
 رائسوم-کھلر، کیت، خانم، ۲۰۹-۲۰۴، ۳۰۶  
 رسالہ ملتئہ، ۱۳۰، ۲۹۸، ۳۱۴  
 روت، مارتا، ۱۲۱، ۱۶۹، ۱۸۴، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۸  
 روح انگیز فتح اعظم، ۱۷۶، ۳۰۳

روس، روسیه، ۱۶۰، ۲۲۴

## ز

زلاند نو، ۲۹۷، ۳۱۴

زنای با محارم و نزدیکان، ۶۰

زنوبیا، ۱۶۰

زیارت بهائی و معاقبت زنان، ۹۴

## ژ

ژاپن، ۱۶۹، ۲۲۴، ۳۰۸، ۳۱۳

## س

سارا، همسر ابراهیم، ۱۶۰

سازمان ملل، ۲۱۷، ۲۲۶، ۲۲۷، ۲۲۸، ۲۲۹، ۲۳۳، ۲۴۱، ۳۱۰، ۳۲۱

ساطو، ۳۱۳

سامری، زن، ۱۱۰

سامریون، زن، ۲۱، ۲۲

سری لانکا، ۳۰۸، ۳۱۳

سلیمان، جزایر، ۳۰۸، ۳۱۳

سلیمانیه، کوه‌های، ۱۳۶، ۱۳۸، ۱۳۹

سنت آگوستینو، ۲۷

سنت توماس اکویناس، ۲۸، ۲۸۹

سنکا فالز، حقوق زنان، ۱۳۱، ۱۳۲

## ش

شفلر، کارل، ۱۶۴

شورای بهائی، ۱۶۳

شورای بین‌المللی بهائی، ۲۰۰، ۲۱۱، ۲۲۳

شوقی افندی، ۸، ۷۷، ۱۹۳، ۲۹۳، ۲۹۶، ۲۹۷، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۰۵، ۳۰۶، ۳۰۷، ۳۰۸، ۳۱۱

۳۱۲، ۳۱۳، ۳۱۵، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۸

## ص

صلح، ۱۷، ۳۳، ۴۱، ۵۷-۵۵، ۶۳، ۶۶، ۶۹، ۷۸، ۷۹، ۸۰، ۸۲، ۱۴۷، ۱۵۴، ۱۵۵، ۱۶۸، ۲۰۲

۲۰۳، ۲۱۴، ۲۱۵، ۲۲۲، ۲۲۶، ۲۳۱، ۲۳۳، ۲۳۱، ۲۷۱، ۲۸۱، ۲۸۴، ۲۹۵

## ض

ضیائیه، ۱۴۴

ضیافات نوزده روزه، ۷۳، ۱۱۲، ۲۲۲، ۲۲۳، ۲۷۳

## ط

طلاق، ۲۳، ۳۱، ۵۸، ۱۰۰، ۱۰۶، ۱۰۷، ۱۳۲، ۱۹۴

طوبیا خانم، ۳۰۰

## ع

عصر تکوین، ۱۹۱، ۱۹۲، ۲۱۰، ۳۱۹، ۳۲۴  
 عصر ذہبی، ۱۹۱، ۳۱۹، ۳۲۴  
 عصر رسولی، ۱۹۱، ۱۹۵، ۳۱۹، ۳۲۴  
 علی اکبر، ملا، ۱۷۷  
 عهد و میثاق، ۲۶، ۳۲، ۹۰، ۱۱۴، ۱۱۸، ۱۲۱، ۱۲۲، ۲۷۶، ۲۷۷، ۳۲۴  
 عیسی مسیح، ۲۲

## غ

غسل تعمید، ۹۴

## ف

فاطمه بیگم، ۱۳۹  
 فاطمه، حضرت، دختر حضرت محمد، ۱۱۰  
 فروتن، علی اکبر، ۲۹۹  
 فیلیپین، ۳۱۳

## ق

قران، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۱۰۴، ۱۴۷

## ک

کاترین، ملکه روس، ۱۶۰  
 کارولینا، جزایر، ۳۰۸، ۳۱۳  
 کالینز، املیا، ۲۰۹، ۲۱۰، ۲۱۱، ۲۱۲، ۳۰۷  
 کانونشن بین المللی بهائی، ۳۲۱  
 کانونشن ملی و محلی، ۳۲۵  
 کتاب اقدس، ۷۰، ۸۷، ۸۸، ۹۹-۹۱، ۱۰۱، ۱۰۲، ۱۰۴، ۱۰۶، ۱۰۸، ۱۰۹، ۱۱۳، ۱۱۴، ۱۲۲، ۲۱۴، ۲۹۱، ۲۹۸-۲۹۳، ۳۱۴، ۳۲۵  
 کریباس، ۳۰۸، ۳۱۳  
 کشورهای اسلامی، ۱۹۶  
 کلتوریات، ملکه مصر، ۱۶۰  
 کلاک، سرا، دکتر، ۱۵۱  
 کنفرانس بهائی، ۹۹، ۱۱۲، ۲۰۳، ۲۱۶، ۲۱۷، ۲۱۸، ۲۱۹، ۲۲۰، ۲۲۲، ۲۳۱  
 کنگره بین المللی بهائی، ۱۶۷، ۱۶۸  
 کوپر، الیا، ۱۶۷، ۱۶۸  
 کیس، لیلیان، ۱۷۵، ۱۷۶، ۳۰۳

## گ

گودال، هلن، ۱۶۷، ۱۶۸  
 گناه، ۲۷، ۲۸، ۲۵۷  
 گینه جدید، ۳۰۸، ۳۱۳

ل

لار لیندا تنور، بیم‌خانه، ۲۳۸  
لرنو، جردا، ۵۹، ۱۶۰  
لوئیس، انستیتو، در شیکاگو، ۱۸۳  
لیبریا، ۲۱۸، ۲۱۹

م

مؤسسه ایادی امرالله، ۲۰۰، ۳۲۷  
مادر طبیعت، ۱۹  
مارشال، جزایر، ۳۰۸، ۳۱۳  
ماری رومانی، ملکه، ۲۱۰  
مثل اعلا، ۱۴۱، ۱۴۲، ۱۹۱  
محمّد، حضرت، ۲۲، ۲۵، ۲۹، ۳۰، ۳۱، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۳۵  
مدهیا پرادش، هند، ۲۳۵  
مردمان عدالت پیشه، ۱۲۹  
مرنیسی، فاطمه، ۳۰  
مریم امّ یعقوب، ۱۶۰  
مریم، دختر عموی حضرت بهاءالله، ۱۳۹، ۱۴۰  
مریم، مادر حضرت مسیح، ۱۶۰  
مریم مجدلیه، ۲۱، ۱۱۰، ۱۶۰  
مسیح، حضرت، ۲۱، ۲۲، ۲۳، ۲۵، ۲۶، ۲۹، ۱۰۱، ۱۱۰، ۱۳۵  
مسیحیت، ۲۶، ۲۷، ۲۸، ۲۹، ۳۲، ۹۴، ۱۱۰، ۱۱۱، ۳۲۹  
مصر، ۱۴۶، ۱۶۰، ۱۷۲، ۱۸۲، ۱۹۸، ۱۹۹، ۲۶۷  
مناجات، به دعا و مناجات مراجعه شود  
منیره خانم، ۱۴۸-۱۴۳، ۱۷۴، ۱۷۷، ۲۹۹، ۳۰۰، ۳۲۲، ۳۲۶  
مودی، سوزان، دکتر، ۱۵۰، ۱۵۱  
مولانا، محمّد علی، ۳۱، ۲۹۰  
مهاجرت، ۱۳۷، ۱۹۹  
مهدی، میرزا، ۱۳۶، ۳۱۹، ۳۲۲، ۳۲۷  
میلر، جین بیکر، ۵۸

ن

نامزدی، ۱۰۳  
نبیل اعظم، ۲۹۹، ۳۰۶  
نپال، ۳۰۸، ۳۱۳  
نظم اداری بهائی، ۷، ۸، ۹، ۱۰، ۱۱، ۱۲، ۱۷۸، ۱۹۱، ۱۹۲، ۱۹۳، ۱۹۴، ۲۰۲، ۲۰۴، ۲۰۸  
۲۶۸، ۳۱۹، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۲۸  
نقشه پنج ساله، ۲۱۶، ۲۲۰، ۳۲۷  
نقشه چهار ساله، ۱۹۷  
نقشه ده ساله، ۲۱۳، ۳۲۷  
نقشه هفت ساله، ۳۲۷  
نماینده شیطان، ۹۶

نیوکلدونیا، ۳۰۸، ۳۱۳

و

وأتواتو، ۳۰۸، ۳۱۳

ورقه علیا، حضرت، ۱۴۴، ۱۴۵ هم چنین به بهیه خانم مراجعه شود  
وضو، ۹۲، ۹۴، ۹۵

وعده صلح جهانی، ۳۷، ۲۱۴، ۲۹۱، ۲۹۲، ۳۰۷، ۳۱۴

ولایت امر، ۸، ۱۹۲، ۱۹۳، ۳۱۹، ۳۲۰، ۳۲۳، ۳۲۴، ۳۲۷، ۳۲۸

ویلیامز، جوانیتا، ۱۹

ه

هاگک، ایموژن، ۱۸۲

همجنس بازی، ۹۹

هند، ۲۰، ۱۶۹، ۱۹۷، ۲۰۳، ۲۱۸، ۲۲۰، ۲۳۵، ۲۳۷، ۲۳۸، ۲۳۹، ۲۶۸، ۲۹۰، ۳۰۵، ۳۰۶

۳۲۶، ۳۰۸

هندوستان، ۱۹۵، ۱۹۶، ۲۲۳